

۴۴۲

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۴ تا ۳۰ آذرماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۰۸



واردات سرکوب مدل روسی با استراتژی «نگاه به شرق»

مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیهان** خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پیلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر
ترجمه رضا قتی زاده





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

-  @KayhanLife
-  @kayhanlife
-  @KayhanLife
-  <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

-  @KayhanLondon
-  @kayhanlondon
-  @kayhanlondon
-  https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۰۸ (۴۴۲)

جمعه ۲۴ تا ۳۰ آذرماه ۱۴۰۲

۱۵ تا ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳



واردات سرگوب مدل روسی
با استراتژی «نگاه به شرق»

آگهی در **کیهان** آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنكبوت» به قلم **حامد محمدی (اسر خلیان)**
برای نخستین بار ایجاد گسترده محور نظامی و تاکتیک های «دولت رژیم جمهوری اسلامی» در جنگ داخلی
سوریه را به صورت مستند از نظر این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. اطلاعاتی می‌تواند این کتاب
را مستند از طریق ناس با کیهان لندن ads@kayhan.london
و با انتشارات ساتراپ و سوپر همز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های
زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrapbtconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibs Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ مقاله - ضرورت شفافیت در پایبندی به سه اصل ساده / الاهی بقراط

۴-۵ تیر هفته - واردات سر کوب مدل روسی با استراتژی «نگاه به شرق»... / حامد محمدی

۶ پیام بر خی خانواده‌های داد خواه به آناتکه رنج مردم رانمی فهمند: کنار بایستید!... /

۷ کنفرانس بین المللی تغییرات اقلیمی با توافقی ناپایدار به پایان رسید... /

۸ فرار رهبران حماس از دو حه به مقصد نامعلوم!... /

۸-۹ کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ در مجلس شورای اسلامی رد شد... /

۱۰-۱۱ روزنامه «نیویورک تایمز»: نفوذ شدید جمهوری اسلامی در عراق... /

۱۱ نان و آجر... / خیر اندیش (احمد احرار)

۱۲-۱۴ «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۳) ... /

۱۴ حمله گروه‌های نیابتی به سفارت آمریکادر بغداد... /

۱۵ اخراج روح الله فیروز نام از کانادا به اتهام همکاری با وزارت اطلاعات و... /

۱۶-۱۷ متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۳) ... /

۱۸ فراکنی مقامات حکومتی درباره پدیده «مهاجرت» با «فرار» ایرانیان از کشور... /

۱۹ تصویب همکاری اطلاعاتی - امنیتی با روسیه... /

۲۰-۲۱ اعتراض فعالان ایرانی به حضور جمهوری اسلامی در «مجمع جهانی» ... / احمد رأف

۲۱ افزایش فشارها بر اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان... / احمد رأف

۲۲ فشار دولت بایدن به مقامات اسرائیل برای خودداری از تشدید درگیری با... /

۲۳ نازنین افشین جم - مک کی: رژیم جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد... /

۲۴-۲۶ چرا اسواک توانست در مقابله با شورش ۵۷ موفقی شود؟... / نادر صدیقی

۲۶-۲۷ جایزه سخا و فلاح پارلمان اروپا برای مهسا (ژینا) امینی و جنبش «زن»... / احمد رأف

۲۸-۲۹ جایزه نوبل صلح به نرگس محمدی تقدیر از مبارزه‌ی زنان... / احمد رأف

۲۹-۳۰ توافقی در افق کنفرانس بین المللی تغییرات اقلیمی دیده نمی شود... / احمد رأف

۳۰-۳۱ دولت بایدن از فشار سیاسی و تبلیغاتی علیه دولت اسرائیل چه... / بهرام فرخی

۳۲ آغاز محاکمه بوهان فلودروس کارمند سوئدی اتحادیه اروپا در ایران... /

۳۲-۳۳ روزنامه «تایمز»: خلبانان نیروی هوایی بریتانیا معتقدند جمهوری اسلامی در حال... /

۳۳ روزنامه «نیویورک پست»: جرج سوروس بیش از ۵۰ میلیون دلار به گروه‌های... /

۳۵-۳۶ حجاب بان‌ها نیروی های نیابتی داخلی؛ پروتکل غیر رسمی برای... / فیروز نور دستروم

۳۵ کنفرانس بلوچستان در لندن برگزار شد: کرامت انسانی، آزادی و عدالت... /

۳۶ حمله موشکی حوثی ها به نفتکش نروژی «استریندا» در باب‌المنندب... /

۳۶-۳۷ انتقاد اسرائیلی ها از «مواضع رباکارانه» دولت کانادا در مورد جنگ غزه... /

۳۷ فرانسه، آلمان و ایتالیا با تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه گروه حماس... /

۳۸ علت جان باختن جواد روحی «تزیقات مکرر دارو» در بهداری زندان نوشهر... /

۳۹ رئیس دانشگاه آزاد: ۱۸ هزار دانشجوی دکتری «جوان انقلابی» جایگزین... /

۴۰-۴۱ اقدام به خودکشی زهره سرودر زندان و حین اعتصاب غذا... /

۴۱ تحریم دو عامل وزارت اطلاعات به اتهام «استخدام مزدور در خاک آمریکا»... /

۴۲ افشای نام ۱۴ نفر و گاهی که مازوت می سوزانند... /

۴۳ با وجود انکار دولت، نیروگاه‌ها سازند اعلام کرد: با عرض معذرت، مازوت می سوزانیم!... /

۴۴-۴۵ زنان طلبه بجای آموزش در مدارس کشور؛ تشدید مغز شویی کودکان دبستانی... /

۴۵ خطر اعدام یک کودک - همسر؛ درخواست «سازمان حقوق بشر ایران»... /

۴۶ پرونده اخراج مجید ایرانمنش دومین مقام جمهوری اسلامی از کانادا... /

۴۶ وزیر دفاع جمهوری اسلامی: منطقه، منطقه ماست!... /

۴۷ اتحادیه اروپا یک شبکه صنعتی وابسته به سپاه پاسداران مرتب با ساخت پهپاد و... /

۴۸ خالی بودن ۶۰ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور... /

۴۹ سیاست های ارزی دولت؛ شکست خورده و ضد تولید... /

۵۰ هشداد درباره رانده شدن بیش از پیش طبقه متوسط به زیر خط فقر... /

۵۱ تعطیلی ۲۰۴ درصد شعبه های فروشگاه های زنجیره ای تهران... /

۵۲-۵۳ حاشیه های «دیش»؛ پای چند مسئول و آقا زاده در میان است... /

۵۳ ۵ تکنسین اصفهانی در مخزن شرکت نفت بر داسپی کوه دشت جان خود را... /

۵۴-۵۵ دغدغه دولت از دستکاری نرخ ارز تر جیحی، کسری بودجه بود... /

۵۵ ضارب عباسعلی سلیمانی نماینده سابق علی خامنه ای اعدام شد... /

۵۶-۵۷ ترک تحصیل دانش آموزان به دلیل فقر و نبود امکانات... /

۵۷-۵۸ نمایندگان مجلس شورای اسلامی واقعا به دنبال اصلاح لایحه بودجه هستند؟... /

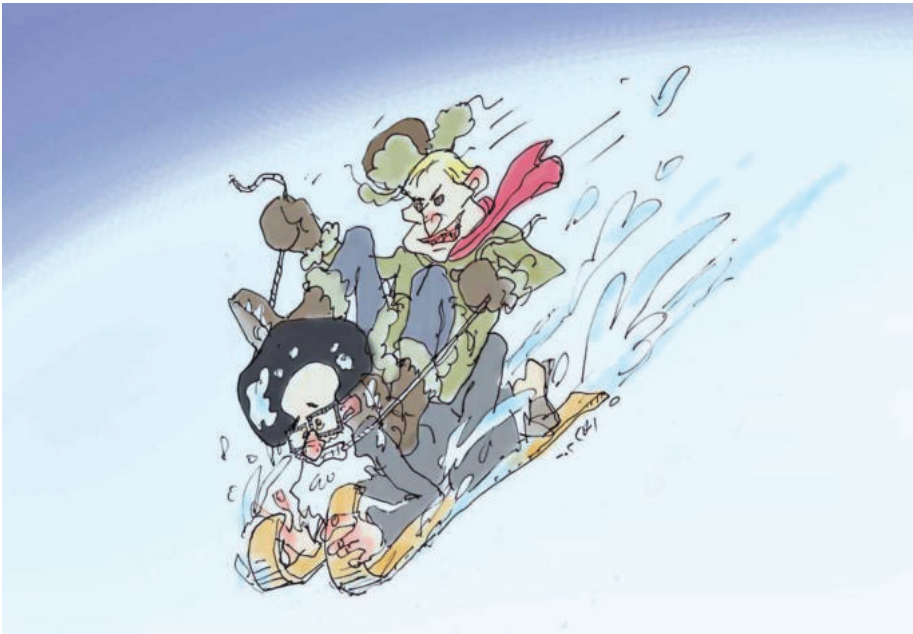
۵۸-۵۹ وزارت ارتباطات رسماً وارد کاسبی فیلترینگ می شود؟... /

۶۰ پشت جلد - عکس هفته / ویدارستمی و مجید رضارهنورد؛ قهرمانان میهن

بازنشر
بازنشر



واردات سرکوب مدل روسی با استراتژی «نگاه به شرق»



● **لایحه همکاری امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی و روسیه که یکشنبه ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، نگرانی‌های زیادی برای افکار عمومی به وجود آورده است.**

واردات تجهیزات شند

در همین ارتباط جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی که از مخالفان تصویب این لایحه است در مصاحبه با وبسایت «دیده بان ایران» گفت: «متن لایحه مبهم نگه داشته شده و یک کمیسیون ویژه آن را تصویب کرد بدون اینکه اطلاعات جزئی را به نمایندگان ارائه دهند». اشاره وی به باند محمدباقر قالیباف در مجلس شورای اسلامی است که در عمل بازوی علی خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مجلس به شمار می‌روند. محمودزاده تأکید کرد در آینده نزدیک بین ایران و روسیه در زمینه واردات تجهیزات شند و فیلترینگ و کنترل اطلاعات مردم همکاری صورت خواهد گرفت.

دفاع دولت از لایحه بر اساس ابلاغیه‌های خامنه‌ای

اشاره محمودزاده به اینکه لایحه همکاری اطلاعاتی و امنیتی با روسیه توسط یک «کمیسیون ویژه» تصویب شد نیز یک آدرس است که نگاه دقیق‌تر به اظهارات نماینده دولت در دفاع از این لایحه در روز رأی‌گیری آن را تکمیل می‌کند. در آن جلسه نماینده دولت ابراهیم رئیسی با اشاره به «ابلاغیه‌های علی خامنه‌ای» گفت که «بر اساس مأموریت‌های مندرج در سند راهبردی پدافند سایبری و همچنین طبق توافق صورت گرفته بین دبیران شوراهای عالی امنیت ایران و روسیه» مذاکرات برای عملی شدن این سند در سال ۹۷ آغاز شد.

در سال ۱۳۹۷ دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی که منصوب علی خامنه‌ای است علی شمشخانی بود. بر اساس توضیح نماینده دولت، بخشی از همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی روسیه شامل «اطلاعات سایبری» است که با هدف افزایش توان بازدارندگی جمهوری اسلامی و

در شرایطی که سرویس‌های اطلاعاتی غربی در مورد تهدیدات ناشی از افزایش همکاری‌های امنیتی و نظامی روسیه و چین با جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند، وزارت خارجه روسیه روز سه‌شنبه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد این کشور و جمهوری اسلامی ایران کار روی یک «توافق بزرگ و جدید بین‌دولتی» را سرعت می‌بخشند.

این بیانیه یک روز پس از آن صادر شد که مجلس شورای اسلامی لایحه افزایش همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی با روسیه را تصویب کرد. بر اساس این لایحه، یکی از اهداف همکاری اطلاعاتی و امنیتی با روس‌ها مقابله با «اخلال در نظم عمومی» و مقابله با «بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی و دخالت در اداره دولت» است.

جزئیات دقیق توافق «امنیت اطلاعات» بین رژیم ایران و روسیه مشخص نیست اما سه هفته پیش از تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی، کرملین اعلام کرده بود که مسکو و تهران در حال توسعه روابط خود «از جمله در زمینه همکاری‌های نظامی-فنی» هستند.

لایحه همکاری امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی و روسیه که یکشنبه ۱۹ آذرماه با ۱۸۰ رأی موافق در مقابل ۲۷ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع نمایندگان حاضر تصویب شد، نگرانی‌های زیادی برای افکار عمومی به وجود آورده است. بسیاری کارشناسان در حوزه فناوری با اشاره به مبهم بودن متن لایحه و پنهانکاری در جزئیات آن هشدار داده‌اند که اجرای این لایحه می‌تواند زمینه‌ساز «حکمرانی سایبری روسیه در ایران» شود که نتیجه آن محدودیت‌های بیشتر در دسترسی شهروندان به اینترنت جهانی و تقویت جریان‌های سایبری علیه آزادی بیان شهروندان است.

سرمقاله

ضرورت شفافیت در پایبندی به سه اصل ساده

هراندازه در سیاستی که جز دسیسه نیست، به گفته‌ی تالیبران، سیاستمدار دوران انقلاب فرانسه، زبان برای پنهان کردن فکر است. به همان اندازه در دورانی که جهان در ارتباط‌های چندجانبه قرار گرفته و اتصال شبکه‌ای شهروندان با انواع نرم‌افزارها و امکاناتی که تا دو سه دهه پیش تصویرپذیر نبود، شفافیت ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر و زبان نیز برای بیان فکر است تا بتوان سلامت ارتباطات و همزیستی اجتماعی را تضمین کرد.

گذشته از جمهوری اسلامی، در جامعه سیاسی منتقد و مخالف آن نیز هنوز هستند جریان‌هایی که تار و پودشان از یکسو با زبان دسیسه‌ی تالیبران و از سوی دیگر با زبان خدعه و تقیه‌ی اسلامی برای پنهان کردن فکر و نیت تنیده شده است! در حالی که ایران و ایرانیان در شرایطی بسر می‌برند که بیش از هر زمان به شفافیت و صراحت نیاز است تا شکست‌ها تکرار نشوند.

نه از چند سال پیش، بلکه ۴۴ سال است که تنها مخالفت با جمهوری اسلامی کافی نیست! در همان دهه شصت خورشیدی هم امنیتی‌ها برای نفوذ بین مخالفان، در اعلامیه و نشریه شعار «مرگ بر خمینی» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» سر می‌دادند تا نبض تحولات را در دست داشته باشند.

شعارهای کلی برای آزادی و دموکراسی و حقوق بشر نیز کافی نیست! به ویژه آنکه روند تحولات اجتماعی اینهمه را چنان تحمیل کرده که حتا آدمخواران رژیم نیز مدعی دموکراسی و حقوق بشرند! پس جای تعجب نیست که نیروهای «خندق» نظام نیز مجبور به تبدیل عناوین خود از اصلاح‌طلب به تحول‌خواه و گذارگر، از ملی-مذهبی به ملی-مدنی و از جمهوری اسلامی به جمهوری ایرانی و جمهوری سوم و غیره شوند. همه‌ی این تبدیلات، استفاده از زبان برای پنهان کردن فکر است! فکری که به خیال خود، در پی نجات انقلاب ۵۷ و پس گرفتن آنست!

شفافیت اما بسیار ساده‌تر از پنهان کردن فکر است به ویژه آنکه عدم شفافیت همزاد دروغ است و هر بار برای پنهان کردن فکر و حفظ یک دروغ می‌بایست ده‌ها دروغ دیگر ردیف کرد. وقتی شفافیت نیست، مخاطبان مجبور می‌شوند با رصد کردن نشانه‌ها، مثلا گفتار و رفتار در فلان مراسم و مجامع، به نتیجه‌گیری درباره افکار پیردازند تا بتوانند صف‌بندی‌ها را مشخص کنند. در بسیاری موارد آنچه به اشتباه تحت عنوان «ترفقه» طبقه‌بندی و نگویش می‌شود، مشخص شدن اجتناب‌ناپذیر صف‌بندی‌هاست که ناشی از فعل و انفعالات اجتماعی و جابجایی افراد و جریان‌ات است و نه به اراده‌ی افراد بلکه به افکار و منافع آنها ربط دارد!

برای تأمین شفافیت در جامعه سیاسی کنونی ایرانیان کفایت درباره سه موضوع با صراحت اعلام موضع کرد: پایبندی به تمامیت ارضی ایران و حفاظت از آن؛ پایبندی به یک قانون اساسی سکولار مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر؛ پایبندی به رأی مردم در تعیین نظام آینده ایران. به همین سادگی! برای برخی به همین سادگی نیست؟! برخی مانند نظام کنونی با یک یا دو یا هر سه مشکل دارند؟ پس بخشی از مشکل‌اند و نه راه حل!

جمهوری اسلامی و آنهایی که بند نافشان به انقلاب ۵۷ وصل است، می‌دانند هر نام و عنوانی را می‌توانند تغییر دهند و به هر پوششی می‌توانند درآیند اما یک چیز را نمی‌توانند تغییر دهند: انقلاب ۵۷ و پیامدهای آن! انقلاب گسست و شکست! انقلابی که سفره‌اش فقط اقتصادی نیست بلکه سیاسی و ایدئولوژیک نیز هست: سفره‌ی اتحاد سرخ و سیاه در تقابل با شیروخورشید ایران!

انقلاب اسلامی و دلالت‌های خارجی می‌رسد که تحت پوشش شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی فروش نفت ایران را تسهیل می‌کنند. به عنوان مثال وزارت خزانه‌داری آمریکا در خرداد ۱۴۰۱ یک شبکه بزرگ قاچاق نفت و پتروشیمی وابسته به نیروهای قدس سپاه پاسداران را تحریم کرد که از طریق

پتروشیمی را هم دارند.

اگرچه بعد از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ با آغاز تحریم‌های گسترده اغلب شرکت‌های اصلی چینی و روسی به ویژه در حوزه نفت و گاز ایران را ترک کردند یا از سرمایه‌گذاری در ایران خودداری می‌کنند و حاضر به

روسیه انجام می‌شود.

غلامرضا نوری قزلبچه یکی دیگر از نمایندگان مخالف تصویب این تفاهتنامه همکاری، به خبرگزاری «ایلنا» می‌گوید: «از ایرادات اساسی این طرح آن است که حد و مرز دسترسی روسیه به تبادل اطلاعات در متن لایحه تعریف نشده است.»



شرکت‌هایی مستقر در چین، روسیه، هنگ‌کنگ، امارات، لبنان و حتا کره جنوبی اقدام به پولشویی و نقدکردن درآمدهای نفتی ایران می‌کردند.

اینکه واقعاً چه میزان از درآمدهای نفتی ایران صرف تقویت بنیه نظامی و امنیتی از جمله خرید تجهیزات و سیستم‌های شوند، پارازیت، جَمینگ یا عملیات سایبری جمهوری اسلامی می‌شود، مشخص نیست اما با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای حالا اختیاراتی که نیروهای مسلح برای فروش نفت و یا مذاکره با طرفین خارجی از کانال‌هایی غیر از وزارت نفت و وزارت خارجه داشتند با تصویب مجلس به صورت قانونی درآمده و به آنها کمک می‌کند تا با پشتیبانی «قانون» کاری را که بیش از دو دهه پنهانی انجام می‌دادند بدون پاسخگویی و دردر ادامه دهند.

سرویس‌های اطلاعاتی غربی از افزایش خطرات روابط امنیتی جمهوری اسلامی با روسیه و چین آگاهی کافی دارند اما اینکه اقدام ویژه‌ای برای مقابله با آن نمی‌شود و همچنین این موضوع که ظرفیت محدودی برای مقابله با آن دارند آشکار است. آنها حتا در مقابله با ارسال قطعات و تکنولوژی‌های نظامی که از سوی کارخانجات و شرکت‌های غربی برای رژیم ایران ارسال می‌شود نیز با مشکل روبرو هستند. علی‌خامنه‌ای سال‌هاست که سیاست خارجی استراتژیک رژیم را با «نگاه به شرق» مشخص کرده است. سیاستی که در عمل سلطه‌ی بیش از پیش جمهوری خلق چین و روسیه‌ی پوتین را بر نهادهای امنیتی و شریان‌های اقتصادی ایران به همراه داشته است.

الکسی ددوف سفیر روسیه در تهران شهریور ۱۴۰۱ در یادداشتی نوشته بود «به کمک ایران حذف سلطه آمریکا امکان‌پذیر است». اما واقعیت این است که دو قدرت سلطه‌جوی شرق که تا عمق نهادهای امنیتی و سطوح بالای تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی نفوذ کرده‌اند، ایران را به کارت بازی در منازعات بین‌المللی و رویارویی با غرب تبدیل کرده‌اند.

حامد محمدی

ارائه تسلیحات جنگی پیشرفته مثل هلی‌کوپتر و هواپیماهای رزمی یا حتا هواپیمای مسافربری به ایران نیستند اما مقامات جمهوری اسلامی همچنان این دو کشور را «شریک راهبردی» خود می‌دانند زیرا از شواهد پیداست، هرچند پرهزینه، اما حیاتی‌ترین نیازهای حکومت را با کمک به فروش نفت و ارائه تجهیزات نظارتی و کنترلی برای مقابله با اعتراضات اجتماعی، تأمین می‌کنند.

احتمالاً یکی از دلایل اصلی که جمهوری اسلامی را وادار می‌کند تا نفت را زیر قیمت به چین بفروشد و یا با وجود فشارهای بین‌المللی به پشتیبانی نظامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین با ارسال پهپادهای انتحاری و سایر تسلیحات ادامه دهد، مربوط به سابقه حمایت این دو کشور از رژیم‌های دیکتاتور در بحرانی‌ترین شرایط داخلی است. ولادیمیر پوتین اثبات کرده بهترین دوست دیکتاتورهایی است که در بین مردم خودشان با بحران مشروعیت روبرو هستند. حمایت از قاسم جومارت کملویچ توقایف دیکتاتور قزاقستان در جریان اعتراضات سراسری ۲۰۲۲ که پس از افزایش ناگهانی قیمت بنزین اتفاق افتاد و یا پشتیبانی از الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهور دیکتاتور بلاروس در جریان اعتراضات ضدحکومتی در سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ به علی‌خامنه‌ای این دلگرمی را می‌دهد که می‌شود در شرایط اضطراری روی کمک‌های پوتین علیه مردم معترض حساب کرد. با اینهمه هستند کسانی مثل محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی یا حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس که مدام به حکومت در مورد «خیانت» روسیه یا اینکه پوتین نظام را به بازی گرفته هشدار می‌دهند.

اینکه روابط جمهوری اسلامی با روسیه رو به افزایش است و یا چین با خرید نفت از ایران تحریم‌ها را نادیده می‌گیرد، دلیل بر کمک به بهبود وضعیت عمومی اقتصاد ایران نیست. نفع این روابط عمدتاً به چند باند مافیایی پر قدرت در نیروهای مسلح و بطور خاص به سپاه پاسداران

حامد بیدی از کنشگران حق دسترسی آزاد به اینترنت نیز در یادداشتی در روزنامه «هم‌میهن» تأکید می‌کند: «یادمان باشد که امروز تمام ابعاد زندگی، اقتصاد و ارتباطات مردم، روی شبکه اینترنت اتفاق می‌افتد و وقتی ما کلید نفوذ و تسلط به این زیرساخت مهم را به صورت انحصاری به کشور دیگری می‌دهیم، طبعاً می‌تواند اتفاق نگران‌کننده‌ای برای تمام شهروندان باشد.»

مقابله با اعتراضات و حفاظت از ساختمان‌های دولتی

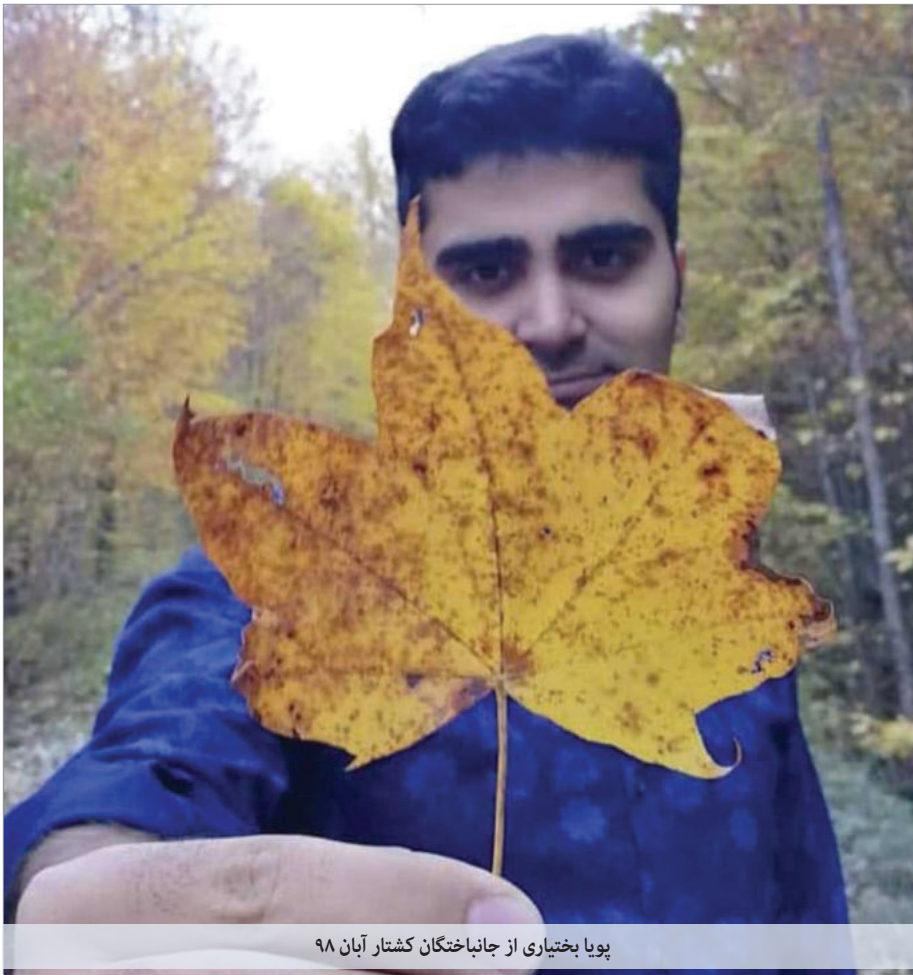
تعدادی از کارشناسان هشدار داده‌اند که لایحه همکاری با روسیه در امنیت اطلاعات، افزایش «سرکوب دیجیتالی» و توسعه پلتفرم‌های روسی در ایران را به دنبال خواهد داشت. یک افسر سابق نیروی انتظامی که اکنون از مخالفان جمهوری اسلامی است به «کیهان لندن» می‌گوید اصلی‌ترین موارد جزئیات لایحه همکاری امنیتی با روسیه را که پنهان نگه داشته شده باید در صحبت‌های احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی در جریان سفرش به مسکو در تیرماه ۱۴۰۲ پیدا کرد که مقابله با تظاهرات ضدحکومتی و حفاظت از ساختمان‌های دولتی و آموزش‌های میدانی سرکوب برای پلیس ضدشورش و یگان‌های بسیج بخشی از آن است.

به گفته این افسر سابق، «گام اول مدل روسی برای سرکوب مخالفان از کنترل کامل بر فضای مجازی شامل شنود و جاسوسی و جریان‌سازی/روایت‌سازی برداشته می‌شود تا اعتراض در نطفه خفه شود... بعد اگر جواب نداد و اعتراضات به خیابان کشیده شد فاز دوم سرکوب خیابانی آغاز می‌شود. روسیه با همین کار موفق شده فضای داخلی را کنترل کند و جمهوری اسلامی نیز به دنبال همین الگوست.»

تأمین هزینه‌های جاسوسی و سرکوب از قاچاق نفت

همان باندها و جریاناتی که در ایران مسئول تقویت و تأمین تجهیزات و تکنولوژی‌های جاسوسی و سایبری هستند، اختیار فروش بخشی از نفت و گاز و همچنین تولیدات

پیام برخی خانواده‌های دادخواه به آنانکه رنج مردم را نمی‌فهمند: کنار بایستید! شما نماینده و رهبر ما نیستید!



پویا بختیاری از جانب‌اختگان کشتار آبان ۹۸

شما رهبر مایید؟ شما رهبر جوانانی هستید که لباس‌هایشان را در دیدند و سینه خود را در مقابل گلوله سپر کردند؟ شما و قهقه‌هایتان، ضجه‌های هزاران مادر داغدار و پدر کمرشکسته را نمایندگی می‌کنید؟ شما می‌کنید؟ شما می‌کنید؟ این سیاهی را به شکل یک نمایش جذاب و دیدنی روی صحنه برپید تا حوصله‌ی میزبان سر نرود؛ شما می‌کنید که در نشست و برخاست‌هایتان با آنانی که ما را به این روزهای سیاه نشانده‌اند، هیچ حدّ و مرزی ندارید و یک روز ما را آکتورهای خیابانی می‌بینید و روز دیگر جمعیت بی‌سری که باید رهبری‌شان کنید؛ نماینده ما شده‌اید؟ نه... شما، خیلی حقیرتر از آنید که ما را نمایندگی کنید.

کنار بایستید. ایرانی که ما در آن زندگی می‌کنیم سال‌هاست در حال احتضار است و شما اصرار دارید این تقریباً جنازه را با اطوار و اصلاح زنده کنید. و ما، مایی که به نام‌مان میکروفون برداشته‌اید و به کام خودتان در آن چهچه می‌زنید، به تک‌تک شما هشدار می‌دهیم که از سر راه‌مان کنار بروید. دشمن ما جمهوری اسلامی است و برای نابودیش هر که را مانع‌مان شود نابود می‌کنیم؛ با هیچ احدی هم شوخی و تعارف نداریم. ما از شما، اصلاحات و نمایندگان‌شان با خون گذر کرده‌ایم. انگشت در زخم‌های ما نچرخانید. ما با شما هیچ نسبتی نداریم.»

در گورستان کسی قهقهه نمی‌زند. در گورستان کسی روی میز ضرب نمی‌گیرد. در گورستان کسی با خنده و شادی و بشکن آواز نمی‌خواند.

ما در عمق سیاهی گورستانی به پهنای ایران ایستاده‌ایم و مبهوت شمایی شده‌ایم که ظاهراً خود را نماینده ما خوانده‌اید. حالا شما یکبار بدون آنکه به فکر منفعت خود باشید، بدون آنکه فقط به فکر عکس گرفتن با رنج ما باشید تا جایزه فلان جهنم‌دَرّه را از آن خود کنید، نگاه‌مان کنید. خودتان خجالت نمی‌کشید که زخم و عزای ما را به تمسخر می‌گیرید؟

نه! سؤال بیجاییست. شما سال‌هاست وقتی دوربین و میکروفون به سمت‌تان می‌آید یاد سرگرمی و صحنه‌گردانی‌هایتان می‌افتید. شما می‌کنید که هیچ نسبتی با ما ندارید. شما می‌کنید که شکنجه و تعرض و عذاب زندان ما را به رقص و آواز برای جهانیان ترجمه می‌کنید.

شما می‌کنید که نمی‌فهمید اگر اینجا هنوز رقصی باقی‌ست رقص گلوله و باتوم بر روی تن این مردم بی‌گناه است. شما می‌کنید که فقر را نمی‌فهمید. شما می‌کنید که قتل و تحقیر و تعرض و تجاوز و کودکان شیمیایی‌شده و تن‌های تکه‌پاره ما در زیر گلوله‌ها در لابلای صدای قهقهه‌ها و ضرب گرفتن سرانگشتانتان بر روی میز گم می‌شود.

● شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانب‌اختگان اعتراضات سال‌های اخیر متنی را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند که در آن به وضعیت اسفناک کشور و همچنین فشاری که خانواده‌های جانب‌اختگان و زندانیان متحمل می‌شوند، اشاره شده و به اینکه برخی افراد در مراسم مربوط به «جایزه فلان جهنم‌دَرّه»، خود را به نمایندگی از جامعه ایران «ما» خوانده‌اند انتقاد کرده‌اند.

● در این متن همچنین به اینکه در زندان‌های ایران بساط رقص و آواز برپاست و نیز به موضوع «رهبرتراشی» برای جنبش آزادیخواهانه ایرانیان به شدت اعتراض شده است: «شما رهبر مایید؟ شما رهبر جوانانی هستید که لباس‌هایشان را در دیدند و سینه خود را در مقابل گلوله سپر کردند...؟»

● «کنار بایستید. ایرانی که ما در آن زندگی می‌کنیم سال‌هاست در حال احتضار است و شما اصرار دارید این تقریباً جنازه را با اطوار و اصلاح زنده کنید. و ما، مایی که به نام‌مان میکروفون برداشته‌اید و به کام خودتان در آن چهچه می‌زنید، به تک‌تک شما هشدار می‌دهیم که از سر راه‌مان کنار بروید.»

شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانب‌اختگان اعتراضات سال‌های اخیر از جمله بختیاری، افکاری، حیدری، خزائی، محمودی و... چهارشنبه ۲۲ آذرماه متنی را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند که در آن به وضعیت اسفناک کشور و همچنین فشاری که خانواده‌های جانب‌اختگان و زندانیان متحمل می‌شوند، اشاره شده و به اینکه برخی افراد در مراسم مربوط به «جایزه فلان جهنم‌دَرّه»، خود را به نمایندگی از سوی جامعه ایران «ما» خوانده‌اند انتقاد کرده‌اند.

آنها همچنین به این ادعای بی‌پایه که در زندان‌های ایران بساط رقص و آواز برپاست اعتراض کرده و نوشته‌اند «شما سال‌هاست وقتی دوربین و میکروفون به سمت‌تان می‌آید یاد سرگرمی و صحنه‌گردانی‌هایتان می‌افتید. شما می‌کنید که هیچ نسبتی با ما ندارید. شما می‌کنید که شکنجه و تعرض و عذاب زندان ما را به رقص و آواز برای جهانیان ترجمه می‌کنید.»

در این متن به موضوع «رهبرتراشی» برای جنبش آزادیخواهانه ایرانیان نیز به شدت اعتراض شده است: «شما رهبر مایید؟ شما رهبر جوانانی هستید که لباس‌هایشان را در دیدند و سینه خود را در مقابل گلوله سپر کردند؟ شما و قهقه‌هایتان، ضجه‌های هزاران مادر داغدار و پدر کمرشکسته را نمایندگی می‌کنید؟ شما می‌کنید؟ شما می‌کنید؟ این سیاهی را به شکل یک نمایش جذاب و دیدنی روی صحنه برپید تا حوصله‌ی میزبان سر نرود؛ شما می‌کنید که در نشست و برخاست‌هایتان با آنانی که ما را به این روزهای سیاه نشانده‌اند، هیچ حدّ و مرزی ندارید و یک روز ما را آکتورهای خیابانی می‌بینید و روز دیگر جمعیت بی‌سری که باید رهبری‌شان کنید؛ نماینده ما شده‌اید؟ نه... شما، خیلی حقیرتر از آنید که ما را نمایندگی کنید.»

متن کامل این پیام را در زیر می‌خوانید:

«تا به حال در گورستان‌ها قدم زده‌اید؟ به چهره عزاداران دقت کرده‌اید؟ در گورستان، حرفی برای گفتن لازم نیست؛ آنجا فقط غم و درد است که بین آدم‌ها رد و بدل می‌شود.

کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی با توافقی ناپایدار به پایان رسید



کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی ۲۰۲۳ «کاپ ۲۸» / دوی

بر افزایش ۳۰۰ درصدی استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در یک سال آینده. در این بیانیه به لزوم کاهش عمیق، سریع و پایدار گازهای گلخانه‌ای عامل گرمایش زمین برای دستیابی به هدف تعیین شده ۵/۱ درجه سانتیگراد نیز اشاره شده است. این هدف دستاورد کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی است که سال ۲۰۱۵ میلادی در پاریس برگزار شد.

یکی دیگر از مسائلی که در کنفرانس دوی به بحث گذاشته شد، ایجاد صندوقی برای جبران خسارات کشورهای کم‌برخوردار و آسیب‌دیده از تغییرات اقلیمی است. کشورهای آفریقایی مدت‌هاست که از کشورهای ثروتمندتر خواسته‌اند تا به تعهدی که در «کاپ ۱۵» در کینهاگ داده شده بود یعنی پرداخت ۱۰۰ میلیارد دلار در سال به صندوق غرامت، برای کمک به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کمک به کشورهای آفریقایی برای مقابله با بحران اقلیمی، پایبند باشند. در سپتامبر سال جاری نخستین اجلاس اقلیمی آفریقا در کنیا برگزار شد. تنها مقایسه سرانه تولید سالانه دی‌اکسید کربن به ازای هر فرد روشن می‌کند که توجه به عدالت اقلیمی در تضاد میان تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای و آسیب‌دیدگان از آن تا چه اندازه مهم است.

شرکت‌کنندگان در بیست و هشتمین اجلاس کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی سازمان ملل که به اختصاص دادن بیش از ۸۳ میلیارد دلار برای تلاش‌های مرتبط با محیط زیست متعهد شدند. بخشی از این تعهد، اختصاص ۷۹۲ میلیون دلار برای صندوق پرداخت خسارت به کشورهای در حال توسعه است. همچنین قرار شده است ۵۶۸ میلیون دلار برای استفاده از فناوری به منظور تضمین پایداری انجام گرفته و ۳/۱۲۹ میلیون دلار نیز به صندوق کشورهای کمتر توسعه‌یافته اختصاص داده شود. ضرورت ایجاد «صندوق ضرر و زیان» برای نخستین بار در جریان کنفرانس «کاپ ۲۷» در شرم‌الشیخ مصر مطرح شد، اما در آستانه برگزاری نشست دوی بود که کشورهای ثروتمند و اقتصادهای توسعه‌یافته توانستند بر سر نکات کلیدی این صندوق به توافق برسند.

حکایت از شکست این نشست دارد. این نشست در حالی پایان یافت که اختلافات بر سر «کنار گذاشتن سوخت فسیلی» هنوز پابرجاست و در آینده شدت نیز خواهد گرفت. در متن پایانی به تمام انواع سوخت‌های فسیلی از جمله نفت، گاز و زغال سنگ اشاره شده، ولی دیگر صحبت از واژه «کنار گذاشتن» این نوع سوخت‌ها نیامده است، در حالی که بیش از ۱۰۰ کشور از ۲۰۰ کشوری که در دوی حضور داشتند خواهان کنار گذاشته شدن سوخت‌های فسیلی در سال‌های آینده هستند.

کشورهای تولیدکننده نفت و شماری دیگر از شورهای که از نفت و گاز برای رشد صنعتی خود بهره می‌برند، مانند چین، هند و یا بسیاری از کشورهای آفریقایی، با استفاده از عنوان «کنار گذاشتن» مخالفت کردند. در روزهای گذشته نامه محرمانه دبیرکل اوپک منتشر شد که در آن از اعضای این کارتل نفتی خواسته بود که حذف سوخت‌های فسیلی را در متن‌های مصوب در این اجلاس «فعالانه» رد کنند. بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت نیز به صورت علنی با گنجانده شدن جمله حذف سوخت‌های فسیلی مخالفت کردند. وزیر نفت کویت در مخالفت در این زمینه گفت چنین تصمیمی می‌تواند اثرات اقتصادی منفی بزرگی داشته باشد.

از سوی دیگر سوزانا محمد وزیر محیط زیست کلمبیا اعلام کرد که کشورش در جریان مذاکرات پایانی پرتنش بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی، به برپایی «اتلافی بین‌المللی برای کنار گذاشتن تدریجی سوخت فسیلی» اصرار ورزید. این وزیر کلمبیایی در همین رابطه افزود «می‌خواهیم تا سال ۲۰۳۰ میلادی، ۴۳ درصد از سوخت فسیلی کنار گذاشته شود و اگر به این توافق نرسیم، فرصت دیگری برای این گام نخواهیم داشت. نباید در بند طرح‌های اقتصادی کشورها باشیم».

البته پیش‌نویس قطعنامه پایانی «کاپ ۲۸» نکات دیگری را نیز در بر می‌گیرد که کم و بیش از حمایت همه شرکت‌کنندگان در نشست دوی برخوردار بود مانند تأکید

● بیست و هشتمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل «کاپ ۲۸» با یک روز تأخیر در ۲۲ آذر با انتشار بیانیه‌ای که حاصل چانه‌زنی است به پایان رسید.
● در این بیانیه اشاره‌ای به «کنار گذاشتن سوخت فسیلی» نیست و از «تسریع در روند جایگزین کردن سوخت‌های دیگر» صحبت می‌شود.
● ایجاد صندوقی با بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برای جبران خسارات کشورهای کم‌برخوردار و آسیب‌دیده از تغییرات اقلیمی، مهم‌ترین دستاورد «کاپ ۲۸» است.

احمد رأفت - بیست و هشتمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل «کاپ ۲۸» با یک روز تأخیر در ۲۲ آذر با انتشار بیانیه‌ای که حاصل چانه‌زنی است به پایان رسید. این تأخیر به دلیل بحث‌های طولانی برای دست یافتن به توافقی در رابطه با بیانیه پایانی بود. این بیانیه بدون اشاره به اصرار برخی کشورهای غربی مبنی بر «کنار گذاشتن سوخت فسیلی» منتشر شد. در این بیانیه به «تسریع در روند جایگزین کردن سوخت‌های دیگر» اشاره می‌شود.

سلطان الجابر مدیرعامل شرکت نفتی امارات متحده عربی و رئیس کنفرانس «کاپ ۲۸» صبح چهارشنبه ۱۳ دسامبر اعلام کرد که کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس «پس از مذاکراتی نفسگیر» توانستند بالاخره به توافقی دست پیدا کنند. سلطان الجابر که ریاست او بر این کنفرانس به بحث‌هایی نیز دامن زده بود در خاتمه کار «کاپ ۲۸» افزود: «گفتگوها تا بامداد چهارشنبه به طول انجامید؛ همه تلاش کردیم تا بالاخره به توافقی دست یافتیم. همانگونه که در آغاز کنفرانس گفته بودم ما به نقطه نظرات همه گوش دادیم، و البته همه شرکت‌کنندگان نیز از خود انعطاف نشان دادند و بالاخره توانستیم منابع جمعی را را در اولویت قرار دهیم».

اگرچه بسیاری از هم‌اکنون این توافق را «تاریخی» اعلام می‌کنند، ولی برخی نیز معتقدند که بیانیه پایانی بیست و هشتمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد،

فرار رهبران حماس از دوحه به مقصد نامعلوم! طرح احتمالی اسرائیل برای «ترورهای موازی» در منطقه

کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۳ در مجلس شورای اسلامی رد شد

● کلیات لایحه بودجه با ۹۱ رأی موافق، ۱۲۷ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه رد شد.

● حسینعلی حاجی‌دلیگانی: با این بودجه رشد اقتصادی هشت درصد محقق نخواهد شد بلکه باعث ایجاد فاصله بین اغنیا و فقرا می‌شود.

● مجتبی رضاخواه: بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده تولیدکننده داخلی را تحت فشار قرار می‌دهد و در مقابل، واردکننده و تولیدکننده خارجی را تحت رانت ویژه‌ای قرار خواهد داد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۲۷ رأی مخالف کلیات بودجه سال ۱۴۰۳ را رد کردند. دولت یک هفته برای اصلاح لایحه بودجه و ارائه دوباره آن به مجلس شورای اسلامی فرصت دارد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز سه‌شنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۲ کلیات لایحه بودجه را مورد بررسی قرار دادند. این لایحه در نهایت با ۹۱ رأی موافق، ۱۲۷ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه رد شد.

محمد مهدی مفتاح سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه در این نشست مطابق نبودن لایحه بودجه با مصوبات مجلس در برنامه هفتم و همچنین کمتر بودن میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان از تورم موجود را از نقاط ضعف لایحه بودجه عنوان کرد.

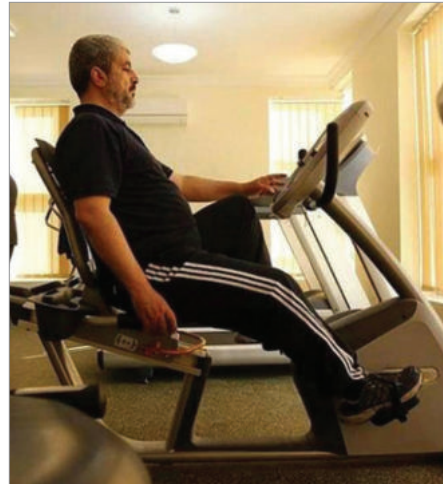
محمد باقری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و از مخالفان لایحه بودجه نیز در سخنانی از افزایش ۴۰ درصدی درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور انتقاد کرد و آن را فشاری مضاعف بر تولیدکنندگان دانست.

محمد باقری افزود که «۷۵۰ هزار میلیارد تومان برای هدفمندی یارانه تعیین شده است که مشخص نیست که این موضوع در کدام سرفصل‌ها و فصول دیده شده است. در این باره منابع و مصارف هدفمندی یارانه به صورت شفاف ارائه نشده است که از کجا قرار است تامین شود و قرار است در چه محل هزینه شوند.»

حسینعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نیز در انتقاد از لایحه بودجه ۱۴۰۳ تأکید کرد که آثاری از برنامه هفتم توسعه در لایحه بودجه دیده نمی‌شود و از طرف دیگر در این لایحه به حقوق‌های نجومی و اسراف‌ها دامن زده شده است.

حسینعلی حاجی‌دلیگانی افزود که «با این بودجه رشد اقتصادی هشت درصد محقق نخواهد شد بلکه باعث ایجاد فاصله بین اغنیا و فقرا می‌شود. در این بودجه پیش‌بینی شده است که ۳۲۰ همت اوراق فروخته شده است که این اوراق کشور را بدهکار می‌کند.»

مجتبی رضاخواه دیگر نماینده مخالف لایحه بودجه نیز گفته بود که بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده تولیدکننده داخلی را تحت فشار قرار می‌دهد و در



خالد مشعل

دستور داده تا طرح ترور آندسته از رهبران حماس را که در بیرون از مرزهای نوار غزه (از جمله در ترکیه، قطر و سایر کشورها) زندگی می‌کنند طراحی کنند.

اسماعیل هنیه، خالد مشعل، موسی ابومرزوق، محمد الضیف و محمود زهار از رهبران خارج‌نشین گروه تروریستی حماس هستند در حالی که مردم غزه را در جنگ گرفتار کرده‌اند.

بر اساس گزارش منابع مختلف علاوه بر ترکیه و قطر کشورهای مثل لبنان و مصر و حتا ایران پاتوق رهبران گروه‌های تروریستی از جمله رهبران «حماس» و «جهاد اسلامی» هستند.

مقامات قطر از بهترین دوستان رهبران گروه حماس به شمار می‌روند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد آنها بدون اطلاع قطری‌ها دوحه را ترک کرده باشند. اینهمه در حالیست که سال‌هاست مردم غزه تحت سلطه حماس در بدترین شرایط زندگی می‌کنند اما رهبران این گروه تروریستی و خانواده‌های آنها در کشورهای خاورمیانه زندگی لوکس و دور از ترور و درگیری و جنگ دارند.

در ایران گزارش‌ها در مورد ترور احتمالی رهبران حماس واکنش‌هایی را پی داشته است. حسن هانی‌زاده تحلیلگر جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا که ۱۲ آذرماه منتشر شد گفت، «توجه داشته باشید که اسرائیل در مورد ترور رهبران مقاومت صرفاً تمرکز خود را بر روی حذف فیزیکی سران حماس و جهاد اسلامی معطوف نخواهد کرد بلکه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا تمام رهبران مقاومت را از بین ببرد.»

وی توضیح هشدار داد، «باید گفت که موساد به دنبال ایجاد رعب و وحشت و تسویه حساب در چهارچوب مذکور است.» همچنین خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از «راهبرد معاصر» ۲۰ آذرماه در گزارشی نوشت «به نظر می‌آید با توجه به عمیق‌تر شدن محور مقاومت و حمایت قاطعانه آنها از فلسطین در جریان جنگ غزه، باید احتمال داد رژیم صهیونیستی در سال‌های آینده به سمت ترورهای موازی در درون کشورهای پشتیبان گروه‌های مقاومت گام بردارد.»



اسماعیل هنیه / عکس: رویترز

● شبکه عربی‌زبان «KAN» تلویزیون دولتی اسرائیل به نقل از منابعی در دوحه گزارش داد که چندین رهبر حماس کشور قطر را به مقصدی نامعلوم ترک کردند. آنها تلفن‌های خود را خاموش کرده و هیچ تماسی را قبول نمی‌کنند.

● روزنامه «اورشلیم پست» گزارش داد که صالح العاروری از اعضای ارشد حماس، اقامتگاه دائمی خود در بیروت را به مقصد ترکیه ترک کرده است.

● رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه که از حامیان تروریست‌های حماس است اواسط آذرماه نسبت به ترور رهبران این گروه در خاک ترکیه توسط اسرائیل هشدار داد. وی تهدید کرد، «اگر این اتفاق رخ دهد، صهیونیست‌ها بهای سنگینی خواهند داد.»

روزنامه «اورشلیم پست» سه‌شنبه ۱۲ دسامبر (۲۰ آذرماه) به نقل از منابع عربی گزارش داد که رهبران حماس قطر را به مقصد نامعلوم ترک می‌کنند.

شبکه عربی‌زبان «KAN» تلویزیون دولتی اسرائیل به نقل از منابعی در دوحه گزارش داد که چندین رهبر حماس کشور قطر را به مقصدی نامعلوم ترک کردند. آنها تلفن‌های خود را خاموش کرده و هیچ تماسی را قبول نمی‌کنند.

همچنین گزارش شد که صالح العاروری از اعضای ارشد حماس، اقامتگاه دائمی خود در بیروت را به مقصد ترکیه ترک کرده است.

برخی منابع غیررسمی گفته‌اند رهبران حماس که در ترکیه ساکن بودند نیز بی‌سرودا از آنجا فرار کردند. تأیید یا رد این گزارش‌ها به صورت مستقل ممکن نیست.

رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه که از حامیان تروریست‌های حماس است اواسط آذرماه نسبت به ترور رهبران این گروه در خاک ترکیه توسط اسرائیل هشدار داد. وی تهدید کرد، «اگر این اتفاق رخ دهد، صهیونیست‌ها بهای سنگینی خواهند داد.»

پیش از این روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داده بود که آژانس‌های امنیتی اسرائیل (موساد و شین‌بت) در حال برنامه‌ریزی برای تعقیب و حذف فیزیکی رهبران حماس در سرتاسر جهان هستند. در این گزارش ادعا شده بود بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به سرویس‌های امنیتی خود

➔ مقابل، وارد کننده و تولیدکننده خارجی را تحت رانت ویژه‌ای قرار خواهد داد.

مجتبی رضاخواه افزوده بود که «منابع و مصارف هدفمندی در این بودجه دیده نشده است و این امر می‌تواند منجر به کسری بودجه در این قسمت شود.»

پس از رد کلیات لایحه در نشست علنی مجلس شورای اسلامی، سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس از دولت خواست در اصلاح ساختار بودجه به جلوگیری از کسری بودجه دقت کند و تاکید کرد اگر قرار باشد درآمدها صرفا به محل اخذ مالیات منوط شود، اشکالات بدتری به وجود می‌آید.

تمرکز دولت به درآمدهای مالیاتی برای سال آینده، یکی از نقاط پربحث لایحه طی روزهای گذشته بوده است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ دولت درآمدهای مالیاتی را تا دو برابر درآمدهای نفتی در نظر گرفته است. دولت سیزدهم میزان درآمد مالیاتی را ۱۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته که

مالیاتی می‌خواهید بگیرید؟ برای همین می‌گویند داروغه ناتینگهام.»

به عقیده این اقتصاددان جامعه‌ای که فقیر شده نمی‌تواند مالیات بپردازد و باید حمایت‌های یارانه‌ای مختلفی هم مشمول این خانوار شود که سرپا مانند نه اینکه از آنها مالیات هم گرفته شود. در این شرایط کف مالیات حداقل باید بالای ۲۰ میلیون تومان برای خانوار تعرف شود. جمله معروفی است که می‌گویند اگر می‌خواهید جامعه را له کنید، آن جامعه را بین دو سنگ آسیاب تورم و مالیات قرار بدهید و در این وضعیت طبقه متوسط جامعه خود به خود از بین می‌رود.

مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور هم معتقد است: «دولت چون نتوانسته است نفت بفرود به سفره‌های مردم متوسل شده و این دقیقا خلاف همان ادعایی است که در زمان انتخابات مطرح

امروز است و هیچ انطباقی با برنامه هفتم توسعه ندارد.» حسین سلاح‌ورزی تاکید کرده بود که افزایش مالیات، آثار رکود در پی خواهد داشت و به دلیل افزایش مالیات‌ها در بودجه ۱۴۰۳، فشار مضاعفی بر بخش مولد اقتصاد کشور تحمیل می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی درباره لایحه بودجه سال آینده از کسری صدها هزار میلیارد تومانی به دلیل عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده خبر داده است. این گزارش اشاره کرده که لایحه بودجه تنها در بخش منابع مورد نیاز برای یارانه‌ها با ۲۷۱ هزار میلیارد تومان کسری موجه است.

در بخش درآمدهای نفتی نیز دولت با کسری روبرو خواهد بود و بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی احتمالا صادرات نفت روزانه ۱۵۰ هزار بشکه کمتر از پیش‌بینی لایحه خواهد بود و همچنین نفت صادراتی به جای بشکه‌ای ۷۰ دلار، بشکه‌ای ۶۵ دلار به فروش برود.



بر این اساس در بخش درآمدهای نفتی نیز کسری ۷۴ هزار میلیارد تومانی ایجاد خواهد شد.

اخذ مالیات و عوارض گمرکی، فروش اموال و شرکت‌های دولتی نیز دو بخش دیگر درآمدهای دولت در سال آینده خواهند بود که بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌ها این درآمدها نیز بطور کامل محقق نشده و بر کسری بودجه خواهند افزود.

در این گزارش همچنین تاکید شده که برنامه‌های دولت در بودجه سال آینده از جمله افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان به میزانی پایین‌تر از تورم می‌تواند درصد بیشتری از مردم را به زیر خط فقر فرو برد.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز روز جمعه دهم آذرماه در گزارشی با پیش‌بینی اینکه سال سختی در انتظار افشار فقر خواهد بود نوشته مقایسه اعداد پیشنهادی در لایحه بودجه سال آینده با میزان واردات کالاهای اساسی در سال‌های گذشته، حاکی از برنامه‌ریزی برای کاهش تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی است و از طرف دیگر با در نظر گرفتن افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی سهم درآمدهای مالیاتی و پیشنهاد افزایش مالیات بر ارزش افزوده، نشان می‌دهد احتمالا سال سختی پیش روی طبقات متوسط و ضعیف جامعه است.

می‌کرد و مدعی بودند که سفره مردم را از تحریم‌ها جدا خواهند کرد، اما اکنون رسماً آسیب تحریم‌ها را به سفره‌های مردم منتقل کرده است.»

مرتضی افقه همچنین تحقق درآمدهای مالیاتی را نیز امکان‌پذیر ارزیابی نکرده و گفته که «تصور نمی‌کنم اصلا پیش‌بینی این میزان مالیات اساساً محقق شود چرا که اقتصاد کشور عملاً دیگر ظرفیت این میزان پرداخت مالیات را ندارد، هرچند دولت مدعی است تا ۹۰ درصد پیش‌بینی مالیاتی تأمین شده است، اما بعید می‌دانم دولت اساساً بتواند سال آینده بیش از این رقم را محقق کند.»

به گفته این استاد دانشگاه «در همین حال دولت مدعی است که وابستگی خود را به نفت کم کرده است. این خیلی افتخار نیست که وابستگی به نفت کم شود آنهم با درآمدهایی که شهروندان دارند. آن چیزی که مدنظر و مطلوب است اینکه وابستگی کل اقتصاد به نفت کم شود، نه فقط وابستگی دولت به نفت. به عبارت دیگر دولت برخلاف وعده‌ای که داده سفره خودش را از تحریم‌ها جدا کرده و نه سفره مردم را.»

همچنین حسین سلاح‌ورزی عضو اتاق بازرگانی ایران گفته بود که «آنچه در لایحه پیشنهادی دولت می‌بینیم، مبهم‌ترین لایحه پیشنهادی بودجه از تاریخ مشروطه تا به

حدود دو برابر درآمد ۶۱۴ هزار میلیارد تومانی نفت است و نسبت به درآمدهای مالیاتی بودجه امسال ۴۹/۸ درصد افزایش دارد. همچنین در مجموع ۴۶ درصد کل درآمد بودجه از محل مالیات‌های مستقیم تأمین می‌شود که در تاریخ بودجه‌نویسی کشور بی‌سابقه است.

مالیات بر درآمد، مالیات بر نقل و انتقال دارایی‌ها، مالیات بر اقساط بانکی، کسر حقوق بدون تمایل افراد موسوم به ۳۰ درصد تأمین اجتماعی، مالیات دریافت پروانه ساخت و ساز، مالیات پروانه پایان کار ساخت و ساز، مالیات آغاز کسب و کارها، مالیات معاملات مسکن، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر اتومبیل از جمله مالیات‌هایی است که از جیب شهروندان کسر می‌شود تا دولت کسری بودجه را جبران کند.

کارشناسان معتقدند نه تنها این درآمدها تحقق پیدا نخواهد کرد بلکه فشار مالیات‌ستانی بر دوش افشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد خواهد بود که سبب تشدید فقر و فلاکت می‌شود.

وحید شقاقی شهری اقتصاددان با انتقاد از شیوه تدوین درآمدهای مالیاتی، دولت را «داروغه ناتینگهام» خوانده و گفته که «در ۵، ۶ سال با تورم‌های بالا، جامعه فقیر شده است. حالاً من از دولت سوال می‌کنم که از جامعه فقیر چه

روزنامه «نیویورک تایمز»: نفوذ شدید جمهوری اسلامی در عراق «جرف النصر» کجاست و چه کسی آنجا را اداره می‌کند؟



تصاویر قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در دستان اعضای کتائب حزب‌الله وابسته به سپاه پاسداران

مونتاز پهبادا و مقاوم‌سازی راکت‌ها استفاده می‌کند که بخش‌های عمده آن از یکی از کشورهای همسایه تهیه شده است. این تسلیحات برای استفاده گروه‌های شبه‌نظامی در سراسر خاورمیانه توزیع می‌شود. توزیع همین تسلیحات بین شبه‌نظامیان است که نگرانی‌ها در مورد تبدیل جنگ غزه به یک جنگ بزرگ را بیشتر می‌کند. حملات راکتی و پهبادی شبه‌نظامیان در دو ماه گذشته به شدت افزایش پیدا کرده است زیرا «کتائب حزب‌الله» و دیگر گروه‌های نیابتی برای نشان دادن همبستگی خود با فلسطینی‌ها تحرکات بیشتری دارند. بر اساس اعلام پنتاگون از ۱۷ اکتبر (۲۵ مهرماه) گروه‌های نیابتی در عراق دست‌کم ۸۲ حمله پهبادی و راکتی علیه تأسیسات نظامی آمریکا در عراق و سوریه انجام دادند. طی این حملات ۶۶ نظامی زخمی شدند. منابع اطلاعاتی منطقه می‌گویند که در بسیاری از حملات از تسلیحاتی استفاده شد که در منطقه «جرف النصر» ساخته شده است. به گفته پنتاگون و «کتائب حزب‌الله»، ایالات متحده در واکنش به حملات اخیر، دو مکان در «جرف النصر» را هدف قرار دادند که دست‌کم هشت نفر از اعضای این گروه کشته شدند. ژنرال کنث مکزی که سال گذشته به عنوان رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) بازنشسته شد، به «نیویورک تایمز» می‌گوید: «آنها راکت، خمپاره و موشک دارند.» او می‌افزاید بُرد دقیق فعلی این تسلیحات را نمی‌داند اما در سال ۲۰۲۰ بعضی از پهباداها و موشک‌ها می‌توانستند به اهدافی در اردن، سوریه و عربستان برسند. برای دهه‌ها، استراتژی حکومت ایران در خاورمیانه ترکیب قدرت نظامی غیررسمی از طریق گروه‌های نیابتی با نفوذ سیاسی بر سیاست‌های دولت عراق بوده است. ایران از آغاز دهه ۱۹۸۰ به تأمین مالی و تسلیح حزب‌الله لبنان کمک می‌کرد. سپس از بشار اسد در سوریه حمایت نظامی و سیاسی نمود. این پشتیبانی‌ها شامل کمک

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی با عنوان «چرا ترس از تشدید درگیری‌های خاورمیانه در عراق رو به افزایش است؟» به نقش جمهوری اسلامی تولید موشک و پهباد در منطقه‌ای نظامی در جنوب بغداد با نام «جرف النصر» و پشتیبانی از شبه‌نظامیان منطقه برای هدف قرار دادن مواضع آمریکا و اسرائیل اشاره کرده است. آلیسا جی. روبین در این گزارش که نهم دسامبر (۱۸ آذرماه) منتشر شد می‌نویسد دقیقاً در جنوب بغداد، جایی که شهر تمام می‌شود و کنار رود فرات نخلستان‌های سرسبز به چشم می‌خورند، منطقه‌ای وجود دارد به اسم «جرف النصر» که محل مونتاز پهباد و راکت است. افرادی که این خطر را می‌کنند که برای مدتی طولانی در آنجا باشند. حتا ارتش یا مقامات دولتی عراق بدون اجازه جرأت نمی‌کنند به آنجا بروند. کشاورزی به نام علی حسین که در گذشته ساکن آن نواحی بود، می‌گوید: «ما جرأت نمی‌کنیم بپریم می‌توانیم به آنجا برویم یا نه.» زیرا آن نواحی- با مساحتی بیش از دو برابر سانفرانسیسکو- توسط یک گروه شبه‌نظامی عراقی کنترل می‌شود که از سوی ایالات متحده در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد. اعضای این گروه اطراف آن مناطق ایست بازرسی مستقر کرده‌اند. به گفته یکی از ده‌ها افسر اطلاعاتی و نظامی غربی و عراقی، دیپلمات‌ها و دیگرانی که برای تهیه این گزارش مصاحبه کرده‌اند، این منطقه مستقل عراق که به «جرف النصر» معروف است به عنوان «پایگاه عملیاتی پیشرو» عمل می‌کند.

جنوب بغداد را چه کسی اداره می‌کند؟
مقامات ارشد نظامی و اطلاعاتی می‌گویند، گروه «کتائب حزب‌الله» کنترل این منطقه را در دست دارد و از آن برای

● «افرادی که این خطر را می‌کنند که برای مدتی طولانی در آنجا باشند. حتا ارتش یا مقامات دولتی عراق بدون اجازه جرأت نمی‌کنند به آنجا بروند... کشاورزی به نام علی حسین که در گذشته ساکن آن نواحی بود، می‌گوید: ما جرأت نمی‌کنیم بپریم می‌توانیم به آنجا برویم یا نه.» این منطقه توسط «کتائب حزب‌الله» اداره می‌شود.

● اعضای این گروه اطراف آن مناطق ایست بازرسی مستقر کرده‌اند. به گفته یکی از ده‌ها افسر اطلاعاتی و نظامی غربی و عراقی، دیپلمات‌ها و دیگرانی که برای تهیه این گزارش مصاحبه کرده‌اند، این منطقه مستقل عراق که به «جرف النصر» معروف است به عنوان «پایگاه عملیاتی پیشرو» عمل می‌کند.

● مقامات ارشد نظامی و اطلاعاتی می‌گویند، گروه «کتائب حزب‌الله» که کنترل این منطقه را در دست دارد، از آن برای مونتاز پهباداها و مقاوم‌سازی راکت‌ها استفاده می‌کند که بخش‌های عمده آن از یکی از کشورهای همسایه تهیه شده است.

● در طول ۲۰ سال گذشته، دولت‌های جمهوریخواه و دموکرات در آمریکا در مجموع ۷۹/۱ تریلیون دلار برای سرنگونی صدام حسین، جنگ با القاعده و داعش خرج کردند و هدف آنها ایجاد ثبات و یک متحد قابل اعتماد در منطقه بود.

● هوشیار زیباری که به مدت ۱۰ سال وزیر خارجه عراق و تا سال ۲۰۱۶ وزیر دارایی این کشور بود، به «نیویورک تایمز» گفت: «در عوض، ایران بیش از هر زمان دیگری دارای نفوذ غالب در عراق امروز است.» او که اکنون یکی از چهره‌های ارشد حزب دموکرات کردستان (KDP) است توضیح داد که منافع حکومت ایران بر «هر بخش از نیروهای امنیتی، ارتش و فرمانداران استان‌ها» تأثیر می‌گذارد.

نان و آجر

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۷) اسفندماه ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)

باز نشر



خبر مندرج در کیهان هفته قبل، به نقل از خبرگزاری کار (ایلنا) را خواندید. به دنبال انتشار خبری مبنی بر این که شرکت کشت و صنعت مغان به علت مشکلات مالی و فقدان نقدینگی به جای پول به کارکنان خود گوسفند می‌دهد، کارگران کارخانه آجر و ماسه ایران‌شهر فغان برداشته‌اند که ای بابا، بخت با شما یار است و دست کم گوسفند را می‌شود خورد، به ما عوض حقوق بیش از پنج سال است آهک و آجر می‌دهند!

کارگران این کارخانه می‌گویند روزی و روزگاری کارخانه آجر و ماسه ایران‌شهر وابسته به سازمان صنایع ملی ایران بود و درآمد خوبی هم داشت چون محصولش بدون رقیب در منطقه به فروش می‌رسید. آمدند و در اجرای برنامه خصوصی‌سازی آن را واگذار کردند به بخش خصوصی. در جریان نقل و انتقال، بر اثر فعل و انفعالات و سوء مدیریت و عدم تشخیص دوغ از دوغاب، کارخانه مقروض شد و اکنون بیش از پنج سال است که کارگران آهکی و آجری حقوق می‌گیرند آن هم بدین کیفیت که کارفرما، آجر و آهک را به قیمت اضافی پای کارگران حساب می‌کند و کارگران مجبورند آن را با ۳۰ تا ۴۰ درصد زیر قیمت بازار به فروش رسانند تا بتوانند نانی فراهم آورند و به خانه ببرند. به عبارت دیگر از دولت سر انقلاب و اسلام، نان مردم آجر شده است.

در «عقدالعلی» آمده است امیر اسمعیل گیلکی که پادشاه طبرستان بود روزی از دروازه شهر بیرون آمد. یکی را دید که بزغاله‌ای داشت و به شهر می‌برد. گفت این بزغاله را از کجا خریده‌ای؟ گفت ای امیر، خانه‌ای داشتم، فروختم و به بهای این بزغاله دادم. گفت خانه‌ای به بزغاله‌ای فروختی؟ گفت ای امیر، سال دیگر از دولت تو آن را به مرغی بازخرم!

تا ملك اینست و چنین روزگار
زین ده ویران دهمت صد هزار

اغلب شنیده‌اید که می‌گویند فلانی نان‌ش آجر شد یا تهدید می‌کنند که نان‌ت را آجر خواهیم کرد اما هیچ از خودتان پرسیده‌اید نان را با آجر چه مناسبت و این ضرب‌المثل از کجا می‌آید؟ در اواخر دوره قاجاریه، بر اثر جنگ جهانی اول و به دنبال آن خشکسالی و قحطی، وضع عمومی مردم بد بود و وضع دولت بدتر از مردم. پولی در خزانه پیدا نمی‌شد و امور جاری مملکت با قرض گرفتن از بانکها می‌گذشت. بانکی هم که متعلق به خودمان باشد نداشتیم. بانک شاهی متعلق به انگلیس بود و بانک استقراضی متعلق به روس. در حقیقت روس و انگلیس بودند که می‌بایستی دولت ایران صنایع از مؤسسات اعتباری آنها قرض کند تا امروز را به فردا برساند. تازه آنهم کفاف هزینه‌ها، مخصوصاً پرداخت حقوق کارمندان را نمی‌داد. حقوقها چند ماه چند ماه عقب می‌افتاد. عاقبت هم عوض آن که پولی به کارمند دولت داده شود حواله آجر به دستش می‌دادند.

و اما حواله آجر به چه دلیل؟ به دلیل این که فخاران (کوره‌پزها) بدهی مالیاتی داشتند و چون کیسه آنها هم از پول نقد خالی بود به جای مالیات نقدی مالیات جنسی می‌پرداختند یعنی معادل بدهی خود آهک و آجر برعهده می‌گرفتند. دولت هم به جای اسکناس حواله آجر به کارمندان می‌داد. این حواله را کارمند می‌توانست برد به کوره‌پزخانه و آجر و آهک بگیرد یا به دلان، البته با قیمت نازل، بفروشد و پولش را تبدیل به نان کند.

ما خیال می‌کردیم بعد از قرن، این حقایق تاریخی به قصه‌های پای کرسی تبدیل شده است و در مملکتی که دولت‌ش از محل فروش نفت میلیارد، میلیارد دلار پارو می‌کند و وقتی می‌گویند فلان حجت‌الاسلام خانه پنج تومانی خریده، مقصود نه پنج میلیون که پنج میلیارد تومان است، دیگر رابطه میان نان و آجر را فقط در ضرب‌المثلها باید سراغ کرد. هیئات که نه چنین است.

→ به حوثی‌های یمن نیز می‌شود. اما عراق طبیعی‌ترین شریک منطقه‌ای جمهوری اسلامی در ایران است. هرچند این دو کشور روزگاری یک جنگ طولانی علیه یکدیگر داشتند. ایران و عراق یک مرز ۱۴۵۸ کیلومتری مشترک دارند. بسیاری از خانواده‌ها از هر دو طرف خویشاوندانی دارند. روابط اقتصادی بین دو همسایه قوی است. همچنین عراق نیز مانند ایران دارای اکثریت مسلمان شیعه است و برخی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در آن کشور قرار دارد. پس از انتخابات ۲۰۲۱ در عراق، احزاب سیاسی مرتبط با جمهوری اسلامی که بیشتر آنها شاخه‌های شبه‌نظامی داشتند، برای اولین بار سهم کافی از کرسی‌های پارلمان را به دست آوردند تا دولت ائتلافی تشکیل دهند و محمد شیاع السوداني را به عنوان نخست‌وزیر برگزیدند. این وضعیت او را نظر سیاسی با احزابی پیوند داد که اولویت‌هایشان نگرانی‌های مشترک تهران و بغداد است.

برای آمریکا دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در بغداد و فرماندهی منطقه نظامی «جرف النصر» توسط یک گروه شبه‌نظامی، موقعیتی فوق‌العاده است. در طول ۲۰ سال گذشته، دولت‌های جمهوریخواه و دموکرات در آمریکا در مجموع ۷۹/۱ تریلیون دلار برای سرنگونی صدام حسین، جنگ با القاعده و داعش خرج کردند و هدف آنها ایجاد ثبات و یک متحد قابل اعتماد در منطقه بوده است.

هوشیار زبیری که به مدت ۱۰ سال وزیر خارجه عراق و تا سال ۲۰۱۶ وزیر دارایی این کشور بود، به «نیویورک تایمز» گفت: «در عوض، ایران بیش از هر زمان دیگری دارای نفوذ غالب در عراق امروز است.» او که اکنون یکی از چهره‌های ارشد حزب دموکرات کردستان (KDP) است توضیح داد که منافع حکومت ایران بر «هر بخش از نیروهای امنیتی، ارتش و فرمانداران استان‌ها» تأثیر می‌گذارد.

از جمله ابزارهای اعمال نفوذ رژیم ایران، شبکه‌ای از شبه‌نظامیان نیابتی است. با جنگ بین اسرائیل و حماس، این شبه‌نظامیان حملات خود را به پایگاه‌های ایالات متحده در عراق، از جمله سفارت ایالات متحده و همچنین در شمال شرق سوریه افزایش داده‌اند.

همانطور که تحقیقات مؤسسه مطالعات جنگ مستقر در واشنگتن نشان می‌دهد «جمهوری اسلامی و محور مقاومت از جنگ اسرائیل و حماس برای حمایت از هدف خود برای بیرون راندن نیروهای آمریکایی از خاورمیانه سوء استفاده می‌کنند.»

در هفته‌های اخیر نیروهای شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق بارها پایگاه‌های آمریکا در الانبار و اربیل را هدف قرار دادند.

فرماندهان کتائب حزب‌الله می‌گویند: «عملیات ما علیه آمریکا در عراق تا خروج آخرین سرباز آمریکایی از عراق ادامه خواهد داشت.» آنها حتی پس از حمله به سفارت آمریکا در منطقه سبز بغداد اعلام کردند این حمله فقط آغاز عملیات بود و حملات بیشتر ادامه خواهد داشت.

در بیانیه‌ای که آنها اخیراً در مورد این حملات صادر کرده‌اند «کتائب حزب‌الله» چیزی در مورد جنگ غزه بیان نکرده است. در واقع این جنگ فقط یک بهانه و پوشش برای کاری است که به هر حال رهبران این گروه می‌خواهند انجام دهند.

در پایان این گزارش آمده، جایگزین این وضعیت این است که دولت بایدن باید بپذیرد در برآورد اولیه خود در مورد رژیم ایران اشتباه کرده است. زمانی بود که در دولت بایدن گمان می‌کردند مقصر تشدید تنش‌ها با جمهوری اسلامی ترامپ است. بایدن گمان می‌کرد می‌تواند با «احیای» توافق اتمی روابط خود با جمهوری اسلامی را ترمیم کند.

«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۳)

تشکیل سازمان انقلابی حزب توده ایران و هدف آن

راه مبارزه قهرآمیز و نفی دکترین خروشچف را برای کارزار سیاسی و نظری با

رخوت طلبی حزب توده برگزیدیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲)

بازنشر



حمید شوکت



کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پشیمان ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است.

در این کتاب، گفتنی‌های بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است.

خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می‌کنیم.

گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می‌آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

هسته داخل که در آن زمان فعالیت خود را آغاز کرده بود بیبوندند. در خارج از کشور نیز تشکیلات حداقلی برای سازماندهی به وجود آوریم و خود را برای نشست وسیع‌تری که قرار بود در فاصله کوتاهی برگزار شود آماده سازیم. بر همین اساس تصمیم گرفتیم یک دفتر (بورو) که به معنای حداقلی از تشکیلات بود سازمان دهیم.

● موارد اختلاف چه بود؟

– تنها بر سر یک مسئله اختلاف داشتیم و آن این که نفی حزب توده به چه معناست. آیا خود را ادامه دهنده آن حزب، و مدافع سنن انقلابی آن می‌دانیم و یا سازمان نوینی هستیم که شماری از بنیانگذاران آن روزگاری توده‌ای بودند و اکنون از آن بریده‌اند؟ من روی تجربه تشکیلاتی جدید در انگلستان، نظرم تکیه بر روی نیروهای جوان و سازماندهی نوین بود. اما به جز بیژن حکمت و حسین قاضی که از نیروهای تازه به حرکت نوین ما جلب شده بودند، بقیه از کادرهای سازمان جوانان یا از حزب توده بودند. آنها بر ادامه فعالیت بر راستای سنن انقلابی حزب توده پافشاری کردند و نظریه اکثریت حاکم شد.

● انتخاب عنوان سازمان انقلابی حزب توده ایران برای سازمانی که تشکیل دادید می‌بایستی بر همین اساس باشد. چه کسی این نام را پیشنهاد کرد؟

– به خاطر می‌آورم.

● کورش لاشایی دلیل عمده انتخاب این عنوان را کوشش برای جلب پایه‌های حزب توده در خارج و داخل کشور به این تشکیلات جدید می‌داند. کوششی که هم حاصل دیدگاه نظری شما و هم حاصل نوعی حساب گری سیاسی می‌توانست باشد.

– از چنین ترکیبی در نهایت نام سازمان انقلابی حزب توده ایران بیرون آمد. عنوانی که هم ادامه سنتهای حزب توده محسوب می‌شد و هم با تکیه بر لفظ «سازمان انقلابی» بر جدایی از حزب و به ویژه رهبری آن ←

گبرد و در میان مردم نفوذ کند. خاطر هست گاهی از ما می‌خواستند در خارج دارو جمع آوری کنیم و برایشان بفروستیم تا در میان مردم پخش کنند. همچنین قرار بود جزوه‌ها و نشریات کمونیستی را روی کاغذهای نازک چاپ کنیم و برایشان بفروستیم. یکی از اقدامات آنها، چاپ و پخش مخفیانه برخی آثار لنین و جزوه‌هایی پیرامون اختلافات میان چین و شوروی بود. رژیم برخی از این آثار را در دادگاهی که برای گروه نیکخواه تشکیل داد به نمایش گذاشت. شاید بتوان گفت در مقایسه با گروه‌هایی که سازمان انقلابی بعدها به ایران فرستاد، گروه نیکخواه به لحاظ تأثیری که در جامعه گذاشت از همه موفق‌تر بود. آنچه از ماجرای دستگیری و دفاع نیکخواه در مطبوعات منعکس شد نشان می‌داد که چگونه جوانان تحصیل کرده ایرانی به همه امکانات خود پشت پا زده و در راه خدمت به مردم به رویارویی با رژیم دیکتاتوری شاه برخاسته‌اند. در خارج از کشور نیز مسئله نجات گروه نیکخواه از خطر اعدام، به سرآغازی برای جلب دانشجویان به مبارزه و رشد بی‌سابقه کنفدراسیون تبدیل شد.

● مسایل آن کنفرانس چه بود؟

– ادامه همان فعالیتهای گذشته، منتها این بار طبق برنامه‌ای سازمان یافته. یعنی بریدن از رهبری حزب توده و بازگشت به ایران در جهت ایجاد سازمانی انقلابی برای رهبری جنبش. در این کنفرانس طرح واحد انگلیس که براساس آن از حزب توده جدا شد و امر سازماندهی را پیش برده بودیم، مورد تصویب قرار گرفت. کنفرانس روی چند نکته به توافق رسید:

نخست آنکه واحدهای سازمانی باید طی مبارزه‌ای با ارائه خط مشی انقلابی در مقابل خط مشی رفرمیستی رهبری، از حزب توده جدا شوند. دیگر آن که رفقای که آمادگی بازگشت به ایران را دارند، پس از گذراندن دوره تعلیماتی در زمینه تئوری و عمل به ایران باز گردند و به

● حمید شوکت: گفتگوی امشب را با جلسه تدارکاتی مونیخ که در اردیبهشت ۱۳۴۲ (آوریل ۱۹۶۴) تشکیل شد، آغاز می‌کنیم. دلیل برگزاری این جلسه که به ایجاد سازمان انقلابی حزب توده ایران انجامید چه بود؟

محسن رضوانی: در یکی از تماس‌هایی که از لندن با نیکخواه در تهران گرفتم، ضمن تشریح موقعیت جنبش در خارج برایش نوشتم: اگر آتش مبارزه شما به زودی در ایران شعله‌ور شود، چه بهتر. اما اگر جز این باشد باید در اروپا حداقلی از سازماندهی داشته باشیم و سر و سامانی به کارها بدهیم، کارهایی که بیشتر امر تدارک نقل و انتقال و فراهم آوردن خدمات تکنیکی برای انتقال رفقا به ایران را مد نظر داشت. از همین جا به این نظر رسیدیم که برای این کار به درجه معینی از برنامه سیاسی و ایجاد پشت جبهه نیاز داریم.

● پاسخ نیکخواه چه بود؟

– حرفش این بود که کارها در ایران به طور بطئی پیش می‌رود و لازم است در خارج سازماندهی شود. پس تصمیم گرفتیم برای فراهم ساختن مقدمات این کار در مونیخ جلسه‌ای تشکیل دهیم که به جلسه تدارکاتی شهرت یافته است. این را نیز اضافه کنم که با این اقدام در فکر ایجاد سازمانی در مقابل حزب در خارج کشور نبودیم. تمام تلاش ما این بود که با رعایت پنهانکاری کامل در چین و کوبا آموزشهای سیاسی و نظامی ببینیم و پس از پایان این دوره بلافاصله در گروه‌های کوچک عازم ایران شویم. برنامه ما ایجاد یک دفتر (بورو) جهت پیشبرد این اقدام بود.

● فعالیت گروه نیکخواه در ایران چه بود؟

– پیش از آن که به ایران بروند طرحی تهیه کرده بودیم که براساس آن هم مبارزه با حزب توده را جلو ببریم و هم کار سازماندهی کمونیستی در ایران را. گروه نیکخواه با این تصور به ایران بازگشته بود که با انتخاب شغل و پوشش عادی، رفته رفته با سایر هسته‌ها و گروه‌های چپ تماس

➔ که به مبارزه انقلابی پشت کرده بود، رسمیت می‌بخشید.

● **اهمیت کنفرانس تدارکاتی مونیخ را در چه می‌دانی؟**
– تحولی در اپوزیسیون بود. برای اولین بار به نحوی جدی پای تشکیل یک جریان چپ با برنامه و اساسنامه‌ای تدوین شده می‌رفتیم. این تحول، فروپاشی سازمانهای حزب توده در خارج را که عامل رخوت و تسلیم طلبی حاکم بر جنبش بود تسریع کرد و بر چگونگی فعالیتهای کنفدراسیون که موتور مبارزه با رژیم شاه بود تأثیری جدی گذاشت.

در این میان، مشکل جدید سازماندهی با محتوای مارکسیستی – لنینیستی در دستور کار قرار داشت. قرار این بود تا طرحی که توسط گروه نیکخواه پیرامون ارزیابی ما از اوضاع سیاسی کشور و جنبش کمونیستی تدوین شده بود مبنای کار قرار گیرد. این طرح بعدها در نخستین کنفرانس سازمان انقلابی که در آلبانی برگزار شد به عنوان زمینه اصلی بحث در دستور کار قرار گرفت.

● **برگزاری کنفرانس تدارکاتی مونیخ به معنای رسمیت بخشیدن به مبارزه علنی و آشکار با کمیته مرکزی حزب توده ایران بود.**

– همین طور است. ما از آن پس خیلی بیشتر تحت تأثیر مسایل جنبش بین‌المللی کمونیستی قرار گرفتیم. به این معنا که با پیروی از مشی مبارزه قهرآمیز و بعدها نفی رویزیونیسم خروشچفی و همزیستی مسالمت آمیز که از جانب شوروی تبلیغ می‌شد به کارزار سیاسی و نظری با حزب توده ایران پرداختیم.

● **در کنفرانس چه مسایل دیگری طرح شد؟**

– پیشنهاد چینی‌ها را مبنی بر کمک به ما برای آموزش‌های تئوریک و سیاسی با رفقا در میان گذاشتم. همین طور خواست آنها را برای کمک به بخش فارسی رادیو پکن و ترجمه آثار چینی‌ها به زبان فارسی را پیش کشیدم.

● **مهدی تهرانی به همین منظور به چین رفت؟**

– این پیشنهاد خود مهدی بود که برای کار در بخش فارسی رادیو پکن به چین برود.

● **پس این ادعا که تو مهدی را به چین فرستادی که از سر راه دور باشد تا با خیال راحت کارهای‌تان را پیش ببرید واقعیت ندارد؟**

– چنین چیزی نیست. او از من ساسابقه‌تر و باتجربه‌تر بود و خودش را رئیس ما می‌دانست. من فقط پیغام چینی‌ها را در کنفرانس طرح کردم.

● **اما از این که می‌رفت راضی بودی؟**

– درست است. راضی بودم که می‌رفت، اما نه از این بابت که اگر می‌ماند جای مرا می‌گرفت. این رضایت خاطر فقط از این بابت بود که پنهان کاری را رعایت نمی‌کرد و این به ادامه حیات سازمان مخفی صدمه می‌زد. همین و بس.

● **به نظر تو مهدی چرا داوطلب شد به چین برود؟**

– به روابط بین‌المللی اهمیت می‌داد. شاید فکر می‌کرد سرنخ تماس با چینی‌ها را در دست داریم و از این راه اعمال نفوذ می‌کنم و اگر خود مستقلاً چنین امکانی را فراهم آورد کارش پیش خواهد رفت. این نحوه تفکر از سابقه توده‌ای او بر می‌خاست. وگرنه مهدی اهل این حرفها نبود که معتقد باشد باید رفت و از چینی‌ها آموزش گرفت. او از همان روز اول آنها را مسخره می‌کرد و می‌گفت: «سعدی ۷۰۰ سال پیش از ماو گفته است عبادت به جز خدمت خلق نیست. این مسخره‌بازی‌ها چیست در می‌آورید؟» نکته دیگر این که مهدی واقعا حاضر بود تمام وقت برای جنبش کار بکند و چنین نیز می‌کرد. اما بچه‌ها مخالف

جلو افتادن مهدی بودند و می‌گفتند تمام مسایل را نباید با او در میان گذاشت، هرچند که آخر سر همیشه مرکز هر جریانی می‌شد.

● **می‌توانی توضیح بدهی چه می‌کرد؟**

– مثلا در مونیخ يك قرار سازمانی داشتیم. می‌آمد راه‌آهن مونیخ و مرا بر می‌داشت و می‌گفت برویم خسروخان قشقایی را ببینیم و تمام روزمان با خسرو خان می‌گذشت! حال آن که چنین قرارى نبود. یا هزار و يك تماس افقی می‌گرفت و اصلا در بند رعایت اصول پنهانکاری نبود. چنین روشی به تشکیلات نوینباد ما صدمه می‌زد. تشکیلاتی که بارش را مورچه‌وار بر دوش می‌کشیدیم و با شور انقلابی در مقابل حزب توده که هنوز صاحب نام و آوازه بود قد علم می‌کردیم. تا آنجا که موفق شدیم از يك جریان رفرمیستی و حاشیه نشین، سازمانی از انقلابیون حرفه‌ای بسازیم. سازمانی که وجه بارش از خودگذشتگی و پشت پا زدن به منافع خصوصی و زندگی شخصی بود. کورش (لاشائی) کار و حرفه پزشکی و همسر و فرزندانش را گذاشت و به انقلابی حرفه‌ای تبدیل شد. یا خیلی‌های دیگر مثل سیاوش پارساژاد که پزشک بود و به کردستان رفت! یا بچه‌هایی که به امارات خلیج فارس رفتند و مخفی یا علنی به ایران بازگشتند.

● **مهدی هم همین طور.**

– بله، مهدی هم همین طور؛ و در نهایت با همین اقدامات ضعف و رخوت چیره بر فضای سیاسی خارج از کشور را مرتفع ساختیم. بگذار نمونه دیگری را برایت بگویم. در کنفرانس سازمان انقلابی در آلبانی، بیژن چهارازی وقتی

● **چطور شد که تو هیچ گاه نرفتی؟**
– هر وقت صحبت رفتن من می‌شد بچه‌ها مخالفت می‌کردند. حرفشان این بود که: «ما می‌رویم و محسن بماند تا اگر اتفاقی افتاد کارها را روبراه کند.» می‌گفتند بهتر است بمانم و نیرو جمع کنم.

● **مسئله اصلی سازمان انقلابی از آغاز این بود که رهبری حزب توده از بازگشت به ایران دست شسته، حال آن که این اقدام محور هر تحولی است. تو به عنوان نظریه پرداز و مدافع چنین تفکری تا آستانه انقلاب به ایران بازنگشتی. در مقابل این رفتار چه توجیهی داری؟**

– من در تمام جلسات پیشنهاد می‌کردم که ایران باز گردم. اصلا می‌گفتم این حق من است و دست آخر وقتی رأی می‌گرفتند، قرار می‌شد بمانم.

هیچ وقت یادم نمی‌رود. پس از جلسه کادرها در تابستان ۱۳۴۶ که در بلژیک برگزار شد، مهوش جاسمی به ایران رفت و قرار بود من هم بروم. با مهوش ازدواج نکرده بودم، اما مثل زن و شوهر بودیم. بار دیگر در کردستان، در نشستی که در تابستان ۱۳۴۸ در بکره‌جو برگزار شد، پرویز واعظ زاده گفت تمایل مرا به بازگشت به ایران در آن نشست طرح خواهد کرد. وقتی آن نشست به پایان رسید و او عازم ایران شد، با من تماس گرفت و گفت شرکت کنندگان در آن نشست به اتفاق آرا تصمیم گرفته‌اند که من فعلا باید در خارج بمانم؛ چون خارج از کشور برای ما اهمیت دارد.

● **سیاوش پارساژاد نوشته است: رضوانی هیچ گاه داوطلب کارهای خطرناک نبود.**

– نمی‌دانم چرا چنین چیزی گفته است؟ در رهبری سازمان



مهدی خانابادی



نیکیتا خروشوف

انقلابی کسی را سراغ ندارم که از انجام مسئولیتی به دلیل خطرناک بودن آن طفره رفته باشد.

● **برای آن که در رهبری سازمان انقلابی باشی، چه خصوصیات ضروری بود؟**

– اولین شرطش داشتن شناخت صحیح از جنبش و مبارزه‌ای بود که جریان داشت. این که برای هدایت جنبش می‌بایست توانایی جذب افراد را می‌داشتی و نرمش پذیر می‌بودی. هرکس را آن گونه که بود می‌پذیرفتی و از قابلیتها و امکاناتش به نفع جنبش استفاده می‌کرد.

(ادامه دارد)

عضو هیأت اجراییه شد، پایش را در يك کفش کرده بود که باید به ایران بازگردد.

● **چه مانعی داشت. این جزو برنامه شما بود.**

– درست است، اما چهارازی حتی حاضر نبود چند هفته‌ای بماند تا کارها را روبراه کنیم. هرچه بود به ایران بازگشت و دستگیر و زندانی شد. خاطرم هست روز آخری که به ایران می‌رفت در ترکیه با هم بودیم. سر مرز، هنگام خداحافظی به من گفت: «محسن من هنوز روی آن موضع قدیمی هستم. درست است که سازمانی درست کرده‌ایم، اما باید برگردیم ایران و آنجا مبارزه را پیش ببریم.»

حمله گروه‌های نیابتی به سفارت آمریکا در بغداد هشدار پنتاگون به جمهوری اسلامی و دولت عراق



ایست بازرسی در ورودی «منطقه سبز» بغداد محوطه ویژه سفارتخانه‌ها و اماکن دولتی

● منابع آمریکایی گزارش دادند دست‌کم هفت گلوله خمپاره به محوطه سفارت ایالات متحده در بغداد اصابت کرد که به نظر می‌رسد بزرگترین حمله در نوع خود در سال‌های اخیر بوده باشد.

● پنتاگون در بیانیه‌ای اعلام کرد لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا در واکنش به پرتاب خمپاره‌ها یا راکت‌ها به محوطه سفارت آمریکا در گفتگو با محمد السوداني نخست‌وزیر عراق این حملات را محکوم کرد و گفت: «گروه‌های مسلح همسو با [رژیم] ایران از جمله کتائب حزب‌الله و النجباء عامل حمله به پرسنل آمریکایی هستند».

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفت: «گروه‌های شبه‌نظامی متعددی که با حکومت ایران همسو هستند و آزادانه در عراق فعالیت می‌کنند، امنیت و ثبات عراق، کارکنان ما و شرکای ما را در منطقه تهدید می‌کنند».

یک مقام ارتش آمریکا به رویترز می‌گوید اوایل روز جمعه ۸ دسامبر (۱۷ آذرماه) حدود هفت گلوله خمپاره به محوطه سفارت ایالات متحده در بغداد اصابت کرد که به نظر می‌رسد بزرگترین حمله در نوع خود در سال‌های اخیر بوده باشد.

همزمان نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه دست‌کم پنج بار هدف حملات موشکی و پهپادهای انتحاری شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی قرار گرفتند. یک مقام دفاعی آمریکا گفت که سه بار پایگاه‌های آمریکا در سوریه و دو بار پایگاه «عین الاسد» در عراق هدف قرار گرفته است.

طبق گزارش‌های پنتاگون طی یک و ماه نیم گذشته حدود ۷۰ بار پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه هدف حملات شبه‌نظامیان مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته است.

مشخص نیست حمله به سفارت آمریکا با گلوله‌های خمپاره صورت گرفته یا راکت. دولت بایدن و دستیاران او از سوی منتقدان متهم شده‌اند که حملات گروه‌های نیابتی را خفیف جلوه می‌دهند تا مجبور به واکنش قاطع علیه منشاء این حملات نباشند.

هشدار به تهران و بغداد

پنتاگون در بیانیه‌ای اعلام کرد لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا در واکنش به پرتاب خمپاره‌ها یا راکت‌ها به محوطه سفارت آمریکا در گفتگو با محمد السوداني نخست‌وزیر عراق این حملات را محکوم کرد و گفت: «گروه‌های مسلح همسو با [رژیم] ایران از جمله کتائب حزب‌الله و النجباء عامل حمله به پرسنل آمریکایی هستند».

وزیر دفاع آمریکا به نخست‌وزیر عراق گفته «ایالات متحده این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که قاطعانه به این گروه‌ها پاسخ دهد».

در یک سال گذشته اولین بار است که این تعداد راکت به سفارت آمریکا در بغداد پرتاب شده است. هنوز هیچ گروهی مسئولیت آن را بر عهده نگرفته، اما حملات قبلی علیه نیروهای آمریکایی توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران که زیر پرچم «مقاومت اسلامی» در عراق فعال هستند انجام شده است.

آمریکایی در عراق و سوریه آغاز شد. در واکنش به این حملات جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا سوم آبان در نشست خبری مشترک با نخست‌وزیر استرالیا در کاخ سفید گفته بود «هشدار من به آیت‌الله این است که اگر همچنان به اقدامات خود علیه نیروهای ما ادامه دهد ما پاسخ خواهیم داد و آنها باید آماده باشند».

در هفته‌های اخیر مقامات آمریکایی بارها از طریق چین، قطر، عمان و دولت‌های اروپایی در مورد ادامه حملات به نیروهای آمریکایی در منطقه به جمهوری اسلامی هشدار دادند با اینهمه حملات بیش از پیش شدت گرفته است. بعید نیست همزمان با سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در دی‌ماه این حملات وسیع‌تر شود.

دولت بایدن متهم است که برای مقابله با این حملات اقدام جدی نمی‌کند. در همین ارتباط تام کاتن سناتور جمهوریخواه گفته بود «به نظر می‌رسد دولت بایدن از اینکه کاری برای مقابله با حمله گروه‌های نیابتی وابسته به [رژیم] ایران به نیروهای آمریکایی انجام نمی‌دهد، راضی است. اما وقتی [جمهوری اسلامی] ایران به موشک‌هایی دست پیدا کند که می‌تواند به آمریکا برسد، چه خواهیم کرد؟»

همچنین الیز اسفتنیک نماینده جمهوریخواه نیویورک عنوان کرده بود «حمایت [رژیم] ایران از حماس و حملات مستمر آنها به نیروهای آمریکایی نشان می‌دهد که تحریم‌های فعلی ما کارساز نیست».

پیش از این لیندا توماس گرینفیلد نماینده دائم ایالات متحده در سازمان ملل هفتم آذرماه رژیم ایران را به دست داشتن در حملات علیه نظامیان آمریکایی در سوریه و عراق متهم کرده بود. اما امیرسعید ابروانی نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به رئیس‌شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد ادعا کرد جمهوری اسلامی در هیچ اقدام یا حمله‌ای علیه نیروهای نظامی آمریکا دخالت نداشته است.

مقامات آمریکایی گفتند که حملات روز جمعه تلفاتی نداشت و خسارات بسیار جزئی وارد کرد. ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای گفت: «گروه‌های شبه‌نظامی متعددی که با حکومت ایران همسو هستند و آزادانه در عراق فعالیت می‌کنند، امنیت و ثبات عراق، کارکنان ما و شرکای ما را در منطقه تهدید می‌کنند».

میلر افزود: «دولت عراق متعهد شده است که از مأموریت‌های دیپلماتیک و همچنین پرسنل نظامی آمریکا که به دعوت عراق در این کشور حضور دارند، محافظت کند».

رویترز می‌نویسد، این حملات برای السودانی که متعهد شده است از مأموریت‌های خارجی محافظت کند یک چالش جدی است. مأموریت پرسنل آمریکا در عراق حفاظت از ثبات شکننده این کشور است تا شرایط بهتری برای سرمایه‌گذاری خارجی از جمله ایالات متحده ایجاد شود.

دفتر السودانی در بیانیه‌ای اعلام کرد که به نیروهای امنیتی عراق دستور داده تا عامل این حملات را شناسایی کنند. در این بیانیه آمده «گروه‌های سرکش و بی‌قانون به هیچ وجه نماینده اراده مردم عراق نیستند».

وی همچنین گفت که تضعیف ثبات عراق و هدف قرار دادن مکان‌هایی که دولت متعهد به حفاظت از آن است، اقدامات تروریستی است.

یکی از فرماندهان گروه شبه‌نظامی «کتائب سیدالشهدا» اعلام کرده «حمله به مواضع آمریکا تا وقتی جنایت علیه غزه متوقف نشود ادامه خواهد داشت».

حملات ایذایی به نیروهای آمریکایی در منطقه یک هفته پس از آغاز عملیات زمینی اسرائیل در غزه آغاز شد. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۵ مهرماه در یک سخنرانی گفت دروازه آمریکایی‌ها در حال «مدیریت» جنگ غزه هستند. پس از آن، موج گسترده حملات علیه نیروهای

اخراج روح‌الله فیروزنام از کانادا به اتهام همکاری با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



روح‌الله فیروزنام

ادامه با آنها همکاری می‌کرد. نهادهایی که شامل نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها، وزارت اطلاعات و اداره‌های پلیس امنیت بوده‌اند. این دوربین‌ها در اماکن عمومی اطراف شهر شیراز نیز نصب شده‌اند. هیئت‌مدیره شرکت شهر ارتباطات شیراز هم شامل اعضای سرویس‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی بود، اگرچه فیروزنام مدعی شد که از این موضوع بی‌اطلاع بوده است. سوابق دادگاه نشان می‌دهد که او در سال ۲۰۰۹ به عنوان رئیس هیئت‌مدیره انتخاب شد و در حالی که در سال ۲۰۱۲ از آن سمت استعفا داد، اما همچنان به عنوان مدیر عملیاتی شرکت باقی ماند.

روح‌الله فیروزنام در دادگاه کانادا مدعی شده است که تا ماه‌های اخیر از همکاری شرکت‌اش با حکومت برای سرکوب مخالفان و فعالان سیاسی بی‌اطلاع بوده و گمان می‌کرد که وجود این دوربین‌ها مانع شکنجه زندانیان به دست بازجوها می‌شود؛ ادعاهایی که قضات دادگاه فدرال رد کرده‌اند.

وبسایت «گلوبال نیوز» پیش از این گزارش داده بود با درخواست آژانس خدمات مرزی کانادا، پرونده اخراج سیدسلیمان سامانی نیز به جریان افتاده است.

خبرگزاری «سی‌بی‌سی» سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) گزارش داد اداره خدمات مرزی کانادا ورود ده‌ها نفر از مقامات ارشد حکومت ایران را ممنوع کرده و در حال تحقیق از حدود ۱۰۰ نفر از دارندگان اقامت کانادا برای ارتباط احتمالی آنان با جمهوری اسلامی است.

با فشار جامعه ایرانی مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی، دولت لیبرال در عوض تصمیم گرفت از طریق قوانین مهاجرت اقداماتی انجام دهد.

سفارت کانادا در ترکیه با درخواست فیروزنام برای «ویزای توریستی» موافقت کرده است. این فرد در تورنتو به همراه همسر و دخترش پس از نقل مکان به یک آپارتمان، وکیل مهاجرت استخدام کرده و تقاضای پناهندگی داده است.

گفته می‌شود فیروزنام ادعا کرده در جریان تظاهرات سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ وقتی دیده که حکومت چطور مردم را سرکوب می‌کند، تصمیم گرفته علیه رژیم عمل کند و با همین هدف ۱۰ گیگابایت اطلاعات مهم را از شیراز دانلود کرده و به فردی در سوئد داده است. وی ادعا کرده پس از این کار جان‌اش به خطر افتاده و به تورنتو پرواز کرده است. یکی از کسانی که فیروزنام با وی همکاری داشته محمدحسین نجات‌جانشین «قراگراهِ ثارالله» است. نجات به مدت ۱۰ سال سمت فرمانده یگان محافظان علی‌خامنه‌ای را بر عهده داشت. فیروزنام همچنین متهم است برای شرکتی وابسته به سپاه پاسداران باتری‌های خورشیدی نصب می‌کرده است.

مقامات اداره مهاجرت کانادا و همچنین وکلای روح‌الله فیروزنام اعلام نکرده‌اند که آیا این فرد همچنان در خاک کانادا حضور دارد یا به ایران دیپورت شده است. یک قاضی در استان انتاریو به «گلوبال نیوز» گفته اخراج فیروزنام از کانادا در اوایل سال ۲۰۲۳ میلادی به جرم «همدستی در جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت» تأیید شده بود.

در ادامه این گزارش آمده سوابق دادگاه کانادا نشان می‌دهد که شرکت متعلق به فیروزنام یک «بازوی حکومتی» تلقی شده که «بازداشت خودسرانه و شکنجه زندانیان» را تسهیل می‌کرد. طبق سوابق دادگاه فدرال کانادا، این شرکت که در شهر شیراز مستقر است، دوربین‌های امنیتی را بطور عمده به سازمان‌های دولتی و حکومتی می‌فروخت و در

● روح‌الله فیروزنام شهروند ایرانی ساکن تورنتو به اتهام «مشارکت در جنایت علیه بشریت» از طریق تأمین دوربین‌های نظارتی برای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در آستانه اخراج از کانادا قرار گرفته است.

● با وجود این سابقه در سال ۲۰۱۸ سفارت کانادا در ترکیه با درخواست فیروزنام برای «ویزای توریستی» موافقت کرده است. این فرد در تورنتو به همراه همسر و دخترش پس از نقل مکان به یک آپارتمان، وکیل مهاجرت استخدام می‌کند و تقاضای پناهندگی می‌دهد.

● گفته می‌شود فیروزنام مدعی شده در جریان تظاهرات سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ وقتی دیده که در جریان اعتراضات حکومت چطور مردم را سرکوب می‌کند، تصمیم گرفته علیه رژیم عمل کند و با همین هدف ۱۰ گیگابایت اطلاعات مهم را از شیراز دانلود کرده و به فردی در سوئد داده است. وی ادعا کرده پس از این کار جان‌اش به خطر افتاده و به تورنتو پرواز کرده است.

پایگاه خبری «گلوبال نیوز» هفتم دسامبر (۱۶ آذرماه) گزارش داد که روح‌الله فیروزنام شهروند ایرانی ساکن تورنتو به اتهام «مشارکت در جنایت علیه بشریت» از طریق تأمین دوربین‌های نظارتی برای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در آستانه اخراج از کانادا قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، فیروزنام شرکتی را در حومه شیراز اداره می‌کرد که برای نهادهای امنیتی رژیم ایران دوربین‌های امنیتی را تأمین و راه‌اندازی می‌کرده است. سه نفر از اعضای هیأت مدیره و سهامداران شرکت از اعضای ارشد وزارت اطلاعات بودند.

یکی از شرکای فیروزنام، یک فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. با وجود این سابقه در سال ۲۰۱۸

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید (۳) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت- دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

فرانسوی‌ها بدیهی است که در ازای اجازه رفتن خمینی به آنجا، او به دنبال کارزاری برای خود نخواهد رفت. در واقع پیش از آن نیز خیلی‌ها پیشنهاد می‌کردند که از شُر او [خمینی] خلاص شویم ولی پدرم اصلا موافق «شهید» ساختن از خمینی نبود. من این را اینجا به شما می‌گویم زیرا حقایق نیست که بیشتر مردم آن را شنیده باشند و رسانه‌ها در مورد آن گزارش نداده‌اند و انقلابیون درباره‌اش صحبت نکرده‌اند. اینها حقایقی است که در آن زمان اتفاق افتاده. پدرم [کشتن خمینی را] قبول نکرد! او در برابر بسیاری از دولت‌ها از جمله دولت کارتر، محکم ایستاد. پدرم گفت بعد از ۳۷ سال سلطنت من علیه مردم خودم وارد عمل نمی‌شوم. من دستانم را به خون مردم خودم آلوده نمی‌کنم. و داوطلبانه کشور را ترک کرد. وقتی این را فهمیدند، منظوم کارتر و شرکاست، نشست گوادولوپ برگزار شد. جایی که خودش بود، کالاهان وزیر خارجه بریتانیا، هلموت اشمیت که فکر می‌کنم در آن زمان صدراعظم آلمان بود و ژیسکار دست رئیس جمهوری فرانسه. همه آنها تصمیم گرفتند اگر ما نتوانیم به شاه تکیه کنیم، برای حفظ قدرت خود چاره‌ای جز حمایت از خمینی نداریم.

● اما آیا آنها سقوط را می‌خواستند؟ چون آنها می‌دانستند که اهرم مذاکره تماما در دست پدر شماست؛ برای قیمت نفت می‌بایست از طریق او وارد می‌شدند و این شما را به رژیم قوی‌تری تبدیل می‌کرد. آیا همین باعث شد تا آنها از این سقوط حمایت کنند؟
- اگر اشتباه نکنم ما آن زمان هر بشکه نفت را حدود ۱۴ تا ۱۵ دلار می‌فروختیم. سه ماه پس از سقوط پدرم قیمت نفت تا حدود ۳۵ دلار افزایش یافت. نفت دریای شمال بشکه‌ای در زیر ۱۷ دلار به صرفه نبود. من نمی‌دانم چه محاسبه‌ای در بازی بود. آیا فقط ترس از افزایش قیمت نفت بود؟ خب، در نتیجه‌ی انقلاب که قیمت‌اش بالاتر رفت!

● من با شما موافقم. وقتی رابطه‌ای با رژیم جدید ندارید که با آن کنار بیایید... آنها هرکاری که نباید انجام داد، انجام دادند...

← هیچکس نمی‌دانست این شخص کیست. همه

دخالت مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها یک قدم عقب‌نشینی کند تا از حد یک پادشاه مشروطه تجاوز نشود و اجازه داده شود که به گفته‌ی آنان سلطنت کند و حکومت نکند. تمام بحث آن زمان، این بود. اما فضا به سمتی رفت که اسلامگرایان با کمک مارکسیست‌ها پیروز شدند و گفتند نه ما باید کاملا از دست شاه خلاص شویم. و بنابراین بجای رفتن به دنبال اصلاح نظام، که در واقع پدرم مایل به انجام آن بود [انقلاب شد]. اینها حقایقی هستند که من از همه طرفین اعم از موافقان و یا مخالفان پدرم در طول بیش از چهار سال گذشته شنیده‌ام و واقعیت این بود که فرصت برای اصلاحات وجود داشت اما به آن منتهی نشد.

حالا فرض کنید اگر روی کار آمدن گورباچف پنج سال زودتر اتفاق می‌افتاد، شاید الان اینجا نبودیم. می‌شد نتیجه‌ی متفاوتی داشت. بنابراین همه چیز را به عوامل خارجی نسبت دادن واقعا منصفانه نیست. اما نادرست هم نیست بلکه یکی از جنبه‌هاست. بخشی از آن داخلی بود. من فکر می‌کنم اشتباهاتی در هر جبهه‌ای وجود داشته. از جمله از سوی پدرم. اما به نظر من مخالفانش بیش از او اشتباه کردند چرا که او امکان اصلاح را ارائه می‌کرد و آنها قبول نکردند. آنها فکر می‌کردند که با روی کار آوردن این روحانی همه چیز به سوی بهتر شدن تغییر می‌کند. در نتیجه زمانی که مردم متوجه شدند چه اتفاقی افتاده دیگر دیر شده بود و از آن زمان ما با این رژیم روبرو هستیم. منظوم اینست درسی که از اینهمه می‌توان گرفت چیست؟ ببخشید، یک جنبه دیگر که مهم است فراموش کردم؛ درست بعد از آن تصویری که نشان دادید...

● کدامیک؟

-آنکه کارتر در تهران است و در موردش حرف زدید. همان زمان جریان زیرزمینی شروع به شکل گرفتن کرده بود و برخی از این دولت‌ها از جمله دولت فرانسه که میزبان خمینی بود به عنوان یک پناهنده سیاسی که اتفاقا طبق قوانین فرانسه اگر به او وضعیت پناهندگی داده شود از انجام هر نوع کمپین علیه دولت دیگری منع می‌شوید اما فرانسوی‌ها همان زمان از پدرم پرسیدند، پس از آنکه [خمینی] از عراق به پاریس نقل مکان کرد و به نوفل لوشاتو رفت و پدرم تصور می‌کرد که

● اینکه سخنگوی حزب توده قبل از پدر شما مصدق بود به عنوان یکی از کسانی که جامعه کمونیست‌ها را نمایندگی می‌کرد، ادعای درستی است؟

-در واقع بیشتر مردم فراموش کرده‌اند که پدرم در آن زمان مصدق را به عنوان نامزد نخست‌وزیری معرفی کرد زیرا معتقد بود که او بهترین کسی است که می‌تواند موضوع ملی شدن نفت را برای ایران پیش ببرد. البته انگلیسی‌ها از این موضوع خوشحال نشدند و به همین دلیل نفت ما تحریم شد. این منجر به از دست دادن درآمد شد تا جایی که دولت مصدق در حال ورشکستگی بود و دیری نگذشت که پدرم فرمان داد تا از سمت خود برکنار شود؛ هنگامی که کمونیست‌ها پرچم شوروی را در تهران به اهتزاز درآورده بودند. یعنی خطر در آن زمان این بود که کشور به دست شوروی بیفتد؛ روس‌ها با همکاری حزب توده. اینها همه تحرکات آن زمان بود.

حال اگر شما اینهمه را به معنی استدلال برای لیبرال‌سیون و مشارکت سیاسی در نظر بگیرید، تعادل اینوسط در کجاست؟ ما در آن زمان به اندازه کافی احزاب سازمانیافته برای ایجاد نوعی تعادل نداشتیم. اکثر احزاب سازمانیافته چپ یا مارکسیست از جمله حزب توده بودند. بنابراین با توجه به این حقیقت که جامعه آن زمان تا چه حد تحصیلکرده بود [برقراری تعادل امکان نداشت].

حتا امروز هم پرسیده می‌شود که آیا ایرانیان آمادگی مشارکت واقعی دموکراتیک را دارند یا نه! من معتقدم امروز بله! اما آن زمان، واقع‌بینانه فرض کنید فضای سیاسی کاملا باز می‌بود، چه کسی می‌توانست ناگهان در این مسیر یکطرفه پیروز شود؟ حالا منتقدین رژیم پدرم فقط بر این نکته تمرکز کرده‌اند که آزادی سیاسی به معنایی که شما در غرب دارید وجود نداشت! همه آزادی‌های دیگر بود اما در عرصه سیاسی محدود بود. ولی این به این دلیل نبود که پدرم چنین می‌خواست بلکه شرایط چنین اقتضا می‌کرد. او همچنان متعهد به اصلاحات بود.

حرف من این است که وقتی به مرحله‌ای در انقلاب به سال ۱۹۷۸ رسیدیم که در ایران بحران سیاسی وجود داشت، عناصر زیادی در داخل ایران وجود داشتند که برخی از آنها اعضای جبهه ملی بودند که اصرار می‌کردند که پدرم از

فکر می‌کردند خمینی یک نوع عالم مذهبی است. پیر خردمندی که به خانه بر می‌گردد و نقش خودش را بازی می‌کند. افرادی مثل آندرو یانگ او را قدیس نامیدند...

● **آندرو یانگ که نامزد فرمانداری [ایالت جورجیا] حزب دموکرات بود...**
-بله، اگر اشتباه نکنم در آن زمان شهردار آتلانتا بود...

● **آندرو یانگ او را قدیس نامید و یکسری دیگر معتقد بودند یک شخصیت روحانی است.**

-بله، بقیه واقعا معتقد بودند که او یک شخصیت روحانی است ولی با ایدئولوژی‌ای که آورد مشخص شد او از هر قداستی به دور است. بقیه‌اش، به قولی، دیگر تاریخ است. اما ما باید این مسائل را مطرح کنیم زیرا فکر می‌کنم مخاطبان ما می‌بایست پیچیدگی آنچه را که در آن منطقه در حال روی دادن است و پویایی آن را و اینکه چرا ایران تا این حد با سایر کشورهای منطقه متفاوت است درک کنند. زیرا احساس هویت و هویت ملی ما برخلاف مذهب حاکم، که در اولویت نیست، باعث می‌شود که ما همواره بگوئیم ما اول ایرانی و بعد از این قوم یا آن مذهب هستیم. درک این موضوع بسیار مهم است. این نکته‌ای است که ما آن را به درک هویت ملی خود ربط می‌دهیم.

اشتباه است اگر بخواهید همه را راضی نگه دارید!

● **یک کتاب خوب نوشته شده به اسم «پنج وسوسه‌ی یک مدیرعامل» [درباره مدیریت و رهبری]؛ یکی از این وسوسه‌ها اینست که بخواهید همه را راضی نگه دارید! پدر شما هم کسی بود که سعی می‌کرد، فقرا را با تصمیمات سوسیالیستی و همچنین ثروتمندان و طبقات بالاتر را راضی کند که انجام این کار بسیار سخت است. در سال ۱۹۶۳ با انقلاب سفید و اصلاحات ارضی زمین را از پولدارها گرفت و بین دهقانان تقسیم کرد؛ دو و نیم میلیون نفر صاحب زمین شدند. این بازتوزیع یک اقدام سوسیالیستی است! اینها کار برنی سندرز [سناتور دموکرات از ورمانت] و الیزابت وارن [سناتور دموکرات از ماساچوست] است. در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۷ جشن‌های ۲۵۰۰ ساله برگزار شد تا ایران را به همه جهان معرفی کند. مستندی در این مورد ساخته شده که چقدر باورنکردنی است. شاید هرگز جشنی مانند آن در گذشته وجود نداشته که در آن اینهمه افراد قدرتمند از سراسر جهان شرکت کنند. آیا فکر می‌کنید واقعا این وسوسه در وی وجود داشت که می‌خواست فقیر و ثروتمند را راضی نگه‌دارد و در نهایت هر دو را هم تا حدی از دست داد؟**

-می‌دانید، در موضوع عدالت اجتماعی شما نمی‌توانید بین فقیر و ثروتمند عدم تعادل داشته باشید. این شکاف همیشه وجود دارد پس باید تلاش کنید تا بین آنها آشتی به وجود آورده و برای نیروی کار در ایران اشتغال به وجود بیاورید. باید مشوقها و حمایت‌هایی را برای آنها فراهم کنید و در نتیجه اگر آموزش را رایگان کنید، اگر بسیاری از جنبه‌ها را در زمینه‌های مختلف برابر کنید، مردم هم امکانات بیشتری خواهند داشت. او سعی کرد با برنامه‌هایی این کارها را پیش برد که نتیجه‌اش انقلاب سفید و همچنین مسیری بود که نظام در آن پیش می‌رفت. در عین حال همزمان باید بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری در کشور می‌کردیم. به همین دلیل بسیاری از صنایع و کارخانجات برتر ما اساسا توسط کارآفرینان ایرانی به راه افتادند که در گذشته تأثیر بسیاری در اقتصاد ایران داشتند. بسیاری از آنها غیرمسلمان بودند؛ بسیاری از خانواده‌هایی با موقعیت‌های متفاوت بودند. به همین دلیل بود که با وقوع انقلاب، خمینی شروع

به مصادره اموال آنها کرد. آنها مجبور به فرار شدند و اولین فرار مغزها که ایران در آن زمان با آن روبرو شد، درست بعد از انقلاب بود. بیشتر این افراد مجبور شدند کشور خود را ترک کنند و تمام اموال و دارایی‌های خود را جا بگذارند. این کشور همچنان در نتیجه همان تلاش‌ها سرمایه‌گذاری‌های آن دوران است که هنوز کار می‌کند. فکرش را بکنید، هم کسانی که می‌توانستند به ساختن کشور کمک کنند و ما به آنها نیاز داشتیم و هم افرادی که مرفه و توانمند بودند و امکانات داشتند و هم اینکه همزمان می‌خواستیم مردم بیشتری بیش از پیش آموزش ببینند تا بتوانیم بیشتر و بیشتر مستقل باشیم. وقتی می‌خواهید شرکتی بزنید و تعدادی مهندس آموزش ببینند تا در نهایت با دانش فنی و تکنولوژی خود جایگزین شوند، در ابتدا باید مهندسان و عوامل خارجی خود را داشته باشید و مردم کشور را آموزش دهید تا بتوانند صاحب صنعت شوند. اگر پایه آموزشی وجود نداشته باشد که نمی‌توان این کارها را انجام داد. حتا امروز هم ما ایرانیان زیادی در انواع رشته‌ها از ریاضیات تا علوم دیگر در دانشگاه‌هایی مثل هاروارد داریم که در درجات عالی تحصیل می‌کنند. ما در آن زمان در مدارس ایران چنین آموزشی را داشتیم یعنی این بچه‌ها از خانواده‌های ممتاز نیستند و هر کسی این امکان را داشت تا تحصیلات عالی داشته باشد و البته اگر ثمرات لازم را می‌داشت و در کنکور قبول می‌شد. پس از مدتی کارتان هم تضمین می‌شد.

● **این خیلی مهم است که شما می‌خواهید شغل پیدا کنید و مهم است که به این وعده عمل شود.**
-عملا همان چیزی بود که برخلاف امروز اتفاق می‌افتاد. با اینکه بچه‌ها اینهمه تلاش می‌کنند و موفق به گرفتن مدرک می‌شوند ولی هیچ فرصتی برای استخدام شدن ندارند؛ از هر طبقه‌ای که در جامعه باشد.

● **جالب است که آندرو یانگ شهردار آتلانتا و یک فرد قدرتمند خمینی را قدیس خواند؛ این نشان می‌دهد که چقدر ارتباط آنها با واقعیت قطع بود... پدر شما آدم محکمی بود. فکر می‌کنید چه اشتباهی مرتکب شد؟ آیا رفتن او بود؟ آیا باید می‌رفت؟ آیا باید می‌ماند؟ آیا خیلی لاف می‌زد؟ آیا باید کمی عقب می‌نشست؟ به عنوان فرزند یکی از بزرگترین رهبرانی که ایران تا حالا داشته چه فکر می‌کنید؟**
-من و شما الان در سال ۲۰۲۳ هستیم. آنها در دوره‌ای بودند که همه چیز کاملا متفاوت بود. چالش‌های بسیاری یکسان هستند اما رابطه‌ی ما با دنیای واقعی بر اساس دانسته‌های ما از جهان در حال حاضر است و بسیار سخت است که خود را در شرایط آن زمان و طرز فکر و بحث‌هایی قرار دهیم که روشن است آن زمان من نمی‌دانستم. چیزهای زیادی هست که شاید ما هرگز ندانیم...

● **شما تمام کتاب‌هایی را که مربوط به خانواده شهاست می‌خوانید و همه مستندها را تماشا می‌کنید که مربوط به خانواده شهاست...**

- حتی اگر این کار را بکنید واقعا قرار گرفتن در آن موقعیت خیلی سخت است؛ سخت است که بتوانید خود را جای کسی قرار دهید که فکر کنید درباره این یا آن موضوع چه فکر می‌کرد یا انجام می‌داد. [مثلا] در زمانی که پدرم باید به این فکر می‌کرد که چگونه با هند و پاکستان رابطه حسنه برقرار کند، دانستن اینکه بین این دو چه خبر است به عنوان کشورهای هسته‌ای؛ منظورم این است که چیزهای زیادی وجود دارد که ممکن است بلافاصله به ذهن شما نرسد اما باید بگوئید خوب، این بخشی از معادله است؛ بخشی از محاسبه

است.

وقتی عربستان سعودی چهار برابر بیشتر از ایران نفت تولید می‌کرد با جمعیتی که یک ششم ایران بود آیا پدرم را را به خاطر تضمین قیمت منصفانه نفت سرزنش می‌کنید؟ او مجبور بود شکم ۲۵ میلیون نفر را سیر کند در حالی که جمعیت عربستان ۵۵ میلیون یا شش میلیون بود و با اینهمه عربستان چهار برابر ایران درآمد داشت. او چگونه می‌توانست تمام کارهایی را که [به عنوان وظیفه/ خدمت] باید انجام می‌داد، انجام دهد؟ آیا همین باعث ایجاد برخی مشکلات شده بود؟ حالا اگر می‌خواهید به جزئیات بپردازید ممکن است استدلال کنید اقتصاددان‌ها می‌گفتند ما فقط در حال خرج کردن درآمد نفتی خود هستیم و این از نظر اقتصادی پایدار نیست و غیره.

به هر حال در نقطه‌ای قرار است به دیوار برخورد کنیم و به تمام آن اتفاقاتی که در پایان دوره هویدا رخ داد، حالا این چیزاست که شاید ایرانی‌ها بیشتر دنبال کنند تا مخاطبان خارجی که ممکن است متوجه منظور من نشوند، اما چیزی که من می‌گویم اینست که مطمئنا می‌توانید به گذشته برگردید و نوار را به عقب برگردانید و بگوئید شاید آنها باید این کار را بجای آن کار انجام می‌دادند. اما فکر می‌کنم از نظر تصویر کلان بطور کلی با تلاش برای قرار دادن ایران روی نقشه و مسیری که در پیش گرفته بود و شما خودتان با داشتن حسی از رشد اقتصادی ثابتی که از آن برخوردار بودید و این فقط از نفت و گاز نبود، درواقع گاز واقعت نبود و عمدتا نفت بود؛ اما کارهای دیگری که ایران شروع به انجام آنها کرده بود، می‌خواهم بگویم که تصمیم‌گیری بسیار سخت است.

انتقادی که مطرح می‌شود این است که [تحولات] خیلی زیاد و خیلی سریع بود و جامعه زمان کافی برای رسیدن به این مرحله نداشت و اینکه آیا مردم می‌توانستند از مناطق روستایی با زندگی شهری سازگار شوند؟ این مجموعه شرایط کاملا متفاوتی است. آیا این به جامعه کشاورزی آسیب می‌رساند؟ چرا که صنعتی شدن شما را به سمت چیزهایی می‌کشاند که بسیار سودآورتر هستند به عبارت دیگر اگر فردی در زمینه کشاورزی کار می‌کند، به دلیل بارندگی ممکن است شاید آنقدر خوش‌شانس باشد که هر سال از یک محصول خاص حاصل خوبی داشته باشد و بعد از تمام تلاش‌ها اگر فرزند شما به تهران برود و حداقل آموزش تعمیر یخچال را داشته باشد احتمالا در یک ساعت پول بیشتری به دست خواهد آورد که پدر در یک ماه کامل به دست خواهد آورد. می‌دانید، همه اینها منجر به شهرنشینی و جابجایی مردم می‌شود. همه این محاسباتی که نقش بازی می‌کنند. نه اینکه فکرش را نمی‌کردند؛ اما ناگهان کشوری را می‌بینید که درآمد سرانه به سطحی بالا جهش کرده و قدرت خرید مردم باعث می‌شود که آنها بتوانند بیشتر داشته باشند. آیا این خیلی سریع بود؟

و بعد شما مقاومتی را دارید از سوی روحانیتی که اصلا دوست نداشت پدرم کشور را به کجا می‌برد؛ در نتیجه، اعتراضات در مورد زنان، در مورد اصلاحات ارضی و همه چیزهایی که خمینی شروع کرد و عنصری که این اقدامات را به چالش کشیدند... به این ترتیب مبارزه‌ای در جریان بود. آیا پدرم در مورد نوسازی کشور درست می‌گفت؟ یا اینکه نه، با جریان حرکت کند و بگوید ما باید قدم به قدم برویم و مطمئن بشویم که روحانیت مقاومت نمی‌کند؟ می‌دانید، این کارها را چه انجام دهید و چه انجام ندهید بعضی ایراد می‌گیرند. افرادی در طرف لیبرال خواهید داشت که می‌گویند ما باید خیلی سریع‌تر جامعه را باز کنیم و بعضی‌ها که می‌گفتند خیلی تند رفتیم و باید سنت را حفظ کنیم. کدام استدلال در پایان برنده است؟
(ادامه دارد)

فراکنی مقامات حکومتی درباره پدیده «مهاجرت» یا «فرار» ایرانیان از کشور جامعه‌شناسان چه می‌گویند؟



● سعید معیدفر جامعه‌شناس دلیل مهاجرت گسترده ایرانیان را که دیگر شکل «فرار» به خود گرفته، «تنگناهای امنیتی، مشکلات اقتصادی، تنفر و انزجار نسبت به مبدأ، احساس پوچی در کشور خود» دانسته است.

● نقی آزادارمکی جامعه‌شناس: علت اصلی مهاجرت عدم چسبندگی نظام اجتماعی به نظام سیاسی و فرهنگی است.
● سردار پاسدار علی فدوی: مجموعه‌ای وجود دارد که کار می‌کند؛ پزشک و پرستار و دانشجو مهاجرت کنند و بروند! الان بین حق و باطل دعواست. در هر جنگی هم ستون پنجم وجود دارد و کار می‌کند!

آمارهای تکانه‌دهنده مهاجرت در حالی هشدارهای کارشناسان را درباره از بین رفتن سرمایه انسانی کشور به همراه داشته که مقامات دولتی با فراکنی و توهم دسیسه‌هایی از خارج، با این موضوع حیاتی برخورد می‌کنند. سعید معیدفر جامعه‌شناس در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» دلیل مهاجرت گسترده ایرانیان را «تنگناهای امنیتی، مشکلات اقتصادی، تنفر و انزجار نسبت به مبدأ، احساس پوچی در کشور خود» دانسته است.

این جامعه‌شناس گفته که «در هفته تعداد زیادی از مهاجران در دریای مدیترانه جان خود را از دست می‌دهند. اکثر این افراد از ایران، افغانستان، نیجریه و سایر کشورهایی هستند که از نظر ساختار توسعه و جایگاه اجتماعی با مشکلات جدی مواجهند. در واقع این افراد مبدأ و مقصد را مقایسه نمی‌کنند و تنها قصد رفتن دارند که می‌توان از آن به‌عنوان فرار یاد کرد و نه مهاجرت. امروز عده زیادی از کشور فرار می‌کنند نه مهاجرت.

او در ادامه گفته که «بسیاری از مهاجران احساس می‌کنند در کشور خود به‌عنوان انسان و فردی که دارای جایگاه و منابع و منافع است، شناخته نمی‌شوند.»

آمارهای ارائه شده در مورد مهاجرت ایران تکانه‌دهنده است و نشان می‌دهد بسیاری از شهروندان با هر تحصیلات و شغل و تخصصی تمایل دارند از ایران بروند و در کشور دیگری زندگی کنند. با وجود هشدارهای کارشناسان نسبت به خالی شدن کشور از نیروهای متخصص و منابع انسانی، مقامات حکومتی در مورد چنین پدیده‌ی مهمی به فراکنی مشغول هستند.

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در مراسم روز دانشجو در اظهاراتی بی‌معنا یکی از شاخص‌های «نخبگی» را «وطن‌دوستی» دانسته و گفته بود که «نخبگی اجازه می‌دهد که خدمت به کشور را رها کنید و به این بهانه که فلان جا مقداری بیشتر به من پول می‌دهد پس به آنجا بروم؟» این در حالیست که بسیاری از مهاجران به ویژه نخبگان به دلیل فشارها و موانع حکومت برای برخورداری از یک زندگی آرام و بدون فشارهای امنیتی و رو به پیشرفت است که ایران را ترک می‌کنند و البته بسیاری از مقامات حکومتی که بیش از چهار دهه است در ایران مانده‌اند، انگیزه‌شان برداشت از سفره انقلاب است و اقدامات آنها نه تنها نشانه‌ای از وطن‌دوستی ندارد بلکه نشان از نگاه ضدمیهنی و ضدملی آنها دارد.

محمدعلی زلفی‌گل وزیر علوم جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته در نشست پرسش و پاسخ دانشجویی در دانشگاه «شریف» با اشاره به افزایش نرخ آزادسازی مدرک تحصیلی

تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران، اما معتقد است که «معمولاً وقتی یک واقعیت بزرگ و پیچیده را نبینیم، آن را با مهارت‌هایی تقلیل می‌دهیم به یکی از اجزای آن پدیده. درباره مسئله مهاجرت هم این موضوع صدق می‌کند.»

این جامعه‌شناس گفته که «جامعه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی بیمار است اما می‌گویند که نخبه صرفاً به دلیل اقتصادی مهاجرت می‌کند. این درحالیست که اولین علت مهاجرت نخبگان از کشور دلیل اقتصادی نیست. اگرچه در کشورهای دیگر به نخبگی این افراد اهمیت می‌دهند و آنها دچار مشکل اقتصادی نمی‌شوند. اما نخبه‌ها به این دلیل از کشور ما مهاجرت می‌کنند که در خیلی از عرصه‌ها، پخته‌ها حضور و نفوذ دارند و جای نخبه‌ها را پخته‌ها و شبه‌نخبه‌ها گرفته‌اند.»

به عقیده تقی آزادارمکی «دانشگاه‌های ما نیروی متخصص تربیت می‌کند اما نهادها و سازمان‌ها از داخل احزاب وابسته به خود و مناسبات شخصی خود نیرو استخدام می‌کنند. تعداد بالایی از افراد به‌عنوان متخصص روابط بین‌الملل در دانشگاه‌ها تربیت می‌شوند اما وزارت امور خارجه از آنها به‌عنوان سفیر و نماینده ایران در خارج از کشور استفاده نمی‌کند؛ جای این افراد را فرزندان و وابستگان افراد می‌گیرند؛ در همه وزارتخانه‌ها وضعیت چنین است.» او همچنین گفته «مسئله دیگر، بدبینی نسبت به نخبه‌ها در کشور است. هر کس در این کشور باسوادتر است غرب‌زده‌تر تلقی می‌شود. هر که منتقدتر است، خائن‌تر تلقی می‌شود؛ افرادی که تابع هستند محبوب شده و صاحب جایگاه می‌شوند. به رؤسای دانشکده‌های کشور نگاه کنید تا به شرایط پی ببرید.»

این جامعه‌شناس یکی دیگر از دلایل اصلی و مهم مهاجرت از کشور را شکاف میان حکومت و مردم ارزیابی کرده است: «وقتی جامعه‌ای انسجام اجتماعی خود را از دست می‌دهد قدرت و محبوبیت و کارآمدی مطلوب ندارد نیروهای خود را بیرون می‌ریزد. علت اصلی مهاجرت عدم چسبندگی نظام اجتماعی به نظام سیاسی و فرهنگی است.»

گفت: «افرادی هستند که مخالف افزایش هزینه آزادسازی هستند و این اعتراض را به ما منتقل می‌کنند. از طرف دیگر افراد خیلی زیادی هم هستند که می‌گویند این افراد با پول ما تحصیل کرده تا به ما خدمت کنند، چرا باید از کشور خارج شوند؟ و می‌گویند راضی نیستیم از بیت‌المالی که متعلق به ما است برای فردی که می‌خواهد به خارج برود، خرج شود.»

عباس عبادی معاون پرستاری وزارت علوم نیز آمارهای مهاجرت پرستاران را رد کرده و گفته «آماره که در خصوص آمار مهاجرت پرستاران در فضای مجازی به آن اشاره می‌شود، درست نیست». او البته آماری نیز درباره مهاجرت پرستاران ارائه نداده است!

روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاون علمی ابراهیم رئیسی به تازگی درباره آمار مهاجرت از کشور گفته که «آمار مجموعه‌ها، افراد و شرکت‌های مهاجرت کننده در حال حاضر اصلاً خطرناک نیست.»

سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم بدون اشاره به سیلی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سبب مهاجرت گروه گروه ایرانیان از کشور می‌شود، مهاجرت از کشور را به «نبرد میان حق و باطل» ارتباط داده و به برنامه‌ریزی عده‌ای در خارج از کشور مربوط دانسته است.

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته است: «از تک تک نفراتی که به خارج می‌روند چه پزشک و چه پرستار مطلع هستیم حتی می‌دانیم چه بیمارستانی می‌روند و چقدر حقوق می‌گیرند. چون بیشتر از همه مطلع هستیم خیلی بیشتر از همه غصه می‌خوریم.»

سردار پاسدار علی فدوی گفته از آن طرف برنامه ریزی وجود دارد که اینطور شود صرفاً نیاز افراد نیست. مجموعه‌ای وجود دارد که کار می‌کند پزشک و پرستار و دانشجو مهاجرت کنند و بروند. الان بین حق و باطل دعواست. در هر جنگی هم ستون پنجم وجود دارد و کار می‌کند. او مهاجرت را موضوعی «طبیعی» دانسته اما گفته وقتی «بیش از اندازه معمولی» می‌شود به خاطر «همان جنگ» است.

تصویب همکاری اطلاعاتی- امنیتی با روسیه

هشدار کارشناسان در مورد «شنود» و «مهندسی کشور» توسط روس‌ها



دیدار ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه با علی خامنه‌ای / عکس: ۲۸ تیرماه ۱۴۰۱

آنها معتقدند روسیه با نفوذ بیشتر از اکنون بر پایه‌های دیجیتال کشور، می‌تواند کشور را به شیوه خودش مهندسی کرده و سیاست‌ها را تغییر دهد و از جهات مختلف می‌تواند بر ایران حکمرانی کند. این حکمرانی می‌تواند از قطع اینترنت تا نشر اطلاعات امنیتی و حتا داده‌های حساس کشور باشد.

فیلترینگ و شنود

برخی دیگر از منابع داخلی به نقل از کارشناسان اینترنت و شبکه هشدار دادند در تفاهم‌نامه همکاری ایران و روسیه در حوزه امنیت اطلاعات بر مسئله «اطلاعات» و بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی کشورها تأکید شده و از همین موضوع به عنوان دلیلی برای اعمال فیلترینگ بیشتر یاد شده است. برخی دیگر نیز این همکاری را مربوط به استخراج اطلاعات و همچنین «شنود» می‌دانند.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند در ابعاد مختلف به ویژه نظامی و امنیتی همکاری با روس‌ها را تقویت کند. هرچند روسیه در دهه‌های اخیر حاضر به ارائه تجهیزات و تسلیحات مدرن نظامی به جمهوری اسلامی نشده است اما در زمینه «جاسوسی» و «شنود» و همچنین در ارائه تجهیزات مربوط به سرکوب مردم شریک مورد اعتمادی برای رهبران دیکتاتور مثل علی خامنه‌ای و الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهوری بلاروس است. اگرچه دولت‌های غربی بارها در مورد ارسال پهپادهای انتحاری و سایر تسلیحات نظامی از ایران به روسیه به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند اما حکومت ایران در عمل به یکی از شرکای روسیه در جنگ علیه اوکراین تبدیل شده است.

نصرالله تاجیک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی دی‌ماه ۱۴۰۱ در یک مصاحبه هشدار داده بود آنچه غربی‌ها را حساس کرده علاوه بر التهابات اجتماعی در ایران و فروش پهپاد به روسیه، نزدیکی جمهوری اسلامی و روسیه است که جدا از اعتراضات بحق مردم «بخشی از انگولک خارجی نیز به همین نزدیکی برمی‌گردد». تاجیک تأکید کرده «تشدید برخوردهای تند با اعتراضات چشم‌انداز احیای برجام را تیره‌تر کرده است.»

اسلامی و روسیه متفاوت است و در این لایحه نوع همکاری مشخص نشده است. به عبارتی این بخش‌ها دارای ابهام است و به این موضوع اشاره نکرده که اگر تبادل اطلاعات با قوانین ما مغایرت داشت، چه کاری باید انجام داد.» عبدالرضا مصری نایب رئیس مجلس که از مدافعان همکاری اطلاعاتی جمهوری اسلامی و روسیه است به حاجی‌دلیگانی گفته «هیچکدام از طرفین لایحه بدون اجازه طرف مقابل اجازه فاش کردن اطلاعات را ندارند و تذکر شما دلسوزانه است ولی این تذکر به لایحه وارد نیست.»

در این جلسه نماینده دولت ابراهیم رئیسی نیز حضور داشت که در دفاع از همکاری اطلاعاتی امنیتی جمهوری اسلامی با روس‌ها به ابلاغیه‌های علی خامنه‌ای اشاره کرد و گفت که «بر اساس مأموریت‌های مندرج در سند راهبردی پدافند سایبری و همچنین طبق توافق صورت گرفته بین دبیران شوراهای عالی امنیت ایران و روسیه» مذاکرات برای عملی شدن این سند در سال ۹۷ آغاز شد.

بر اساس توضیح نماینده دولت، بخشی از همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی روسیه شامل «اطلاعات سایبری» است که با هدف افزایش توان بازدارندگی جمهوری اسلامی و روسیه انجام می‌شود. آنطور که نماینده دولت توضیح داده است، بخش دیگری از همکاری اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی و روسیه در حوزه «اقتصادی» و «اجتماعی» است. وی اما توضیح دقیقی درباره آن نداد.

مهندسی کشور توسط روس‌ها

بسیاری معتقدند این شکل از همکاری احتمال جاسوسی و سوء استفاده از اطلاعات ایرانی‌ها را در پی دارد. حامد پیدی مدیرعامل وبسایت «کارزار» در مصاحبه با وبسایت «گجت نیوز» که «تابناک» نیز آن را بازنشر کرده، وی عملی شدن این لایحه را به اوضاع ایران در زمان جنگ سرد تشبیه می‌کند و درباره «افزایش فیلترینگ و استعمار و مصور شدن در میان ابزارهای روسی» را از هم‌اکنون هشدار می‌دهد. وی می‌گوید: «هرچند که حالا نیز در این میان گرفتار شده‌ایم.» کارشناسان حقوقی و قضایی در مورد احتمال جاسوسی و سوء استفاده روسیه از اطلاعات ایرانی‌ها هشدار می‌دهند.

● طبق این لایحه که از ۹ ماده و یک ضمیمه تشکیل شده است، یکی از اهداف همکاری اطلاعاتی و امنیتی با روس‌ها مقابله با «اختلال در نظم عمومی» و مقابله با «بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی و دخالت در اداره دولت» است.

● اما حسنعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون قضایی مجلس و از اعضای سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تذکر داده که طبق این لایحه دو کشور می‌توانند اطلاعات را به کشور ثالث بدهند!

● بر اساس توضیح نماینده دولت، بخشی از همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی روسیه شامل «اطلاعات سایبری» است که با هدف افزایش توان بازدارندگی جمهوری اسلامی و روسیه انجام می‌شود. آنطور که نماینده دولت توضیح داد بخش دیگری از همکاری در حوزه «اقتصادی» و «اجتماعی» است. وی اما توضیح دقیقی درباره آن نداد.

پنج ماه پس از آنکه احمدرضا رادان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در سفر به مسکو با روس‌ها تفاهم‌نامه امنیتی امضاء کرد مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۱۹ آذرماه کلیات لایحه همکاری در حوزه امنیت اطلاعات میان جمهوری اسلامی و روسیه را با ۱۸۰ رأی موافق در مقابل ۲۷ رأی مخالف تصویب کرد.

جریان نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدایت تیم محمدباقر قالیباف در مجلس پشتیبان همکاری اطلاعاتی و امنیتی با روسیه هستند.

طبق این لایحه که از ۹ ماده و یک ضمیمه تشکیل شده، یکی از اهداف همکاری اطلاعاتی و امنیتی با روس‌ها مقابله با «اختلال در نظم عمومی» و مقابله با «بی‌ثبات کردن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی و دخالت در اداره دولت» است. ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی پیش از رأی‌گیری در دفاع از این همکاری گفت «تهدیداتی در فضای سایبری علیه کشورها شکل می‌گیرد که در این لایحه و در همکاری بین ایران و روسیه راهکارهای مقابله با این تهدیدات پاسخگو است.»

به گفته این نماینده، روابط جمهوری اسلامی با روسیه ابعاد مختلفی دارد که باید این روابط ارتقاء یابد و از «تنوع بخشیدن» به همکاری جمهوری اسلامی و روسیه استقبال کرد. یکی از ایراداتی که اقلیت مخالف این لایحه در مجلس شورای اسلامی به آن اشاره کردند نامشخص بودن نوع همکاری در حوزه «امنیت اطلاعات» است. مهرداد گودرزوند چگینی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه در کمیسیون تلفیقی در موافقت با این لایحه گفت: «منظور از امنیت اطلاعات، امنیت اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و به معنای عام آن است. همچنین این لایحه سبب توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعاتی می‌شود.»

وی اشاره کرد «جمهوری اسلامی ایران توافق ۲۰ ساله با روسیه دارد و باید همیشه این روابط را ارتقاء داد تا سبب استحکام روابط در برابر دشمنان بین دو کشور شود.»

اما حسنعلی حاجی‌دلیگانی عضو کمیسیون قضایی و از اعضای سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تذکر داده که طبق این لایحه دو کشور می‌توانند اطلاعات را به کشور ثالث بدهند! وی توضیح داده «مقاصد تروریستی برای جمهوری

اعتراض فعالان ایرانی به حضور جمهوری اسلامی در «مجمع جهانی پناهندگان» سازمان ملل متحد



نشست خبری فعالان حقوق بشر در مقر سازمان ملل متحد / ژنو / ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳

اعتراضات سال گذشته بازداشت شده و بینایی بسیاری از معترضان با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای گرفته شده است. مریم بنی‌هاشمی فعال سیاسی و مشاور مدیریت استراتژیک، یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود. او نیز سخنان خود را با انصراف ابراهیم رئیسی از سفر به ژنو آغاز کرد و گفت «ما خوشحال هستیم که قصاب تهران به ژنو نیامد و دلیل این انصراف هم روشن است: آنها بزدل هستند زیرا در ایران جوانان شجاع در میدان حضور دارند.» این فعال سیاسی در ادامه افزود «آنها از تریبون سازمان ملل برای اشاعه تبلیغات نیهیلیستی خود استفاده می‌کنند، چنانکه ابراهیم رئیسی در جریان مجمع عمومی سازمان ملل از این تریبون به همین منظور استفاده کرد.» مریم بنی‌هاشمی در ادامه صحبت‌هایش هدف از حضور خود و دیگر شرکت‌کنندگان در این نشست را «رساندن صدای واقعی مردم ایران» اعلام کرد.

آزاده افضی روان‌درمانگر ایرانی-آمریکایی نیز یکی دیگر از سخنرانان این نشست مطبوعاتی در ژنو بود که با حمایت سازمان غیردولتی «دیده‌بان سازمان ملل» برگزار شد. او در ابتدا گفت «ما زنان ایرانی تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت باشد سکوت نخواهیم کرد.» او در ادامه افزود کسانی که به نمایندگی از جمهوری اسلامی برای شرکت در اجلاس ژنو آمده‌اند «از کشوری می‌آیند که مخالفان را شکنجه کرده و مورد آزار جنسی قرار می‌دهد.» این سخنران به شرایط دشواری که پناهجویان ایرانی در ترکیه قرار دارند اشاره کرد و گفت «آنها سال‌ها در انتظار گرفتاری پاسخ و زیر سایه استرداد به جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند.» آزاده افضی نیز دلیل حضور جمهوری اسلامی در نشست‌های بین‌المللی را «سوء استفاده از پلتفرم‌های بین‌المللی برای تزیق اطلاعات نادرست به جامعه جهانی» دانست.

دولت این فرد در ژنو است.» ابراهیم رئیسی در پیامد شکایت گروهی از ایرانیان و تقاضای آنها از دولت سوئیس برای بازداشت «قاضی مرگ» به اتهام جنایت علیه بشریت از سفر به ژنو برای شرکت در «مجمع جهانی پناهندگان» صرف‌نظر کرد.

برای نازنین افشین جم حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در «مجمع جهانی پناهندگان» یک «گستاخی بزرگ» است زیرا در ایران کشور «پناهجویان از هیچ حقوقی برخوردار نیستند و محدودیت‌های بسیاری علیه آنها اعمال می‌شود.» این فعال حقوق بشر به محدودیت‌ها برای پناهجویان افغانستانی در تردد و سکونت در بسیاری از شهرها، استفاده از آنها در بازار کار بدون هیچگونه حقوقی و اخراج‌های جمعی بدون طی هرگونه روند قضائی اشاره کرد و گفت «افغان‌ها در ایران شهروند درجه سه هستند، زیرا خود ایرانی‌ها در این نظام شهروند درجه دو به حساب می‌آیند.» برای این فعال حقوق بشر «کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی بسیار سیاه است.» وی در برشمردن این سیاهی به اعدام کودکان سرکوب اقلیت‌های قومی، جنسی، مذهبی اشاره کرد و افزود «بیهوده نیست که جمهوری اسلامی در صدر فهرست فرار مغزها قرار دارد.» نازنین افشین جم در اشاره به آخرین آمار «کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان» گفت «شمار ایرانیان پناهجو در سال ۲۰۲۳ میلادی نسبت به سال قبل ۴۴ درصد افزایش داشته است.» نازنین افشین جم سپس در اشاره به هیات‌های دولت‌های غربی که در «مجمع جهانی پناهندگان» حضور دارند گفت «قبل از فشردن دست نمایندگان جمهوری اسلامی دو بار فکر کنید. در نظر داشته باشید که آنها نمایندگان حکومتی هستند که در یک سال گذشته بیش از ۶۰۰ نفر را که در تظاهرات مسالمت‌آمیز شرکت داشتند کشته است، که ۷۱ نفر از آنها کودک بودند، بیش از ۲۰ هزار نفر نیز در جریان

● نازنین افشین جم در نشست رسانه‌ای فعالان زن ایرانی در ژنو در حاشیه «مجمع جهانی پناهندگان» سازمان ملل متحد، صحبت‌های خود را «با دو خبر خوب» آغاز کرد: «جایزه نوبل صلح و جایزه ساخاروف برای دو زن ایرانی.»
● در نشست رسانه‌ای ژنو علاوه بر نازنین افشین جم، مریم بنی‌هاشمی، آزاده افضی، الیکا افتخاری و سارا سید در کنار زانبار تندرو، عباس دهقان و پوریا ابراهیمی نیز حضور داشتند.

● ابراهیم رئیسی در آخرین لحظه از سفر به ژنو برای شرکت در «مجمع جهانی پناهندگان» سازمان ملل متحد انصراف داد. دلیل این انصراف تنظیم شکایتی علیه «قاضی مرگ» به اتهام جنایت علیه بشریت است.

● احمد رأفت - گروهی از زنان ایرانی در مخالفت با حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در ژنو برای شرکت در «مجمع جهانی پناهندگان» سازمان ملل متحد در نشست مطبوعاتی در کنار گروهی از قربانیان نظام حضور پیدا کردند. مدیریت این نشست را نازنین افشین جم، فعال حقوق بشر و از بنیانگذاران «اعدام کودکان را متوقف کنید» بر عهده داشت. نازنین افشین جم در این نشست صحبت‌های خود را «با دو خبر خوب» آغاز کرد. این فعال حقوق بشر «جایزه نوبل صلح و جایزه ساخاروف برای دو زن ایرانی» را خبری خوش خواند و «جلوگیری از خانواده مهسا امینی برای دریافت جایزه ساخاروف» را خبر بد دانست. نازنین افشین جم تعلیق اجرای حکم اعدام کودک-همسر، سمیرا سزنیان در پیامد فشارهای بین‌المللی را نیز خبر خوش دیگری اعلام کرد و افزود این فشارها تا توقف کامل این حکم باید ادامه پیدا کند. این فعال حقوق بشر در ادامه گفت خبر خوش دیگر «انصراف رئیس کمیته مرگ (ابراهیم رئیسی) در آخرین لحظه از سفرش به سوئیس است، و خبر بد حضور وزرای



سیستان و بلوچستان / ۲۰ آبان ۱۴۰۱

افزایش فشارها بر اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان

● نماینده علی خامنه‌ای در بلوچستان از مولوی‌های اهل سنت در این استان خواسته است در مراسم نماز جمعه از جمهوری اسلامی «تعریف و تمجید» و در همایش‌های حکومتی شرکت کنند.

● این «تعهدنامه» واکنش به خطبه‌های انتقادی برخی امامان جمعه سنی در بلوچستان و به ویژه مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان است.

احمد رأفت - دفتر نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان با تنظیم و ارسال تعهدنامه‌ای برای امامان جمعه اهل سنت در این استان از آنها خواسته است «از خدمات جمهوری اسلامی» در مراسم نماز جمعه «تعریف و تمجید» و در همایش‌های حکومتی شرکت کنند. بدون شک دلیل تنظیم این «تعهدنامه» خطبه‌های انتقادی برخی امامان جمعه سنی در بلوچستان و به ویژه مولوی عبدالحمید، امام جمعه زاهدان است.

سخنرانی‌های جمعه‌های مولوی عبدالحمید که هر هفته بیش از جمعه قبل دربرگیرنده انتقادهای شدیدتری پیدا هستند، یکی از دلایل اصلی افزایش فشارها بر اهل سنت در بلوچستان و کردستان به شمار می‌روند.

بنا بر مدرکی که «حال و شو»، که رویدادهای استان سیستان و بلوچستان را بازتاب می‌دهد، منتشر ساخته، مصطفی محامی نماینده علی خامنه‌ای در بلوچستان به امامان جمعه اهل سنت هشدار داده است چنانچه در «جلسات دولتی» شرکت نکنند و «وفاداری» خود را به حکومت اعلام نکنند، از امامت جمعه عزل می‌شوند.

این فشارها علیه روحانیون سنی تازگی ندارد. در ماه‌های گذشته بسیاری از روحانیون اهل سنت بلوچستان بازداشت شده‌اند، از جمله برخی از اطرافیان مولوی عبدالحمید و فعال رسانه‌ای مسجد مکی زاهدان چون ابوبکر توحیدی، فیلمبردار مراسم نماز جمعه، که پس از ۴۱ روز بازداشت بدون ارائه دلیل و مدرکی در روزهای گذشته بلاخره آزاد شد.

رزو ۲۰ آذر نیروهای امنیتی به دو مدرسه مذهبی اهل سنت در زاهدان، یورش بردند و ۲۵۳ طلبه را بازداشت کردند. مدرسه مذهبی «مولوی عبدالعزیز» در محله کریم آباد زاهدان روز پس از این یورش تعطیل شد. مدرسه مذهبی ابوذر غفاری در محله مرادقلی زاهدان اگرچه رسماً تعطیل نشده ولی پس از یورش ماموران امنیتی در عمل هرگونه فعالیتی را متوقف کرده است. دلیل رسمی یورش به این دو مدرسه مذهبی اهل سنت حضور طلاب جوان افغان اعلام شده است. این عملیات به گفته مقامات جمهوری اسلامی در زاهدان در چارچوب طرح جمع‌آوری اتباع خارجی انجام گرفته است.

یکی از روحانیون اهل سنت بلوچ که به دلایل امنیتی خواسته است نامی از او برده نشود به کیهان لندن می‌گوید «طلاب خارجی اگر شیعه باشند و در حوزه‌های قم و مشهد حضور داشته باشند یا در جامعه المصطفی ثبت نام کرده باشند، نه تنها بلافاصله اجازه اقامت دریافت می‌کنند بلکه کمک مالی ماهانه نیز دریافت می‌کنند. سال‌هاست که از مقامات جمهوری اسلامی خواسته‌ایم که ما نیز بتوانیم

→ الیکا افتخاری حقوقدان ایرانی- آمریکائی یکی دیگر از زنانی بود که در نشست رسانه‌ای ژنو صحبت کردند. این حقوقدان گفت در جمهوری اسلامی زنان تنها با برخی محدودیت‌ها مواجه نیستند و «آنچه شاهد آن هستیم آپارتاید جنسیتی است که در آن جنسیت جانشین نژاد شده است.» الیکا افتخاری در ادامه اشاره کرد که در جمهوری اسلامی زنان نمی‌توانند در برخی مناصب چون قضاوت حضور داشته باشند، از تحصیل در برخی رشته‌ها محرومند، در ورزش با محدودیت‌های جدی روبرو هستند، و شهادت آنها در دادگاه نصف شهادت مردان به حساب می‌آید. این حقوقدان در خاتمه گفت «ما از جامعه جهانی می‌خواهیم فشارهایی را که علیه آفریقای جنوبی در زمان آپارتاید نژادی وارد کرد و پایان آن را رقم زد، در رابطه با آپارتاید جنسیتی در جمهوری اسلامی نیز وارد سازد.»

آخرین سخنران این کنفرانس رسانه‌ای که البته ۳ نفر از قربانیان سرکوب در جمهوری اسلامی نیز در آن حضور داشتند، سارا سید، هنرپیشه شناخته شده سریال‌های تلویزیونی شبکه «تفلیکس» بود. او در ابتدا اشاره کرد که در جمهوری اسلامی «فرد به عنوان مسلمان دارای وظایفی است ولی به عنوان شهروند از حقوقی برخوردار نیست.» سارا سید در ادامه گفت جنبش «زن، زندگی، آزادی» تنها در مخالفت با حجاب اجباری نبود، بلکه طغیانی بود «علیه فقر، بی‌عدالتی و نقض حقوق بشر.» جنبشی که به گفته این هنرپیشه با نافرمانی مدنی و تظاهرات مسالمت‌آمیز «بسیاری از مرزها را در هم شکست.» او در ادامه گفت «مردم در ایران تنها در مخالفت با حجاب اجباری به خیابان نیامدند. برای برادران و خواهران بهائیمان، برای هموطنان سنی و نوکیشان مسیحی نیز به خیابان آمدند تا آنها بتوانند آزادانه باورها و عقایدشان را داشته باشند. برای روزنامه‌نگاران به خیابان آمدند که جایشان در زندان نیست و برای آموزگاران که بتوانند آزادانه حقیقت را تدریس کنند و مجبور به تبلیغ نظرات نظام نباشند. برای پررهایی که بجای حکم زندان بتوانند جوایز بین‌المللی دریافت کنند، و بالاخره برای اینکه کشورمان بزرگترین حامی مالی گروه‌های تروریستی چون حماس و حزب‌الله نباشد.»

در این نشست رسانه‌ای، عباس دهقان از درواپش گنابادی، پوریا ابراهیمی فعال مدنی و زانیار تندرو جوان کردی که یکی از چشم‌هایش را در اعتراض‌های سال گذشته از دست داده، نیز حضور داشتند. زانیار تندرو ضمن اشاره به اینکه هنوز پنج گلوله ساجمه‌ای در بدن دارد، گفت برای او درک این واقعیت که کسانی که حکم شلیک به او، حکم قتل دوست ۱۶ ساله‌اش زکریا خیال و یا ژینا امینی را دادند، «آزادانه به خارج سفر کنند و مورد استقبال هم قرار بگیرند» بسیار دشوار است. عباس دهقان نیز که پنج سال را در زندان گذرانده و بارها شکنجه شده است، از نقض فاحش حقوق اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های اقلیتی گفت. او به استفاده جمهوری اسلامی از افغان‌ها برای اعزام آنها به جنگ سوریه در ازای حق تحصیل برای خواهران و برادران‌شان گفت و افزود «جمهوری اسلامی در داخل و خارج به دنبال حذف مخالفانش است.»

پوریا ابراهیمی نیز که در جمهوری اسلامی به ۱۲ سال زندان محکوم شده بود گفت تنها گناهش تهیه گزارش‌هایی در رابطه با نقض گسترده حقوق بشر در ایران و ارسال آنها به نهادهای بین‌المللی بوده است. این فعال مدنی خطاب به دولت‌های غربی گفت «دست از مداخلات بردارید و در طرف درست تاریخ بایستید، دیکتاتوری علی خامنه‌ای محکوم به نابودی است.»

موقعیت طلاب در این مدارس را رسمیت بدهیم. بارها قول همکاری دادند ولی هرگز اقدامی نکردند تا بتوانند ما را زیر فشار نگهدارند.» این روحانی در ادامه می‌گوید حملات علیه اهل سنت و اماکن مذهبی آنها پس از تظاهرات ۸ مهر ۱۴۰۱ که با نام «جمعه خونین» شهرت یافته است و در جریان تیراندازی مامورین انتظامی و امنیتی بیش از یکصد نفر کشته شدند، «به صورت قابل توجهی افزایش یافته است.»

اشاره این روحانی به پلمب برخی نمازخانه‌های اهل سنت در پایتخت و دیگر استان‌های کشور و بازداشت برخی از روحانیون برجسته چون مولوی فتحی محمد نقشبندی، امام جمعه راسک در ۲۹ مرداد است. این روحانی اهل سنت به اتهام «تشویش اذهان عمومی از طریق سخنرانی‌های کذب، تهمت و افترا به نظام جمهوری اسلامی ایران و اقدام علیه امنیت ملی و تصرف غیر قانونی اراضی ملی» بازداشت شده است. این روحانی سنی به کیهان لندن می‌گوید «بنا بر اطلاعاتی که فرزند این روحانی به دست آورده است، پدرش به سستی شکنجه شده و تحت فشار برای وارد کردن اتهاماتی به مولوی عبدالحمید قرار دارد.»

روابط عمومی دادگستری استان سیستان و بلوچستان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مولوی فتحی محمد نقشبندی «مواضع تند و همسو با مخالفان نظام اسلامی» داشته و «در خطبه‌های نماز جمعه و جلسات دیگر با سخنرانی‌های کذب و به دور از واقعیت مردم را به آشوب و اغتشاشات خیابانی دعوت می‌کرده است.» «اغتشاشات» عبارتی است که نهادهای جمهوری اسلامی در اشاره به اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی از آن استفاده می‌کنند. ادامه تظاهرات جمعه‌ها در زاهدان و برخی دیگر از شهرهای بلوچستان، به نگرانی‌های جدی در نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی دامن زده است. این روحانی در ادامه می‌گوید «بنا بر افزایش «علمای اهل سنت بارها و بارها به مسئولان نظام گفته‌اند که تحت هیچ شرایطی طرح سازماندهی مساجد و مدارس دینی خود را نخواهند پذیرفت و استقلال خود را حفظ خواهند کرد.» او همچنین تأکید می‌کند «تا زمانی که آمران و عاملان جنایات حکومتی در بلوچستان بازداشت و محاکمه نشوند، روحانیون مستقل اهل سنت در هیچ نشستی با مسئولان حکومتی شرکت نخواهند کرد زیرا زمان آن رسیده است که مولوی‌های مردمی راه خود را از روحانیون دربار علی خامنه‌ای جدا کنند. شکی نیست که بلوچ‌ها و به ویژه جوانان این منطقه هر روحانی‌ای که این تعهد را امضا کند، طرد خواهند کرد.»

فشار دولت بایدن به مقامات اسرائیل برای خودداری از تشدید درگیری با حزب الله



هدف قرار گرفتن مقر حزب الله توسط توپخانه ارتش اسرائیل در اطراف روستای «عینا الشعب» در جنوب لبنان / دسامبر ۲۰۲۳

غزه رفتیم زیرا این تنها راهی است که می‌توانیم حماس را نابود و گروگان‌هایمان را آزاد کنیم. آنها به ما گفتند، وارد تونل‌ها نشوید. اما اگر وارد تونل‌ها نمی‌شدیم، راهی برای نابودی حماس وجود نداشت. آنها به ما گفتند با اینکه حماس از بیمارستان‌ها به عنوان مراکز فرماندهی و کنترل استفاده می‌کند، به آنجا نرویم، اما ما به آن بیمارستان‌ها رفتیم و آنچه را لازم بود انجام دادیم. ما برای رسیدن به پیروزی قاطع آنچه را که باید انجام دهیم، انجام خواهیم داد.»

نگرانی‌های واشنگتن از کشیده شدن جنگ به سایر نقاط منطقه باعث شده تا آمریکا تعدادی ناو به منطقه اعزام کند. سرتیپ پاتریک رایدنر سخنگوی پنتاگون ماه گذشته گفت: «یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر مهار شده است.» اما پولیتیکو در ادامه می‌نویسد این وضعیت ممکن است در آستانه تغییر باشد، نه به این دلیل که حزب الله یک رویارویی تمام‌عیار را آغاز می‌کند، بلکه به این دلیل که اسرائیل ممکن است تصمیم به انجام این کار بگیرد و از این فرصت استفاده کند تا مرز شمالی خود را امن سازد و اطمینان حاصل کند که قتل‌عام مشابه عملیات تروریستی حماس دوباره تکرار نخواهد شد.

یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید دولت می‌خواهد به زودی روی نواحی شمالی متمرکز شود تا حزب الله را وادار به عقب‌نشینی کند. وی ابراز امیدواری کرده که عقب‌نشینی نیروهای حزب الله از طریق راه‌های دیپلماتیک عملی شود، وگرنه اسرائیل «با تمام امکاناتی که در اختیار دارد» وارد عمل خواهد شد.

جو بایدن روز پنجشنبه در تماس تلفنی به نتانیاهو، گفته بود که حفاظت از غیرنظامیان و «جدا کردن» جمعیت غیرنظامی از حماس در جریان عملیات حماس در نوار غزه «بسیار حیاتی» است.

دمشق، گزارش داد که روز جمعه ۹ دسامبر (۱۷ آذرماه) سه نفر از اعضای حزب الله لبنان و یک سوری در حمله پهبادی اسرائیل در جنوب غرب سوریه کشته شدند. این حمله در واکنش به تیراندازی نیروهای حزب الله به نیروهای اسرائیل در مرز لبنان صورت گرفت که شماری از آنها زخمی شدند و یک شهروند اسرائیلی نیز کشته شد. پس از این درگیری بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داد که «اگر حزب الله یک اشتباه بکند، بیروت و جنوب لبنان به غزه و خان یونس تبدیل می‌شود.»

گفته می‌شود حملات اسرائیل در پاسخ به حزب الله برخلاف توصیه‌های واشنگتن است. مقامات آمریکایی به شدت نگران‌اند که درگیری‌ها در غزه به لبنان سرایت کند. سه مقام اسرائیلی در تل‌آویو به «پولیتیکو» گفته‌اند، دولت جو بایدن به اسرائیل تا پایان سال مهلت داده است تا جنگ خود را با حماس به پایان برساند. این مهلت را آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا تأیید می‌کند. اما جان فایز معاون مشاور امنیت ملی کاخ سفید در یک نشست امنیتی گفت که دولت برای پایان دادن به عملیات نظامی در غزه هیچ مهلتی را به اسرائیل تحمیل نمی‌کند.

با این حال، وقتی مقامات اسرائیلی برنامه‌های خود را برای دیپلمات ارشد آمریکایی بیان کرده و اعلام نمودند که جنگ در جنوب غزه چندین ماه طول خواهد کشید، بلینکن به شدت پاسخ داد که «شما مهلت زیادی ندارید.» این در حالیست که به نظر می‌رسد رهبران اسرائیل آماده یک نبرد طولانی شده‌اند. آنها در گذشته نیز از آنچه ایالات متحده خواسته بود سرپیچی کردند. مقامات اسرائیلی می‌گویند بدون هیچ تردیدی به این عملیات ادامه خواهند داد.

یک مقام ارشد اسرائیلی به پولیتیکو گفته «آمریکایی‌ها توصیه کرده بودند ما وارد غزه نشویم اما شدیم... ما به

● درگیری‌ها میان نیروهای حزب الله و ارتش اسرائیل افزایش پیدا کرده است. جمعه ۱۷ آذرماه سه نفر از اعضای حزب الله لبنان و یک سوری در حمله پهبادی اسرائیل در جنوب غرب سوریه کشته شدند.

● سه مقام اسرائیلی به پولیتیکو گفته‌اند، دولت بایدن به اسرائیل تا پایان سال مهلت داده است تا جنگ خود را با حماس به پایان برساند و از درگیری بیشتر با حزب الله خودداری کنند.

● هرچند حزب الله لبنان و اسرائیل وارد یک جنگ تمام‌عیار نشده‌اند اما پولیتیکو می‌نویسد این وضعیت ممکن است در آستانه تغییر باشد، نه به این دلیل که حزب الله یک رویارویی مستقیم را آغاز کند، بلکه به این دلیل که اسرائیل ممکن است تصمیم به انجام این کار بگیرد و از این فرصت استفاده کند تا مرز شمالی خود را امن سازد و اطمینان حاصل کند که قتل‌عام مشابه عملیات تروریستی حماس دوباره تکرار نخواهد شد.

● یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید دولت می‌خواهد به زودی روی نواحی شمالی متمرکز شود تا حزب الله را وادار به عقب‌نشینی کند. وی ابراز امیدواری کرده که عقب‌نشینی نیروهای حزب الله از طریق راه‌های دیپلماتیک عملی شود، وگرنه اسرائیل «با تمام امکاناتی که در اختیار دارد» وارد عمل خواهد شد.

همزمان با ادامه عملیات نظامی در غزه علیه گروه تروریستی حماس، درگیری‌های ارتش اسرائیل در مرزهای شمالی با نیروهای حزب الله افزایش پیدا کرده است. روز شنبه ۱۸ آذرماه دست‌کم پنج موشک از خاک لبنان به اسرائیل شلیک شد. علی دهموش از رهبران ارشد حزب الله گفته «ایستادن در کنار غزه و حمایت از مقاومت یک وظیفه شرعی، اخلاقی و انسانی است.»
خبرگزاری رویترز به نقل از دو منبع منطقه‌ای نزدیک به

نازنین افشین جم- مک کی در مراسم سی‌امین سالگرد «دیده‌بان سازمان ملل»: رژیم جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد و مردم ایران دوباره سرزمین خود را پس خواهند گرفت



زمان در تاریخ هرگز روی نداده بود. جمهوری اسلامی ایران از کمیسیون سازمان ملل متحد برای وضعیت زنان اخراج شد.»

نازنین افشین جم در ادامه به تلاش برای ارائه و رسیدن به یک تعریف قانونی از «آپارتاید» پرداخت که می‌بایست نه تنها شامل نژاد بلکه جنسیت نیز بشود تا بتوان حکومت‌هایی را مانند آنچه در ایران و افغانستان برقرار است به دلیل جنایت‌هایی که مرتکب می‌شوند موضوع دادگاه‌های بین‌المللی قرار داد.

وی بر نقش «دیده‌بان سازمان ملل» تأکید کرد که این امکان را به فعالانی مانند وی می‌دهد تا بیش از پیش صدای زنان و جوانانی باشند که توسط حکومت‌های بی‌رحم سرکوب می‌شوند. به گفته‌ی نازنین افشین جم، «دیده‌بان سازمان ملل امید می‌بخشد و اکسیژنی را در اختیار می‌گذارد که باعث تنفس ما می‌شود و باعث می‌شود تا برای آنچه درست و عادلانه است بجنگیم.»

وی در پایان سخنانش با بازگشت به برخوردش با محمود احمدی‌نژاد در مقر سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ گفت: «می‌توانم به شما بگویم که پوزخند احمدی نژاد هنوز تا امروز هم مرا آزار می‌دهد؛ ولی من می‌دانم که در نهایت، خنده‌ی آخر را ما خواهیم داشت؛ حرف آخر را ما خواهیم گفت. رژیم جمهوری اسلامی ایران سقوط خواهد کرد و مردم ایران دوباره سرزمین خود را پس خواهند گرفت. یک ایران آزاد، دموکراتیک و سکولار با تمامیت ارضی و دست‌نخورده‌ی خود و جهان مکان امن‌تری برای همه خواهد بود. و به همین دلیل ایرانیان به حمایت واقعی نیاز دارند؛ نه اقدامات نظامی بلکه اقدامات ملموسی که باعث تقویت مردم و تضعیف رژیم می‌شود.»

هستند.» نازنین افشین‌جم سپس با تأسف ادامه داد: «سیزده سال بعد، در سال گذشته، سرانجام سازمان ملل این نشست ویژه را برگزار کرد. انقلاب زن زندگی آزادی سازمان ملل را مجبور به این اقدام کرد. ایرانیان به تمام جهان اعلام کرده بودند که این رژیم قادر به اصلاحات نیست و به خاطر آن بهای سنگینی دادند. آنها برای آزادی جان خود را دادند.»

ی با اشاره به قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی به خاطر حجاب، به کشتار مردم توسط رژیم اشاره کرد و گفت که در خیزش سال گذشته بیش از ۶۰۰ انسانی که کشته شدند، ۷۱ تن کودک بودند. بیش از ۲۰ هزار تن دستگیر و بسیاری شکنجه شدند، چشم خود را از دست دادند، مورد تجاوز قرار گرفتند و یا اعدام شدند: «به سادگی، برای استفاده از حقوق بنیادین انسانی خود، برای تجمع مسالمت‌آمیز و آزادی بیان.»

وی به نقش «دیده‌بان سازمان ملل» نیز پرداخت که همواره در مورد تصمیمات زهرآلود سازمان ملل از جمله برای قرار دادن بدترین ناقضان حقوق بشر در کمیسیون‌های ناظر بر حقوق بشر پیگیری بوده است: «در سال ۲۰۲۱ سازمان ملل جمهوری اسلامی ایران، رژیمی را که در جدول شاخص برابری جنسیتی در میان ۱۴۳ کشور جهان در رده ۱۴۰ قرار دارد، به عنوان رئیس، رئیس کمیسیون وضعیت زنان برگزید! این یک رسوایی است! یک رسوایی واقعی!»

وی سپس به فعالیت‌ها و همکاری‌های خود با تلاشگران حقوق بشر پرداخت تا رژیم ایران از این کمیسیون برکنار شود: «به ما گفتند می‌توانند این کار را انجام دهند! اما ما اصرار کردیم. و سرانجام کاری را انجام دادیم که تا آن

چندی پیش در ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳ مراسمی به مناسبت سی‌امین سال تأسیس «دیده‌بان سازمان ملل» برگزار شد. این نهاد غیردولتی مستقر در ژنو که همانطور که از نام آن پیداست، فعالیت‌های سازمان ملل را به ویژه در زمینه حقوق بشر رصد و دیده‌بانی می‌کند، در سال ۱۹۹۳ و در ارتباط با اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل تأسیس شد. در حال حاضر هیلن نویر مدیر اجرایی آن است.

یکی از سخنرانان مراسم سی‌امین سال فعالیت این نهاد حقوق بشری، نازنین افشین جم- مک کی چهره‌ی سرشناس فعالیت‌های مدنی و سیاسی ایرانیان در خارج کشور بود. نازنین افشین جم در نخستین نشست سالانه ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی در سال ۲۰۰۹ نیز سخنرانی کرده بود. وی از بنیانگذاران سازمان «اعدام کودکان را متوقف کنید» است که برای پایان دادن به این جنایت در سراسر جهان فعالیت می‌کند.

این فعال حقوق بشر که تا کنون به خاطر اقداماتش در زمینه حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و کودکان برنده چندین جایزه شده است، در سال ۲۰۰۳ به عنوان دختر شایسته‌ی کانادا برگزیده شده بود.

نازنین افشین جم در کتاب خود با عنوان «داستان دو نازنین» که در سال ۲۰۱۲ به انگلیسی منتشر و به چند زبان دیگر نیز ترجمه شده، به سرنوشت نازنین فاتحی، دختر نوجوانی پرداخته که در ایران به دلیل دفاع برحق (مشروع) از خود در مقابل مردی که قصد تجاوز به وی را داشت به اعدام محکوم شده بود.

نازنین افشین جم که سال‌هاست در فعالیت‌های مختلف نیکوکاری حضور دارد با پیتر مک‌کی سیاستمدار کانادایی ازدواج کرده است. پیتر مک‌کی سال‌ها به عنوان وزیر دادگستری و دادستان کل و وزیر دفاع ملی و وزیر امور خارجه کانادا خدمت کرده است. آنها سه فرزند به نام کیان و والتیا و کالدون دارند.

در مراسم سی‌امین سالگرد بنیانگذاری «دیده‌بان حقوق بشر»، پیش از سخنرانی نازنین افشین جم- مک‌کی، فیلم کوتاهی از دوران محمود احمدی‌نژاد و زمانی که افشین‌جم فعالیت‌های حقوق بشری خود را آغاز کرده بود به نمایش درآمد و سپس وی با اشاره به برخورد کوتاهی که با احمدی‌نژاد داشت گفت: «من صحنه‌های آن روز را به خوبی به یاد دارم. چون در سالن سازمان ملل با او رو در رو شدم و با تمام وجودم بر سر او و اطرافیانش فریاد زدم چرا بچه‌ها را اعدام می‌کنید؟ لحظه نادری بود که بتوانم به چشمان کسی نگاه کنم که باعث اینهمه خونریزی و وحشیگری شده. او مغرورانه به من پوزخندی زد و دیگر هیچ...» وی سپس توضیح داد که به همت «دیده‌بان سازمان ملل» در آنجا بود تا در شورای حقوق بشر این سازمان در مورد نقض فاحش حقوق بشر در ایران از زمان وقوع انقلاب اسلامی یعنی از چهل و چهار سال پیش صحبت کند. وی افزود: «در شورای حقوق بشر، من و احمد باطبی دادخواستی ارائه کرده بودیم که بیش از پنجاه فعال حقوق بشر ایرانی خواستار تشکیل جلسه ویژه فوری درباره ایران برای بررسی جنایات آنها علیه بشریت

چرا ساواک نتوانست در مقابله با شورش ۵۷ موفق شود؟ داوری درباره ساواک و نگاهی به کارنامه عملکرد آن



پرویز ثابتی در تظاهرات ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ لس آنجلس علیه جمهوری اسلامی در عکسی که از سوی خانواده‌اش در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد

دشمنان داخلی ایران تبدیل شد! بختیار در ۲۱ اسفند ۱۳۳۵ تا ۷ اسفند ۱۳۳۹ خورشیدی ریاست ساواک را بر عهده داشت تا آنکه در ۲۵ مرداد ۱۳۴۹ خورشیدی، با برنامه‌ریزی دقیق اداره سوم ساواک و مدیریت پرویز ثابتی در منطقه «دیاله» عراق کشته شد. پرویز ثابتی دو سال پس از تأسیس ساواک در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به استخدام این سازمان درآمد بود.

شرح داستان توطئه تیمور بختیار، چگونگی افشای آن، اخراج و محکومیت غیابی اعدام او در دادگاه نظامی به جرم خیانت به کشور و نیز شرح همکاری‌هایش با صدام حسین طی سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۷ خورشیدی برای انجام کودتا در ایران، توسط پرویز ثابتی در مستند شبکه «منوتو» به تفصیل بیان شده است؛ واقعیت تلخی که بیشتر به رمان‌های پلیسی می‌مانست. در حالی که سناریوی دقیق و هوشمندانه برای دفع توطئه و پایان دادن به طراح و مجری آن، نشان می‌داد که میزان و ابعاد خطر و فاصله آن با حیات و ممات دولت و حکومت، مانند حذقه‌های دو چشم به یکدیگر نزدیکند.

در همان سال پارتی‌ها ۱۳۴۶ خورشیدی، ساواک در یکی دیگر از عملیات مبارزه با تروریسم داخلی، ۸۰٪ نخستین گروه از اعضای فعال سازمان مجاهدین خلق را دستگیر کرد و در عملیاتی دیگر، ضربه سختی بر اعضای چرک‌های فدایی خلق وارد آورد. عملیاتی که البته بدون هزینه نبودند. پخش سرپال پنجگانه و درپی آن قسمت مستقل دیگری با عنوان ناگفته‌های پرویز ثابتی، واکنش‌های گوناگونی را برانگیخت که برخی آلوده به اغراض، بسیاری با استقبال صادقانه و تعدادی هم با تحلیل‌های ناآگاهانه و ناقص همراه بودند. آنچه کمتر در این واکنش‌ها دیده شد، بی‌عنایتی به نکته اصلی سخنان عالی‌ترین مقام

۱۳۳۲ خورشیدی بود که بیشتر از عملیات حزب کمونیستی «توده» برای سرنگونی دولت شاهنشاهی ناشی می‌شد که با سازماندهی دقیق و کمک‌های بی‌دریغ سازمان جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی «کی‌جی‌بی» طراحی شده بود و نهایتاً ایران را به جرگه اقماری بلوک شرق سوق می‌داد. پیش از آن مسئولیت امور امنیتی مملکت بر عهده شهربانی کل کشور بود که عملکردش عمدتاً به دستگیری و زندانی کردن مخالفان دولت محدود می‌شد، روشی سنتی با امکانات اندک.

نیاز به تشکیل سازمانی متشکل، حرفه‌ای و کارآ که تمام نیازهای اطلاعاتی و امنیتی کشور، در برابر عملیات و توطئه‌های داخلی و خارجی را تأمین کند و مدیران سیاسی و اقتصادی را با اطلاعات دست اول و تحلیل‌های درست یاری دهد، بعد از جنگ جهانی دوم و از هنگام روی کار آمدن دولت مصدق احساس شد ولی دشواری‌های ناشی از دخالت‌های خارجی و ندانم‌کاری‌های سیاستمداران داخلی فرصت پرداختن به این امر مهم و حیاتی را نمی‌داد؛ ولی سرانجام پس از استقرار آرامش، اندیشه تشکیل ساواک به اجرا گذاشته شد.

دولتمردان ایران بر آن بودند تا دیگر هرگز فرصت و اجازه نفوذ به دشمن در چنان مقیاس غافلگیرکننده‌ای را ندهند و در شرایطی قرار نگیرند که خود را نسبت به تهدیدی به آن بزرگی و فوری، دست‌بسته ببینند. با تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور «ساواک» سیستم، پیشاپیش، نسبت به خطرات هشدار می‌گرفت و شیوه‌های مقابله را بر می‌گزید. به هر روی، ساواک تشکیل شد و نخستین فردی که در رأس آن قرار گرفت، تیمسار سپهبد تیمور بختیار بود که در فاصله کوتاهی، خود در صدد استفاده از امکانات ساواک، برای تغییر رژیم پهلوی برآمد و به یکی از خطرناک‌ترین

هنوز پرسش‌ها و زوایای تاریکی از ناگفته‌های مربوط به ساواک باقی مانده که لازم است در آینده نزدیک هرآنچه را که به ویژه در سخنان و خاطرات اخیر ثابتی مکتوم مانده، برای ثبت در تاریخ بیان شود. این یک وظیفه ملی و تاریخی برای ایشان و رسالتی حرفه‌ای برای تحلیلگران و روزنامه‌نگاران آگاه ایرانی است.

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی، درجات مختلفی از شکست و موفقیت در کارنامه فعالیت‌های خود دارند. در مورد «سی‌آی‌ای» بارزترین نمونه را می‌توان فاجعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی ذکر کرد. ماجرای حملات تروریستی سازمان‌های تروریستی «حماس» و «جهاد اسلامی فلسطین» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی علیه شهروندان اسرائیل در درون مرزهای این کشور نیز یکی از تاسف‌بارترین شکست‌های اطلاعاتی و امنیتی دولت این کشور و سازمان «موساد» شمرده می‌شود.

خاطرها، بیان رویدادهای تاریخی در دوره‌ای از زندگی حرفه‌ای رجال و شخصیت‌های کشورهاست که بخشی از تاریخ آنها را بازتاب می‌دهند. این خاطرها مانند خود تاریخ با «اما و اگر» نوشته نمی‌شوند و هرگز بازگوکننده دیدگاه‌های اشخاص دیگر نیست. چه بسا بیان برخی واقعیت‌ها از زبان شخص راوی، با برداشتهای سایر افراد و در مورد پرویز ثابتی، به ویژه با برداشتهای و روایات مخالفان کاملاً متفاوت باشد ولی هیچیک از این موارد نمی‌توانند تحریف تاریخ تلقی بشوند.

نادر صدیقی - قریب چهل و پنج سال پس از شورش خانمانسوز ۱۳۵۷ خورشیدی و استقرار رژیم تمامیت‌خواهی با نام جمهوری اسلامی، این پرسش همچنان در اذهان ایرانیان باقی است که چرا ساواک، یکی از کارآمدترین سازمان‌های اطلاعاتی در غرب آسیا، نتوانست در مقابله با شورش سازمانیافته اسلاميون، ملیون وابسته و چپ‌گرایان یک بعد نگر و نیز دشمنان و رقیبان خارجی موفق شود و کشور و نسل‌های ایرانی را از یک گزند تاریخی جبران‌ناپذیر در امان دارد.

خاطرات رجال دوران پهلوی و به ویژه مستند اخیر شبکه «منوتو» درباره خاطرات پرویز ثابتی مهم‌ترین شخصیت اطلاعاتی و امنیت ملی کشور در طول ۲۲ سال عمر ساواک، و پیش از آن با کتاب کم‌حجم «در دامگه حادثه» که در گفتگوی ایشان با پژوهشگر ایرانی «عرفان قانعی فرد» نوشته و انتشار یافت، تا حدودی، گرد خاستری از روی واقعیت‌های تاریخی برگرفت. با این حال، ایرانیان این واقعیت ناگوار را درک می‌کنند که هنوز پرسش‌ها و زوایای تاریکی از ناگفته‌های مربوط به ساواک باقی مانده که لازم است در آینده نزدیک هرآنچه را که به ویژه در سخنان و خاطرات اخیر ثابتی مکتوم مانده، برای ثبت در تاریخ بیان شود. این یک وظیفه ملی و تاریخی برای ایشان و رسالتی حرفه‌ای برای تحلیلگران و روزنامه‌نگاران آگاه ایرانی است.

ساواک در اسفندماه ۱۳۳۵ خورشیدی، ده سال پس از جنگ دوم جهانی و به دنبال رویدادهای تلخ دو سال نخست دهه ۳۰ خورشیدی، با یک مأموریت اصلی و مهم برای جلوگیری از تکرار آنچه در سه دهه نخست قرن بیستم رخ داد، تشکیل شد. ازجمله رویدادهای تابستان داغ

اطلاعاتی و امنیتی ایران در اندکی نزدیک به ربع قرن از حساس‌ترین تاریخ مدرن ایران بود.

ساواک و سازمان‌های مشابه

تمام سازمان‌های اطلاعاتی بر اساس نیازهای امنیتی کشورها به وجود آمده‌اند و میزان کارایی و اشتباهات آنها نیز متفاوت بوده است. به عنوان نمونه، اندیشه تشکیل سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا یا «سی‌آی‌ای» [۱] در هفتم دسامبر سال ۱۹۴۱ میلادی (۱۶ آذر ۱۳۲۰ خ) برای جلوگیری از فجایعی صورت گرفت شبیه حمله هوایی ژاپن به «پرل هاربر» از بزرگترین پایگاه‌های دریایی آمریکا در مجمع‌الجزایر هاوایی که سبب ورود ایالات متحده به جنگ جهانی دوم شد. دقیقاً تفکری مشابه آنچه در میان دولتمردان ایرانی برای تشکیل ساواک بود و یا لزوم برپائی «موساد» «سازمان اطلاعات و عملیات ویژه» اسرائیل که از همان بدو تولد کشور یهود، به دستور «بن گوریون» [۲] اولین نخست‌وزیر آن کشور نوبنیاد به وجود آمد.

این سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی، درجات مختلفی از شکست و موفقیت در کارنامه فعالیت‌های خود دارند. در مورد «سی‌آی‌ای» بارزترین نمونه را می‌توان فاجعه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی ذکر کرد که طی آن تروریست‌های شبکه اسلامی «القاعده» با ربودن چهار هواپیمای مسافربری در خطوط هوایی داخلی آمریکا و کوبیدن سه فروند از آنها به هدف‌های از پیش تعیین شده و عدم موفقیت هواپیمای چهارم به دلیل اقدام مشترک مسافران، لکه تاریکی بر پیکر سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا نهاد. «القاعده» سازمان تروریستی ناشناخته‌ای نبود و سال‌ها بود که «سی‌آی‌ای» از ماهیت و فعالیت‌های پنهان و آشکار آن و بنیانگذارش «اسامه بن لادن» آگاه بود! تروریست‌های این سازمان، تقریباً همزمان، ساختمان دو سفارتخانه بزرگ آمریکا در «دارالسلام تانزانیا و نایروبی کنیا» قاره آفریقا را منفجر کرده و دست‌کم ۲۰۰ کشته و تلفات سنگین دیگری وارد آورده بودند و یا نوا آمریکایی «یواس اس کول» را در آب‌های یمن غرق کرده بودند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲، درست یازده سال بعد از فاجعه کوبیدن هواپیمای مسافری به برج‌های دوقلوی نیویورک و ساختمان «پنتاگون» وزارت دفاع ایالات متحده در نزدیکی واشینگتن دی‌سی، دو قرارگاه دیپلماتیک و امنیتی این کشور در شهر ساحلی بنغازی لیبی مورد حمله شبه‌نظامیان اسلامی قرار گرفتند و طی آن سفیر و چند تن از کادرهای دیپلماتیک و امنیتی آمریکا جان باختند. با این حال سازمان‌های قدرتمند اطلاعاتی و امنیتی در ایالات متحده نتوانسته بودند از تکرار فجایع تروریستی جلوگیری کنند.

برای این سازمان‌ها و به ویژه «سی‌آی‌ای» حدود ده سال طول کشید تا نتوانستند در دوم ماه مه ۲۰۱۱ میلادی با یک عملیات ویژه به اقامتگاه بنیانگذار و رهبر القاعده در پاکستان یورش برند و «بن لادن» را از پای درآورند.

ماجرای حملات تروریستی سازمان‌های تروریستی «حماس» و «جهاد اسلامی فلسطین» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی علیه شهروندان اسرائیل در درون مرزهای این کشور نیز یکی از تاسف‌ناک‌ترین شکست‌های اطلاعاتی و امنیتی دولت این کشور و سازمان «موساد» شمرده می‌شود. در این جنایت آشکار که با هجوم ۲۵۰۰ نفر از اعضای گردان‌های «عزالدین قسام» و «ابوعلی مصطفی» و «مقاومت» انجام شد، ۱۲۰۰ کودک و پیر و جوان از زنان و مردان اسرائیلی و تعدادی از شهروندان سایر کشورها و از جمله آمریکا قربانی شدند و بیش از ۲۱۲ تن نیز به گروگان گرفته شدند. تنها در یک جشنواره موسیقی دست‌کم ۲۶۰ تن که اغلب جوانان

و نوجوانان اسرائیلی بودند، توسط مهاجمان فلسطینی به طرزی فجیع مورد آزار و شکنجه و تجاوز قرار گرفته و قتل عام شدند. بر اساس گزارش‌های اطلاعاتی که بعد از حمله‌های ۷ اکتبر منتشر شده، عاملان این حمله مرگبار، به مدت دو سال در اردوگاه‌های آموزشی در سراسر غزه، چگونگی یورش‌ها، کشتارها، گروگان‌گیری‌ها و انتقال آنها



مهسا امینی

به مخفیگاه‌های گوناگون در غزه را تمرین می‌کرده‌اند. حتی برای حمله به شهرک‌های دورتر از مناطق مرزی، از پاراگلایدر استفاده شده بود. به هر روی، ابعاد حمله‌ها و کشتارهای مهاجمانی که این روزها رسانه‌های بزرگ آنها را «شبه‌نظامیان حماس» می‌نامند، از سال‌های «هولوکاست» به اینسو، سابقه نداشته است.

این حمله‌ها یادآور یورش نظامی مصر برای آزادسازی صحرای سینا در سال ۱۹۷۳ میلادی بود که بازمه سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل را غافلگیر کرده بود.

بیان این واقعیت‌های تاریخی از چگونگی شکست‌های اطلاعاتی دو سازمان از بهترین، مجهزترین و حرفه‌ای‌ترین نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در جهان، ما را به نوعی داوری در کارنامه فعالیت‌های «ساواک» هدایت می‌کند.

دولت شاهنشاهی ایران، به ویژه در طول سال‌های پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی با انواع توطئه‌های خارجی و عوامل داخلی آنها دست به گریبان بود. نخستین توطئه به جان پادشاه با هدف دگرگون کردن نظام حکومتی ایران، توسط حزب توده و به دست یک توده‌ای به نام «ناصر فخرآرائی» رقم خورد. در این سوء قصد نافرجام که هشت سال پیش از تأسیس ساواک، در بهمن‌ماه سال ۱۳۲۷ خورشیدی و در مراسم سالگرد تأسیس دانشگاه تهران انجام شد، هفت تن دیگر نیز دستگیر شدند.

توطئه‌ها، تنها به قصد جان پادشاه به عنوان نماد وحدت ملی و یکپارچگی کشور و صرفاً به یک سازمان دست‌نشانده خارجی (حزب توده) محدود نبود. پیش از عملیات ترور شاه، قتل فجع احمد کسروی و دستیارش در کاخ وزارت دادگستری در تهران توسط تروریست‌های «فدائیان اسلام»، ماجراهای تلخ دست‌نشانندگان دیگری با نام «فرقه دمکرات آذربایجان» و کردهای تجزیه‌طلب «جمهوری مهاباد» در حافظه تاریخی ایرانیان زنده بودند. ترورهای دیگری مانند قتل سپهبد رزم آرا نخست‌وزیر وقت در صحن مسجد شاه

تهران، عبدالحسین هژیر در ۱۳۳۲ خورشیدی نیز توسط تروریست‌های عضو فدائیان اسلام که رونوشت شیعی «اخوان المسلمین مصر» بود، انجام شدند.

با گذشت زمان و ناکامی‌های مکرر حزب توده و سایر عوامل «کی‌جی‌بی» سازمان جاسوسی شوروی سابق، بر تعداد سازمان‌ها و گروه‌های معاند و معارض توسط جانشینان جوزف استالین ادامه و گسترش یافت. سازمان‌های تروریستی مانند «سازمان مجاهدین خلق»، «سازمان چریک‌های فدائی خلق»، «سازمان انقلابی حزب توده»، «سازمان توفان» و چندین گروه کوچک و نه چندان مشهور دیگر، همگی با تقلید از سازمان‌های مشابه بیگانه به پیروی از «لنین» و «استالین»، نخستین رهبران شوروی سابق، «مائو» بنیانگذار حزب کمونیست چین و حتا «انور خوجه» دیکتاتور کشور کوچک و عقب‌مانده آلبانی، خواستار تغییر رژیم ایران به سیستم کمونیستی از طریق مبارزات مسلحانه بودند. فعالیت علیه دولت و استقلال ایران تنها به این گروه‌های داخلی و آمران خارجی آنها ختم نمی‌شد. «کنفدراسیون دانشجویان ایران» در خارج کشور با ده‌ها هزار عضو و بودجه‌ای کلان که محل تأمین آن هرگز روشن نشد، بزرگترین عامل آسیب‌رسان به اعتبار بین‌المللی دولت شاهنشاهی ایران محسوب می‌شد.

بیشترین تمرکز ساواک بر توطئه‌های تروریست‌ها در داخل کشور متمرکز بود و اعضای کنفدراسیون که اکثریت قریب به اتفاق آنها از بورسیه‌های گوناگون دولتی و بنیاد پهلوی بهره‌مند می‌شدند، حتا در تعطیلات دانشگاهی، بدون هیچگونه مزاحمتی، آزادانه به ایران رفت و آمد می‌کردند. رفتار با عوامل سازمان‌های تروریستی هم چنانکه سازمان‌های تبلیغاتی شرق و غرب جلوه می‌دادند در مقایسه با سازمان‌های مشابه امنیتی سایر کشورها، سخت و خشن نبود. اگر آنچه به عنوان مثال در زندان «گوانتانامو» در مورد رفتار با تروریست‌های اسلامی در رسانه‌های بین‌المللی گزارش شد، با ادعاهای تمسخرآمیز «تجاوز به عنف در حال آویزان بودن از پنکه سقفی» به یک کمدی در برابر درام پنهانی می‌مانست. یا مورد دیگری از شکنجه توسط سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا که در سال ۱۹۷۷ طی برنامه معروف «پانوراما» از «بی‌بی‌سی» پخش شد، پرده از شکنجه‌های فیزیکی علیه یک شهروند ایرلندی پرده برداشت. آن بقال نگونبخت ایرلندی پس از سال‌ها و تحمل رنج‌ها، بی‌گناه شناخته و آزاد شده بود. پس از انتشار این راز، هیچ‌یک از روزنامه‌های بریتانیا کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نکردند در حالی که مقاله‌های مکرر درباره ده‌ها هزار زندانیان سیاسی و شکنجه‌های ساواک منتشر می‌کردند بی‌آنکه مورد مشخصی را به عنوان نمونه ذکر کنند.

برخی از ادعاهای مربوط به شکنجه‌های ساواک، در سال‌های اخیر، طی گفتگوهای رو در روی تلویزیونی و از جمله در «بی‌بی‌سی» فارسی میان مدعیان و اعضای پیشین ساواک، حقایقی را از پرده بیرون آورد و ادعاهای شکنجه را رد کرد. با این حال انتظار نمی‌رود که اتهامات شکنجه‌ها علیه ساواک پایانی داشته باشد اگرچه این روزها، بخش بزرگی از ایرانیان، داوری منصفانه‌ای در این مورد ابراز می‌کنند؛ حتا برخی از مردم عادی آرزو می‌کنند که ای کاش ساواک رفتار خشن‌تری می‌داشت!

خاطرها، بیان رویدادهای تاریخی در دوره‌ای از زندگی حرفه‌ای رجال و شخصیت‌های کشورهاست که بخشی از تاریخ آنها را بازتاب می‌دهند. این خاطرها مانند خود تاریخ با «اما و اگر» نوشته نمی‌شوند و هرگز بازگوکننده دیدگاه‌های اشخاص دیگر نیست. چه بسا بیان برخی واقعیت‌ها از زبان شخص راوی، با برداشت‌های سایر

جایزه ساخاروف پارلمان اروپا برای مهسا (ژینا) امینی و جنبش «زن، زندگی، آزادی»

● در مراسمی که خانواده مهسا (ژینا) امینی نتوانستند به دلیل جلوگیری از سفر در آن حضور داشته باشند، پارلمان اروپا با جایزه ساخاروف از این دختر جوان ایرانی گرد و جنبش «زن، زندگی، آزادی» تقدیر به عمل آورد.

● این جایزه را به نمایندگی از خانواده امینی، افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی، دختر جوان ۲۲ ساله‌ای که در جریان اعتراضات خیابانی سال گذشته در پی اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای جان باخت، و مرسته شاهین‌کار که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ بینایی یک چشم خود را از دست داد، دریافت کردند.

● مژگان افتخاری، مادر ژینا/ مهسا در پیام خود گفت: «ژینا تجلی ژین و زندگی است، همو که نامش رمز رهایی شد و رویای آزادی را از زادگاهش کوردستان به تمام ایران و خاورمیانه و جهان گسترانید و میلیون‌ها زن و انسان ستم‌دیده را به امید پرواز در افق بیکران رستگاری، به جنبش درآورد.»

احمد رأفت - در مراسمی که سه‌شنبه ۲۱ آذر در مقر فرانسوی پارلمان اروپا در استراسبورگ برگزار شد، از مهسا/ ژینا امینی و جنبش «زن، زندگی، آزادی» با اهدای جایزه ساخاروف تقدیر به عمل آمد. قرار بود مژگان افتخاری، مادر، امجد و اشکان امینی، پدر و برادر این دختر ۲۲ ساله قربانی جنایت‌های جمهوری اسلامی در این مراسم حضور داشته باشند. جمهوری اسلامی ۱۷ آذر از سفر آنها به فرانسه برای شرکت در این مراسم جلوگیری و پاسپورت‌های این خانواده را توقیف کرد.

محمد صالح نیکبخت و سهیلا قادری وکلای خانواده امینی به نمایندگی از آنها در این مراسم حضور یافتند. روبرتو مستولا، رئیس پارلمان اروپا، از دو زن ایرانی برای دریافت این جایزه نیز دعوت به عمل آورده بود. افسون نجفی خواهر حدیث، دختر جوان ۲۲ ساله‌ای که در جریان اعتراضات خیابانی سال گذشته در پی اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای جان باخت، و مرسته شاهین‌کار که در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ بینایی یک چشم خود را از دست داد، دو میهمان ویژه این مراسم در استراسبورگ بودند.

جایزه آزادی تفکر و عقیده ساخاروف عالی‌ترین جایزه‌ای است که اتحادیه اروپا سالانه به فعالان حقوق بشر یا مجموعه‌ای از فعالیت‌های حقوق بشری اهدا می‌کند. جایزه نقدی ساخاروف ۵۰ هزار یورو است. روبرتا متسولا رئیس پارلمان اروپا پیش از اهدای این جایزه، تصمیم جمهوری اسلامی بر ممانعت از

سازمانی بود که بر کمبودها، نبودها و ایرادهای حقوقی و تکنیکی هم تمرکز داشت تا امر اطلاعات و امنیت داخلی کشور تحقق یابد، چرا که بدون امنیت و آرامش، برنامه‌های پیشرفت صنعتی، اقتصادی، فرهنگی و در نتیجه توسعه آزادی‌های سیاسی که «فضای باز سیاسی» مقدمه آن بود، فراهم و میسر نمی‌شد. وظیفه ساواک مانند تمام سازمان‌های مشابه، به ضعف‌های احتمالی در امر تامین امنیت داخلی متمرکز بود. عناصر تامین امنیت داخلی هم مبارزه صرف با عوامل نفوذی بیگانگان و خرابکاران و عواملی از این دست نبود بلکه تحقیق و بررسی و گزارش فساد احتمالی مقام‌های دولتی و بانفوذ را هم شامل می‌شد. با این حال نمی‌توان و نباید ساواک را موفق‌ترین سازمان اطلاعاتی و امنیتی نامید، چرا که این سازمان نیز در اجرای ماموریت خود ضعف‌هایی بروز داد که به چندین ترور شخصیت‌های مملکتی و مقام‌های خارجی مقیم ایران، حمله به بانک‌ها و کلانتری‌ها و پاسگاه‌های ژاندارمری انجامید.

ساواک هم چون سایر سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی جهان، شکست‌ها و پیروزی‌های خود را داشت با این تفاوت که در مجموع، میزان موفقیت‌اش در مقایسه با عدم موفقیت‌ها، کارنامه مثبتی از خود بجای گذاشت. با تامین نسبی امنیت عمومی به ویژه در پانزده سال پایانی پادشاهی پهلوی، آرامش، شادی همگانی، امیدواری به آینده، تشکیل خانواده و اشتیاق عمومی به پیشرفت و دستیابی به مدارج عالی در جامعه به روشنی دیده می‌شد. از دیدگاه بسیاری از بیگانگان، ایران، بهشت یک زندگی آسوده، با مردمانی مهربان و سرزمینی افسانه‌ای بود. دامنه امنیت عمومی تا آنجا گسترش داشت که دیوارهای خانه‌ها کوتاه و تا حدی بینند و مردمان با آسودگی سر بر بستر می‌نهادند؛ شرایط و فضائی که اگر تداوم آن میسر می‌شد، به تقویت آزادی‌های سیاسی می‌انجامید، ولی رشته رویدادهای ایران، به شکل و شیوه دیگری رقم خورد.

در شکست بزرگی که دامنه آن به بزرگی جغرافیای ایران و ابعاد آن فراتر از گستره یک ملت بود و شامل جماعت بسیاری در دانشگاه‌ها و محافل موسوم به «روشنفکری» شد، پوسیدگی اخلاقی و فکری را در معرض دید تاریخ قرار داد. این بار دیگر ساواک نبود که بتوان به راحتی متهم و محکوم‌اش کرد.

مذهبیون، ملیون، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و حتا جماعتی که به ظاهر «دمکراسی» می‌طبلیدند، همه با هم، پشتیبانی خود را از پیرمرد خونریزی ابراز داشتند که در کسوت کسل‌کننده «آخوندی» سال‌ها پیشتر، ماشین تروریسم را روغن‌کاری کرده بود. این جمع پریشان از ظهور هیولائی خون‌آشام بیم نداشتند. بزرگ‌ترین ترس آنها این بود که سازمان‌هایی چون «ساواک» و «ارتش» ممکن است ماشین مرگ انقلاب را متوقف و نابود کنند و هنگامی که کشتارهای جمعی شروع شد، چهره نه بی‌تفاوت بلکه تشویق‌کننده‌ی آنها خیره‌کننده بود. خلافت مرگ به طرز شگفت‌آوری به یک سنگ محک تبدیل شد؛ نوعی آزمایش اسیدی که بی‌اخلاقی مطلق این جمع پریشان را آشکار کرد. اکنون زمان گذشته و ساواک هم به تاریخ سپرده شده و ایرانیان بجای زیست در رویاپردازی‌های خیالی عده‌ای موسوم به «روشنفکران دینی و کمونیست»‌های همچنان اسیر در گذشته، باید با دنیای قرون وسطایی ایران که ۴۵ سال پیش بر این سرزمین تحمیل شد، برخورد کنند.

→ افراد و در مورد پرویز ثابتی، به ویژه با برداشت‌ها و روایات مخالفان کاملا متفاوت باشد ولی هیچیک از این موارد نمی‌توانند تحریف تاریخ تلقی بشوند.

پرویز ثابتی بیش از ۲۰ سال در ساواک مهم‌ترین مسئولیت‌های امنیت داخلی و اطلاعات کشور را بر عهده داشت. در این مدت مدیران بالادست او چند بار تغییر کردند ولی او همچنان در جایگاه مهم خود باقی ماند. این امر خود دلیلی بر رضایت پادشاه و نیز رئیس دولت از نقش او در پست محوله تلقی می‌شود. ایرادهائی هم که باقیمانده‌های سازمان‌های چپ، ملی مذهبی‌ها، برخی از اعضای جبهه ملی و یا عوامل و ایادی رژیم پنجاه و هفتی بر عملکرد ساواک و مدیریت پرویز ثابتی وارده کرده و می‌کنند، جملگی از حیث تاریخی و تحلیل حرفه‌ای، بیشتر آورده به تبلیغات شناخته شده آنهاست. برخی از سازمان‌های کم اهمیت‌تر مانند «حکمتیست‌ها» و به عبارتی حزب کمونیست کارگری و شاخه‌های انشعابی آن، اتحادیه سوسیالیستی کارگری یا حزب کمونیست ایران هم، در پیش از «انقلاب شکوهمند» اصلا متولد نشده بودند و چه بسا جنبین سیاسی هم محسوب نمی‌شدند و نقشی در شکل دادن به رویدادها نداشتند؛ لذا انتقادهای اخیر این گروه‌های چند نفری هم خالی از اعتبارند. علاوه بر این، سازمان‌های کمونیستی وطنی، تعداد زندانیان سیاسی، اعدام‌ها و شکنجه‌ها را چندین برابر نشان می‌دادند و خبرهای دروغ و افسانه‌های جعلی انتشار می‌دادند و بی‌آنکه بر مورد خاصی تکیه کنند، اتهامات کلی را عنوان می‌کردند و به دروغ‌های «گوبلزی» متوسل می‌شدند. عمادالدین باقی از روزنامه‌نگاران جمهوری اسلامی، سال‌ها پیش بر اساس مستندات رسمی، آمارهای دقیقی از تلفات دوران پهلوی ها منتشر کرده است.

مورد دیگر پرسش این نوشتارست با عنوان «چرا ساواک نتوانست در مقابله با شورش ۵۷ موفق شود؟» که بارها از سوی بسیاری اینجا و آنجا عنوان شده است. این پرسش به ظاهر مهم، با توجه به شرایطی که به شورش ۵۷ و تغییر نظام حکومتی کشور انجامید، شاید پرسشی ناقص و دور از منطق باشد؛ چرا که دلایل آن شورش و عوامل شکل‌دهنده آن بسیار فراتر از نقش سازمانی چون «ساواک» است. درواقع ساواک می‌توانست تا حدود زیادی در اجرای برنامه شورش و تغییر حکومت، ایجاد مشکل کند و از همین رو بود که تیمسار «مقدم» آخرین رئیس این سازمان، به محض در دست گرفتن کنترل ساواک، با تصمیم شخصی که چاشنی توصیه‌های اکید برخی منابع قدرت را هم داشت، «پرویز ثابتی» را از مدیریت «اداره سوم» مهم‌ترین بخش ساواک کنار گذاشت و بی‌درنگ انبوه تروریست‌ها و اوباشان اسلامی و چپ‌های وابسته به بیگانگان را از زندان آزاد کرد. همان تروریست‌هایی که با تشخیص درست «ثابتی» و همکاریانش دستگیر و زندانی شده بودند. طولی نکشید که تروریست‌ها و زندانیان اسلامی، یکی پس از دیگری پست‌های مهم رژیم انقلابی و از جمله ریاست ساواک را عهده‌دار شدند و هشدار پرویز ثابتی مبنی بر اینکه «با تغییر حکومت در ایران، تروریست‌ها بر کشور حاکم خواهند شد» به واقعیت پیوست.

با نگاهی گذرا درمی‌یابیم که ساواک در سال‌های آخر نظام پادشاهی، بر اوضاع مسلط بود؛ تروریسم سرکوب شده بود، سازمان‌های تروریستی تحت کنترل کامل درآمده بودند و توانائی انجام هرگونه عمل آسیب‌رسان از آنان سلب شده بود. ساواک در انجام ماموریت محوله در چارچوب قوانین موجود که شخص پادشاه، رئیس دولت و ریاست ساواک همواره بر اجرای آن تاکید داشتند، موفق شده بود. ساواک



افسون نجفی خواهر حدیث نجفی از جانب‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی و مرسده شاهین‌کار که یک چشم خود را در اعتراضات از دست داد، جایزه ساخاروف را در پارلمان اروپا به نمایندگی از خانواده مهسا دریافت کردند / استراسبورگ / ۲۱ آذر ۱۴۰۲

تا پیام من را به شما برسانند. ما اینجاییم تا در زادگاه ژاندارک، یاد ژینا را گرامی بداریم، و چه زیبا و معنادار است بهم رسیدن این دختران الهام‌بخش تاریخ از پس اعصار و قرون، آنان که با مرگشان مرزهای سرزمینی را درنوردیدند و اراده رهایی و آزادی انسان‌ها را جانی دوباره بخشیدند. ژینا تجلی ژین و زندگی است، همو که نامش رمز رهایی شد و رویای آزادی را از زادگاهش کوردستان، به تمام ایران و خاورمیانه و جهان گسترانید و میلیون‌ها زن و انسان ستمدیده را به امید پرواز در افق بیکران رستگاری، به جنبش درآورد.

مظلومانه جانش را ستانند، و در خیال خود چنین پنداشتند که با ستاندن جان از کالبد، از شدن و بودن باز خواهد ایستاد. بسان ژاندارک که در تصور واهی ستمگران، با سوزاندن کالبدش رویاهایش هم دود می‌شود و به هوا می‌رود. آنان نمی‌دانستند و هنوز هم نمی‌دانند که از خاکستر ژاندارک و ژینا، ققنوس‌وار، روحی متولد خواهد شد تسخیرناپذیر و الهام‌بخش: روح زمانه.

این روح‌های زمانه پس از چندین قرن اکنون بهم پیوسته‌اند تا مژده رستگاری جاودان را برای ما مردمان این عصر به ارمغان بیاورند. آنان نویددهنده تحقق ارزش‌های والای انسانی‌اند که اکنون در شعار مترقی «ژن، ژیان، نازادی» تبلور یافته است، ارزش‌هایی مرزگریز و فراتر از زمان و مکان: عدالت، آزادی، صلح، همزیستی و برابری همه انسان‌ها.

خانم‌ها، آقایان، جهانیان!

داغ ژینا برای من ابدی است و برای همه مردم جهان جاویدان. اطمینان دارم که نام او همراه با نام ژاندارک، نماد آزادی خواهد ماند.

اکنون از زادگاه ژینای همواره زنده، قدرشناسی بیکران خود و خانواده‌ام را تقدیم شما می‌کنم و امیدوارم در این انتخاب بزرگ، مانا و سرافراز بمانید. و امید آنکه هیچ صدایی از گفتی آزادی نهراسد.»

له‌ه‌نچه‌ره‌ی زه‌مانه‌وه
گویم له‌زه‌مزه‌مه‌ی زولآلی خیزه‌ورده‌کانی کانیه

خانم‌ها و آقایان!

دوست داشتم در جمع ارزشمند شما حضور بیابم تا از نزدیک و به نمایندگی از تمامی زنان سرزمینم، از شما اهداکنندگان جایزه ارزنده‌ی ساخاروف، جایزه نماد آزادی پارلمان اروپا، قدردانی کنم. متأسفانه برخلاف همه موازین قانونی و انسانی، این فرصت را از ما دریغ کردند. وکیل مدافع ما آقای صالح نیکبخت به همراه خانم دکتر سهیلا قادری به نمایندگی از ما در جمع شما حضور خواهند یافت



مهسا امینی

سفر خانواده امینی برای دریافت جایزه دخترشان را محکوم کرد و افزود «این چیزست که مردم ایران بطور روزانه با آن مواجه می‌شوند.» رئیس پارلمان اروپا گفت «با این حال شجاعت و مقاومت زنان ایران در مبارزه خود برای عدالت و آزادی و حقوق بشر، متوقف نخواهد شد و صدای زنان ایران خاموش نمی‌شود.»

کمی پیش از برگزاری مراسم اهدای جایزه ساخاروف در پارلمان اروپا، نشست خبری این مراسم برگزار شد. محمدصالح نیکبخت در این نشست خبری از ممنوعیت خروج از کشور علیه خانواده امینی و دیگر فشارهای حکومت علیه این خانواده و نیز مشکل فقدان آزادی، فقدان آزادی پس از بیان و مشکلات کمرشکن اقتصادی در ایران گفت. مرسده شاهین‌کار نیز گفت: «من مرسده شاهین‌کار ۳۹ ساله مادر یک دختر ۱۱ ساله و مربی فیتنس هستم، چشمم را از من گرفتند اما من بدون حجاب به ورزش ادامه می‌دهم تا به زنان سرزمین‌ام روحیه و انگیزه بدهم. من و امثال من مقاومت و زندگی را مقابل سرکوب و مرگ انتخاب کرده‌ایم. جمهوری اسلامی هزاران هم‌رزم مرا کشت اما آنقدر انگیزه و قدرت در من وجود دارد که همیشه مخالفت خود را در هر فرصتی بیان کنم و به جهان بگویم ما زنان و مردم ایران در ایران خودمان زندانی حکومتی هستیم که ۴۴ سال است ما را می‌کشد و خود را به هیچ کجا پاسخگو نمی‌داند.»

او در ادامه افزود: «به چشم من نگاه کنید، به مزار کشته‌های ما نگاه کنید، به ممنوع‌الخروج کردن خانواده ژینا نگاه کنید، جمهوری اسلامی ما مخالفان و معترضان و دادخواهان و داغداران را برده خود می‌خواهد. اما ما از رسیدن به عدالت و رهایی عقب نمی‌نشینیم.»

افسون نجفی نیز در بخشی از صحبت‌هایش در اشاره به آنچه بر سر معترضان آمده، گفت: «من نمی‌خواهم به شرح آنچه به ناحق بر خواهرم، خانواده‌ام و هزاران کشته دیگر آمد صحبت کنم. بلکه می‌خواهم از این فرصت استثنایی که شما در اختیارتان قرار دادید استفاده کنم و از رنج روزانه و مداوم جوانان مبارز ایران صحبت کنم. جمهوری اسلامی اعلام کرده که بیش از ۹ هزار نفر از معترضان آزادیخواه زندانی را آزاد کرد، اما هنوز هزاران جوان دیگر در زندان‌های جمهوری اسلامی زجر می‌کشند و شکنجه می‌شوند و جمهوری اسلامی با تحت فشار گذاشتن و تهدید خانواده‌ها جلوی اطلاع‌رسانی را می‌گیرد. ما نام بسیاری از زندانیانمان را نمی‌دانیم.»

این خواهر داغدار در خاتمه گفت: «من اینجا در حالی که مثل هزاران خانواده دادخواه دیگر محکم ایستاده‌ام، به شما می‌گویم آینده از آن ملت آزاد ایران است.»

متن پیام مژگان افتخاری که محمدصالح نیکبخت در غیاب او در صحن پارلمان اروپا قرائت کرد به شرح زیر است:

«اندر دل من درون و بیرون همه اوست

اندر تن من، جان و رگ و خون همه اوست

اینجای چگونه کفر و ایمان گنجد

بی‌چون باشد وجود من، چون همه اوست

(به‌و ده‌م‌ت که بونی سه‌د به‌هاری لی‌وه دی،

بونی ده‌شتی به‌ختیاری باوه‌شی چپای به‌ده‌ستی با، به

گول چنای لی‌وه دی،

بونی سه‌ر سه‌کوی به‌گالگی به‌ناوپزای لی‌وه دی،

خوشه‌ویسته‌که‌م

له‌په‌نچه‌ره‌ی نیوه‌تاک‌ی بوومه‌لی‌له‌وه

چای من له‌دی‌مه‌نی کچی به‌یانیه

جایزه نوبل صلح به نرگس محمدی تقدیر از مبارزه‌ی زنان ایران است



کیانا و علی رحمانی فرزندان نرگس محمدی در مراسم اهدای جایزه صلح نوبل / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

● در این مراسم نرگس محمدی که از شنبه در اعتصاب غذای سه روزه در حمایت از اعتصاب غذای دو تن از مدیران سابق جامعه بهائی، مهوش ثابت و فریبا کمال‌آبادی، بسر می‌برد حضور نداشت و فرزندان دوقلویش کیانا و علی این جایزه را به نمایندگی از مادری که ۹ سال است او را ندیده‌اند دریافت کردند و پیام او را خواندند.

● بریت ریس آندرسن رئیس کمیته نروژی نوبل صلح نرگس محمدی را با نلسون ماندلا، رهبر جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی مقایسه کرد و گفت که این زندانی سیاسی «علیه سرکوب زنان و برای آزادی همگان» مبارزه می‌کند و برای این مبارزه «بهای گزافی را پرداخته است.»

● نرگس محمدی: «دولت‌های غربی نمی‌بایست با اتخاذ راهبردهای سرگردان معطوف به استمرار حکومت جمهوری اسلامی، دموکراسی و حقوق بشر را به تأخیر اندازند و انتظار می‌رود جامعه مدنی جهانی حمایت‌های جدی‌تری از تلاش مردم ایران برای گذار دموکراتیک و خشونت‌پرهیز برای دستیابی به صلح و دموکراسی و حقوق بشر انجام دهند.»

احمد رأفت - در مراسمی که در سالن مرکزی شهرداری اسلو در روز یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۲ برگزار شد، نرگس محمدی روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر که در زندان اوین سرگرم گذراندن محکومیت ده سال خود می‌باشد، جایزه نوبل صلح سال ۲۰۲۳ را دریافت کرد. البته در این مراسم نرگس محمدی که از شنبه در اعتصاب غذای سه روزه در حمایت از اعتصاب غذای دو تن از مدیران سابق جامعه بهائی، مهوش ثابت و فریبا کمال‌آبادی، بسر می‌برد حضور نداشت و فرزندان دوقلویش کیانا و علی این جایزه را به نمایندگی از مادری که ۹ سال است او را ندیده‌اند دریافت کردند و پیام او را خواندند.

در این مراسم پادشاه ۸۶ ساله نروژ، ملکه این کشور، ولیعهد و همسرش نیز حضور داشتند. در بین جمعیت چهره‌های شناخته شده هنری و سیاسی ایرانی چون شیرین عبادی که ۲۰ سال پیش به عنوان اولین ایرانی جایزه نوبل صلح را دریافت کرد، یا گلشیفته فراهانی، مرجان ساتراپی، نازنین بنیادی و فعالان حقوق بشری چون مهرانگیز کار و محمود امیری مقدم و همچنین نازنین زاغری حضور داشتند. در جریان اهدای جایزه نوبل صلح هنرمندانی از کشور دریافت کننده این جایزه نیز قطعاتی را اجرا می‌کنند. در مراسم اهدای جایزه نوبل صلح ۲۰۲۳ به نرگس محمدی، مهسا وحدت، شادی جی و مژگان شجریان قطعات «دارم امیدی»، «می‌خواهم خودم را رها کنم» و «مرغ سحر» را اجرا کردند.

بریت ریس آندرسن رئیس کمیته نروژی نوبل صلح در صحبت‌هایی که قبل از اهدای دیپلم و مدال طلای نوبل صلح به کیانا و علی رحمانی ۱۷ ساله که به نمایندگی از مادر زندانی‌شان در این مراسم حضور داشتند، نرگس محمدی را با نلسون ماندلا، رهبر جنبش ضد آپارتاید آفریقای جنوبی مقایسه کرد و گفت که این زندانی سیاسی «علیه سرکوب زنان و برای آزادی همگان» مبارزه می‌کند و برای این مبارزه «بهای گزافی را پرداخته است.» بریت ریس آندرسن به حکم ده سال زندان نرگس محمدی برای حضور در «لگام» (کارزار لغو گام به گام اعدام) هم اشاره کرد و گفت «جرم او این است که علیه اعدام مبارزه کرده است.»

بخشی از پیام نرگس محمدی از زندان برای این مراسم را دخترش کیانا به زبان فرانسه و ادامه آنرا علی قرائت کردند. نرگس محمدی در این پیام یادآوری می‌کند که «از پشت دیوارهای بلند و سرد زندان» می‌نویسد و در ادامه می‌افزاید «من یک زن خاورمیانه‌ای‌ام. خاورمیانه‌ای که گرچه از سابقه تمدنی بسیار غنی برخوردار بوده، اما اکنون در میان جنگ،



شیرین عبادی و نازنین بنیادی در مراسم اهدای جایزه صلح به نرگس محمدی / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۳

آتش تروریسم و بنیادگرایی گرفتار شده است. من یک زن ایرانی‌ام. ایرانی تمدن‌ساز و پرافتخار که امروز تحت ظلم بی‌امان حکومت دینی استبدادی زن‌ستیز است. من زنی زندانی‌ام که در تحمل رنج‌های عمیق و جانگناه ناشی از فقدان آزادی، برابری و دموکراسی، به ضرورت وجود آنها پی برده و ایمان یافته‌ام.»

نرگس محمدی در پیام خود اوضاع کنونی ایران را چنین به تصویر می‌کشد: «مردم ایران برای تحقق دموکراسی، آزادی و برابری تلاش کرده‌اند. آنان برای تحقق این مطالبات همواره بر اعتراضات خشونت‌پرهیز و مقاومت مدنی تأکید و از هر فرصت و امکانی برای ساختن جامعه‌ای سرشار از صلح، رفاه و توسعه بهره گرفته‌اند. اما جهان شاهد است که حکومت سرسختانه و بی‌رحمانه با سرکوب، کشتار، اعدام و زندان در مقابل خواسته‌ها و مطالبات مدنی، آزادخواهانه و برابری طلبانه مردم ایستاده است. دموکراسی به واسطه‌ی ظرفیتی که برای تحقق آزادی و برابری در دل خود دارد، مطالبه‌ی بنیادین جامعه ایران بوده و قریب به اتفاق جامعه مدنی، خواهان تغییرات بنیادین و گذار به دموکراسی به عنوان مولفه نظام سیاسی آینده ایران هستند.»

جمهوری اسلامی که به گفته برنده جایزه نوبل صلح ۲۰۲۳ میلادی «حکومت دینی، استبدادی و زن‌ستیز» است «در عرصه‌ی سیاسی، راه هرگونه تحرک سیاسی را در جامعه مسدود کرده و ساختارهای فرصت‌های سیاسی را محدود و حوزه‌های کنش‌های جمعی و فردی را سرکوب می‌کند. جمهوری اسلامی اساساً با پاسخگویی به مردم بیگانه است.» این حکومت به گفته نرگس محمدی «حکومت، تبعیض بر اساس دین، جنسیت و قومیت را بطور هدفمند و سیستماتیک به منظور فرودستی دگرها» در دستور کار خود قرار داده است.

در پیام خود به این مراسم، نرگس محمدی به فساد گسترده‌ای که یکی از دلایل فقر مطلق بیش از نیمی از شهروندان است نیز اشاره می‌کند: «در عرصه‌ی اقتصادی نظام حامی‌پرور، رفاقت‌سالار و غارتی با واگذاری انحصارات و امتیازات ویژه به گروه‌های وفادار به خود، حوزه اقتصاد را بدل به عرصه غارت و سرکوب کرده است. فساد افسارگسیخته سیستماتیک، ناکارآمدی و سوء مدیریت، اختلاس و غارت اموال و ذخایر عمومی، جامعه را دچار فقر، نابرابری‌های عمیق، بیکاری و دیگر نابسامانی‌ها کرده که تبعات سنگین این سیاست‌ها، زیست انسانی مردم و شأن و منزلت انسانی آنها را در معرض فروپاشی و انهدام

توافقی در افق کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی دیده نمی‌شود



کنفرانس بین‌المللی آب و هوا «کاپ ۲۸» در دوی / ۱ دسامبر ۲۰۲۳

آمده در ۲۷ کنفرانس قبلی نیز روی کاغذ ماندند. نامدار بقائی یزدی استاد دانشگاه در لندن و کارشناس محیط زیست در گفتگو با کیهان لندن یادآوری می‌کند که «همیشه تصمیمات سازمان ملل در رابطه با مسائل اقلیمی با جنجال روبرو شدند، اینبار نیز قرار گرفتن سلطان الجابر مدیرعامل بزرگترین شرکت نفتی امارات (ADNOC) در رأس این کنفرانس از همان ابتدا به بحث‌های بسیاری دامن زد. بسیاری این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا مدیرعامل یکی از شرکت‌های نفتی عمده جهان باید در رأس کنفرانسی باشد که قرار است در رابطه با کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی تصمیماتی اتخاذ کند.»

در جریان این کنفرانس ۱۱۵ کشور متعهد شدند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی تولید انرژی‌های تجدیدپذیر را سه برابر کنند. البته بر اساس آمار ارائه شده در این کنفرانس، در سال ۲۰۲۲ میلادی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برای تولید انرژی‌های پاک یا تجدیدپذیر با استفاده از باد و خورشید سرمایه‌گذاری شده است. در همین مدت زمان سرمایه‌گذاری در رابطه با انرژی‌ها فسیلی زیر ۴۰۰ میلیارد دلار بوده است. البته نمی‌توان نادیده گرفت که بر پایه آمار ارائه شده در کنفرانس دوی در ۲۰ سال گذشته مصرف انرژی‌های فسیلی در سطح جهان از ۸۰ میلیون بشکه در روزه به ۱۰۰ میلیون افزایش یافته است.

البته بر مبنای تحقیقاتی که در حاشیه کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی ارائه شد این روند در حال دگرگونی است. بر پایه تحقیقات ارائه شده تا سال ۲۰۴۰ میلادی استفاده از سوخت‌های فسیلی به صورت قابل توجهی کاهش خواهد یافت. روندی که به نگرانی‌های زیادی در کشورهای تولیدکننده نفت و گاز دامن زده است. برپایه این گمانه‌زنی‌ها در سال ۲۰۴۰ میلادی ۴۰ کشوری که در حال حاضر نفت و گاز صادر می‌کنند بخش قابل توجهی از درآمد خود را از دست خواهند داد. در حال حاضر ←

● بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی که ۹ آذر در دوی آغاز به کار کرد ۳۱ آذر پایان خواهد یافت. هنوز در رابطه با بیانیه پایانی توافقی به دست نیامده است.

● در جریان این کنفرانس ۱۱۵ کشور متعهد شدند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی تولید انرژی‌های تجدیدپذیر را سه برابر کنند. در سال ۲۰۲۲ میلادی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برای تولید انرژی‌های پاک یا تجدیدپذیر با استفاده از باد و خورشید سرمایه‌گذاری شده است.

● سال ۲۰۲۳ میلادی بنا بر آماري که نهاد «بررسی تغییرات آب و هوایی» اتحادیه اروپا منتشر ساخته است، گرم‌ترین سال در ۱۲۵ هزار سال گذشته بوده است.

● در استان خوزستان ایران سوزاندن گازهای چاه‌های نفت از عوامل اصلی آلودگی هوا است و در ده سال گذشته شمار مبتلایان به انواع سرطان را بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش داده است.

● طبق آمار رسمی جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۶ هزار نفر در ۳۳ شهر قربانی آلودگی هوا شده‌اند. تنها در تهران در سال ۱۴۰۰ آلودگی هوا جان ۶۳۸۴ نفر را گرفته است.

احمد رأفت - بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی که ۹ آذر در دوی آغاز به کار کرده بود، هنوز ادامه دارد و تا کنون هیچ نتیجه ملموسی به دست نیامده است. غیبت برخی رهبران کشورهای عمده چون آمریکا، روسیه، پادشاهی سعودی تنها یکی از مشکلاتی است که این کنفرانس سازمان ملل متحد که بیش از ۱۲۰ کشور در آن حضور دارند با آن مواجه است. بعید به نظر می‌رسد که توافقی دست‌یافته در این کنفرانس که ۲۱ آذر (۱۲ دسامبر) به کار خود پایان خواهد داد، در آینده نزدیک روی عمل به خود ببینند، چنانکه بسیاری از توافقی‌های به دست

قرار داده‌است. پاسخ رژیم در برابر معترضان همواره پرونده‌سازی، دستگیری، زندان و گلوله بوده است. آبان ۹۸ شاهی بر این مدعا است.»

نرگس محمدی با اشاره به اینکه رئیس کمیته نوبل صلح هنگام اعلام نام او به عنوان دریافت‌کننده امسال این جایزه سخنان خود را با «زن، زندگی، آزادی» آغاز کرد گفت: «جنبش زن، زندگی، آزادی با ایده‌ی ستگ و فراگیر گذار از استبداد دینی، فرایند تحقق دموکراسی، آزادی و برابری را در ایران شتاب داد و مطالبات تاریخی مردم ایران را وضوح و معنا بخشید. این جنبش در تداوم جنبش‌ها و خیزش‌های زنان، جوانان، دانشجویان، معلمان، کارگران، فعالان حقوق بشر و محیط زیست به بسط مقاومت مدنی مردم ایران کمک شایان توجهی کرد. این جنبش ماهیتاً تغییرمحور و اساساً زندگی‌بنیاد است.»

از آنجا که مبارزات زنان ایرانی یکی از دلایل انتخاب نرگس محمدی برای دریافت جایزه نوبل صلح است، این زندانی سیاسی در پیام خود صحبت بر «تشدید سرکوب زنان به موجب حجاب اجباری ننگین حکومتی» تاکید کرد و گفت ولی اینهمه زنان «را دچار انفعال یا انطباق نخواهد کرد، چرا که باور داریم حجاب اجباری از سوی حکومت، نه فریضه‌ای دینی و الگویی فرهنگی، بلکه به منظور جریان و شریان عنصر سلطه و تسلیم در رگ و پی کل جامعه بوده و لغو حجاب اجباری به منزله لغو تمام شقوق سلطه و شکستی سرکوب استبداد دینی است.»

این مراسم فرصتی را در اختیار نرگس محمدی قرار داد تا از ماشاات کشورهای غربی با جمهوری اسلامی نیز انتقاد کند. برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ ضمن سپاسگزاری «از حمایت نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، همینطور سازمان‌های مدنی زنان، هنرمندان، انجمن جهانی قلم، نویسندگان و روشنفکران و رسانه‌های جهانی برای حمایت‌های تأثیرگذارشان از جنبش «زن، زندگی، آزادی» افزود «اما واقعیت این است که دولت‌ها و سازمان ملل آنچنان که ضروری و سزاوار می‌نمود، اهتمام جدی، انسجام عملی و رویکردی پیش‌برنده برای حمایت معطوف به پیروزی مردم ایران نداشته‌اند. سیاست‌ها و راهبردهای دولت‌های غربی سطحی‌تر از آن بوده که با اصالت بخشی به اراده‌ی مردم ایران برای رسیدن به اهدافشان، دموکراسی را در این نقطه از جهان ممکن‌تر و صلح را تضمین نمایند» و «دولت‌های غربی نمی‌بایست با اتخاذ راهبردهای سرگردان معطوف به استمرار حکومت جمهوری اسلامی، دموکراسی و حقوق بشر را به تأخیر اندازند و انتظار می‌رود جامعه مدنی جهانی حمایت‌های جدی‌تری از تلاش مردم ایران برای گذار دموکراتیک و خشونت‌پرهیز برای دستیابی به صلح و دموکراسی و حقوق بشر انجام دهند.»

پیام نرگس محمدی با تاکید بر امید به پیروزی مردم ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی پایان یافت: «مقاومت مداوم و خشونت‌پرهیز بس ستگ است. این همان راه دشواری است که ایرانیان به اتکای آگاهی تاریخی و اراده‌ی جمعی خود تا امروز پیموده‌اند. مردم ایران با استمرار، انسداد و استبداد را ویران خواهند کرد. تردید نکنید، این امر قطعی است. من در کنار جامعه مدنی، زنان و مردان مقاوم و شجاع ایران با امید و اشتیاق دست تمام نیروها، جریان‌ها و افراد با محوریت پایبندی به صلح، میثاق جهانی حقوق بشر و دموکراسی را می‌فشارم. یقین دارم نور آزادی و عدالت با قدرت به سرزمین ایران تابانده خواهد شد. در آن بزنگاه، پیروزی دموکراسی و حقوق بشر را بر استبداد و اقتدارگرایی جشن خواهیم گرفت و پژواک سرود پیروزی مردم در خیابان‌های ایران در سراسر جهان طنین‌انداز خواهد شد.»

دولت بایدن از فشار سیاسی و تبلیغاتی علیه دولت اسرائیل چه مقاصدی را دنبال می‌کند؟

لازم به یادآوری نیست که در تایید مطالب بالا، بیش از چهار انتخابات پارلمانی در یک زمانه کوتاه در این کشور انجام شده و دولت ائتلافی بنیامین نتانیاهو بر آمده از آخرین انتخابات است که با ورود بنی گانتز وزیر دفاع سابق در دولت قبلی به صورت یک دولت ائتلاف ملی درآمده است.

از نظر حمایت مردم اسرائیل در دفاع از کشورشان در مقابل تروریسم، تعویض رئیس و یا کابینه دولت، تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند ولی کشورهای حامی تروریسم در منطقه از برکناری و یا استعفای نتانیاهو به عنوان یک پیروزی تاریخی یاد خواهند کرد، همانطور که از ویرانی و کشته شدن هزاران نفر در باریکه غزه و سلاخی و تجاوز به ۱۲۰۰ نفر بی‌گناه نظامی و گروگانگیری زن و کودکان نیز با نام پیروزی بزرگ «محور مقاومت» یاد می‌کنند.

در مورد آینده باریکه غزه، خلع سلاح حماس و تبدیل شدن به یک منطقه غیرنظامی و عاری از سلاح، که راه پیشرفت اقتصادی با کمک ائتلافی از کشورهای عربی را در پیش بگیرد که از طرف دولت اسرائیل مطرح می‌شود، قابل درک و عقلانی به نظر می‌رسد.

راه حل‌های دیگر کشورها با ابهامات زیادی همراه هست و راهکاری بلندمدت برای ثبات در منطقه و آرامش و پیشرفت و همزیستی مسالمت‌آمیز برای مردم فلسطین و اسرائیل در بر ندارد.

حتی راه حل سپردن اداره باریکه غزه به دولت خودگردان فلسطین در کرانه باختری که تا گلو در فساد فرو رفته است در بلندمدت امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد و شاید سناریوی تکراری فراری دادن آنها با پیژامه را پس از فروپاشی دولت مشترک با گروه تروریستی حماس در ژوئیه سال ۲۰۰۷ را رقم بزند.

تشکیل دولت مستقل فلسطینی هم که از طرف بعضی از کشورهای دموکراتیک و غربی مطرح می‌شود، بدون اشاره به پایبند بودن به دموکراسی و قوانین حقوق بشر سرابی بیش نخواهد بود و سرنوشتی مشابه سوریه و یمن و افغانستان و ایران را برای مردم فلسطین رقم خواهد زد؛ به شکلی که اقلیتی تندرو و تمامیت‌خواه و تا دندان مسلح قدرت را در دست گرفته و دمار از روزگار مردم خود و همسایگان خود درخواهند آورد.

دولت بایدن چه تضمینی می‌دهد که در همسایگی اسرائیل، حکومتی مانند طالبان به قدرت نرسد؟! راه حل کشورهای تروریستی منطقه نیز که از خود به عنوان «محور مقاومت» یا «جبهه مقاومت» نام می‌برند هم با ریختن مردم یهود از نهر تا بحر به دریای مدیترانه پایان می‌یابد.

البته در سال‌های نه چندان دور پیشنهادهایی مبنی بر تشکیل دو کشور و پیوستن همزمان آنها به اتحادیه اروپا از طرف حزب رادیکال ایتالیا و رهبر تاریخی آن مارکو پانلا مطرح شده بود که هرگز جامه عمل به خود نگرفت و در حال حاضر با پیشروی اسلام سیاسی به عنوان ایدئولوژی غالب در مناطق فلسطینی، امکان مطرح شدن هم دیگر ندارد.

حال این فشار افکار عمومی جهان بر اسرائیل که از طرف دولت بایدن به قصد بر اندازی نتانیاهو از دولت

● در مورد آینده باریکه غزه، خلع سلاح حماس و تبدیل شدن به یک منطقه غیرنظامی و عاری از سلاح، که راه پیشرفت اقتصادی با کمک ائتلافی از کشورهای عربی را در پیش بگیرد که از طرف دولت اسرائیل مطرح می‌شود، قابل درک و عقلانی به نظر می‌رسد.

● راه حل سپردن اداره باریکه غزه به دولت خودگردان فلسطین در کرانه باختری که تا گلو در فساد فرو رفته است در بلندمدت امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد و شاید سناریوی تکراری فراری دادن آنها با پیژامه را پس از فروپاشی دولت مشترک با گروه تروریستی حماس در ژوئیه سال ۲۰۰۷ را رقم بزند.

● تشکیل دولت مستقل فلسطینی هم که از طرف بعضی از کشورهای دموکراتیک و غربی مطرح می‌شود، بدون اشاره به پایبند بودن به دموکراسی و قوانین حقوق بشر سرابی بیش نخواهد بود و سرنوشتی مشابه سوریه و یمن و افغانستان و ایران را برای مردم فلسطین رقم خواهد زد؛ به شکلی که اقلیتی تندرو و تمامیت‌خواه و تا دندان مسلح قدرت را در دست گرفته و دمار از روزگار مردم خود و همسایگان خود درخواهند آورد.

بهرام فرخی - با ورود به ماه سوم جنگ غزه که با حمله تروریستی حماس به اسرائیل از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده و این کشور را بیش از پیش در مقابل گروه‌های تروریستی «محور مقاومت» قرار داده، اینک خبر از فعال ساختن ماده ۹۹ سازمان ملل توسط آنتونیو گوترش می‌رسد، و به همین دلیل دبیرکل سازمان ملل قصد بردن موضوع به شورای امنیت را دارد که با مخالفت اسرائیل و بی‌اعتنایی ایالات متحده مواجه شده است.

وضعیت جنگ همچنان در شرایط آخرین هفته‌ها با دو مولفه پیروزی نظامی اسرائیل در میدان نبرد و پیروزی تبلیغاتی مخالفان اسرائیل و طرفداران گروه‌های فلسطینی در شبکه‌های خبری در کشورهای غربی ادامه دارد و تفاوت چندانی نکرده است.

حملات و تهدیدات وزرا و مسئولین دولت بایدن از جمله کاملا هریس، آنتونی بلینکن، لویج جیمز اوستین به دولت بنیامین نتانیاهو شدت و فرم جدیدی به خود گرفته تا جایی که اهالی شهرک‌نشینان کرانه غربی را هم تهدید به تحریم‌های آمریکایی کرده‌اند.

واقعا دولت بایدن از این حملات و التیماutomها چه مقاصدی را دنبال می‌کند؟

تضعیف دولت محافظه‌کار اسرائیل در هنگامه نبردی سرنوشت‌ساز برای آینده سیاسی و امنیت این کشور چه پیامدهایی خواهد داشت؟

شکی نیست که شخص بنیامین نتانیاهو و دولت‌اش نه در اسرائیل و نه در خارج از مرزهایش از محبوبیت بالایی برخوردار نیستند، و شاید اگر این جنگ در مقابل تروریسم اسلامی را، دولتی متفاوت در صحنه سیاسی اسرائیل به پیش می‌برد از حمایت بیشتری لاقلا در میان افکار عمومی کشورهای غربی و دموکرات برخوردار می‌شد.

ولی اسرائیل در هر حال یک کشور دموکرات و از همبستگی ملی خاصی برخوردار است و منافع ملی کشور با تعویض رنگ دولت‌ها تغییر چندانی نمی‌کند.

→ این ۴۰ کشور در مجموع بیش از ۱۷ تریلیون دلار از صادرات نفت و گاز درآمد دارند. درآمدی که بر پایه این تحقیقات در سال ۲۰۴۰ میلادی به ۹ تریلیون دلار کاهش خواهد یافت. ایران از جمله کشورهایی است که این کاهش می‌تواند در اقتصاد آن در صورتی که تغییراتی ایجاد نشود تأثیر بسزائی داشته باشد. البته تا زمانی که نظام کنونی در راس کشور باشد، بعید به نظر می‌رسد که شاهد چنین تغییراتی باشیم.

استفاده از سوخت‌های فسیلی دلیل اصلی تغییرات اقلیمی است. سال ۲۰۲۳ میلادی بنا بر آماري که نهاد «بررسی تغییرات آب و هوایی» اتحادیه اروپا منتشر ساخته است، گرم‌ترین سال در ۱۲۵ هزار سال گذشته بوده است. در ماه اکتبر سال جاری میلادی دمای کره زمین در مقایسه با همین ماه در سال گذشته ۷/۱ درجه سانتیگراد افزایش داشته است. دلیل این افزایش بی‌سابقه دمای کره زمین افزایش حضور دی‌اکسید کربن است. البته این تغییر دما در کنار آلودگی بیش از حد هوا در بسیاری از نقاط جهان، به صورت جدی سلامت مردم را به خطر انداخته است.

در مناطق نفت‌خیز یکی از مهم‌ترین عواملی که در آلودگی هوا نقش دارند، مشعل‌سوزی است. مشعل‌سوزی نامی است که برای سوزاندن گاز زائد از استخراج نفت انتخاب شده است. مشعل‌سوزی در کشورهای دو سوی خلیج فارس سلامتی چند میلیون انسان را به خطر انداخته است. گاز ناشی از مشعل‌سوزی تا بیش از یکصد کیلومتر پخش شده و یکی از عوامل اصلی آلودگی هوا است. نیترژن دی‌اکسید و بنزو آلفاپیرن که سوزاندن مشعل‌ها در هوا منتشر می‌سازد نه تنها سرطان‌زا هستند بلکه عامل اصلی بسیاری از بیماری‌های ریوی و قلبی نیز به حساب می‌آیند. در استان خوزستان ایران سوزاندن گازهای چاه‌های نفت در ده سال گذشته شمار مبتلایان به انواع سرطان را بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش داده است. وضعیت در جنوب عراق وخیم‌تر است.

طبق آمار رسمی منتشر شده در جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۱ بیش از ۲۶ هزار نفر در ۳۳ شهر قربانی آلودگی هوا شده‌اند. تنها در تهران بنا بر آمار منتشر شده از سوی کمیسیون سلامت مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۰ آلودگی هوا جان ۶۳۸۴ نفر را گرفته است. همین کمیسیون خسارات ناشی از آلودگی هوا در پایتخت را بیش از ۳ میلیارد دلار تخمین زده است. بنا بر تحقیقات نهاد بررسی تغییرات آب و هوایی اتحادیه اروپا انتشار گازهای گلخانه‌ای در ایران سه برابر آمریکا است. در جهان، بنا بر این آمار، میانگین تولید گازهای گلخانه‌ای به ازای هر ۱۰۰۰ دلار تولید ناخالص برابر با ۵/۲ تن است. ایران در رده‌بندی تولید گازهای گلخانه‌ای در مقام هشتم قرار دارد، در حالی که از نظر تولید ناخالص ملی جایگاه چهارم و یکم را اشغال می‌کند.

در دویی رایزنی در رابطه با بیانیه پایانی کنفرانس «کاپ۲۸» آغاز شده است. در رابطه با سوخت‌های فسیلی نظرات متفاوت هستند و هنوز توافقی حاصل نشده است. برخی پیشنهاد کرده‌اند در بیانیه پایانی جمله «سرعت بخشیدن به کنار گذاشتن تدریجی سوخت فسیلی» گنجانده شود، در حالی که گروهی دیگر از کشورهای شرکت‌کننده می‌خواهند از جمله «کنار گذاشتن تدریجی، منظم و عادلانه سوخت فسیلی» در بیانیه پایانی استفاده شود. عبدالعزیز بن سلمان، وزیر انرژی پادشاهی سعودی موفقیت کشورش را با هر دو جمله در بیانیه پایانی بعید می‌داند. او در گفتگو با خبرنگاری آمریکایی «بلومبرگ» می‌گوید «برخی دیگر از کشورها نیز با طرح کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی موافقت نخواهد کرد.»

بدنه اکثر گروه‌های چپ و حتی حقوق بشری است که در جنگ اخیر بین اسرائیل و گروه‌های تروریستی در باریکه غزه به خوبی شاهد آن هستیم. نکته نگران‌کننده بزرگ، کوتاه آمدن و عقب‌نشینی کشورهای دموکرات از اصول دموکراسی و لیبرال در قوانین خود به خاطر فشار و تهدیدات کشورهای حامی

عهده گرفته تا UNHRO که برای کمک به سرزمین‌های اشغالی تشکیل شده و طی این سال‌ها تبدیل به کانالی برای رسیدن جنگ‌افزار و تربیت و تغذیه تروریست‌های حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی در باریکه غزه شده است. در شهرهای بزرگ اروپایی و آمریکایی نیز تظاهرات

و یا متقاعد کردن او به قبول پیشنهاد «دو ملت، دو کشور» انجام می‌شود، چطور و به دستان چه کسانی انجام می‌پذیرد؟ متأسفانه در دورنمای سیاسی آمریکا در سال‌های اخیر نوعی پولاریزاسیون دیده می‌شود که جناح‌های میانه‌رو در احزاب جمهوریخواه و دموکرات جای خود را به



تروریست است که تازه‌ترین نمونه آن تغییر قوانین در کشور دناهارک مبنی بر محدود کردن آزادی انتقاد از مذاهب است.

در مورد ضعف و پایین آمدن پرستیژ دولت بایدن همین بس که ناامنی از خلیج فارس و برای کشتی‌های اسرائیلی به دریای سرخ و اقیانوس هند کشیده شده و منحصر به کشتی‌های اسرائیلی نیست و کشتی‌های تجاری دیگر کشورها را هم در بر می‌گیرد و حتی ناوهای جنگی آمریکا هم در امان نیستند، آنهم توسط ایادی تروریست رژیم ایران در یمن که تا چندی پیش در لیست تروریستی آمریکا قرار داشتند و دولت بایدن به محض روی کار آمدن آنها را از لیست تروریسم خارج و بندر حدیده را در دریای سرخ به اسم کمک‌های حقوق بشری و در عمل برای ناامن کردن خاورمیانه به این گروه تروریستی هدیه کرد.

در نهایت اینکه پوتین که از ترس پیگرد به دلایل جنایات جنگی در اوکراین، سفرهای خود را مدتی محدود کرده بود و فقط به کشورهای امن چون چین و کره شمالی و روسیه سفید مسافرت می‌کرد اینبار برای ریشخند بایدن با کلی دبدبه و کبکبه از نزدیکترین کشورهای متحد آمریکا یعنی امارات عربی و عربستان سعودی بازدید کرد و مورد استقبال گرم رهبران آنها قرار گرفت و صدور اعلامیه مشترک مبنی بر پایین آوردن تولیدات نفتی در ماه‌های آینده یک نوع دهان‌کجی به ایالات متحده به حساب می‌آید و این نشانه بارز عدم اعتماد کامل سران این کشورها به سیاست‌های مداخلات و عقب‌نشینی بایدن در مقابل رژیم اسلامی حاکم بر ایران است.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

چند صدهزار نفری نقش مهمی در تبلیغات علیه دولت اسرائیل به شمار می‌روند. در این تظاهرات جوانان و زنان و فعالان سیاسی و فرهنگی در کشورهای غربی شرکت می‌کنند. جوانان و زنانی که از طریق اخبار و سوشیال مدیا با ویرانی‌های غم‌انگیز و کشتار بی‌گناهان جنگ اخیر آشنا شده و اطلاع‌چندانی با تاریخ خاورمیانه و مسئله فلسطین و ایدئولوژی حاکم بر گروه‌های تروریستی حماس و جهاد اسلامی یعنی اسلام سیاسی ندارند و بازیچه‌ی گروه‌های اسلامی و نژادپرست ضداسرائیلی و گروه‌های سیاسی چپ با انگیزه‌های ضدامپریالیستی و ضدآمریکایی شده‌اند.

وگرنه چگونه ممکن است چنین تظاهراتی را برای همبستگی با مردم سوریه که بیش از نیمی از جمعیت خود را به دست بشار اسد جلا با همکاری روسیه و رژیم ددمنش اسلامی در ایران و گروه تروریستی حزب‌الله کشته و زخمی و فراری کرده برگزار نمی‌کنند؟! چرا علیه روسیه پوتین که بیش از دو سال است مردم بی‌پناه اوکراین و خانه و مدارس و بیمارستان‌های آن کشور را هدف بمباران‌های خود قرار داده، فراخوان نمی‌دهند؟! و به عنوان یک ایرانی حق این سوال را دارم که چرا در طول ۴۴ سال شاهد چنین راهپیمایی‌هایی در لندن و پاریس و نیویورک برای همبستگی با مردم بی‌دفاع ایران و علیه رژیم آدمکش‌آخوندها نبوده‌ایم؟

زنان و اقلیت‌های جنسی در افغانستان که در دام طالبان خونخوار قرون وسطایی افتاده‌اند و راه فرار از همه طرف بر آنها بسته شده نیز شاهد چنین تظاهرات و همبستگی گروه‌های حقوق بشری و فمینیست و LGBTQ در غرب نبوده‌اند!

تمامی این دلایل ناشی از حضور ویروس ضدآمریکایی در

تندروهای نئوناز در حزب جمهوریخواه مثل مارک پمپئو، جان بولتون و دونالد ترامپ و تندروهای چپ مانند برنی سندرز، الکساندر اوکازویو کورتز، جمال بومن، رشیده طلب و حتی ایلان عمر در حزب دموکرات داده‌اند که تا حدی دولت بایدن را به گروگان گرفته‌اند.

همچنین این هجوم‌های تبلیغاتی علیه دولت بنیامین نتانیاهاو در سرتاسر جهان از حمایت مالی و تبلیغاتی جرج سوروس فیلانتروپ و میلیاردر یهودی و حامی انقلاب‌های رنگین در سال‌های گذشته بر خوردار است که حتی برای مقاصد خاص خود از کمک به دشمنان هموطن و هم‌کیش خود نیز پروایی ندارد.

یکی از مقاصد خاص جرج سوروس که سرمایه‌عظیمی را هزینه‌ی تحقق آن کرده، همانا معاهده برجام بود که با کمک دولت دموکرات اوباما و اصلاح‌طلبان داخل جمهوری اسلامی و اتاق‌های فکر در غرب از جمله نایاک موفق به رسیدن به آن شد که هم‌اکنون در عمل مُرده است و جرج سوروس قصد احیای آن را تا قبل از پایان دوران ریاست جمهوری بایدن دارد. البته ناگفته نماند که بعضی از افراد دخیل در آن هم‌اکنون از طرف ادارات ضدجاسوسی آمریکا تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند. دشمنی پایان‌ناپذیر سوروس با نئونازها در حزب جمهوریخواه آمریکا مانند جرج بوش و دونالد ترامپ با هدف جلوگیری از بازگشت دوباره ترامپ به کاخ سفید است. وی یکی از حامیان مهم کاندیداتوری بایدن سالخورده و بیمار برای ماندن در قدرت است.

سازمان ملل هم با مدیرکل و شاخه‌های متفاوت آن نقش مهمی به عهده دارند؛ از یونیسف که چاپ و توزیع کتاب‌های درسی کودکان در غزه را به عهده دارد و عملاً کار شستشوی مغزی کودکان فلسطینی علیه یهودیان را به

روزنامه «تایمز»:

خلبانان نیروی هوایی بریتانیا معتقدند جمهوری اسلامی در حال تسلیح حزب الله و حماس است



یکی از مقرهای اصلی نیروی هوایی بریتانیا در منطقه قبرس است

● خلبانان نیروی هوایی بریتانیا می‌گویند هنگام گشت هوایی بر فراز سوریه و عراق، نقل و انتقال محموله‌های تسلیحاتی را شناسایی کردند که به نظر می‌رسد جهت گسترش حملات علیه اسرائیل برای حزب‌الله و حماس ارسال می‌شوند.

● جنگنده‌های تایفون نیروی هوایی بریتانیا سال‌هاست بر فراز منطقه پرواز می‌کنند. مأموریت آنها مقابله با بقایای داعش است. «تایمز» فاش کرده که این مأموریت در ماه‌های اخیر بر روی تحرکات گروه‌های وابسته به رژیم ایران در منطقه متمرکز شده است.

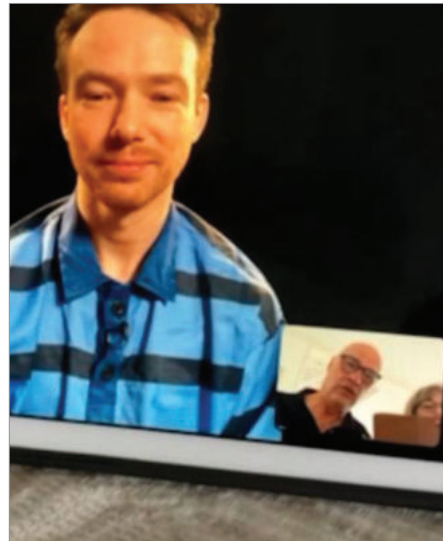
● این منبع به این پرسش که چگونه حماس در غزه یا فلسطینیان در کرانه باختری می‌توانند این تسلیحات را در اختیار بگیرند پاسخ نداد.

روزنامه «تایمز» هشتم دسامبر (۱۷ آذرماه) به نقل از خلبانان نیروی هوایی بریتانیا که در خاورمیانه مأموریت دارند گزارش داد که نیروهای نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در حال تسلیح حماس و حزب‌الله هستند.

این خلبانان می‌گویند هنگام گشت هوایی بر فراز سوریه و عراق، نقل و انتقال محموله‌های تسلیحاتی را شناسایی کردند که به نظر می‌رسد جهت گسترش حملات علیه اسرائیل برای حزب‌الله و حماس ارسال می‌شوند.

به گفته این سازمان، در حالی که «دولت سوئد و اتحادیه اروپا بی‌سر و صدا در پشت صحنه برای آزادی فلودروس کار می‌کردند، پرونده او در ابتدا بطور علنی فاش نشد. اما خانواده این شهروند سوئدی در ماه شهریور سکوت را شکسته و خواستار افزایش تلاش‌ها برای آزادی فرزند خود شدند.» گروه‌های مدافع حقوق بشر و دولت‌های غربی جمهوری اسلامی را متهم کرده‌اند که تلاش می‌کند از طریق بازداشت افراد به اتهامات بی‌اساس امنیتی، اما در واقع بی‌دلیل، از کشورهای دیگر امتیاز بگیرد. جمهوری اسلامی سیاسی بودن این بازداشت‌ها را رد می‌کند.

روابط بین استکهلم و تهران از سال ۲۰۱۹ که سوئد حمید نوری از متهمان اعدام‌های دهه ۶۰ خورشیدی را دادگاهی کرد تیره شده است. حمید نوری در دادگاه به حبس ابد محکوم شد. نکته قابل توجه اینکه دادگاه فلودروس اندکی قبل از اعلام رای دادگاه تجدید نظر نوری که ۱۹ دسامبر قرار است رای خود را اعلام کند برگزار می‌شود و به نظر می‌رسد



فلودروس در حال گفتگوی آنلاین با خانواده‌اش از زندان / عکس: خبرگزاری تی‌تی

نتیجه‌ی آن نیز با رای دادگاه سوئد مرتبط خواهد بود بطوری که بتوان زمینه را برای مبادله این شهروند سوئدی با حمید نوری فراهم آورد.

اواسط اردیبهشت ۱۴۰۲ حبیب فرج‌الله جعب ملقب به «حبیب اسبود» شهروند ایرانی- سوئدی از رهبران «حرکه النضال» به اتهام اقدام علیه امنیت جمهوری اسلامی اعدام شد. پیش از آنکه یوهان فلودروس به گروگان گرفته شود احمدرضا جلالی پزشک ایرانی- سوئدی در سال ۱۳۹۵ با اتهامات امنیتی بازداشت شد. دادگاه انقلاب جلالی را به اتهام جاسوسی محکوم به اعدام کرده است. او نیز سال ۱۳۹۵ برای شرکت در یک کنفرانس علمی به دعوت وابستگان رژیم به ایران رفت و بازداشت شد.

حکومت ایران از گروگان‌ها به عنوان اهرم فشار برای آزاد کردن عوامل خود که در کشورهای غربی به اتهام مپ‌گذاری یا نقش تحریم‌ها بازداشت شده‌اند استفاده می‌کند.

اوایل خردادماه پس از یکسری میانجیگری، اولویوه ونده کاستیل امدادگر بلژیکی گروگان در ایران با اسدالله اسدی دیپلمات- مپ‌گذار جمهوری اسلامی در بلژیک معامله شد. بهمن ۱۳۹۹ دادگاه آنتورپ در بلژیک اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین را به اتهام تلاش جهت مپ‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین خلق در پاریس مجرم شناخت و او را به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.

آغاز محاکمه یوهان فلودروس کارمند سوئدی اتحادیه اروپا در ایران

● تویاس بیلستروم وزیر خارجه سوئد به خبرگزاری «تی‌تی» گفته «به من اطلاع داده شده است که محاکمه یوهان فلودروس در تهران آغاز شده است. کاردار سوئد در تهران در زمان محاکمه در محل دادگاه حاضر شد، اما به او اجازه ندادند در جلسه شرکت کند.»

● سوئد از مقامات جمهوری اسلامی درخواست کرده تا در جلسات بعدی دادگاه فلودروس، نماینده سوئد اجازه حضور پیدا کند.

● دولت سوئد بیش از ۵۰۰ روز بازداشت این فرد را مخفی نگه داشت تا اینکه روزنامه «نیویورک تایمز» چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور ۱۴۰۲) این موضوع را افشا کرد.

وزیر خارجه سوئد روز شنبه نهم دسامبر (۱۸ آذرماه) خبر داد که دادگاهی در تهران محاکمه یوهان فلودروس شهروند سوئدی شاغل در اتحادیه اروپا را که سال گذشته در ایران بازداشت شده بود، آغاز کرده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، تویاس بیلستروم به خبرگزاری سوئدی «تی‌تی» گفته «به من اطلاع داده شده است که محاکمه یوهان فلودروس در تهران آغاز شده است. کاردار سوئد در تهران در زمان محاکمه در محل دادگاه حاضر شد، اما به او اجازه ندادند در جلسه شرکت کند.»

سوئد از مقامات جمهوری اسلامی درخواست کرده تا در جلسات بعدی دادگاه فلودروس، نماینده سوئد اجازه حضور پیدا کند. فلودروس در آوریل ۲۰۲۲ (فروردین ۱۴۰۱) وقتی با دوستانش برای سفر تفریحی به ایران آمده بود به اتهام جاسوسی بازداشت شد.

خانواده فلودروس می‌گویند وی «بدون هیچ دلیل موجه یا روند قانونی» هنگام خروج از ایران در فرودگاه بازداشت شده است.

دولت سوئد بیش از ۵۰۰ روز بازداشت این فرد را مخفی نگه داشت تا اینکه روزنامه «نیویورک تایمز» چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور ۱۴۰۲) این موضوع را افشا کرد. این روزنامه نوشت فلودروس برای دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا کار می‌کند و چنین شرایطی او را به یک ابزار مهم برای باج گرفتن و اخاذی جمهوری اسلامی از غرب تبدیل کرده است. فلودروس در شرایطی به ایران سفر کرده بود که بسیاری از دولت‌های غربی در مورد خطرات احتمالی سفر شهروندان خود به ایران از جمله بازداشت با اتهامات امنیتی هشدار داده بود. مشخص نیست چرا این فرد با نادیده گرفتن این هشدارها باز هم به ایران سفر کرده است!

سازمان دیده‌بان حقوق بشر روز ۱۷ آذر با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت ششصدمین روز بازداشت این سوئدی، خواستار آزادی فوری وی شد.

رابرت مالی مسئول پیشین وزارت خارجه آمریکا در امور ایران که مجوز امنیتی وی به اتهام سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده لغو شده و پرونده وی در اف‌بی‌آی در حال بررسی است تا زمانی که در سال ۲۰۲۱ به دولت بایدن پیوست، مدیرعامل «گروه بین‌المللی بحران» بود. گابریل نورونها مشاور پیشین وزارت خارجه آمریکا در امور ایران در زمان دونالد ترامپ به «نیویورک پست» می‌گوید: «سوروس بطور مستمر از سازمان‌هایی حمایت می‌کند که برای رژیم ایران ماله‌کشی می‌کردند و در شرایطی که حکومت به شدیدترین شکل ممکن حقوق بشر را نقض می‌کند آنها برای پیشبرد تبلیغات حکومت این وضعیت را کم اهمیت جلوه می‌دادند.»

بررسی‌ها نشان می‌دهد «گروه بحران» در سال ۱۹۹۴ با سرمایه اولیه‌ای که سوروس در اختیارشان گذاشت تشکیل شد و در تمام این سال‌ها بودجه این گروه از جانب سوروس و پسرش الکساندر تأمین شده است. بر اساس گزارشی که مهرماه ۱۴۰۱ درباره «شبکه لایبگرن» جمهوری اسلامی در آمریکا منتشر شد، سه نفر از زیردستان رابرت مالی از میان دانشگاهیان ایرانی-آمریکایی عضو این شبکه بودند. آنها در این شبکه تلاش می‌کردند به صورت حرفه‌ای سیاست‌گذاران ایالات متحده را متقاعد کنند که تحریم‌ها علیه رژیم ایران را کاهش دهند و درواقع فرصتی برای ادامه جاه‌طلبی‌های هسته‌ای رژیم ایران فراهم کنند.

نورونها می‌گوید: «اگر شما رژیمی می‌بودید که برای برداشتن موانع نظام سیاسی ایالات متحده برنامه داشتید، این دقیقاً راهی بود که می‌توانستید بروید.»

رابرت مالی وقتی از طرف دولت بایدن به عنوان نماینده آمریکا در مذاکرات اتمی منصوب شد، آریانه طباطبایی را که عضو «گروه بحران» بود به عنوان یکی از دستیاران خود استخدام کرد. پس از آن بود که طباطبایی ارتقاء شغلی گرفت و در یک پست بالاتر در پنتاگون که به مجوز امنیتی نیاز دارد مشغول به کار شد. این موضوع خشم جمهوریخواهان را برانگیخت.

علی واعظ یکی دیگر از دستیاران رابرت مالی در «گروه بحران» بود. مؤسسه «سمافور» ایمیل‌هایی را افشا کرد که نشان می‌داد واعظ با شماری از مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی از طریق ایمیل در ارتباط بود. وی پنج دیدار در کاخ سفید با مقامات ارشد امنیت ملی بایدن داشته است. دینا اسفندیاری یکی دیگر از اعضای «گروه بحران» بود که رابرت مالی وی را به عنوان مشاور ارشد خود استخدام کرد. سال ۲۰۲۱ اسفندیاری و واعظ در یک مقاله نوشتند که انتخاب ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور «فرصتی واقعی برای پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای» است.

انتصاب مالی در سال ۲۰۲۱ به عنوان مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا با نادیده گرفتن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی همراه شد. دولت بایدن متهم است «کارزار فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی را که در دوران ریاست جمهوری ترامپ اعمال شد نادیده گرفته است. شماری از سناتورهای جمهوریخواه می‌گویند اجرای ضعیف تحریم‌ها توسط دولت بایدن حدود ۹۵ میلیارد دلار برای آخوندها درآمد داشته است.

یک هفته پیش از انتشار این گزارش، گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل به «فاکس نیوز» گفته بود بنیاد جرج سوروس به سازمان‌های ضداسرائیلی در آمریکا حدود ۱۵ میلیون دلار کمک کرده است. وی گفته بود «کمک‌های سوروس به سازمان‌هایی که به دنبال نابودی کشور اسرائیل به عنوان یک کشور یهود هستند شرم‌آور است. اما از این کمک‌ها تعجب نمی‌کنم.»

روزنامه «نیویورک پست»:

جرج سوروس بیش از ۵۰ میلیون دلار به گروه‌های حامی رژیم ایران مرتبط با رابرت مالی پرداخت کرد



جرج سوروس

● بررسی سوابق «بنیاد جامعه باز» (وابسته به سوروس) نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۶ مبلغ حیرت آور ۷/۴۶ میلیون دلار به «گروه بین‌المللی بحران» کمک کرده است. این اندیشکده به دنبال تأثیرگذاری در سیاست آمریکا به نفع جمهوری اسلامی است.

● وی با اشاره به «شبکه لایبگرن» مرتبط به جمهوری اسلامی که دستیاران رابرت مالی بودند تأکید کرد «اگر شما رژیمی می‌بودید که برای برداشتن موانع نظام سیاسی ایالات متحده برنامه داشتید، این دقیقاً راهی بود که می‌توانستید بروید.»

روزنامه «نیویورک پست» گزارش داده جرج سوروس میلیاردر آمریکایی و مؤسس «بنیاد جامعه باز» بیش از ۵۰ میلیون دلار به شبکه‌ای از گروه‌های حامی رژیم ایران کمک کرده است. شبکه‌ای که اعضای آن در زمان ریاست جمهوری جو بایدن نفوذ قابل توجهی در کاخ سفید به دست آورده‌اند. این گروه‌ها برای لغو تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند و به دنبال «احیای برجام» هستند.

در این گزارش که نهم دسامبر (۱۸ آذرماه) منتشر شد آمده است که بررسی سوابق «بنیاد جامعه باز» (وابسته به سوروس) نشان می‌دهد که وی از سال ۲۰۱۶ مبلغ حیرت آور ۷/۴۶ میلیون دلار به «گروه بین‌المللی بحران» کمک کرده است. این گروه یک اندیشکده است که به دنبال تأثیرگذاری در سیاست آمریکا به نفع جمهوری اسلامی است.

جنگنده‌های تایفون نیروی هوایی بریتانیا سال‌هاست بر فراز منطقه پرواز می‌کنند. مأموریت آنها مقابله با بقایای داعش بوده است. «تایمز» فاش کرده که این مأموریت در ماه‌های اخیر بر روی تحرکات گروه‌های وابسته به رژیم ایران در منطقه متمرکز شده است.

یک منبع آگاه می‌گوید اطلاعات ارتش بریتانیا نشان می‌دهد محموله‌های موشک و سایر تسلیحات مشکوک در سراسر عراق و سوریه و لبنان برای حزب‌الله و در موارد دیگر برای حماس منتقل می‌شوند.

حزب‌الله از آغاز جنگ در غزه که از «هفت اکتبر» بعد از حمله تروریستی حماس به اسرائیل آغاز شد، بارها با موشک و خمپاره مرزهای اسرائیل را هدف قرار داده است.

یک منبع نظامی به تایمز می‌گوید هواپیماهای بریتانیا تلاش می‌کنند تحرکات گروه‌هایی را که رفتار مشکوک دارند زیر نظر بگیرند. به گفته منابع نیروی هوایی بریتانیا «ما گمان می‌کنیم که اینها ممکن است برخی از گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت [رژیم] ایران باشند که از طریق عراق و سوریه برای تقویت حزب‌الله در لبنان و حماس در نوار غزه و کرانه باختری مانور می‌دهند.» این منبع به این پرسش که چگونه حماس در غزه یا فلسطینیان در کرانه باختری می‌توانند این تسلیحات را در اختیار بگیرند پاسخ نداد.

یکی از مقامات ارشد گروه تروریستی حماس مستقر در لبنان اخیراً گفته است که حماس کارخانه‌هایی در غزه برای ساخت موشک و اسلحه دارد. کارشناسان می‌گویند که حماس تسلیحات قاچاق شده از ایران به نوار غزه را از طریق تونل‌ها و قطعات موشک‌های بالستیک را از طریق دریا دریافت می‌کند.

خلبانان بریتانیایی جنگنده‌های تایفون از فناوری نظارت تخصصی برای رصد گروه‌های نیابتی استفاده می‌کنند. تصاویر ضبط شده توسط این هواپیماها برای بررسی به تحلیلگران اطلاعاتی ارسال می‌شود. این خلبانان مجاز به شلیک به شبه‌نظامیان نیستند مگر اینکه آنها تهدیدی مستقیم برای نیروهای ائتلاف باشند.

روزنامه تایمز در ادامه می‌نویسد که از هواپیماهای تایفون برای یافتن شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران که به سمت پایگاه‌های ائتلاف شلیک می‌کنند، استفاده می‌شود. یک خلبان بریتانیایی که در قفس مستقر است توضیح می‌دهد که از زمان حمله تروریستی «هفت اکتبر» به اسرائیل، حملات به نیروهای ائتلاف افزایش یافته است. او گفت: «حملات به پایگاه‌های ائتلاف که قطعاً افزایش یافته و عمدتاً از سوی گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت ایران است... ممکن است از ما خواسته شود تا پشتیبان نیروهای زمینی باشیم یا رصد کنیم که گروه‌های نیابتی از کجا حمله می‌کنند.»

این خلبان در توضیح مأموریت جنگنده‌های تایفون در منطقه گفت که آنها هر بازیگر «بدی» را که در منطقه فعال باشد زیر نظر می‌گیرند... شناسایی آنها کار دشواری است زیرا اغلب بعد از شلیک پیش از آنکه شناسایی شوند از محل فرار می‌کنند.

شبه‌نظامیان تحت حمایت رژیم ایران در سال‌های اخیر بارها نیروهای ائتلاف در عراق را هدف قرار داده‌اند. این خلبان می‌گوید: «به نظر می‌رسد در حملات اخیر از پهپادهای انتحاری ایران از جمله شاهد-۱۳۶ استفاده شده باشد.» یک منبع دفاعی تصریح کرد که تمرکز اصلی مأموریت تایفون‌ها همچنان رصد کردن داعش و پشتیبانی از نیروهای زمینی در عراق و سوریه است.

حجاب بان‌ها نیروهای نیابتی داخلی پروتکل غیررسمی برای نپذیرفتن مسئولیت



استقرار حجاب بان‌ها در مترو تهران

نیابتی جمهوری اسلامی هستند. نیروهای نیابتی داخل زیر عنوان لباس شخصی‌ها هر کاری می‌کردند که بعدها عنوان «خودسر» به آنها دادند مثل ضارب حجاریان که از طرف خودشان بود ولی گفتند که خودسر بود و مسئولیت ترور حجاریان را نپذیرفتند؛ بعد هم همان ضارب به سمت‌های سیاسی بسیار مهمی در داخل جمهوری اسلامی رسید.»

مهدی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم نظری مشابه دارد: «اینها پروژه نیروهای نیابتی را الگوی تشکیل گروه‌های نیابتی در خارج کشور نیز قرار دادند؛ مثلاً در سال ۸۸ که لباس شخصی‌ها به خانه میرحسین موسوی یا کربوبی حمله کردند حکومت ادعا کرد اینها نیروهای مردمی هستند و ارتباطی به حکومت و نظام ندارند، در خارج هم وقتی به سفارتخانه‌های خارجی در عراق و کشورهای دیگر حمله می‌شود یا مثلاً نفت‌کشی را مورد هدف قرار می‌دهند یا موشک‌پرانی‌هایی انجام می‌شود، جمهوری اسلامی ادعا می‌کند به ما ارتباطی ندارد در صورتی که تسلیحات متعلق به آنست، پروژه و برنامه از آنست، تأمین مالی از آنست؛ ولی چون رژیم را مستقیم مورد سؤال قرار نمی‌دهد، از خودش رفع مسئولیت می‌کند. نیابتی‌های داخل و خارج در واقع «پروتکل غیررسمی رفع مسئولیت» انواع اقدامات غیرقانونی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی هستند که جمهوری اسلامی مرتکب می‌شود.»

او اضافه می‌کند: «در موضوع حجاب بان‌ها نیز همینطور است، اینها بعد از وقایع شهریور سال ۱۴۰۱ که با بگیر و بندهای گشت ارشاد شروع شد و بعد خیزش سراسری شکل گرفت، الان آمده‌اند برای اینکه شکل و شمایل این موضوع را از رسمیت دولتی و حکومتی خارج کنند حجاب بان‌ها را آورده‌اند زیر عنوان «نیروهای مردمی»؛ حکومت در واقع مسئولیت آنها را گردن نمی‌گیرد. وزیر کشور و بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده‌اند که اینها نه حقوقی دریافت می‌کنند و نه زیرمجموعه ما هستند! حالا تصور کنید به محض اینکه یک نفر با این حجاب بان‌ها

اجرا می‌شود.

نخستین بار در مرداد ۱۴۰۲ اخباری مبنی بر تصمیم علیرضا زاکانی شهردار تهران برای استخدام ۴۰۰ نیروی یگان حفاظت شهرداری با عنوان «حجاب بان» با حقوق ۱۲ میلیون تومانی منتشر شد. چند ماه بعد شهردار تهران در ادعایی متناقض با اظهارات پیشین خود در واکنش به افزایش حضور حجاب بان‌ها در اماکن عمومی گفت که این تذکرها «خودجوش» هستند و «اگر کسی در مترو بخواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، آیا می‌توانیم بگوییم این کار را انجام ندهد؟»

سردار احمد وحیدی وزیر کشور دولت سیزدهم نیز از جمله نخستین مقاماتی است که به حضور حجاب بان‌ها در مترو واکنش نشان داد و ادعا کرد: «ما مجوز خاصی برای این کار ندادیم و تحت امر معروف و نهی از منکر ظاهراً توسط گروه‌های مردمی انجام می‌شود.»

«حجاب بان‌ها» و «سفیران هدایت» چه کسانی هستند؟ قرار است به چه افراد و چه نهادهایی پاسخ دهند؟ ساز و کار قانونی نظارت بر آنها چیست؟ کیهان لندن این پرسش‌ها را با دو روزنامه‌نگار و کارشناس علوم سیاسی ساکن ایران در میان گذاشته و جویای نظر آنها شده است.

امیر روزنامه‌نگار حوزه سیاسی و دانشجوی ارشد علوم سیاسی ساکن تهران معتقد است: «حجاب بان‌ها نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی هستند، جمهوری اسلامی هر بار که بخواهد مسئولیت افتضاحاتی را که مرتکب می‌شود گردن نگیرد، چه در داخل چه در خارج، سعی می‌کند با عناصر نیابتی خود کار را پیش برد چون سعی می‌کند از فشار افکار عمومی دور باشد و وجهه به اصطلاح مردمی مورد ادعای خود را تا حدی حفظ کند.»

از او می‌پرسیم چرا حکومت مسئولیت حجاب بان‌ها را گردن نمی‌گیرد؟ می‌گوید: «جمهوری اسلامی ۴ دهه است که با این روش در کشور حکومت می‌کند؛ به پدیده لباس شخصی‌ها نگاه کنید که نطفه و پایه تدوین نیروهای

● «حجاب بان‌ها نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی هستند؛ جمهوری اسلامی هر بار که بخواهد مسئولیت افتضاحاتی را که مرتکب می‌شود گردن نگیرد چه در داخل چه در خارج، سعی می‌کند با عناصر نیابتی خود کار خود را پیش ببرد.»

● «مراکز سازماندهی این‌ها بیشتر مساجد و هیئت‌ها هستند. یکی از ویژگی آنها عدم آموزش برای درگیری فیزیکی است اما به لحاظ رزمی افراد آموزش دیده‌ای هستند، اغلب این افراد زندگی سطح پایینی ندارند چون از نظر مالی تأمین می‌شوند، بخش زیادی از این افراد، ذوب‌شدگان در ایدئولوژی و گفتمان نظام هستند.»

● «حجاب بان‌ها نمادی از اعلام حضور حکومت در عرصه است که ما عقب نکشیدیم و همچنان طبق گذشته ادامه می‌دهیم. ولی برای برداشتن فشار از روی دوش حکومت و کاهش بدبینی مردم نسبت به حکومت، ادعا می‌کند اینها به ما ارتباطی ندارند و نیروهای مردمی هستند.»

● «نیابتی‌های داخل و خارج در واقع «پروتکل غیررسمی رفع مسئولیت» انواع اقدامات غیرقانونی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی هستند که جمهوری اسلامی مرتکب می‌شود.»

فیروزه نوردستروم - استقرار مأموران مزدبگیر به شکل نیابتی‌های داخل و خارج در واقع «پروتکل غیررسمی» برای نپذیرفتن مسئولیت در قبال اقدامات آنان است که سال‌هاست توسط جمهوری اسلامی به کار گرفته شد و به سود آن پاسخ مساعد نیز داده است.

به کار گرفتن نیابتی‌های داخلی که هیچ نهادی حاضر نیست آنها را گردن بگیرد از جمله در زمینه حجاب اجباری در ماه‌های اخیر ابعاد گسترده‌تری یافته است. «حجاب بان‌ها» و «سفیران هدایت» که در متروها جهت تحمیل و تذکر پوشش مورد قبول حکومت مستقر شده‌اند، در پی لایحه عفاف و حجاب صورت گرفته که اگرچه هنوز به تصویب نهایی و تأیید شورای نگهبان نرسیده اما در عمل

کنفرانس بلوچستان در لندن برگزار شد: کرامت انسانی، آزادی و عدالت برای همه



در این بخش در رابطه با تبعیض در استان سیستان و بلوچستان ایران به ویژه در زمینه آموزش و کار و فعالیت‌های اقتصادی صحبت شد. حضور گسترده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نگاه امنیتی نظام به این استان، یکی از عوامل تاثیرگذار در وضعیت امروزی بلوچستان است. بلوچستانی که ماه‌هاست در خیابان‌های زاهدان، هر جمعه پس از جمعه خونین ۸ مهر ۱۴۰۱، تجمعات اعتراضی برگزار می‌کند.

احمد رأفت گزارشی از این کنفرانس در گفتگو با حسین لاجوردی رئیس انجمن پژوهشگران ایران تهیه کرده است.

پیش برود.

امیر روزنامه‌نگار اضافه می‌کند: «ما و خیل عظیمی از جامعه می‌دانیم که اینها درآمدهای خوبی دارند و درآمدی که برایشان در نظر گرفته می‌شود از همان بودجه‌های پنهانی است که خیلی‌ها از آن بی‌خبرند، نه رسانه و نه محافل نظارت مردمی اطلاع ندارند که این افراد چه حقوق‌هایی دریافت می‌کنند، همینکه مثلاً یک نهاد اعلام کرده که اینها ماهانه ۱۲ میلیون تومان دریافت می‌کنند و همزمان مطرح می‌شود که در شهرداری ۱۷ هزار میلیارد تومان گم شده، بدون سند و حساب و کتاب، یعنی هیچکس اطلاع ندارد که این مبلغ کجاست و کجا خرج شده، هیچکس هم تحقیق و تفحص نمی‌کند. به هر حال این ارقام دارد در جاهایی هزینه می‌شود که می‌تواند مثلاً برای حجاب‌بان‌ها و آمران به معروف بوده باشد! این بخش، نقاط تاریکی از فعالیت‌های شهرداری تهران است که من نام آن را می‌گذارم «بودجه‌های تاریک» مسلم است که این حجاب‌بان‌ها و آمران به معروف، حقوق‌های بالایی دریافت می‌کنند. اگر حقوق خوبی دریافت نکنند برای درگیری لفظی با مردم اصلاً وقت نمی‌گذرانند، منظورم این نیست که این افراد به صورت خودجوش و مردمی وارد عمل می‌شوند ولی آن عقبه و بستر ایدئولوژیک فکری را دارند که بتوانند با مردم مقابله کنند چون اگر این پیشینه را نداشته باشند نمی‌توانند وارد این موضوع شوند و محض رضای خدا هم کاری انجام نمی‌دهند. قطعاً حقوق‌های خیلی خوبی دریافت می‌کنند و وعده‌های خوبی از لحاظ پرداخت و پاداش به آنها داده می‌شود.»

انجمن پژوهشگران ایران شنبه ۱۸ آذر در دانشگاه اقتصاد لندن کنفرانسی را با عنوان «بلوچستان، کرامت انسانی، آزادی و عدالت برای همه» در دو بخش فارسی و انگلیسی برگزار کرد. در بخش اول که صبح برگزار شد از جمله جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی، پیام اخوان حقوقدان بین‌المللی و بیژن کیان که در کابینه انتقالی دونالد ترامپ در بخش امنیت ملی حضور داشت صحبت کردند.

در بعد از ظهر روز شنبه که به زبان فارسی بود، کارشناسان مختلف و فعالان سیاسی و حقوق بشری بلوچ حضور داشتند.

استدلال وارد کارزار برخورد با مردم شده‌اند که به آنها گفته شده الان زمان مقابله با عوامل دشمن در جبهه است منتهی در جبهه فرهنگی. مزایای بسیاری برای این افراد در نظر گرفته شده مثل ورود به دانشگاه یا مشاغل دولتی با حقوق بالا، در واقع چنین ساختار در این حکومت به نحوی است که افراد در خدمت نظام از جمله همین حجاب‌بان‌ها همه نوع مزایا سهمیه و امکانات را در اختیار دارند تا همچنان در خدمت نظام بمانند.»

مهدی تحلیلگر علوم سیاسی هم معتقد است: «جمهوری اسلامی برای کاستن از فشار مردم در داخل مجبور است که مسئولیت اقدامات یکسری افراد سازماندهی شده در خیابان‌ها و اماکن عمومی را قبول نکند و ادعا کند که اینها نیروهای مردمی هستند که اگر یک زمان اتفاقی مثل کشته شدن مهسا امینی رخ داد و منجر به درگیری‌های گسترده شد اعلام کند به ما ارتباطی نداشته یا مدت‌هاست که در این ماجراها دخالتی نداریم، فقط اعلام می‌کنیم که قانون باید رعایت شود و اگر کسی تذکری داده یا امر به معروف انجام داده نیروی مردمی خودجوش هستند که ارتباطی به ما ندارند! مزیت این اقدام برای حکومت، قابل تصور است. حکومت از خود رفع مسئولیت می‌کند، پس این نیروهای نیابتی داخلی کمک می‌کنند به حفظ وضع موجود یا پیشبرد وضعیتی که عامه و اکثریت جامعه آن را قبول ندارند. ولی حجاب‌بان‌ها و سفیران هدایت زیر عنوان نیروهای مردمی و خودجوش به کار گرفته می‌شوند تا هم فشار از روی حکومت برداشته شود و هم پروژه سرکوب به نفع حکومت

درگیر شود یا آسیبی به اینها برسد یک لشکر از نیروهای امنیتی برای بازداشت یا شناسایی فرد آسیب‌زنده گسیل می‌شوند! پس اینها حمایت و عقبه حمایت حکومتی دارند؛ اینها به راحتی وارد عرصه اشتغال می‌شوند، به کار گرفته می‌شوند، به آنها گفته می‌شود: از حمایت حکومت برخوردار هستید اما این حمایت‌ها رسمی نیست و ما اعلام می‌کنیم شما نیروهای مردمی هستید!»

از امیر می‌پرسم پیشینه‌ی این حجاب‌بان‌ها به کجا و چه فعالیت‌هایی می‌رسد؟ می‌گوید: «حجاب‌بان‌ها به خانواده‌های وابسته به گروه‌های سازماندهی شده در مساجد، هیأت‌ها و تکایا هستند. اینها در بدنه خود حاکمیت قرار دارند؛ نیروهای زنده و عملیاتی در میدان‌های نبرد نیستند ولی یکسری دوره‌های دفاع شخصی و رزمی دیده‌اند.» او اضافه می‌کند: «در همه تظاهرات‌هایی که از ۸۸ به بعد انجام شده گفته شد یکسری از این افراد و یکسری نیروهای خارجی عرب و مزدوران غیرایرانی دیده شده که مردم را سرکوب می‌کردند. اما این حجاب‌بان‌ها نیروهای فکری و غیرعملیاتی حاکمیت هستند که ظاهراً باید به تذکر زبانی بسنده کنند و حکم بازداشت شهروندان را هم ندارند. بقیه کار در اختیار بخشی از نیروی عملیاتی است که از برخورد این افراد با شهروندان فیلم و عکس می‌گیرد و افراد را تعقیب یا بازداشت می‌کنند.»

مهدی نیز این افراد را خروجی مدارس مذهبی، حوزه‌های علمیه، بسیج مساجد، دانشگاه‌ها و کانون‌های مذهبی در سراسر کشور می‌داند و می‌گوید: «اینها با نظام‌های تشویق و پاداش روبرو هستند؛ برای رسیدن به آنچه به آنها وعده داده می‌شود قطعاً از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. بخش عمده‌ای از این افراد، هرچند یکسری دوره‌های ابتدایی را سپری می‌کنند ولی بخش زیادی از آنان نیروهای اغلب جوان دانشجو و طلبه هستند که تحت تأثیر نگرش‌های ایدئولوژیک وارد این میدان شده‌اند؛ البته منافع اقتصادی هم دخیل است. به هر حال کسی که از صبح تا شب در خیابان یا مترو می‌ایستد و مزاحم زنان و دختران می‌شود طبعاً مبالغ نسبتاً قابل توجهی دریافت می‌کند. سهمیه‌های مناسب شغلی برای خودشان یا اعضای خانواده‌شان در نظر گرفته می‌شود. اینها عوامل تشویقی هستند برای این افراد در کنار مسائل ایدئولوژیک که به آن پایبندند؛ حکومت هم نیروی لازم را برای به‌غایت درآوردن و قدرت‌نمایی نرم با این افراد را در عرصه عمومی دارد تا نشان دهد نیروهای انقلابی طرفدار نظام هنوز وجود دارند و در صحنه هستند.»

امیر روزنامه‌نگار نیز با اشاره به اینکه «حجاب‌بان‌ها برعکس تصاویری که در راهپیمایی‌ها می‌بینیم چندان متمرکز نیستند» توضیح می‌دهد: «شاید تعداد آنها خیلی به چشم نیاید ولی نمادی از اعلام حضور حکومت در عرصه است که ما عقب نکشیدیم و همچنان طبق گذشته ادامه می‌دهیم. ولی برای برداشتن فشار از روی دوش حکومت و کاهش بدبینی مردم نسبت به حکومت، ادعا می‌کند اینها به ما ارتباطی ندارند و نیروهای مردمی هستند.»

وی که با چند نفر از این حجاب‌بان‌ها صحبت کرده اضافه می‌کند: «مراکز سازماندهی اینها بیشتر مساجد و هیئت‌ها است. یکی از ویژگی آنها عدم آموزش برای درگیری فیزیکی است اما به لحاظ رزمی افراد آموزش‌دیده‌ای هستند، اغلب این افراد زندگی سطح پایینی ندارند چون از نظر مالی تأمین می‌شوند، بخش زیادی از این افراد، ذوب‌شدگان در ایدئولوژی و گفتمان نظام هستند که پای ثابت انتخابات فرمایشی و صف اول تجمعات و فراخوان‌های داخلی حکومتی نیز قرار دارند. درواقع هسته‌های میانی نیروهای مقاومت و بسیج سراسر کشور به شمار می‌روند. با این

حمله موشکی حوثی‌ها به نفتکش نروژی «استریندا» در باب‌المنذب



نفتکش نروژی «STRINDA»

این نفتکش که با پرچم نروژ تردد می‌کرد تحت مالکیت شرکت «مووینکل» مستقر در نروژ است. مدیر اجرایی این شرکت تأیید کرد که «استریندا» مورد اصابت موشک قرار گرفته و دچار آتش‌سوزی شده است. وی اعلام کرده «خوشبختانه به هیچ‌کدام از خدمه آسیبی وارد نشد و آنها توانستند آتش را خاموش کنند... تمرکز ما بر ایمنی و رفاه دریانوردان کشتی بوده و هست.»

این کشتی ۲۲ خدمه دارد که همه آنها هندی هستند. گزارش شده که کشتی در حال حرکت به سمت یک بندر امن است.

برخی منابع غیررسمی وابسته به حوثی‌ها تصاویری از اصابت موشک به نفتکش «استریندا» منتشر کرده‌اند. اما به صورت مستقل رد یا تأیید این تصاویر ممکن نیست. حوثی‌ها تهدید کردند تمام کشتی‌هایی را که به سمت اسرائیل حرکت می‌کنند، بدون توجه به ملیت‌شان، هدف قرار خواهند داد و به شرکت‌های کشتیرانی بین‌المللی نیز نسبت به معامله با بنادر اسرائیل هشدار داده‌اند.

داده‌های شرکت رهگیری کشتی «Kpler» نشان می‌دهد که این نفتکش نروژی روغن نباتی و سوخت‌های زیستی را در مالزی بارگیری کرده و به سمت ونیز ایتالیا در حال حرکت بوده است. هنوز مشخص نیست که استریندا با اسرائیل ارتباطی داشته یا نه.

مقامات ارشد آمریکا در هفته‌های اخیر بارها اعلام کردند جمهوری اسلامی از حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ حمایت می‌کند. با اینهمه عربستان سعودی از ایالات متحده خواسته است تا در واکنش به این حملات خویشتنداری نشان دهد.

از آغاز عملیات ارتش اسرائیل در غزه علیه تروریست‌های حماس، حملات موشکی و پهبادی حوثی‌ها علیه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری در دریای سرخ افزایش پیدا کرده است. شبه‌نظامیان حوثی پیش از این کشتی تجاری «گالکسی لیدر» را با ۲۵ خدمه به گروگان گرفته بودند.

● یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها تهدید کرده که حملات به کشتی‌های مرتبط با آمریکا و اسرائیل تا توقف جنگ غزه و اجازه ورود مواد غذایی و دارو به آن منطقه ادامه خواهد داشت.

● ارتش آمریکا اعلام کرد این حمله باعث آتش‌سوزی و خسارت شد اما تلفات جانی نداشت.

● این کشتی ۲۲ خدمه دارد که همه آنها هندی هستند. گزارش شده که کشتی در حال حرکت به سمت یک بندر امن است.

شبه‌نظامیان حوثی یمن وابسته به جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۱۲ دسامبر (۲۱ آذرماه) اعلام کردند که یک نفتکش را در تنگه باب‌المنذب در دریای سرخ نزدیک خلیج عدن هدف قرار دادند.

خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد حوثی‌ها در ۱۱۱ کیلومتری شمال تنگه باب‌المنذب دوشنبه شب نفتکش نروژی «استریندا» (STRINDA) را هدف قرار دادند. یک مقام دیگر گفت این کشتی ساعتی پس از حمله به راه خود ادامه داد.

یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها تهدید کرده که حملات به کشتی‌های مرتبط با آمریکا و اسرائیل تا توقف جنگ غزه و اجازه ورود مواد غذایی و دارو به آن منطقه ادامه خواهد داشت.

فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که «در زمان وقوع این حمله هیچ کشتی آمریکایی در کنار کشتی استریندا نبود، اما (ناوشکن نیروی دریایی ایالات متحده) USS MASON به تماس‌های خدمه این کشتی پاسخ داد.»

ارتش آمریکا اعلام کرد این حمله باعث آتش‌سوزی و خسارت شد اما تلفات جانی نداشت.

سخنگوی حوثی‌ها مسئولیت این حمله را به عهده گرفت و تأکید کرد که در حمایت از فلسطینی‌ها صورت گرفته است.

انتقاد اسرائیلی‌ها از «مواضع ریاکارانه» دولت کانادا در مورد جنگ غزه علیه حماس

● دولت جاستین ترودو به قطعنامه غیرالزام‌آوری در سازمان ملل رأی داد که خواستار «آتش‌بس فوری بشردوستانه» بین اسرائیل و حماس شده است. اقدامی که با انتقاد شدید گروه‌ها و نهادهای یهودی مواجه شده است.

● تحلیلگران می‌گویند رأی به قطعنامه‌ای که در آن حماس محکوم نشده است نشان‌دهنده تغییر موضع کانادا در جانبداری از اسرائیل است.

● دست‌کم دو نماینده لیبرال بطور علنی با رأی دولت کانادا در سازمان ملل مخالفت کرده‌اند. آنتونی هاوس فادر نماینده ایالت کبک که یهودی است، گفته هرگونه آتش‌بس باید با آزادی گروگان‌ها توسط حماس آغاز شود.

● مرکز امور اسرائیل و یهودیان در کانادا (CIJA) در بیانیه‌ای می‌نویسد: «سیاست خارجی کانادا ریاکارانه است... دولت کانادا در بیانیه‌ای اقدامات حماس را محکوم کرده اما چند ساعت بعد در سازمان ملل به بیانیه‌ای رأی مثبت داد که در آن حماس را در مورد جنایات جنگی علیه شهروندان اسرائیل پاسخگو نمی‌داند... این اقدام منزجرکننده ما را به‌تازده کرده است... آیا در ساعات کوتاه بین بیانیه‌ای که دولت کانادا صادر کرد و رای‌گیری برنامه‌ریزی شده سازمان ملل، چیزی تغییر کرد؟»

مواضع دوگانه دولت جاستین ترودو نخست وزیر کانادا در مورد جنگ اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس با انتقاد مقامات اسرائیل و سازمان‌ها و نهادهای یهودی قرار گرفته است. وبسایت «سی‌بی‌سی نیوز» در گزارشی می‌نویسد دولت کانادا به قطعنامه غیرالزام‌آور سازمان ملل که خواستار «آتش‌بس بشردوستانه فوری» در جنگ اسرائیل علیه حماس است، رأی مثبت داده است.

این قطعنامه با ۱۵۳ رأی موافق، ۱۰ رأی مخالف و ۲۳ رأی ممتنع روز سه‌شنبه ۱۲ دسامبر (۲۰ آذرماه) در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید.

این رأی‌گیری پس از آن انجام شد که ایالات متحده قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را که خواستار «آتش‌بس فوری بشردوستانه» در غزه بود، وتو کرد.

هرچند دولت جاستین ترودو ادعا می‌کند از حق دفاع مشروع اسرائیل در برابر تروریست‌ها دفاع می‌کند اما رأی به قطعنامه‌ای که در آن عملیات مرگبار حماس علیه اسرائیل محکوم نشده با انتقاد شدید مقامات اسرائیلی روبرو شده است. با افزایش تعداد کشته‌ها در غزه، کانادا تصمیم گرفت حمایت دیرینه خود در جانبداری از اسرائیل را تغییر دهد و خواستار آتش‌بس شده است. انتقادها از دولت ترودو در این مورد حتا در پارلمان کانادا به ویژه از سوی نمایندگان لیبرال (هم‌حزبی‌های نخست وزیر) نیز زیاد است.

دست‌کم دو نماینده لیبرال بطور علنی با رأی دولت در سازمان ملل مخالفت کرده‌اند. آنتونی هاوس فادر نماینده ایالت کبک که یهودی است، گفته هرگونه آتش‌بس باید با آزادی گروگان‌ها توسط حماس آغاز شود.

مرکز امور اسرائیل و یهودیان در کانادا (CIJA) ←

فرانسه، آلمان و ایتالیا از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه گروه حماس حمایت کردند



تظاهرات در حمایت از اسرائیل در دروازه براندنبورگ برلین / نوامبر ۲۰۲۳

علیه حماس اعمال شود به معنی «پیام سیاسی قوی» در مورد تعهد اتحادیه اروپا برای مقابله با این گروه خواهد بود. فرانسه، آلمان و ایتالیا قبلاً چنین طرحی را در پشت صحنه اجرا کرده بودند، اما نامه مشترک کاترین کولونا وزیر خارجه فرانسه، آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان و وزیر خارجه ایتالیا فشار بر دیگر کشورهای اتحادیه اروپا را برای حمایت از این اقدامات افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر مقامات ارشد اتحادیه اروپا مانند بوریس کرستوفسکی به افزایش خشونت توسط شهرک‌نشینان اسرائیلی علیه فلسطینیان در کرانه باختری ابراز نگرانی کرده‌اند. کولونا گفته است: «وضعیت در کرانه باختری ما را نگران کرده به خصوص به این دلیل که موارد بی‌شماری از خشونت از سوی شهرک‌نشینان تندرو گزارش شده است.»

قرار است تحریم‌هایی علیه آندسته شهرک‌نشینان که اقدام به خشونت علیه فلسطینی‌ها می‌کنند نیز در نظر گرفته شود. اگرچه دیپلمات‌ها گفتند که دستیابی به اتفاق نظر لازم برای ممنوعیت‌هایی در سطح اتحادیه اروپا برای آنها دشوار است، زیرا کشورهای مانند اتریش، جمهوری چک و مجارستان متحدان سرسخت اسرائیل هستند.

برخی پیشنهاد کردند که تصمیم هفته گذشته ایالات متحده، بزرگترین حامی اسرائیل، برای شروع اعمال ممنوعیت صدور ویزا برای افراد درگیر در خشونت در کرانه باختری، می‌تواند کشورهای اتحادیه اروپا را تشویق به انجام اقدامات مشابه کند.

اگرچه رهبران غرب برای ادامه عملیات اسرائیل در غزه علیه حماس چراغ سبز نشان داده‌اند اما فشارهای زیادی همچنان روی مقامات اسرائیل برای توقف این عملیات وجود دارد. شماری از مقامات دولتی و همچنین گروه‌های سیاسی کاخ سفید را زیر فشار گذاشته‌اند تا دولت بنیامین نتانياهو را وادار به قبول آتش‌بس دائم و پایان جنگ کند اما به نظر می‌رسد پس از مدت‌ها آمریکایی‌ها در حمایت از اسرائیل یک موضع رسمی قوی گرفته‌اند. در همین ارتباط، آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده می‌گوید که اسرائیل درباره زمان پایان جنگ علیه حماس تصمیم می‌گیرد و نه آمریکا.

● وزیر خارجه فرانسه، آلمان و ایتالیا در نامه‌ای از جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواستند تا یک طرح تحریمی ویژه برای هدف قرار دادن حماس تنظیم کند که تحریم مالی حماس و حامیان آن می‌بایست یکی از موارد آن باشد.

وزیر خارجه اتحادیه اروپا طی نشستی در بروکسل که دوشنبه ۱۱ دسامبر (۲۰ آذرماه) برگزار شد خواستار اعمال تحریم‌هایی علیه گروه تروریستی حماس و حامیان آن شدند. این تحریم‌ها یکی از گام‌های اتحادیه اروپا در واکنش به بحران خاورمیانه خواهد بود.

به گزارش رویترز وزیر خارجه فرانسه، آلمان و ایتالیا در نامه‌ای از جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواستند تا یک طرح تحریمی ویژه برای هدف قرار دادن حماس تنظیم کند که تحریم مالی حماس و حامیان آن می‌بایست یکی از موارد آن باشد.

در این نامه که توسط رویترز مشاهده شده، آمده است: «این به معنای تعهد قوی‌تر اروپا به مبارزه با زیرساخت‌ها و حمایت‌های مالی حماس و به‌انزواکشاندن و مشروعیت‌زدایی از این گروه در عرصه بین‌المللی است که به هیچ وجه نماینده فلسطینی‌ها و خواسته‌های مشروع آنها نیست.» حماس قبلاً توسط اتحادیه اروپا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفته و هرگونه سرمایه یا دارایی که در اتحادیه اروپا دارد باید مسدود شده باشد. در این نامه جزئیات و نحوه تحریم‌هایی که قرار است علیه حماس اعمال شود مشخص نیست اما اگر اعضای اتحادیه اروپا بطور اصولی با آن موافقت کنند، گام بعدی این است که کارشناسان یک ساختار قانونی برای تعیین اینکه کدام افراد یا نهادها هدف قرار خواهند گرفت، ترسیم خواهند کرد.

اتحادیه اروپا روز جمعه اعلام کرد که محمد الضیف فرمانده شاخه نظامی حماس و مروان عیسی معاون وی را به فهرست تحریم‌ها اضافه کرده است. دیپلمات‌ها می‌گویند اعضای اتحادیه اروپا در حال بررسی اضافه کردن یحیی سنوار رئیس حماس در غزه به این فهرست هستند. دولت‌های اروپایی می‌گویند اگر تحریم‌های جداگانه‌ای

در همین ارتباط می‌نویسد: «سیاست خارجی کانادا ریاکارانه است... دولت کانادا در بیانیه‌ای با محکوم کردن اقدامات حماس از جمله خشونت جنسی علیه شهروندان غیرنظامی از حق مشروع اسرائیل برای دفاع از خود حمایت کرد اما ساعاتی بعد نماینده دولت کانادا در سازمان ملل به بیانیه‌ای رأی مثبت داد که در آن حماس را در مورد جنایات



جاستین ترودو نخست وزیر کانادا

جنگی علیه شهروندان اسرائیل پاسخگو نمی‌داند، حتا این جنایات جنگی را محکوم نمی‌کند و از حماس خواسته نمی‌شود سلاح‌هایش را زمین بگذارد و تسلیم شود... این اقدام منجرکننده ما را بهت‌زده کرده است... آیا در ساعات کوتاه بین بیانیه‌ای که دولت کانادا صادر کرد و رای‌گیری برنامه‌ریزی شده سازمان ملل، چیزی تغییر کرد؟ پاسخ منفی است... حماس هنوز بیش از ۱۰۰ اسرائیلی را گروگان نگه داشته و همچنان از فلسطینی‌ها به عنوان سیرانسانی استفاده می‌کند و نیز به اسرائیل راکت شلیک می‌کند.»

در بخش دیگری از بیانیه مرکز امور اسرائیل و یهودیان در کانادا (CIJA) آمده «جامعه یهودی کانادا فراموش نخواهد کرد که در مواجهه با یهودستیزی بی‌سابقه... دولت کانادا تصمیم گرفت نه تنها حق اسرائیل برای دفاع از خود، بلکه تعهد اسرائیل برای دفاع از خود را نادیده بگیرد. تصمیم کانادا برای حمایت از این قطعنامه بدون شک منجر به نفرت بیشتر علیه یهودیان در کانادا خواهد شد.»

هیلل نویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» مستقر در ژنو با بازشر بیانیه (CIJA) خطاب به نخست وزیر کانادا نوشت: «بریتانیا، هلند، آلمان و ۳۰ دولت دیگر از قطعنامه‌ای حمایت کردند که در آن حماس محکوم نشده و حق اسرائیل برای دفاع از خود را زیر سؤال می‌برد... شما هم درست مثل رژیم ایران، روسیه، سوریه، لیبی و کره شمالی به آن رأی مثبت دادید.»

آمریکا، اتریش، اسرائیل، ناپروبی، پارگوئه و گواتمالا از کشورهای هستند که به این قطعنامه رأی منفی دادند. اوکراین، بریتانیا، ارگوئه، مجارستان، آلمان، هلند، بلغارستان، آرژانتین، کامرون و رومانی به این قطعنامه رأی‌متنوع داده‌اند. سفیر اسرائیل در کانادا می‌گوید «قطعنامه سازمان ملل چیزی را در صحنه تغییر نخواهد داد.» اشاره وی به ادامه اقدامات اسرائیل علیه حماس است. در کنار همه این انتقادات از جاستین ترودو اما باب ری سفیر کانادا در سازمان ملل در مصاحبه با «سی‌بی‌سی نیوز» گفته حمایت دولت کانادا از اسرائیل ادامه خواهد داشت.

وی توضیح داده «کانادا به دلیل وضعیت انسانی در غزه از این قطعنامه حمایت کرده است.»

علت جان باختن جواد روحی «تزریقات مکرر دارو» در بهداری زندان نوشهر اعلام شد

از شهر نوشهر به روستای پدری او به کلیکان آمل منتقل و پیش از طلوع آفتاب و بدون حضور اقوام و دوستان به خاک سپرده شده است. خانواده جواد روحی اجازه برگزاری مراسم خاکسپاری برای فرزند خود را نداشته‌اند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» نیز گزارش داد که ۱۵ مامور امنیتی خانواده درجه یک جواد روحی را برای خاکسپاری همراهی کرده و اجازه ندادند غیر از چند عضو درجه یک، فرد دیگری در این مراسم مخفیانه حضور داشته باشد.

این گزارش تأکید کرد که پیش از خاکسپاری جواد روحی، چند نفر امنیتی در منزل جواد روحی مستقر شده و خانواده را تهدید می‌کنند که در صورت گفتگو با رسانه‌ها یا اظهار نظر در اینباره پیکر او را با خود می‌برند.

«کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» در ادامه نوشت مطلع شده که اعضای خانواده یک روز پیشتر با جواد روحی ملاقات داشته و او در وضعیت جسمی و روحی مناسبی بوده‌است، اما در کمال ناباوری صبح روز بعد با آنان تماس گرفته شده و خواستند که برای تحویل پیکرش مراجعه کنند.

این گزارش افزود که بعد از مراجعه خانواده به بیمارستان، علت مرگ جواد روحی «ایست قلبی» عنوان شده. این در حالیست که دادستان نوشهر می‌گوید که نتیجه پزشکی قانونی هنوز اعلام نشده و علت مرگ هنوز مشخص نیست. جرائم مورد استناد در دادگاه برای اتهامات سنگین جواد روحی اعترافات زیر شکنجه او به «سوزاندن قرآن و ساخت کوکتل مولوتف و پرتاب آن به داخل مقر راهنمایی رانندگی میدان آزادی نوشهر که باعث حریق و صدمات جدی به مکان پلیس شده» بوده است.

این در حالیست که یک منبع مطلع نزدیک به خانواده روحی به خبرگزاری «هرانا» گفته بود: «تمامی اعترافات که در دوران بازجویی از جواد اخذ شده، تحت آزار و اذیت و فشار اعمال شده بر وی صورت گرفته است. تنها مستندات پرونده علیه وی که منجر به صدور حکم اعدام برایش شده است، اعترافات اجباری اخذ شده از او در دوران بازجویی و همچنین فیلمی از صحنه اعتراضات است؛ ویدئویی که به هیچ عنوان چهره فردی که در آن اقدام به آتش زدن قرآن میکند مشخص نیست، اما دادگاه اقدام مذکور را منتسب به جواد دانسته و او را «مرتد» خوانده است.»

مجید کاوه وکیل جواد روحی اسفند سال گذشته از فقدان ادله اثباتی در پرونده وی خبر داده و گفته بود که هیچ مدرک و دلیلی در ارتباط با اتهامات منتسب به او وجود نداشته است.

شعبه نهم دیوان عالی کشور نیز با درخواست فرجام‌خواهی جواد روحی موافقت و پرونده او را برای بررسی دوباره به شعبه دادگاه هم عرض در دادگاه انقلاب ساری ارجاع داده بود. جواد روحی در حالی به طرز مشکوکی بامداد امروز جان باخت که در انتظار رأی دادگاه هم‌عرض بود.

بر اساس اعلام سازمان عفو بین‌الملل، آمار زندانیانی که در زندان‌های ایران از ژانویه ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۱ جان‌باخته‌اند، دست‌کم ۷۲ نفر اعلام شده که تا کنون حتی یک نفر از مسئولان مجبور به پاسخگویی نشده و به دست عدالت سپرده نشده است.



جواد روحی

جواد روحی دستور قضایی، پرونده تشکیل و به شعبه اول بازپرسی ارجاع شده است و دادستان نوشهر به همراه بازپرس، با حضور در زندان از هم‌بندیان متوفی در مورد وی سوال کرده‌اند.

همچنین «با دستور قضایی مقرر شده است دوربین‌های مداربسته زندان بازبینی و بررسی شوند و وسایل شخصی متوفی از جمله یادداشت‌ها و داروهای وی مستندسازی شود.»

روابط عمومی زندان نوشهر اعلام کرده که پیکر جواد روحی «برای بررسی علت تامه فوت و معاینات سم‌شناسی به پزشکی قانونی ارسال شده و نسبت به کالبدشکافی و نمونه‌گیری اقدام شده است.»

جواد روحی پیشتر به اتهام «آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی» به «سه بار اعدام» محکوم شده بود. او در پی اعتراضات ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱ در شهر نوشهر بازداشت و در روند اعتراف‌گیری اجباری به اتهام «محاربه» و «فساد فی الارض» به «سه بار اعدام» محکوم شد.

انتشار بخشی از دست‌نوشته‌های جواد روحی، معترضی که در زندان نوشهر جان‌باخت، نشان می‌دهد که او شدیداً در زمان بازداشت برای اخذ اعتراف اجباری تحت شکنجه بوده است.

عفو بین‌الملل نیز در همین زمینه اعلام کرده بود که ماموران سپاه پاسداران بارها با گذاشتن اسلحه به روی شقیقه او و تهدید به شلیک خواستار «اعتراف» وی شدند و آقای روحی در نتیجه همه این شکنجه‌ها دچار اختلال گفتاری و حرکتی، عوارض گوارشی، بی‌اختیاری ادرار و آسیب‌دیدگی عضلانی شده بود.

یک روز پس از درگذشت جواد روحی منابع حقوق بشری در ایران گزارش دادند پیکر این جوان پس از اخذ تعهد از خانواده به آنها تحویل داده شده و با حضور مأموران امنیتی

پزشکی قانونی علت درگذشت جواد روحی را «تداخلات دارویی با اشاره به تزریقات مکرر دارو توسط بهیار در بهداری زندان ساعاتی پیش از مرگ وی» اعلام کرده است.

پیکر این معترض زندانی پس از اخذ تعهد از خانواده به آنها تحویل داده شد و با حضور مأموران امنیتی در روستای کلیکان آمل بدون حضور اقوام و دوستان به خاک سپرده شد.

جواد روحی از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته در نوشهر بود که در دادگاه با اتهامات واهی آتش زدن قرآن و کیوسک نیروی انتظامی به «سه بار اعدام» محکوم شده بود.

وکیل جواد روحی از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی در زندان، از تشکیل پرونده‌ای علیه رئیس و بهیار زندان نوشهر به اتهام «قتل نفس» خبر داده است. بر اساس نظر پزشکی قانونی، جواد روحی در پی «تزریقات مکرر دارو» در بهداری زندان دچار کاهش سطح هوشیاری شده و جان باخته است.

مجید کاوه وکیل جواد روحی خبر داد که در نظریه پزشکی قانونی علت درگذشت موکل وی در زندان نوشهر «تداخلات دارویی با اشاره به تزریقات مکرر دارو توسط بهیار در بهداری زندان ساعاتی پیش از مرگ وی» اعلام شده است. جواد روحی از شهروندان بازداشت شده در اعتراضات سال گذشته در نوشهر که پیشتر در دادگاه با اتهامات واهی آتش زدن قرآن و کیوسک نیروی انتظامی به «سه بار اعدام» محکوم شده بود، شهریور امسال در زندان به شکل مشکوکی جان باخت.

مجید کاوه وکیل جواد روحی روز شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ در شبکه «ایکس» نوشت: «پرونده‌ای علیه رئیس زندان نوشهر، بهیار و احدی از نگهبانان آن زندان تشکیل و به شعبه اول بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان ارجاع که با صدور قرار تأمین کیفری متهمین و اعلام شکایت موکلین (اولیاء دم مرحوم جواد روحی) تحت عنوان قتل نفس، درحال رسیدگی است.»

این وکیل دادگستری توضیح داده که «با وصول نظریه پزشکی قانونی، بررسی نتایج سم‌شناسی و تحقیقات معموله توسط ضابط خاص، علت فوت جواد روحی در بند سلامت زندان نوشهر، عوارض ناشی از کاهش سطح هوشیاری به‌دنبال تداخلات دارویی اعلام شده است.»

جواد روحی معترض ۳۵ ساله و از بازداشت‌شدگان خیزش ملی سال گذشته در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲ به طرز مشکوکی در زندان جان باخت. تصاویری منتشر شده از او نشان می‌داد روی تخت بیمارستان در کما است. خانواده این جوان جان‌باخته از سلامت و تندرستی او در آخرین ملاقات که دو روز پیش از وخامت حال جسمی او بود خبر داده بودند.

خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضاییه مدعی شده که جواد روحی ساعت ۳:۴۵ بامداد پنج‌شنبه، ۹ شهریور به دلیل نامشخص دچار تشنج شده و به کما رفته و پس از انتقال به بیمارستان «شهید بهشتی» نوشهر جان باخته است. روابط عمومی زندان نوشهر اعلام کرده که «درباره فوت

رئیس دانشگاه آزاد:

۱۸ هزار دانشجوی دکتری «جوان انقلابی» جایگزین اساتید حق التدریس شدند

جذب شوند چنانکه علیرضا خوشدل رییس دانشگاه علوم پزشکی آزاد اعلام کرد در دانشکده‌های علوم پزشکی هم دانشجویان مقطع دکتری با عنوان «دستیار آموزشی» جای استادان حق التدریس را خواهند گرفت

رئیس دانشگاه آزاد در حالی از جایگزین شدن ۱۸ هزار دانشجوی دکتری «جوان انقلابی» بجای اساتید حق التدریس خبر داده است که رئیس دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران) نیز در ۶ آذر در مورد عدم همکاری با برخی از اساتید و اینکه ممکن است نگاه سیاسی نیز در این مسئله وجود داشته باشد، با ارائه ادعاهای نادرست به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «در هیچ جای جهان اجازه نمی‌دهند استاد کار سیاسی کند. در واقع کار سیاسی کردن برای استاد ممنوع است. من خارج از کشور تحصیل کرده‌ام و فضا را دیده‌ام برای همین می‌توانم در این خصوص، شرایط را توضیح دهم. کار سیاسی کردن برای اساتید ممنوع است.»

محمودرضا آقامیری با بیان اینکه «سال گذشته ما با ناهنجاری مواجه شدیم و از اساتید خواستیم که در این بازی همبازی دانشجو نباشند بلکه مربی باشند» افزود: «زمانی که من در این دانشگاه مسئولیت گرفتم، به سه نفر گفته شده بود که به دلیل سیاسی از دانشگاه بروند و در واقع دو نفر از اساتید پیش از مدیریت من رفته بودند و خودشان نخواستند بودند سر کلاس حاضر شوند و یک نفر دیگر از اساتید دانشکده معماری بود که در دوره مدیریت من با وی تمدید قرارداد نکردیم.»

وی ادعا کرد: «اگرچه تمدید قرارداد نکردن با این استاد بهانه علمی هم داشت، اما بخشی از علت عدم تمدید قرارداد وی مرتبط با قضایای سال قبل بود. فعالیت‌هایی مانند تحریک دانشجویان در فضای مجازی و امثال این می‌تواند دلیل عدم همکاری با ایشان باشد. البته اگر از این استاد بهانه علمی نداشتیم، با ایشان صحبت می‌کردیم و همکاری با وی را ادامه می‌دادیم.»

اواخر امرداد امسال نیز علی شریفی زارچی عضو هیئت علمی بیوفورماتیک و هوش مصنوعی دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) در توثیتی نوشت: «در گروه‌های دانشگاهی سندی منتشر شد که نشان می‌دهد دولت رئیسی مخفیانه فرایند جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیات علمی همسو را به صورت سهمیه‌ای، فوری و خارج از چارچوب علمی موجود دانشگاه‌ها آغاز کرده.»

این استاد دانشگاه که چند روز بعد از انتشار این توثیت قربانی روند حذف اساتید دانشگاهی شد، تأکید کرده بود که «این فاجعه یعنی مثلاً تزریق ۱۰۰ نفر به هر دانشگاه علوم پزشکی. سکوت جامعه علمی خیانت به ایران است.» حذف اساتید از نظام آموزش عالی که با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری از دانشگاه‌ها در جریان است، بخشی از روند سرکوب در دانشگاه‌هاست که از سال گذشته و همزمان با پیوستن جنبش دانشجویی به اعتراضات جنبش ملی آغاز شد. در شرایطی که هنوز آمار رسمی از اساتیدی که از دانشگاه‌های دولتی و آزاد حذف شدند منتشر نشده اما گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد در تابستان امسال بیش از ۱۲۰ استاد دانشگاه حذف شدند. اکنون به نظر می‌رسد در دانشگاه آزاد اسلامی روند حذف اساتید به صورت فله‌ای ادامه دارد.



گفتند که تنها منبع درآمدشان را از دست داده‌اند در حالی که هیچ فرصت شغلی جدیدی هم در انتظارشان نیست چون اغلب‌شان، بعد از یک یا دو دهه تدریس در دانشگاه آزاد، از سقف سنی استخدام در هیات علمی دانشگاه‌ها یا نهادهای دولتی هم رد شده‌اند.

پیشتر در نیمه فروردین امسال، رییس دانشگاه آزاد در دیدار نوروزی با مجموعه مدیران خود از تغییرات جدید در روند آموزشی از خرداد ۱۴۰۲ خبر داده و گفته بود: «دانشگاه آزاد دارای ۲۲ هزار عضو هیات علمی و ۳۲ هزار استاد حق التدریس است.»

وی یکی از برنامه‌های جدی امسال این دانشگاه را «خداحافظی با مفهوم حق التدریس» دانسته و تأکید کرده بود: «باید همه ارکان دانشگاه تلاش کنند که هیات علمی، یا هیات علمی پیوسته باشد یا هیات علمی وابسته و دانشجویان دکتری به عنوان دستیاران تدریس فعالیت کنند. این منطق امسال دانشگاه آزاد است که تا خردادماه باید همه مقدمات آن حاصل شود تا دیگر کسی به عنوان حق التدریس با دانشگاه همکاری نکند.»

اینهمه در حالیست که بر اساس ماده ۳ بخشنامه سال ۱۳۹۷ سازمان مرکزی دانشگاه آزاد «تدریس دارندگان مدرک کارشناسی ارشد در واحدهای جامع (کامل‌ترین واحدهای مجموعه دانشگاه آزاد) ممنوع است. تدریس دارندگان مدرک کارشناسی ارشد، صرفاً در دروس عملی و کارگاهی دوره کاردانی و کارشناسی با مجوز معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی واحد جامع پلامانع است.»

بنابراین، طبق تأکیدات این بخشنامه، دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری که در واقع دارند مدرک کارشناسی ارشد محسوب می‌شود، اجازه تدریس در هیچیک از واحدهای جامع دانشگاه آزاد (جز در درس‌های عملی و کارگاهی) را ندارد در حالی که مجموعه مدیریت دانشگاه آزاد می‌گوید قرار است دستیاران آموزشی، در تمام رشته‌های مقطع کاردانی و کارشناسی و در تمام واحدهای دانشگاه آزاد

● در نشست‌هایی که عصر ۱۹ آذر با حضور جمعی از اعضای تشکل‌های اسلامی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی در واحد شهر ساری مرکز استان مازندران برگزار شد محمدمهدی طهرانچی با اعلام جایگزینی هزاران دانشجوی مرحله‌ی دکتری بجای استادان حق التدریس همچنین از راه‌اندازی یک «باشگاه هنر و ادبیات» به منظور پرورش استعداد‌های هنری خبر داد.

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه ۱۸ هزار دانشجوی دکتری «جوان انقلابی» در دانشگاه آزاد اسلامی جایگزین اساتید حق التدریس شدند، گفت: «فضای انقلابی با جذب استاد جوان ممکن می‌شود؛ لذا طرح‌های دستیار آموزشی و هیات علمی وابسته یک جهش در گسترش فضای انقلابی دانشگاه محسوب می‌شود.»

در نشست‌هایی که عصر ۱۹ آذر با حضور جمعی از اعضای تشکل‌های اسلامی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی در واحد شهر ساری مرکز استان مازندران برگزار شد محمدمهدی طهرانچی با اعلام جایگزینی هزاران دانشجویان مرحله دکتری بجای استادان حق التدریس همچنین از راه‌اندازی یک «باشگاه هنر و ادبیات» به منظور پرورش استعداد‌های هنری خبر داد. به گفته وی این باشگاه موظف است از تمامی دانشجویان حمایت کند چرا که دانشگاه تنها محلی برای تحصیل نیست بلکه «محل تعلیم و تربیت اسلامی» نیز است و در حقیقت دانشگاه محلی برای زیست اجتماعی دانشجویان خود است. طهرانچی با بیان اینکه «یکی از ثمرات طرح‌های دستیار آموزشی و اعضای هیات علمی وابسته که از ابتدای فروردین مورد تأکید ما بود، گسترش فضای انقلابی در دانشگاه آزاد اسلامی است» اضافه کرد: «دانشگاه مقرر کرد تا تعداد اعضای هیات علمی وابسته برابر با ظرفیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی باشد.»

همچنین دکتر فرزاد جهان‌بین معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی در این نشست اشاره به برخی فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه آزاد گفت: «در این راستا ۷ هزار دانشجو در سال ۱۴۰۱ و ۱۵ هزار دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۴۰۲ به اردوهای راهیان نور فرستاده شدند.»

در همین ارتباط، روزنامه اعتماد در گزارشی که ۲۰ مهرماه منتشر کرد نوشت: «از ابتدای مهر امسال و به دنبال اجرای تصمیم مهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد، ۳۲ هزار استاد حق التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف این دانشگاه حذف شده و بجای آنها ۲۰ هزار دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری دانشگاه آزاد که هنوز در حال تحصیل هستند، برای تدریس به دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی این دانشگاه جذب شده‌اند.»

بنا بر این گزارش این دانشجویان مقطع دکتری، بعد از ثبت‌نام در یک دوره آموزشی ۴۰ ساعته با عنوان دوره «مدرسی»، به کرسی استادی در دانشگاه آزاد رسیدند و قرار است بابت این حضور «جایزه تحصیلی» بگیرند و شهریه کمتری بپردازند. جذب ۲۰ هزار دانشجوی مقطع دکتری بجای استادان حق التدریس دانشگاه آزاد، در حالی اتفاق افتاد که تعدادی از استادان حق التدریس که از ابتدای مهر امسال و بدون هیچ اطلاع‌رسانی قبلی، از تدریس در دانشگاه آزاد کنار گذاشته شده‌اند، در گفتگو با «اعتماد»

اقدام به خودکشی زهره سرو در زندان و حین اعتصاب غذا به دلیل فشار سازمان اطلاعات سپاه (ساس) برای همکاری

زندانیان سیاسی-عقیدتی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. از شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیته حقیقت‌یاب آن، و نیز سازمان‌های حقوق بشری می‌خواهم که فشارها بر رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی را افزایش دهند.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه از زهره سرو خواسته به اعتصاب غذاش پایان دهد: «و پیامی کوتاه به خانم زهره سرو: شما در بند جمهوری اسلامی نیز ایستادگی و میهن‌پرستی خود را نشان داده‌اید. به اعتصاب غذای خود پایان دهید. این مبارزه تا آزادی ایران ادامه دارد و نیازمند وجود تندرست شما است.»

زهره سرو به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه در زندان اوین اعتصاب غذا کرده است. این زندانی سیاسی به دلیل پارگی رباط صلیبی و شاخ خلفی منیسک لترال زانوی پای راست نیاز فوری به عمل جراحی داد.

خواسته زهره سرو بر اساس قوانین کیفری جمهوری اسلامی، خواسته‌ای منطقی و از جمله حقوق او به شمار می‌رود. او در حال حاضر یک سوم مدت حبس را گذرانده و در نتیجه مشمول حق استفاده از مرخصی درمانی و آزادی مشروط است. اکنون با توجه به ابتلا به چند بیماری و نیاز فوری به عمل جراحی باز هم مقامات قضایی با مرخصی او موافقت نکرده‌اند.

پس از آغاز اعتصاب غذای زهره سرو نیز یکی از نزدیکان



حق قانونی او هم است مخالفت می‌کنند و با تهدید تلاش می‌کنند از او اعتصاب دست بردارند.»

او در ادامه گفته که «چهار شب پیش زهره بیهوش شد؛

● یک منبع آگاه به «کیهان لندن» گفته که مأمورانی از سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با زهره سرو صحبت و تهدیدش کردند که باید با آنها همکاری کند و اعتصاب غذاش را بشکند.

● در پی خودکشی زهره سرو، او را به بیمارستان «لقمان» منتقل کردند و معده‌اش را شستشو دادند و تا ظهر چهارشنبه در بیمارستان بود و بعد به اوین منتقل شد.

● زهره سرو به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه در زندان اوین اعتصاب غذا کرده است.

زهره سرو زندانی مشروطه‌خواه که از سه هفته پیش در اعتصاب غذا بسر می‌برد، در پی فشار مأموران سازمان اطلاعات سپاه (ساس) برای همکاری با این نهاد اقدام به خودکشی کرده است. این زندانی با وجود انتقال به بیمارستان حاضر نشده اعتصاب غذای خود را بشکند.

یک منبع آگاه به کیهان لندن اطلاع داده که زهره سرو زندانی مشروطه‌خواه در حالی که در اعتصاب غذا بوده، از سوی مأموران سازمان اطلاعات سپاه (ساس) زیر فشار قرار گرفته تا با این نهاد همکاری کند. این فعال سیاسی همچنین از سوی مأموران این سازمان امنیتی تهدید شده که در صورت عدم همکاری، پرونده‌های پیشین او بار دیگر به جریان خواهد افتاد.

به گفته این منبع آگاه، دیروز، سه‌شنبه ۲۱ آذر، ساعت چهار بعد از ظهر زهره سرو را به دفتر حفاظت زندان اوین منتقل کردند و مأمورانی از اطلاعات سپاه با او صحبت و تهدیدش کردند که باید با آنها همکاری کند و اعتصاب غذاش را بشکند. زهره هم مقاومت کرده و در مقابل مأموران «ساس» به او گفتند اگر اعتصاب غذاش را ادامه بدهد، پرونده‌های قبلی او را که مخومه اعلام‌شده و حکم منع تعقیب گرفته دوباره به جریان می‌اندازند. زهره سرو اما همچنان به عدم همکاری و ادامه اعتصاب غذا اصرار کرده و در نهایت با درگیری لفظی با مأموران اتاق را ترک کرده است.

این منبع آگاه افزوده که «به دلیل فشار ناشی از تهدیدها و فشارهای مأموران اطلاعات سپاه، زهره سرو ۶ ساعت بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۳۰ تا قرص آلپر [آلپرازولام] خورد و دست به خودکشی کرد. با بدحال شدنش او را به بیمارستان «لقمان» منتقل کردند و معده‌اش را شستشو دادند و تا ظهر چهارشنبه در بیمارستان بود و بعد به اوین منتقل شد.»

او افزوده که «زهره همچنان اعتصابش را نشکسته و گفته اینبار تا پای جانم ایستادم و حاضر نیستم اعتصابم را بشکنم. ضربان قلبش در این چند روز به ۵۰ کاهش یافته و قند خونش هم به ۶۰ و فشار خونش به هفت روی چهار رسید.»

منبع آگاه همچنین با اشاره به اینکه وضعیت جسمانی زهره سرو در پی سه هفته اعتصاب غذا خیلی وخیم شده گفته «زهره دچار افت فشار و افت قند خون و کاهش ضربان قلب است. او دو روز پیش هم دچار خونریزی معده شد. در این چند روز گذشته با اصرار پزشک بهداری به او سرم تزریق شده اما همچنان مقامات قضایی و امنیتی با درخواست او مبنی بر موافقت با مرخصی درمانی که



Reza Pahlavi
@PahlaviReza

جان خانم زهره سرو در خطر، و مسئولیت هر اتفاقی که برای وی بیفتد با جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه‌ای است. او و همه زندانیان سیاسی-عقیدتی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. از شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیته حقیقت‌یاب آن، و نیز سازمان‌های حقوق بشری می‌خواهم که فشارها بر رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی را افزایش دهند.

و پیامی کوتاه به خانم زهره سرو:

شما در بند جمهوری اسلامی نیز ایستادگی و میهن‌پرستی خود را نشان داده‌اید. به اعتصاب غذای خود پایان دهید. این مبارزه تا آزادی ایران ادامه دارد و نیازمند وجود تندرست شما است.

زهره سرو به «کیهان لندن» گفته بود که «زهره حدود سه سال است که پیوسته در زندان بوده و هفته گذشته بعد از یک سال درد شدید زانو او را به ام‌آر‌آی بردند و پزشک تشخیص داده که هم رباط صلیبی و هم شاخ خلفی منیسک لترال زانوی پای راستش پاره شده و باید فوری عمل شود.»

به گفته او «این عمل جراحی دوران نقاهت خیلی دشواری دارد که در بند زندان و با توجه به پله‌هایی که بند دارد در عمل امکان‌پذیر نیست و با اینهمه مقامات قضایی و امنیتی با اعزام او به مرخصی درمانی مخالفت می‌کنند و به همین دلیل زهره از روز شنبه دست به

او را بیمارستان طالقانی بردند و سریع به زندان برگرداندند. روز بعدش زهره دوباره در بند زنان بدحال شد و چند تا زنان زندانی در اعتراض به مقامات زندان تحصن کردند، مسئولان زندان هم دستور دادند برانکاره بیاورند و زهره را به بهداری منتقل کنند. زهره پای اعتصاب ایستاده ولی جان او برای مقامات قضایی و امنیتی ارزشی ندارد.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به تداوم اعتصاب زهره سرو و فشار جمهوری اسلامی بر این فعال مشروطه‌خواه در حسابش در شبکه «ایکس» نوشت: «جان خانم زهره سرو در خطر، و مسئولیت هر اتفاقی که برای وی بیفتد با جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه‌ای است. او و همه

➔ اعتصاب غذا زده است»

وی افزوده بود که «آرمها سال گذشته به دلیل درد شدید زانو قرار بود به تشخیص پزشک به ام آر آی برده شود اما پس از آنکه او را از زندان خارج کردند و درواقع او را ربودند و به زندان قرچک ورامین منتقل کردند زهره در قرچک دست به اعتصاب غذا زد. هیچ کار درمانی روی زانویش انجام نشد و به دلیل اعتصاب غذا مشکل گوارشی هم به مشکلات جسمی‌اش اضافه شده و دو توده هم در پستان داشته که آنهم نیاز به عمل جراحی دارد.»

یکی از مسائلی که درباره زهره سرو مطرح شده اینست که مادر او که باید پیگیر مسائل مرخصی و درمان او باشد به دلیل کهولت نمی‌تواند برای مرخصی دخترش فعالیت کند و حتی رفتن به زندان برای ملاقات نیز برای او دشوار است. پیشتر گزارش شده بود که زهره سرو مسئولیت مراقبت از مادر ۷۵ ساله‌ی بیماراش را به عهده داشته است.

در امداد امسال و مدتی پس از تشخیص وجود دو توده در پستان زهره سرو، یک منبع آگاه درباره وضعیت این زندانی مشروطه‌خواه به «کیهان لندن» گفته بود که «به تأیید پزشکان اوین و پزشکان معتمد قوه قضاییه زهره دو توده‌ی بزرگ در سینه دارد و نیازمند اقدام‌های جدی و فوری برای درمان و پیشگیری از رشد غده‌ها است.» این منبع آگاه افزوده بود که «متأسفانه مسئولان پرونده خانم سرو بی‌توجه به شرایط جسمی او همچنان هیچ اقدامی آزادی مشروط یا آزادی با پابند یا مرخصی برای درمان وی نمی‌کنند.»

با وجود وضعیت اورژانسی این زندانی به دلیل وجود دو توده در پستان راست، او روز چهارشنبه چهارم امدادماه از زندان اوین به بیمارستان «طالقانی» تهران اعزام شد اما بدون رسیدگی پزشکی کافی برای تشخیص وضعیت بیماری به زندان بازگردانده شد.

این منبع آگاه همچنین با اشاره به مشکل در زانوی راست این زندانی سیاسی گفته بود که به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در دوران زندان، دردهایش تشدید شده است. این منبع آگاه افزوده بود که «زهره سرو پیش از این به مدت ۱۸ روز در انفرادی‌های سالن ۹ زندان قرچک که سوئیت‌های قیل از اعدام هستند نگهداری شده بود. اعتصاب غذای خشک او و شرایط هولناک سوئیت‌های سالن ۹ زندان قرچک آسیب جدی به سلامت او زده است.»

زهره سرو اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه، موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ با پایان مراحل بازجویی به بند زنان زندان اوین فرستاده شد اما بعد از مدتی به زندان قرچک ورامین انتقال یافت.

این زندانی سیاسی یازدهم اردیبهشت امسال به همراه شمار دیگری از زندانیان سیاسی مانند الهه محمدی، نیلوفر حامدی، سها مرتضایی و حوریه رضایی راد از بند ۸ زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری زهره سرو را از بابت اتهامات «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس تعزیری محکوم کرده است. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۶ سال زندان در خصوص او قابل اجرا است.

زهره سرو متولد سال ۱۳۴۵ است که پیش از بازداشت با نام «ماه فر» در شبکه‌های اجتماعی فعالیت داشت. مدت‌هاست که فشار بر زندانیان مشروطه‌خواه با تشکیل پرونده‌هایی با اتهامات واهی و سنگین و همچنین احکام زندان بلندمدت در جریان است.

تحریم دو عامل وزارت اطلاعات به اتهام «استخدام مزدور در خاک آمریکا» برای گرفتن انتقام قاسم سلیمانی

را سرکوب کرده و دست به بازداشت خودسرانه و شکنجه زندانیان، از جمله کودکان زده است. تلاش‌های رژیم برای خاموش کردن مخالفانش از مرزهای ایران نیز فراتر رفته و تبدیل به سرکوب فراملی، از جمله توطئه‌های مرگبار علیه فعالان، روزنامه‌نگاران و مقامات دولتی خارجی شده است.» این لیست‌گذاری به مناسبت سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر صورت گرفته است. به گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا «دهم دسامبر ۲۰۲۳ مصادف با هفتاد و پنجمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، سند برجسته‌ای است که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را برای همه افراد تضمین می‌کند. پیش از این سالگرد تاریخی و روز حقوق بشر، وزارت خزانه‌داری بر تعهد همیشگی خود برای ترویج احترام به حقوق بشر و پاسخگویی در قبال عاملان نقض حقوق بشر تأکید می‌کند.»

جانث ال. یلن وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره این تحریم‌ها گفت: «تعهد ما به حمایت و دفاع از حقوق بشر



راهپیمایی هیات‌های مذهبی در حمایت از «انتقام سخت» دی‌ماه ۱۳۹۸

مقدس است. سوء استفاده از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی- در هر کجای جهان که اتفاق بیفتد- به قلب انسانیت مشترک و وجدان جمعی ما ضربه می‌زند. تحریم‌های هدفمند وزارت خزانه‌داری که امروز و طی سال گذشته اعلام شد، بر جدیت تعهد ما به ارتقای مسئولیت‌پذیری در مورد نقض حقوق بشر و محافظت از سیستم مالی ایالات متحده در برابر کسانی که مرتکب این اقدامات فاحش می‌شوند، تأکید می‌کند.»

به این فهرست افراد دیگری از چین، اوگاندا و سودان که امنیت ملی آمریکا را مورد تهدید قرار دادند اضافه شده‌اند. خبرگزاری آسوشیتدپرس چهارشنبه ۱۰ اوت (۱۹ امداد) گزارش داد یکی از عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به توطئه برای قتل جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید در دولت دونالد ترامپ متهم شده است.

وزارت دادگستری ایالات متحده در بیانیه‌ای اعلام کرده بود بر اساس اسناد دادگاه، «شهرام پورصفی» با نام مستعار «مهدی رضایی» ۴۵ ساله اهل تهران، اوایل اکتبر ۲۰۲۱ اقدام به توطئه برای قتل جان بولتون کرده که احتمالاً در انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده «سپاه قدس» بوده است که در ژانویه ۲۰۲۰ در حمله پهبادی آمریکا در حوالی فرودگاه بغداد کشته شد.

پورصفی که برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کار می‌کرد، می‌خواست برای انجام این قتل در واشنگتن یا مریلند مبلغ ۳۰۰ هزار دلار بپردازد.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) دو نفر از عوامل جمهوری اسلامی به نام مجید دستجانی فراهانی و محمدمهدی خانپور اردستانی را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) روز جمعه هشتم دسامبر (۱۷ مهرماه) دو نفر از عوامل جمهوری اسلامی به نام مجید دستجانی فراهانی و محمدمهدی خانپور اردستانی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، فراهانی و اردستانی از کسانی هستند که برای عملیات‌های مختلف در ایالات متحده مزدور استخدام کردند. آنها برای هدف قرار دادن مقامات فعلی و سابق دولت آمریکا به عنوان انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اماکن مذهبی، ادارات و سایر امکانات در ایالات متحده به دنبال جذب نیرو بودند.

این وزارتخانه همچنین تأیید کرده فراهانی و اردستانی به دلیل اقدام مستقیم یا غیرمستقیم به نمایندگی از وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی یا برای آن وزارتخانه در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده «رژیم ایران همچنان به هدف قراردادن و سرکوب مخالفان و صداهای مخالف ادامه می‌دهد. در داخل ایران، رژیم بارها با اقدامات وحشیانه و مرگبار علیه معترضان مسالمت‌آمیز اقدام و آنها

افشای نام ۱۴ نیروگاهی که مازوت می‌سوزانند مقامات دولتی شهروندان را مسئول آلودگی هوا می‌دانند!



● عضو شورای اسلامی شهر تهران با اعلام اسامی ۱۴ نیروگاهی که سال گذشته مازوت‌سوزی داشتند گفته اگر امسال از این اقدام خودداری کنند، از آنها تقدیر خواهیم کرد.

● رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست با انکار مازوت‌سوزی، علت آلودگی هوای پایتخت را بنزین زدن ساکنان تهران در شهرهای شمال که بنزین آلوده دارند دانسته است!

● در سال ۱۴۰۰ تعداد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در تهران ۶ هزار و ۳۹۸ نفر بود.

در حالی که مقامات دولتی اصرار دارند شهروندان عامل آلودگی هوا هستند و در نیروگاه‌ها مازوت سوزانده نمی‌شود، یک عضو شورای اسلامی شهر تهران نام ۱۴ نیروگاهی را که از سال گذشته به دلیل کمبود گاز از سوخت مازوت استفاده کرده‌اند فاش کرد.

کلانشهرهای ایران در چند هفته گذشته بار دیگر گرفتار آلودگی شدید هوا بوده و زندگی شهروندان با مشکلاتی در این زمینه روبرو شده است. با وجود کمبود گاز و گزارش‌هایی درباره مازوت‌سوزی نیروگاه‌های تولید برق به عنوان عامل اصلی آلودگی هوا در شهرهای مختلف کشور، مقامات دولتی چنین موضوعی را تکذیب می‌کنند.

این در حالیست که یک عضو شورای اسلامی شهر تهران نام ۱۴ نیروگاهی را که سال گذشته نیز از مازوت استفاده کرده‌اند فاش کرده است.

مهدی پیرهادی عضو شورای اسلامی شهر تهران که پیشتر در رابطه با آلودگی هوای تهران موضوع مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها را مطرح کرده بود با بیان اینکه «با انتقاد از وضعیت آلودگی هوا همه وسیعی از سازمان‌های مسئول به اظهارات بنده وارد شد» گفت: «به منظور پرهیز از فراقکنی و فرار رو به جلوی برخی دستگاه‌ها به موضوع گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اشاره می‌کنم که در صحن مجلس قرائت شده بود.»

مهدی پیرهادی با بیان اینکه «اسامی و تناژ مصرف مازوت این ۱۴ نیروگاه موجود است»، گفت که «این نیروگاه‌ها که در سال ۱۴۰۱ مازوت‌سوزی انجام داده‌اند، اگر امسال از این اقدام خودداری کنند، از آنها تقدیر خواهیم کرد.»

عضو شورای اسلامی شهر تهران افزوده «نیروگاه‌های ایران‌شهر، منتظر قائم، شهید رجایی، رامین، شهید سلیمانی، منتظری، سهند، تبریز، زرنده، بندرعباس، طوس، شهید مفتاح و سازند از نیروگاه‌هایی هستند که مازوت‌سوزی داشته‌اند.» مهدی پیرهادی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه «سازمان محیط زیست در رسانه ملی به استفاده ۵۰ درصدی سوخت مازوت در نیروگاه شهید رجایی اذعان داشته‌اند و مدیرکل هواشناسی هم اعلام کردند این آلودگی به تهران می‌رسد» تأکید کرده که «متأسفانه منافع برخی ایجاب نمی‌کند شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح صورت پذیرد که واقعاً جای تأسف دارد و سعی در فراقکنی و تهمت دارند و به دلیل این ترک فعل‌ها که اتفاقاً دستگاه‌های نظارتی اعلام کرده‌اند شاهد این حجم از آلودگی هستیم که متأسفانه جان هزاران انسان را گرفته و خانواده‌های بسیاری داغدار و خانواده‌های زیادی مشکلات تنفسی و بیماری‌های متعددی را پیدا کرده‌اند.»

در جلسه شورای اسلامی شهر تهران، مهدی چمران رئیس این

شورا ادعای مقامات دولتی را تکرار کرد و گفت: «اگر مازوت سوزانده‌اند اشتباه کرده‌اند. در نیروگاه‌های تهران مازوت مصرف نمی‌شود. من بررسی کردم و اعلام کردند که پلمب شده و اگر جایی مازوت می‌سوزاند و پلمب نشده بگویید.» با اینکه امسال نیز آلودگی هوا چند شهر کشور را به شدت گرفتار کرده و سبب تعطیلی مدارس و دورکاری بخشی از کارمندان شده اما مقامات دولتی همچنان مازوت‌سوزی نیروگاه‌های تولید برق را انکار و درباره علت آلودگی همزمان چند شهر کشور در حال فراقکنی هستند.

داریوش گلعلیزاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست مازوت‌سوزی را انکار کرده و البته علت آلودگی هوای پایتخت را بنزین زدن ساکنان تهران در شهرهای شمال که بنزین آلوده دارند دانسته است! رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست به وسایط «خبرآنلاین» گفته است: «دوستان اگر می‌خواهند مصاحبه کنند با من تماس بگیرید تا اطلاعات درست به آنها بدهم، اگر نیروگاهی مازوت بسوزاند کاملاً مشخص است و قابل مخفی کردن نیست، نیروگاه‌هایی که آلودگی آنها می‌تواند در آلوده شدن هوای تهران تأثیر بگذارد یکی نیروگاه بعثت تهران است و دیگری نیروگاه منتظرالقائم کرج، که هیچکدام از آنها مازوت نمی‌سوزانند، در اصفهان که آلودگی هوا امسال بارها سبب تعطیلی مدارس شده است نیروگاه‌های اسلام‌آباد و شهید مسلمی شاهین‌شهر هیچکدام مازوت نمی‌سوزانند، در اراک هم همینطور است.»

داریوش گلعلیزاده معتقد است در کلانشهرها وضعیت کیفیت سوخت قابل دفاع است: «ما در محیط زیست و سازمان استاندارد سوخت را آنالیز می‌کنیم، بنزین و نفت‌گاز (گازوئیل) در کلانشهرها و کل استان‌هایی مانند تهران و اصفهان استاندارد یورو چهار و پنج دارند، نتایج بررسی آنها قابل دفاع است.»

او در پاسخ به این پرسش که آیا کیفیت بنزین و نفت و گاز نه در پالایشگاه بلکه در جایگاه‌های تحویل سوخت بررسی می‌شود یا نه، گفته که «ما نه از پالایشگاه‌ها بلکه از

جایگاه‌هایی که مردم سوخت‌گیری می‌کنند کیفیت سوخت را بررسی می‌کنیم، کیفیت سوخت در تهران بد نیست اما خیلی از تهرانی‌ها به شهرهای شمالی سفر می‌کنند، سوخت در آن استان‌ها استاندارد یورو چهار پنج ندارد، بنابراین بنزینی که از استان‌های اطراف سوخت‌گیری می‌شود هم در تهران سوزانده می‌شود.»

دیگر مقامات دولتی نیز مازوت‌سوزی را انکار کرده‌اند. مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق گفته که «در تهران برای تأمین برق هیچ نیروگاهی مازوت مصرف نمی‌شود و از ۱۴۰ نیروگاه بزرگ کشور فقط ۱۶ نیروگاه بخاری قابلیت مصرف مازوت دارند و نیروگاه‌ها در مراکز پر جمعیت از سوخت گاز یا گازوییل استفاده می‌کنند.»

حسین فرشیدی معاون بهداشت وزارت بهداشت هم با تأکید بر اینکه «مازوت سوزی» علت آلودگی هوای تهران نیست، گفته که تا کنون یافته‌ای مبنی بر اینکه در سطح تهران مازوت‌سوزی اتفاق افتاده باشد، نداشته‌ایم و تاکنون این اتفاق رخ نداده است. مهدی پیرهادی عضو شورای شهر هفته گذشته با استناد به آمارهای وزارت بهداشت اعلام کرده که در سال ۱۴۰۰ تعداد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در تهران ۶ هزار و ۳۹۸ نفر بود.

عضو شورای شهر تهران تأکید کرده که «روند تغییرات غلظت آلاینده‌ها طی بازه ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ روند کاهشی داشته است اما همچنان می‌بینیم هوا آلوده است و وزارت نفت استانداردهای سوخت را رعایت نکرده است و سوخت‌ها با استاندارد ملی عرضه نشده است. وزارت نیرو هم در تهیه برق به دلیل برخی شرایط از مازوت استفاده کرده و در سال گذشته از ۱۶ نیروگاه ۱۴ نیروگاه مصرف مازوت داشته‌اند. این گزارش مجلس است اگر کسی اعتراض دارد به کمیسیون اصل ۹۰ برود.»

مهدی پیرهادی گفته که «من نمی‌دانم چرا می‌خواهند بگویند در اطراف تهران مازوت‌سوزی نداریم اینگونه بهتر است که بگویند در فصل زمستان گذشته مازوت سوزانده‌ایم باینکه تکذیب کنند آیا می‌توانند تکذیب کنند؟»

با وجود انکار دولت، نیروگاه سازند اعلام کرد: با عرض معذرت، مازوت می‌سوزانیم!

اینکه «با انتقاد از وضعیت آلودگی هوا همه وسیعی از سازمان‌های مسئول به اظهارات بنده وارد شد» گفت: «به منظور پرهیز از فراقکنی و فرار رو به جلوی برخی دستگاه‌ها به موضوع گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اشاره می‌کنم که در صحن مجلس قرائت شده بود.»

مهدی پیرهادی با بیان اینکه «اسامی و تناژ مصرف مازوت این ۱۴ نیروگاه موجود است»، گفت که «این نیروگاه‌ها که در سال ۱۴۰۱ مازوت‌سوزی انجام داده‌اند، اگر امسال از این اقدام خودداری کنند، از آنها تقدیر خواهیم کرد.»

عضو شورای اسلامی شهر تهران افزوده «نیروگاه‌های ایران‌شهر، منتظر قائم، شهید رجایی، رامین، شهید سلیمانی، منتظری، سهند، تبریز، زرن، بندرعباس، طوس، شهید مفتوح و سازند از نیروگاه‌هایی هستند که مازوت‌سوزی داشته‌اند.»

مهدی پیرهادی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه «سازمان محیط زیست در رسانه ملی به استفاده ۵۰ درصدی سوخت مازوت در نیروگاه شهید رجایی اذعان داشته‌اند و مدیرکل هواشناسی هم اعلام کردند این آلودگی به تهران می‌رسد» تأکید کرده که «متأسفانه منافع برخی ایجاب نمی‌کند شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح صورت بپذیرد که واقعاً جای تأسف دارد و سعی در فراقکنی و تهمت دارند و به دلیل این ترک فعل‌ها که اتفاقاً دستگاه‌های نظارتی اعلام کرده‌اند شاهد این حجم از آلودگی هستیم که متأسفانه جان هزاران انسان را گرفته و خانواده‌های بسیاری داغدار و خانواده‌های زیادی مشکلات تنفسی و بیماری‌های متعددی را پیدا کرده‌اند.»

در جلسه شورای اسلامی شهر تهران، مهدی چمران رئیس این شورا ادعای مقامات دولتی را تکرار کرد و گفت: «اگر مازوت سوزانده‌اند اشتباه کرده‌اند. در نیروگاه‌های تهران مازوت مصرف نمی‌شود. من بررسی کردم و اعلام کردند که پلمب شده و اگر جایی مازوت می‌سوزاند و پلمب نشده بگویند.»

قابل توجه اینکه داریوش گلعلیزاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست به وبسایت «خبرآنلاین» گفته است: «دوستان اگر می‌خواهند مصاحبه کنند با من تماس بگیرید تا اطلاعات درست به آنها بدهم، اگر نیروگاهی مازوت بسوزاند کاملاً مشخص است و قابل مخفی کردن نیست، نیروگاه‌هایی که آلودگی آنها می‌تواند در آلوده شدن هوای تهران تأثیر بگذارد یکی نیروگاه بعثت تهران است و دیگری نیروگاه منتظرالقائم کرج، که هیچکدام از آنها مازوت نمی‌سوزانند، در اصفهان که آلودگی هوا امسال بارها سبب تعطیلی مدارس شده است نیروگاه‌های اسلام‌آباد و شهید مسلمی شاهین‌شهر هیچکدام مازوت نمی‌سوزانند، در اراک هم همینطور است.»

داریوش گلعلیزاده معتقد است در کلانشهرها وضعیت کیفیت سوخت قابل دفاع است: «ما در محیط زیست و سازمان استاندارد سوخت را آنالیز می‌کنیم، بنزین و نفت‌وگاز (گازوئیل) در کلانشهرها و کل استان‌هایی مانند تهران و اصفهان استاندارد یورو چهار و پنج دارند، نتایج بررسی آنها قابل دفاع است.»



اسلامی شهر تهران مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها علت آلودگی هوا عنوان می‌شد اما مقامات دولتی چنین چیزی را تکذیب می‌کردند.

از جمله داریوش گلعلیزاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست سوزاندن مازوت در نیروگاه‌ها را انکار کرده و البته علت آلودگی هوای پایتخت را بنزین زدن ساکنان تهران در شهرهای شمال که بنزین آلوده دارند دانسته است!

حسین فرشیدی معاون بهداشت وزارت بهداشت هم با تأکید بر اینکه «مازوت‌سوزی» علت آلودگی هوای تهران نیست، گفته که «تا کنون یافته‌ای مبنی بر اینکه در سطح تهران مازوت‌سوزی اتفاق افتاده باشد، نداشته‌ایم و تاکنون این اتفاق رخ نداده است.»

با اینهمه، شرکت‌های گاز استان مرکزی و توزیع برق حرارتی سازند در اطلاعیه‌ای مشترک ضمن عذرخواهی از مردم، از آغاز مازوت‌سوزی موقت در نیروگاه سازند به دلیل سرما و افزایش مصرف گاز خبر دادند.

در این اطلاعیه آمده بود که «ضمن عذرخواهی از مردم شریف استان مرکزی بویژه شهروندان اراک و سازند به اطلاع می‌رساند که مسوولان استان حداکثر تلاش خود را در راستای تامین سوخت گاز طبیعی و کاهش دوره مصرف سوخت دوم به کار خواهند بست.»

هر چند در این اطلاعیه مدت زمانی که قرار است سوخت مازوت به جای گاز در نیروگاه تولید برق سازند مورد استفاده قرار بگیرد اعلام نشده، اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد تا تداوم هوای سرد و مصرف بالای گاز در بخش خانگی، سوزاندن مازوت و در پی آن آلودگی هوای اراک و سازند ادامه خواهد داشت.

این اطلاعیه در حالی صادر شده که دو روز پیش، یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۲، مهدی پیرهادی عضو شورای اسلامی شهر تهران نام ۱۴ نیروگاهی را که سال گذشته نیز از مازوت استفاده کرده‌اند فاش کرد.

مهدی پیرهادی عضو شورای اسلامی شهر تهران با بیان

● شرکت پتروشیمی زاگرس و شرکت کود شیمیایی اوره لردگان از محدودیت‌های گازی خود و کاهش تولید به علت کمبود گاز خبر دادند.

● شرکت‌های گاز استان مرکزی و توزیع برق حرارتی سازند در اطلاعیه‌ای مشترک ضمن عذرخواهی از مردم، از آغاز مازوت‌سوزی موقت در نیروگاه سازند به دلیل سرما و افزایش مصرف گاز خبر دادند.

● رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست با انکار سوزاندن مازوت گفته بود اگر نیروگاهی مازوت بسوزاند کاملاً مشخص است و قابل مخفی کردن نیست.

در آخرین روزهای پاییز و با سردتر شدن هوا، اثرات ناترازی گاز در ایران مشخص‌تر شده و گاز بخش‌هایی از صنایع جیره‌بندی شده است. در حالی که مقامات دولتی بطور جدی استفاده از مازوت در نیروگاه‌های تولید برق به دلیل کمبود گاز را انکار می‌کنند، نیروگاه سازند در استان مرکزی بطور رسمی سوزاندن مازوت را تأیید کرد.

گزارش‌ها از ایران نشان می‌دهد که به دلیل ناتوانی دولت در تأمین گاز بخش خانگی، گاز بخش‌های مختلفی از صنایع کشور، جیره‌بندی شده است. در همین رابطه وبسایت «اگو ایران» گزارش داده که بحث قطع گاز صنایع و محدودیت‌های مصرف گاز برای شرکت‌ها پورسی در سامانه کدال آغاز شده است.

بر اساس این گزارش روز گذشته دوشنبه ۲۰ آذرماه، شرکت پتروشیمی زاگرس و شرکت کود شیمیایی اوره لردگان از محدودیت‌های گازی خود و کاهش تولید به علت کمبود گاز خبر دادند.

شرکت کود شیمیایی اوره لردگان اعلام کرده که با حدود ۷۰ درصد از ظرفیت خود از روز ۲۰ آذر ماه به فعالیت خود ادامه می‌دهد و پتروشیمی زاگرس نیز از توقف واحد دوم تولیدی خود خبر داده است.

حمیدرضا صالحی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی نیز روز یکشنبه نوزدهم آذرماه در نشست در حاشیه نمایشگاه «ایران‌متافو» با بیان اینکه ۸۰ درصد صنایع در ایران گازی هستند گفته بود که «اگر ناترازی گاز امسال هم به ما برسد، این صنایع دچار تعطیلی می‌شوند.»

امیرحسین نادری مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری صدر تامین (تاصیکو) نیز در همین نشست گفته بود که «بحث ناترازی انرژی برای تولیدکنندگان طی چند سال گذشته معنای تلخی یافته است. موضوع این است که تمام نهادهای تولید برای تولیدکنندگان، مهیاست، اما در تابستان با مشکل تامین برق و در زمستان با مشکل تامین گاز مواجه می‌شوند؛ این در حالی است که سیاست‌های کلان هر دولتی نیز اولویت دادن به مصارف خانگی در هر فصلی است.»

ناترازی گاز و عدم اختصاص گاز مورد نیاز به نیروگاه‌ها همچنین سبب سوزاندن مازوت از سوی نیروگاه‌های تولید برق شده است. در هفته‌های گذشته کلانشهرهای ایران با مشکل آلودگی شدید هوا روبرو شدند. مدارس در چند شهر تعطیل و بخشی از کارمندان ناچار به دورکاری شدند. در شرایطی که بسیاری از کارشناسان و حتی دو عضو شورای

زنان طلبه بجای آموزگار در مدارس کشور تشدید مغزشویی کودکان دبستانی

● طلبه‌ها به چند صورت در آموزش پرورش جذب شده‌اند؛ از آموزگار دبستان تا معلم پرورشی و مشاور و همچنین به صورت «سربازطلبه» و دخالت در تغییرات محتوای کتاب‌های درسی!

● دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش مدعی شده که آموزش‌هایی که طلبه‌ها می‌بینند هم تراز آن چیزی است که برای یک معلم در مراکز تربیت معلم یا دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است.

● جمهوری اسلامی در حالی طی یک سال گذشته تحمیل سیاست‌های ایدئولوژیک به مدارس را تشدید کرده که آموزش و پرورش با کمبود شدید آموزگار و نیروهای خدماتی روبروست.

در حالی که هزاران کلاس درس در سال جدید تحصیلی آموزگار نداشته‌اند، وزارت آموزش و پرورش بجای استخدام آموزگاران از طلبه‌ها برای اداره کلاس درس استفاده می‌کند. دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش با تأیید خبر استفاده از زنان طلبه بجای آموزگار دبستان، مدعی شده ۹۵ درصد از خانواده‌ها از حضور روحانیون در مدرسه رضایت دارند!

حمید نیکزاد دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته که طلبه‌ها به چند صورت در آموزش و پرورش جذب شده‌اند؛ از آموزگار دبستان تا معلم پرورشی و مشاور و همچنین به صورت «سربازطلبه» و دخالت در تغییرات محتوای کتاب‌های درسی!

حمید نیکزاد گفته که «رود روحانیون به آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام ساحتی مورد نظر سند تحول بنیادین به عنوان میثاق ملی تعلیم و تربیت است، آموزش و پرورش مهمترین نهاد در تعالی فرهنگ، فکر، اندیشه و ساختن جامعه به شمار می‌رود از طرفی حوزه علمیه و روحانیت باید پاسخگوی نیازهای آموزش و پرورش را جزئی از رسالت خود بدانند و از آن به عنوان یک رسالت مهم نگاه کنند.»

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش مدعی شده آموزش‌هایی که طلبه‌ها می‌بینند هم‌تراز همان چیزی است که برای یک معلم در مراکز تربیت معلم یا دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است. او گفته که حوزه علمیه خواهان رشته‌های تخصصی از جمله «تربیت دینی کودک و نوجوان»، «فقه تربیت دینی کودک و نوجوان» و «تحول دینداری کودک و نوجوان» را آموزش می‌بینند تا برای آموزگاری مقطع ابتدایی آماده شوند.

حمید نیکزاد بخشی از کارکرد روحانیون و طلبه‌ها در آموزش و پرورش را برای ایجاد تغییرات در کتاب‌های درسی اعلام کرده است: «تعیین و معرفی نمایندگان حوزه علمیه به سازمان پژوهش و برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش در یازده حوزه یادگیری و حضور کارشناسان آنان در جلسات کاری این سازمان از جمله این اقدامات بوده است.»

به گزارش «دیده‌بان ایران» جمهوری اسلامی پس از «اسلامی‌سازی» علوم انسانی به دنبال «اسلامی‌سازی» آموزش و پرورش است و حضور روحانیون در مدارس از زمان روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی به صورت جدی پیگیری شده و اقداماتی هم برای آن انجام شده است. جمهوری اسلامی در حالی طی یک سال گذشته تحمیل



نه معلمان بازنشسته علاقه‌ای به حضور در کلاس‌های شلوغ را داشتند و نه معلمان اضافه بر ساعت کاریشان در کلاسی حاضر شدند. همین شد که برخی از مدیران مدارس تصمیم گرفتند از اولیا دانش‌آموزان برای تدریس استفاده کنند. آموزش و پرورش هر چند آمار دقیقی از کمبود آموزگار در سال تحصیلی جدید را ارائه نداده اما علی‌امریابی عضو کمیسیون آموزش «دیده‌بان عدالت و شفافیت» گفته بود که «امروز آموزش و پرورش در همه مقاطع تحصیلی با کمبود ۲۰۰ هزار معلم مواجه است.»

پیش از این در اردیبهشت امسال نیز حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی تعداد کمبود آموزگار در ایران را ۳۰۰ هزار نفر عنوان کرده بود.

محمدرضا فلاحی دبیر شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان نیز چندی پیش گفته بود کمبود معلم در سال ۱۴۰۶ به حدود ۴۰۰ هزار نفر خواهد رسید.

رضا مراد صحرایی سرپرست وزارت آموزش و پرورش اما بدون اشاره به کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم در این وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده بود که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود.

معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگاندای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خبرچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است.

سیاست‌های ایدئولوژیک به مدارس را تشدید کرده که آموزش و پرورش با کمبود شدید آموزگار و نیروهای خدماتی روبروست.

در چنین شرایطی رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش به کمبود بودجه این وزارتخانه اعتراض کرده و گفته بیش از ۲۰ سال است که آموزش و پرورش هیچ سربازدار یا همان بابای مدرسه جذب نکرده است. بابای مدرسه و متصدی آزمایش مدرسه یکی از ارکان مدرسه هستند و همه باید با هم در مدرسه باشند تا مدرسه پیشرفت کند.

او در حالی خود را وزیری «شرمنده» به دلیل مشکلات مدارس و ترک تحصیل دانش‌آموزان خوانده که مدتی پیش کمبود آموزگار را تکذیب کرده و گفته بود «کمبود معلم نداریم و همه مدارس معلم دارند.»

رضا مراد صحرایی یک ماه پیش از این ادعا نیز در سخنانی کمبود آموزگار را تأیید و گفته بود: «کمبود معلم یک‌دفعه ایجاد نشده است، ریشه این کمبود به سه بحث برمی‌گردد که نخستین آن دانشگاه فرهنگیان است. این دانشگاه با هدف اینکه به اندازه خروجی آموزش و پرورش از این دانشگاه ورودی دریافت کنیم و نیاز معلم آموزش و پرورش را رفع کند، تاسیس شد، اما کسانی که اکنون ما را نقد می‌کنند، ظرفیت پذیرش ورودی این دانشگاه را به زیر چهارهزار نفر کاهش دادند.»

روزنامه «شرق» در اوایل سال تحصیلی گزارش بود که برخی مدیران مدارس برای اینکه کلاس درسی بی‌معلم فاند، دست به دامن خانواده‌ها، معلمان بازنشسته و قدیمی شده‌اند تا بلکه بتوانند برخی ساعات کلاس‌ها را با آنها پر کنند.

در این گزارش آمده بود که هرچند در سال‌های گذشته نیز کمبود آموزگار در مدارس وجود داشته، «امسال اما کلاس‌های درس با همان راهکارهای قدیمی پر نشد، یعنی



خطر اعدام یک کودک-همسر

درخواست «سازمان حقوق بشر ایران» برای نجات سمیرا سبزیان



سبزیان در زمان وقوع قتل دو فرزند ۷ ساله و ۶ ماهه داشت.

سمیرا از حدود ۱۰ سال پیش به این اتهام بازداشت شده و در تمام این مدت از دیدار فرزندان خود محروم بوده است. وی برای اولین بار در این سالها، فرزندان خود را برای ملاقات آخر پیش از اجرای حکم اعدام ملاقات کرده است. منابع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفتند: «سمیرا به امید اینکه از پدر و مادر شوهرش رضایت بگیرد، از ملاقات فرزندان خود که اکنون حدوداً ۱۷ ساله و ۱۰ ساله ساله هستند، امتناع کرده بود. زیرا پدر و مادر شوهرش می‌گفتند که او نباید ادعای حضانت برای فرزندان کند.»

در سال ۱۳۹۵، رسانه های داخل ایران از محاکمه زنی به نام سمیرا خبر دادند که در سال ۱۳۹۳ هنگامی که همسرش ۱۹ ساله بود، مرتکب قتل وی شده بود. بر اساس این گزارش، وی در زمان قتل دارای دو فرزند شش و دو ساله بود که پس از دستگیری حضانت این دو کودک به بستگان پدری‌شان واگذار شد. طبق اطلاعات منابع سازمان حقوق بشر ایران، سن فرزندان سمیرا در گزارش رکنا احتمالاً نادرست ذکر شده است.

بر اساس قانون مجازات اسلامی، متهمان به قتل عمد فارغ از شدت و ضعف و انگیزه متهم، به دلیل عدم درجه‌بندی قانونی، همگی به قصاص نفس (اعدام) محکوم می‌شوند. پس از محکومیت متهم به اعدام، به عنوان شاک، خانواده مقتول موظفند بین مرگ و یا گذشت یکی را انتخاب کنند. در پرونده سمیرا، پدر بزرگ و مادر بزرگ فرزندان شاک پرونده محسوب می‌شوند و درخواست مجازات اعدام را برای او کرده‌اند.

ایران با اعدام دست کم ۱۶ زن در سال ۲۰۲۲، بزرگترین اعدام‌کننده زنان در جهان است. در سال جاری میلادی تاکنون نیز دست‌کم ۱۷ زن در ایران اعدام شده‌اند. در ۶۶ درصد از قتل‌های شناخته شده، زنان به قتل همسر یا شریک زندگی خود متهم شده بودند. طبق قوانین ایران، زن حتی در موارد خشونت خانگی حق طلاق ندارد.

● سازمان حقوق بشر ایران از جامعه جهانی و مردم سرتاسر جهان می‌خواهد تا تمام توان خود را برای نجات جان سمیرا سبزیان کودک-همسری که به اتهام قتل شوهر به اعدام محکوم شده به کار بندند.

● بنا بر خبرهای رسیده به سازمان حقوق بشر ایران، سمیرا سبزیان که در ۱۵ سالگی ازدواج کرده، در زمان وقوع قتل دو فرزند ۷ ساله و ۶ ماهه داشت. وی از حدود ۱۰ سال پیش به این اتهام بازداشت شده و در تمام این مدت از دیدار فرزندان خود محروم بوده است!

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، حکم سمیرا سبزیان، کودک-همسری که به اتهام قتل شوهرش به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده، قرار است روز چهارشنبه در زندان قرچک ورامین (شهر ری) به اجرا درآید. دو فرزند سمیرا برای اولین بار و برای ملاقات آخر با وی دیدار کردند و او به قرنطینه زندان منتقل شده است.

سازمان حقوق بشر ایران از جامعه جهانی و مردم سرتاسر جهان می‌خواهد تا تمام توان خود را برای نجات جان سمیرا به کار بندند.

محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان گفت: «سمیرا مانند بسیاری از زنان محکوم به اعدام، خود قربانی نظام آپارتاید جنسیتی در جمهوری اسلامی است. در این مرحله، تنها واکنش‌های شدید بین‌المللی و کارزارهای مردمی می‌توانند جان او را نجات دهد. ما از همه دولت‌هایی که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند می‌خواهیم تا قبل از اینکه خیلی دیر شود، مصرانه خواستار توقف اعدام سمیرا شوند» بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، قرار است روز چهارشنبه ۲۲ آذر، زنی به نام سمیرا سبزیان که با اتهام «قتل عمد» همسرش به قصاص نفس محکوم شده، در یکی از زندان‌های استان تهران یا البرز اعدام شود. وی هم‌اکنون به سلول‌های انفرادی زندان قرچک منتقل شده است.

سمیرا سبزیان در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده و یک کودک-همسر بوده است. بنا بر خبرهای رسیده به سازمان حقوق بشر ایران، سمیرا

وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌ای با عنوان «طرح امین» نیز اقدام به استخدام آخوندهای تحصیل‌کرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

کمیو آموزگار در حالی بوده که طی ماه‌های گذشته در اقدامی سرکوبگرانه در آموزش و پرورش، شماری از مدیران و آموزگاران نیز اخراج، تعلیق، و یا زودتر از موعد بازنشسته شدند.

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

وزیر آموزش و پرورش همچنین گفته که «تمامی مدارس شناسایی شده در مسیر تحول مدارس عادی و دولتی هستند، انشالله روحیه تحولی به این مدارس برده می‌شود و شاهد الگوسازی برای تمامی مدارس کشور خواهیم بود.» منظور وزیر آموزش و پرورش از تحول، سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش است» که هدفش اسلامی کردن بیش از پیش مدارس است.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی حکومت، در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد بالادستی و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی شده است.

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی که به طور پیوسته از سیاستگذاری در این وزارتخانه بر اساس سند تحول بنیادین سخن می‌گوید اوایل آذرماه در سخنانی گفت از نظر علی خامنه‌ای بسیج زمانی موفق است که «در یک دست دانش‌آموزان بسیجی قرآن و در دست دیگر سلاح باشد.»

جمهوری اسلامی علاوه بر فرستادن کودکان به جبهه‌های جنگ هشت ساله با عراق با کلیدهای پلاستیکی بهشت بر گردن، در سال‌های گذشته سابقه استفاده از کودک‌سربازان در اعتراضات سراسری برای سرکوب شهروندان و همچنین در جنگ سوریه را نیز دارد و اکنون به نظر می‌رسد وزیر آموزش و پرورش برای بهره‌کشی بیشتر از کودکان در حوزه نظامی‌گری برنامه‌های جدید دارد.

دانش‌آموزان در چهار دهه گذشته پیوسته به اشکال مختلف به عضویت بسیج نیروی شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود یک نهاد نظامی ایدئولوژیک نامتعارف و موازی ارتش در جمهوری اسلامی است در آمده‌اند و از آنها برای سرکوب مردم استفاده شده است. همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال‌های گذشته بخشی از کودکان و نوجوانان توسط جمهوری اسلامی در قالب نیروی سرکوب خیابانی به کار گرفته شدند تا با باتوم و اسلحه سرد به معترضان حمله کنند؛ اقدامی که قطعاً مقدمه تبدیل شدن این کودکان به «شخصیت غیراجتماعی» است.

این اداره پرونده ایرانش را ۲۹ نوامبر (۸ آذر) دریافت کرد و آن را برای رسیدگی به هیئت مهاجرت و پناهندگی در تورنتو ارجاع داد. بررسی این پرونده از ۱۷ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۷ دیماه) آغاز می‌شود تا بررسی شود که آیا برای اخراج مجید ایرانش از کانادا دلایل کافی وجود دارد یا نه.

بیل بلر وزیر دفاع ملی کانادا در اینبار به «گلوبال نیوز» گفت: «افرادی که در فعالیتهای مخرب مشارکت داشته‌اند، واجد شرایط ورود به کانادا نیستند و اگر به هر طریقی وارد کشور شوند، تمام تلاش خود را برای اخراج آنها انجام خواهیم داد.» او با تأکید بر اراده دولت کانادا برای اخراج «عوامل و همدستان» اقدامات ضدبشری جمهوری اسلامی افزود: «ما برای برخورد مؤثر با این افراد به همکاری جامعه ایرانی و اطلاعات آنها نیاز داریم.»

این دومین پرونده‌ای است که تحت تحریم‌های کانادا علیه جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. این تحریم‌ها پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» اعمال شدند. کانادا اعلام کرده بود جمهوری اسلامی رژیم است درگیر تروریسم که اقدام به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر می‌کند. بر اساس این تحریم‌ها دهها هزار نفر از مقامات ایرانی و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از ورود به کانادا محروم خواهند شد. «گلوبال نیوز» از ۱۵ آذرماه گزارش داده بود با درخواست آژانس خدمات مرزی کانادا روند اخراج سلمان سامانی قائم مقام وزیر کشور در دولت حسن روحانی که در تورنتو زندگی می‌کند نیز آغاز شده است.

آژانس امنیت مرزی کانادا پیش از این اعلام کرده بود که ۱۰ مقام ارشد جمهوری اسلامی ساکن کانادا در آستانه اخراج قرار دارند.



مجید ایرانش

سال گذشته اعمال شد و اعضای ارشد حکومت ایران را از ورود به کانادا منع کرد، برای اخراج احتمالی تحت پیگرد قرار گرفته است. ایرانش در دولت حسن روحانی مسئول دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری اسلامی بود. وی همچنین در گذشته سمت‌هایی چون رئیس مرکز مدیریت اطلاعات و حوادث وزارت کشور، مدیرکل امور کارکنان وزارت راه و شهرسازی و همچنین مدیرکل دفتر آمار سازمان ملی جوانان را هم داشته است.

آنا پاپ سخنگوی اداره مهاجرت کانادا می‌گوید بخش مهاجرت

پرونده اخراج مجید ایرانش دومین مقام جمهوری اسلامی از کانادا به جریان افتاد

● مجید ایرانش در دولت حسن روحانی مسئول دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری اسلامی بود. وی همچنین در گذشته سمت‌هایی چون رئیس مرکز مدیریت اطلاعات و حوادث وزارت کشور، مدیرکل امور کارکنان وزارت راه و شهرسازی و همچنین مدیرکل دفتر آمار سازمان ملی جوانان را هم داشته است.

● بیل بلر وزیر دفاع ملی کانادا در اینبار به «گلوبال نیوز» گفت: «افرادی که در فعالیت‌های مخرب مشارکت داشته‌اند، واجد شرایط ورود به کانادا نیستند و اگر به هر طریقی وارد کشور شوند، تمام تلاش خود را برای اخراج آنها انجام خواهیم داد.»

وبسایت «گلوبال نیوز» چهارشنبه ۱۴ دسامبر (۲۲ آذرماه) گزارش داد که طبق اعلام اداره مهاجرت و پناهندگی کانادا، پرونده اخراج دومین مقام بلندپایه جمهوری اسلامی که در کانادا زندگی می‌کند به جریان افتاده است.

این فرد مجید ایرانش نام دارد که به دلیل تحریم‌هایی که

ایجاد «گروه ضربت دریایی» جهت جلوگیری از حملات جدید است.

مقامات آمریکایی در هفته‌های اخیر بارها اعلام کردند رژیم ایران حامی مالی و تسلیحاتی حوثی‌ها و «مسئول نهایی» حملات به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ است.

وزیر دفاع جمهوری اسلامی مدعی است «این منطقه، منطقه ماست» اما دریای سرخ بین عربستان سعودی، مصر، سودان، اریتره و یمن واقع شده و دهانه ورودی آن نیز در سواحل جیبوتی و سومالی قرار دارد. با اینهمه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر شبه‌نظامیان یمنی، در جیبوتی، سومالی و سودان نیز نفوذ دارد.

شبه‌نظامیان حوثی اعلام کردند تا وقتی جنگ در غزه متوقف نشد حمله به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های مرتبط با اسرائیل و آمریکا را ادامه خواهند داد.

فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در منطقه (سنتکام) روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه گزارش داد یک قایق تندرو یمنی پس از نزدیک شدن به یک نفتکش که با پرچم جزایر مارشال در حال حرکت بود چند راکت به سمت آن پرتاب کرد. پس از آن تعدادی پهپاد به سمت آن نفتکش پرتاب شده است. این نفتکش از یک ناوشکن آمریکایی تقاضای کمک کرده بود.

سنتکام گزارش داد «پهروهای وابسته به حوثی‌ها تلاش کردند که در ابتدا وارد نفتکش شوند اما راه به جایی نبردند و دو موشک به سمت نفتکش شلیک کردند که به هدف نخورد.»

شبه‌نظامیان حوثی پیش از این کشتی «گالکسی لیدر» با ۲۵ خدمه را به گروگان گرفته بودند و به نفتکش نروژی «استریندا» نیز حمله کردند که باعث وقوع آتش‌سوزی در آن کشتی شد.

در حالی که وزیر دفاع جمهوری اسلامی ادعای تسلط رژیم بر دریای سرخ را مطرح می‌کند حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه رژیم ادعا کرده بود که حوثی‌ها و سایر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه تحت فرمان جمهوری اسلامی نیستند و مستقل عمل می‌کنند. تحلیلگران معتقدند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نیابتی‌ها برای ضربه زدن به دشمنان خود بهره‌برداری می‌کند اما در مجامع سیاسی از زیر بار مسئولیت اقدامات آنها شانه خالی می‌کند.



محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی

جلسه هیأت دولت در مورد طرح دولت جو بایدن برای «تشکیل گروه ضربت دریایی» گفت، «حضور آمریکا در دریای سرخ مشکلات‌شان را پیچیده‌تر می‌کند و اینها قطعاً کاری را نمی‌کنند که با مشکلات فوق‌العاده‌ای مواجه شوند.»

محمدرضا آشتیانی به خبرگزاری ایسنا گفت: «منطقه دیگر فضای این را ندارد که کسی در آن بیش از این تردد کرده و تضارب نیرو داشته باشد. اینها هم قطعاً چنین کاری را نمی‌کنند و اگر بخواهند چنین بی‌عقلی انجام دهند با مشکلات فوق‌العاده‌ای مواجه خواهند شد.»

آشتیانی با اشاره به اینکه «امنیت باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود» تأکید کرد: «این منطقه، منطقه ماست و ما روی آن منطقه‌ای که تسلط داریم، قطعاً کسی نمی‌تواند مانور بدهد.» با ادامه حملات موشکی و پهپادی حوثی‌های یمن به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ و باب‌المندب، چیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا همزمان با جنگ اسرائیل در غزه علیه حماس اعلام کرد که واشنگتن در حال مذاکره با سایر کشورها برای

وزیر دفاع جمهوری

اسلامی:

منطقه، منطقه

ماست! جایی که

ما تسلط داریم

کسی نمی‌تواند

مانور دهد!

● محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در واکنش به برنامه‌های دولت بایدن برای تشکیل «گروه ضربت دریایی» در دریای سرخ گفته «اینها هم قطعاً چنین کاری را نمی‌کنند و اگر بخواهند چنین بی‌عقلی انجام دهند با مشکلات فوق‌العاده‌ای مواجه خواهند شد.»

● وی با اشاره به اینکه «امنیت باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود» تأکید کرد: «این منطقه، منطقه ماست و ما روی آن منطقه‌ای که تسلط داریم، قطعاً کسی نمی‌تواند مانور بدهد.»

● وزیر دفاع جمهوری اسلامی مدعی است «این منطقه، منطقه ماست» اما دریای سرخ بین عربستان سعودی، مصر، سودان، اریتره و یمن واقع شده و دهانه ورودی آن نیز در سواحل جیبوتی و سومالی قرار دارد. با اینهمه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر شبه‌نظامیان یمنی، در جیبوتی، سومالی و سودان نیز نفوذ دارد.

وزیر دفاع جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۳ آذرماه در حاشیه

اتحادیه اروپا یک شبکه صنعتی وابسته به سپاه پاسداران مرتبط با ساخت پهپاد و ارسال تسلیحات به روسیه را تحریم کرد



تست پهپادهای «شاهد ۱۲۶» سپاه پاسداران

تحریم می‌شوند و تکمیل‌کننده چهار دوره قبلی تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه افراد و موسسات فعال در زمینه تولید پهپاد برای ارسال به روسیه هستند. اینکه «چارچوب حقوقی جدید» چیست مشخص نیست اما شماری از این شرکت‌ها و افراد مرتبط با آن در ماه‌های اخیر توسط منابع اطلاعاتی اسرائیل و چند اندیشکده و مؤسسه تحقیقاتی از جمله «آلما» مستقر در اسرائیل یا مؤسسه «تحقیقات تسلیحات جنگی» مستقر در بریتانیا افشا شده بودند.

بر اساس این فهرست، شرکت «چکاد صنعت آسماری»، مدیرعامل و قائم‌مقام مدیرعامل و متخصص ارشد آن در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. همچنین چند شرکت سازنده قطعات پهپاد از جمله شرکت «بهارستان کیش» و مدیرعامل آن، شرکت «سعد سازه فراز شریف» یا (دارای فناوری برهان شریف) و مدیرعامل آن احسان ایمانی‌نژاد و همچنین شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» ارائه‌دهنده خدمات مهندسی هوافضا به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین شرکت «کیمیا پارت سیوان» تحریم شدند.

شورای اتحادیه اروپا اعلام کرد اموال این افراد و شرکت‌ها مسدود و سفر افراد وابسته به آنها به اتحادیه اروپا ممنوع خواهد بود. علاوه بر این، تأمین وجوه یا منابع اقتصادی بطور مستقیم یا غیرمستقیم برای یا به نفع اشخاص حقیقی یا حقوقی، نهادها یا ارگان‌های فهرست شده ممنوع است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد شرکت «چکاد صنعت آسماری» یک شرکت پوششی وابسته به سپاه پاسداران است که با همکاری چند کارگاه دیگر بدنه کامپوزیتی پهپاد و مخازن سوخت تولید می‌کند.

مؤسسه «تحقیقات تسلیحات جنگی» مستقر در بریتانیا اواسط تیرماه ۱۴۰۲ گزارشی داده بود شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» دست‌کم دو قطعه مورد استفاده در پهپادها را که قبلاً از ژاپن خریداری می‌شد با مهندسی معکوس، شبیه‌سازی کرده است. این شرکت در سال ۱۳۷۴ در اصفهان تأسیس شد و محور فعالیت آن تولید تجهیزات و ابزار الکترونیک و الکترومکانیک است.

طبق بیانیه شورای اروپا، این فهرست اولین موردی است که بر اساس «چارچوب حقوقی جدید» برای مقابله با حمایت نظامی ایران از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین تحریم می‌شوند و تکمیل‌کننده چهار دوره قبلی تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه افراد و موسسات فعال در زمینه تولید پهپاد برای ارسال به روسیه هستند.

اینکه «چارچوب حقوقی جدید» چیست مشخص نیست اما شماری از این شرکت‌ها و افراد مرتبط با آن در ماه‌های اخیر توسط منابع اطلاعاتی اسرائیل و چند اندیشکده و مؤسسه تحقیقاتی از جمله «آلما» مستقر در اسرائیل یا مؤسسه «تحقیقات تسلیحات جنگی» مستقر در بریتانیا افشا شده بودند.

بر اساس این فهرست، شرکت «چکاد صنعت آسماری»، مدیرعامل و قائم‌مقام مدیرعامل و متخصص ارشد آن در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. همچنین چند شرکت سازنده قطعات پهپاد از جمله شرکت «بهارستان کیش» و مدیرعامل آن، شرکت «سعد سازه فراز شریف» یا (دارای فناوری برهان شریف) و مدیرعامل آن احسان ایمانی‌نژاد و همچنین شرکت «سرمد الکترونیک سپاهان» ارائه‌دهنده خدمات مهندسی هوافضا به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همچنین شرکت «کیمیا پارت سیوان» تحریم شدند.

شورای اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۱۱ دسامبر (۲۰ آذرماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد که شش فرد و پنج شرکت وابسته به جمهوری اسلامی را به دلیل حمایت نظامی از روسیه در جنگ تجاوزکارانه علیه اوکراین از طریق ارسال پهپادهای انتحاری در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

این پنجمین فهرست از مقامات و نهادهای رژیم ایران است که به دلیل پشتیبانی تسلیحاتی از روسیه در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا گرفته‌اند.

طبق بیانیه شورای اروپا این فهرست اولین موردی است که بر اساس «چارچوب حقوقی جدید» برای مقابله با حمایت نظامی ایران از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین

آغاز محاکمه محمدحسین دوتایف متهم به جمع‌آوری کننده اطلاعات از شبکه «ایران اینترنشنال»



استودیو شبکه ایران اینترنشنال

جلسه رسیدگی به اتهامات محمدحسین دوتایف تبعه اتریش چچن تبار که بهمن‌ماه سال گذشته اقدام به فیلمبرداری از محوطه خارجی ساختمان شبکه ایران اینترنشنال در لندن کرده بود آغاز شد.

به گفته دادستان پرونده «شواهد نشان می‌دهد متهم تحت تأثیر دیدگاه‌های مقامات ایران نسبت به ایران اینترنشنال، در تدارک اقدام تلافی‌جویانه علیه شبکه و کارمندان آن بوده است».

ماگومد (محمد) حسین دوتایف تبعه اتریش روز دوشنبه ۱۱ دسامبر (۲۰ آذرماه) به اتهام جاسوسی برای گروهی که احتمالاً برای حمله به تلویزیون «ایران اینترنشنال» در لندن آماده می‌شدند، محاکمه شد. دوتایف اصالتاً اهل چچن روسیه است. وی فوریه ۲۰۲۲ (بهمن ۱۴۰۲) توسط پلیس متروپولیتن لندن بازداشت شد. این فرد متهم است اطلاعاتی را گردآوری کرده که برای ارتکاب یا تدارک یک اقدام تروریستی مفید بوده است هرچند خودش ادعا کرده که بی‌گناه است. دادستان در جلسه دادگاه اتهامات دوتایف را «تلاش به منظور جمع‌آوری و ضبط اطلاعات برای اهداف تروریستی» اعلام کرد.

بر اساس اظهارات دادستان پرونده، دوتایف با هوایما از وین به لندن رفت تا در ساختمان‌هایی که شبکه «ایران اینترنشنال» آنجا مستقر است اطلاعات جمع‌آوری کند.

خبرنگاران این شبکه قبلاً مواردی از نقض حقوق بشر علیه خود را گزارش داده بودند. دادستان گفته کاری که دوتایف کرده است «شناسایی خصمانه» است. وی افزود: «اینکه متهم برای جمع‌آوری این اطلاعات به لندن رفته نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی توسط دیگران از قبل در حال انجام بوده است.» شبکه «ایران اینترنشنال» بعد از تظاهرات ضدحکومتی به دنبال قتل حکومتی «مهسا امینی» در بازداشت «گشت ارشاد» توسط جمهوری اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شد. دادستان می‌گوید: «شواهد نشان می‌دهد متهم تحت تأثیر دیدگاه‌های مقامات ایران نسبت به ایران اینترنشنال، در تدارک اقدام تلافی‌جویانه علیه شبکه و کارمندان آن بوده است... شواهد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد متهم با افراد ناشناس ملاقات‌های مداوم داشته است.»

دادگاه می‌گوید متهم «قبل از دستگیری، اقدام به فیلمبرداری از برنامه‌هایی کرده که شبکه ایران اینترنشنال در انتقاد از رژیم ایران خارج از ساختمان این شبکه می‌ساخته است.»

خالی بودن ۶۰ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور



سخنگوی صنعت آب با بیان اینکه در سال‌های اخیر شاهد کاهش بارندگی‌ها در فصل زمستان نیز هستیم، گفته که هر نیم درجه افزایش دمای کشور بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدپذیر را از دسترس خارج می‌کند.

فیروز قاسم‌زاده در ادامه آمارهای نگران‌کننده از وضعیت آبی کشور گفته که «۱۱۰ میلیارد مترمکعب مجموع آب تولیدشده در کشور است که بر اساس شاخص‌های بین‌المللی باید برای ۴۰ درصد آن برنامه‌ریزی شود اما اکنون بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب آب در کشور مصرف می‌شود.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی در گزارشی از کسری مخازن زیرزمینی به میزان بیش از ۱۴۳ میلیارد مترمکعب در چهار دهه اخیر خبر داده و تأکید کرده امنیت آبی منتج از امنیت غذایی کشور در سال‌های آینده با مخاطرات جدی‌تر روبرو می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید کرده که شرایط به گونه‌ای است که در مقیاس‌های مکانی کوچک‌تر از کل کشور (مثلاً مقیاس حوضه‌های آبریز درجه دو یا استان‌ها)، در برخی موارد وضعیت «شکست» حاصل شده و تحت این شرایط مصارف آب از منابع تجدیدپذیر مربوطه پیشی گرفته است.

این مرکز در ادامه هشدار داده شده که مصارف از منابع استاتیک زیرزمینی که طی سالیان متمادی ذخیره شده است، تأمین می‌شود که این موضوع به کسری مخزن می‌انجامد. نتیجه چنین روندی اختلال در امنیت غذایی و در نتیجه ناپایداری محیط زیست، ناامنی اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

سال‌هاست که کارشناسان نسبت به وضعیت آبی ایران هشدار می‌دهند. آمارهای ارائه شده از سوی دولت درباره وضعیت ذخایر آب پشت سدها، منابع آب زیرزمینی و اثرات کاهش این منابع، از جمله فرونشست‌ها و خشکی دشت‌ها، و همچنین تنش‌های آبی در شهرها و استان‌های مختلف نیز نشان از آینده‌ای تکانه‌دهنده در کشور در صورت ادامه رویه‌ی کنونی است.

بیستم شد، بحران جهانی آب شیرین هم به ژئوپولیتیک، اقتصاد، محیط‌زیست، امنیت ملی، شرایط روزمره زندگانی و تراکم تمدن انسان‌ها در قرن ۲۱ شکل تازه‌ای بخشیده و خواهد بخشید حتی بیشتر زیرا آب برخلاف نفت، جایگزینی ندارد. ما نمی‌توانیم نفت را بنوشیم یا با آن مواد غذایی پرورش بدهیم.»

این کارشناس توسعه پایدار افزوده بود که «توصیه می‌شود دست‌اندرکاران و سیاستگذاران کشور به مقوله کمبود آب نگاه ملی، منطقه‌ای و جهانی داشته و فقط به مطالعه و ارائه راه‌حل‌های داخلی و مقطعی بسنده نکنند.»

در روزهای نخست مهرماه نیز احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و خشکسالی سازمان هواشناسی گفته بود: «کم بارشی‌های سه سال گذشته در کشور به حدی بوده است که اگر میزان کمبود بارش نسبت به شرایط نرمال را در برخی مناطق کشور جمع بزنیم، گویی عملاً یک سال هیچ بارانی در کشورمان نباشیده است.»

به گفته احد وظیفه تداوم کم‌بارشی‌ها در سه سال متوالی نیز باعث شده است که در بسیاری از مناطق کشور، رطوبت خاک از بین برود و این در حالی است که در این مدت، مصرف بالای آب به خصوص در بخش کشاورزی ادامه داشته و به ویژه برداشت‌های فراوانی از سفره‌های آب زیرزمینی صورت گرفته است.

احد وظیفه تأکید کرده بود: «حتی اگر در پاییز و زمستان امسال شاهد فصل‌های بسیار پربارشی باشیم، باز هم معضل کم‌آبی در کشورمان برطرف نخواهد شد، زیرا سه سال آبی متوالی است که اغلب نقاط کشورمان با کم‌بارشی محسوس مواجه است.»

فیروز قاسم‌زاده سخنگوی صنعت آب آبان امسال با ارائه آمارهای تکانه‌دهنده‌ای از وضعیت منابع آب در ایران، گفته که میزان بارش‌ها در ایران طی یک قرن اخیر کاهش شدیدی یافته و این در حالیست که کشور با افزایش دما نیز روبروست. او گفته میزان تبخیر آب در نیم قرن اخیر ۲۱ درصد افزایش، و میزان بارندگی‌ها نیز طی این مدت ۱۴ درصد کاهش داشته است.

● در میانه آذرماه مجموع ذخایر آبی سدهای کشور حدود ۱۹/۹ میلیارد مترمکعب است و حدود ۶۰ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور هم‌اکنون خالی است.

● از میان سدهای مهم تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی کشور، ۱۷ سد، میزان پرشدگی زیر ۲۰ درصد دارند و بیش از ۸۰ درصد ظرفیت مخازن این سدها خالی است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هشدار داده که امنیت آبی منتج از امنیت غذایی کشور در سال‌های آینده با مخاطرات جدی‌تر روبرو می‌شود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر حدود ۶۰ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور خالی است. در حالی که بخش کشاورزی بیشترین سهم از مصرف آب کشور را به خود اختصاص داده، جمهوری اسلامی مفتخر به افزایش صادرات محصولات کشاورزی است!

بررسی آخرین آمار رسمی شرکت مدیریت منابع آب ایران نشان می‌دهد که در میانه آذرماه مجموع ذخایر آبی سدهای کشور حدود ۱۹/۹ میلیارد مترمکعب است که این میزان ذخیره آب، نشان‌دهنده میزان پر بودن ۴۰ درصدی است؛ درواقع حدود ۶۰ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور هم‌اکنون خالی است.

از میان سدهای مهم تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی کشور، ۱۷ سد، میزان پرشدگی زیر ۲۰ درصد دارند و بیش از ۸۰ درصد ظرفیت مخازن این سدها خالی است.

مسعود علویان معاون آب‌های کشور نیز روز شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ تأکید کرد که مردم باید کمبود آب در کشور را باور کنند. او با اشاره به استفاده بخش عظیمی از منابع آبی کشور در بخش کشاورزی، بر لزوم تغییر در الگوی کشت و شیوه‌های کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری از آب تأکید کرد.

این در حالیست که روح‌الله لطیفی مدیر کل دفتر پایش و توسعه بازار سازمان مرکزی تعاون روستایی از افزایش ۲۴ درصدی صادرات محصولات کشاورزی و غذایی در ۸ ماه گذشته خبر داده است.

مدیرکل دفتر پایش و توسعه بازار سازمان مرکزی تعاون روستایی گفته که «از ابتدای امسال تا پایان آبان ماه پنج میلیون و ۱۷۳ هزار تن محصولات شیلاتی، دامی، کشاورزی و غذایی به ارزش سه میلیارد و ۶۷۱ میلیون و ۹۰۲ هزار دلار از کشورمان صادر شده که از لحاظ وزنی ۱۱ درصد و از لحاظ ارزش ۲۴ درصد رشد داشته است.»

به نظر می‌رسد برخلاف آنچه مسعود علویان معاون آب‌های کشور گفته، این مسئولان جمهوری اسلامی هستند که پس از چهار دهه تهاکاری در حوزه آب، مشکلات آبی کشور را باور و به عواقب آن توجه کنند. جمهوری اسلامی نه تنها با سیاست‌های نادرست سبب ایجاد بحران کم‌آبی در کشور شده که حتی در سال‌های اخیر و با وجود کمبود آب نیز نتوانسته در تغییر الگوی کشت با هدف مصرف کمتر آب در بخش کشاورزی اقدام موثری انجام دهد.

در همین رابطه حسین ساسانی نظریه‌پرداز توسعه پایدار پیشتر با بیان اینکه اهمیت آب همواره یکی از محل‌های مناقشه بین جوامع و افراد بشر بوده گفته که «همان‌گونه که نفت موجب تحولات زیادی در تاریخ و نظم جهانی قرن

سیاست‌های ارزی دولت؛ شکست خورده و ضد تولید



نخست امسال به ۱۷ میلیارد دلار خواهد رسید. محمود نجفی عرب امروز دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲ به خبرنگاری «ایلنا» گفته که تلاش‌ها برای اینکه دست‌کم بخش خصوصی خالص از قانون پیمان‌سپاری ارزی معاف شود، تاکنون به نتیجه نرسیده و ارز حاصل از تجارت آنها که حدود ۱۳ میلیارد دلار در سال است باید در «سامانه نیما» عرضه شود.

به گفته این عضو اتاق بازرگانی در اوایل دهه ۷۰ که نظام پیمان‌سپاری ارزی برقرار نبود، صادرات رونق داشت و بطور مثال در آن سال‌ها ارزش صادرات فرش ایرانی به بیش از ۲ میلیارد دلار صعود کرد، در حالی که در سال ۱۴۰۱ این رقم به ۴۰۰ میلیون دلار سقوط کرد.

سیاست دولت درباره پیمان‌سپاری ارزی سبب شد که رؤسای اتاق‌های بازرگانی کشور ۱۶ مهرماه در نامه‌ای به سران قوای جمهوری اسلامی موانع و مشکلات این نوع پیمان‌سپاری را اعلام و نسبت به عواقب آن هشدار دهند. فعالان اقتصادی در این نامه اجبار صادرکنندگان برای عرضه ارز حاصل از صادرات به قیمت دولتی را عامل اصلی کاهش صادرات و افزایش میزان واردات به کشور اعلام کرده بودند. آشفتگی سیاست‌های ارزی دولت از سوی احمد معروف‌خانی رئیس هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی نیز مورد هشدار قرار گرفته است. او گفته که سامانه نیما ۶ میلیارد دلار کسری دارد که این کسری تا پایان امسال به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. احمد معروف‌خانی هم با هشدار درباره پیمان‌سپاری ارزی گفته «سال گذشته، ۶/۴ میلیارد دلار صادرات داشتیم که قطعا تا پایان امسال شاهد کاهش این رقم خواهیم بود و این بزرگترین خیانت به تولید و صادرات است.»

رئیس هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی افزوده که تصمیم اخیر بانک مرکزی اتحادیه را مشمول تعهد ارزی و ارائه در سامانه نیما کرده است. این تصمیم با اقتضای گروه کالایی صادرکنندگان عضو اتحادیه همخوانی ندارد و کارشناسی نیست و آسیب فراوانی را به بخش صنعت منجر خواهد شد و همچنین موجب عدم انتفاع و تعطیلی واحدها می‌شود.

مجلس شورای اسلامی وجود هفت نرخ ارز در کشور را عامل تورم و فسادزا ارزیابی کرده و گفته یکی نرخ ترجیحی ارز ۴۲۰۰ تومانی مربوط به تجهیزات پزشکی، دومی نرخ ترجیحی ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، سومی نرخ حدود ۳۷۵۰۰ تومانی برای ارزهای صادرات پتروپالایشگاهی، چهارمی ۴۰ هزار تومانی برای صادرات غیرپتروپالایشگاهی که ملزم به عرضه ارز در مرکز مبادله هستند، پنجمی متوسط وزنی نرخ ارز در مرکز مبادله حدود ۳۸۵۰۰ تومان، ششمی نرخ ارز توافقی ارز معاملاتی بین صادرکننده و واردکننده در تامین ارز به شکل «ارز اشخاص» در نرخ حاشیه بازار غیررسمی ارز و همچنین هفتمی نرخ حدود ۴۲۵۰۰ تومانی ارز اسکناس مرکز مبادله است.

به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با توجه به تجربه نیم‌قرن گذشته در سیاست‌های ارزی، این تنوع در نرخ‌های ارز می‌تواند منشأ فسادهای فراوان باشد؛ زیرا در شرایطی که کشور نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها و همچنین ذخایر ارزی برای مقابله با شوک‌های احتمالی ارزی دارد، استفاده منابع ارزی صندوق توسعه و ذخایر ارزی بانک مرکزی برای تامین اقلام رو به افزایش ۲۸ تا ۵۰۰ تومانی به معنای آسیب به رشد بلندمدت اقتصادی و آسیب به ثبات بلندمدت نرخ ارز است.

بابک نگهداری با بیان اینکه «ادامه نرخ‌گذاری دستوری، تبعات اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت» گفته که رشد تدریجی نرخ ارز ترجیحی متناسب با افزایش حداقل حقوق برای اجتناب از شوک درمانی و از سوی دیگر پیشبرد سیاست حمایت مستقیم از مردم در قالب کالابرج می‌تواند یکی از محورهای مهم تصمیم‌گیری در رابطه با لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ باشد.

همچنین سیاست‌های ارزی دولت در رابطه با صادرکنندگان کالا نیز از دیگر محورهایی است که هم بر تورم و هم بر میزان تولید در کشور و تراز تجاری اثراتی منفی داشته و دارد.

محمود نجفی عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران گفته که با اصرار دولت به سیاست‌های ارزی مربوط به صادرکنندگان، ناترازی تجاری کشور از ۷ میلیارد دلار در هفت ماهه

● بانک مرکزی برای تهیه ۴/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه کرده است؛ هزینه‌ای که بطور مستقیم به پایه پولی کشور افزوده و سبب افزایش تورم شده است.

● رئیس اتاق بازرگانی تهران گفته که با اصرار دولت به سیاست‌های ارزی مربوط به صادرکنندگان، ناترازی تجاری کشور از ۷ میلیارد دلار در هفت ماهه نخست امسال به ۱۷ میلیارد دلار خواهد رسید.

● رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هشدار داده که ادامه نرخ‌گذاری دستوری، تبعات اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده دولت حدود ۴/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی بیش از ارزهای وصول‌شده سهم نفت دولت را برای واردات ۵ قلم کالای اساسی اختصاص داده است.

ناترازی بودجه پیشنهادی دولت در بودجه ۱۴۰۳ نیز ادامه یافته و پیشاپیش به نظر می‌رسد بخشی از درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه سال آینده تحقق پیدا نکند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی تحلیلی از بودجه سال ۱۴۰۳، به تحلیل وضعیت سیاست ارزی دولت پرداخته است.

بر اساس این گزارش، حدود ۴/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی بیش از ارزهای وصول‌شده سهم نفت دولت از سوی بانک مرکزی، برای واردات ۵ قلم کالای اساسی اختصاص پیدا کرده است. به عبارت دیگر، بانک مرکزی برای تامین ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، از مرکز مبادله ۴/۵ میلیارد تومان ارز با قیمت نزدیک به ۴۰ هزار تومان تهیه کرده و تخصیص داده است. این آمارها به این معناست که بانک مرکزی برای تهیه این ۴/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه کرده است؛ هزینه‌ای که بطور مستقیم به پایه پولی کشور افزوده و سبب افزایش تورم شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این گزارش پیشنهاد کرده که «برای ترمیم کسری منابع» نرخ ارز ترجیحی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۳۵ هزار تومان در سال آینده افزایش یابد.

روابط عمومی بانک مرکزی اما ساعاتی پیش آمار ارائه شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی را رد کرده است. بر اساس اعلام بانک مرکزی، ادعای تامین کسری ارز حمایتی از محل خرید ارز با نرخ بالاتر و افزایش پایه پولی از این محل دروغ است و ادعای مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر تامین کسری ارز ترجیحی با نرخ بالاتر تکذیب می‌شود. روابط عمومی بانک مرکزی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس را در جهت «تخریب مجموعه سیاست‌های تثبیت اقتصادی» عنوان و ادعا کرده که «تا کنون حتی یک دلار با نرخ بالاتر از نرخ ترجیحی برای تامین منابع ارز مورد نیاز خریداری نشده است.»

با اینهمه بانک مرکزی توضیح نداده که کسری منابع ارزی را چگونه و از چه راهی جبران کرده است!

دولت ابراهیم رئیسی در حالی با وعده کاهش نرخ تورم فعالیت خود را آغاز کرد که با گذشت بیش از دو سال از فعالیت دولت نه تنها تورم «مهار» نشد بلکه سیاست‌های دولت عامل افزایش تورم بوده است. سیاست‌های ارزی صورت گرفته طی سال‌های گذشته از جمله این عوامل است. در همین رابطه بابک نگهداری رئیس مرکز پژوهش‌های

هشدار درباره رانده شدن بیش از پیش طبقه متوسط به زیر خط فقر

خود را در طول ماه برای موارد حیاتی و ضروری مانند مواد خوراکی و اجاره‌ها هزینه می‌کنند. این اقشار دیگر بودجه‌ای برای مواردی چون سفر و تفریح و ورزش ندارند. در چنین شرایطی افزایش تورم مواد خوراکی باعث تحمیل فشار تورمی بیشتری بر این اقشار می‌شود. در چنین شرایطی سقوط این خانوارها به زیر خط فقر با سرعت بیشتری روبرو می‌شود.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز معتقد است که «متأسفانه تورم ریزش شدید طبقاتی را در ایران رقم زده است، طوری که طبقات متوسط تنها قادر به تأمین هزینه خوراک و مسکن خود هستند و نمی‌توانند فرهنگ و تفریح... را در سبد خود قرار دهند و طبقات فقیر نیز درگیر فقر شدیدتر شده‌اند.»

اینهمه در حالیست که چشم‌انداز اقتصادی کشور در بودجه سال آینده نیز مثبت ارزیابی نمی‌شود و در صورت تصویب لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه ۱۴۰۳، سال آینده نیز فقر و تورم افزایش خواهد یافت.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز روز جمعه دهم آذرماه در گزارشی با پیش‌بینی اینکه سال سختی در انتظار اقشار فقر خواهد بود نوشته مقایسه اعداد پیشنهادی در لایحه بودجه سال آینده با میزان واردات کالاهای اساسی در سال‌های گذشته، حاکی از برنامه‌ریزی برای کاهش تخصیص ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی است و از طرف دیگر با در نظر گرفتن افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی سهم درآمدهای مالیاتی و پیشنهاد افزایش مالیات بر ارزش افزوده، نشان می‌دهد احتمالاً سال سختی پیش روی طبقات متوسط و ضعیف جامعه است.

در همین رابطه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی درباره لایحه بودجه سال آینده از کسری صدها هزار میلیارد تومانی به دلیل عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده خبر داده است. این گزارش اشاره کرده که لایحه بودجه تنها در بخش منابع مورد نیاز برای یارانه‌ها با ۲۷۱ هزار میلیارد تومان کسری موجه است.

در بخش درآمدهای نفتی نیز دولت با کسری روبرو خواهد بود و بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی احتمالاً صادرات نفت روزانه ۱۵۰ هزار بشکه کمتر از پیش‌بینی لایحه خواهد بود و همچنین نفت صادراتی به جای بشکه‌ای ۷۰ دلار، بشکه‌ای ۶۵ دلار به فروش برود. بر این اساس در بخش درآمدهای نفتی نیز کسری ۷۴ هزار میلیارد تومانی ایجاد خواهد شد.

اخذ مالیات و عوارض گمرکی، فروش اموال و شرکت‌های دولتی نیز دو بخش دیگر درآمدهای دولت در سال آینده خواهند بود که بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌ها این درآمدها نیز بطور کامل محقق نشده و بر کسری بودجه خواهند افزود.

در این گزارش همچنین تأکید شده که برنامه‌های دولت در بودجه سال آینده از جمله افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان به میزانی پایین‌تر از تورم می‌تواند درصد بیشتری از مردم را به زیر خط فقر فرو برد.

طبق بررسی‌های این مرکز، نرخ فقر در چهار سال اخیر در محدوده ۳۰ درصد ثابت مانده و سیاست‌های ریاضتی دولت می‌تواند بخشی از طبقه متوسط را هم به زیر این خط بکشد.



مناسبی از اقشار تنگدست و کم‌درآمد داشته باشد اما واقعیت گویای تشدید فقر و فلاکت در جامعه ایران است. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اول آذرماه از تلاش مضاعف کارگران و دو شغله بودن «۷۰ درصد» آنها برای تداوم زندگی خبر داده بود. هادی ابوی دبیرکل کانون صنفی کارگران ایران به خبرگزاری «تسنیم» گفته بود که مشکل کاهش قدرت خرید کارگران باعث شده است که حدود ۷۰ درصد کارگران شغل دوم داشته باشند.

به گفته این فعال صنفی کارگران معتقدند با ساعت کاری بالا و درآمد کم نمی‌توانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند و مجبور هستند بعد از پایان ساعت کاری در یک واحد تولیدی یا اداری به سمت شغل دوم بروند و معاش خانواده را تأمین کنند. بعد از مدتی که در شغل دوم بطور مثال (تاکسی اینترنتی) می‌روند و تمایلشان به اینکه آن را به‌عنوان شغل دائمی خود انتخاب کنند بیشتر می‌شود و ترجیح می‌دهند به سمت آن مشاغل بروند.

روزنامه «جهان صنعت» نیز هفته گذشته در گزارشی درباره افزایش هزینه معیشت در ایران نوشته «هر چه از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد نه تنها معیشت مردم بهبود نمی‌یابد که رو به فروپاشی می‌رود و اقشار متوسط و ضعیف به چاه فقر سقوط می‌کنند؛ چاهی که گویا در حال فراخواندن تک‌تک جامعه به سوی خود است؛ امیدی به شرایط بهتر نیست، قشر متوسط و کارگر نیز با کار کردن در چند شیفت باز هم از پس هزینه‌های سرسام‌آور زندگی بر نمی‌آیند. نه مسکن دارند و نه پس‌اندازی برای خرید آن بعد از صد سال! راهکار چیست و چه باید کرد. مسوولان چه زمانی از خواب خوش غفلت بیدار می‌شوند و سروسامانی به آشفته بازار گرانی می‌دهند، مشخص نیست! آنچه مسلم است فاصله مردم و دولت به قدری افزایش یافته که دیگر نمی‌توان این شکاف را به آسانی پر کرد.»

افزایش قیمت مواد خوراکی ارتباط مستقیمی با افزایش جمعیت فقیر در کشور دارد. اقشار حقوق‌بگیر به دلیل درآمدهای ناچیز سبد مصرفی محدودی دارند و درآمد

● عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی: عدم وجود برنامه‌ای برای پیشگیری از سقوط طبقه متوسط شهری به طبقه فرودست یکی از عوامل اصلی در رشد جمعیت زیر خط فقر است.

● هرچند ابراهیم رئیسی و تیم اقتصادی او مدعی هستند تورم مهار شده و دولت توانسته حمایت مناسبی از اقشار تنگدست و کم‌درآمد داشته باشد اما واقعیت گویای تشدید فقر و فلاکت در جامعه ایران است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس هشدار داده برنامه‌های دولت در بودجه سال آینده از جمله افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان به میزانی پایین‌تر از تورم می‌تواند درصد بیشتری از مردم را به زیر خط فقر فرو برد.

یک عضو هیئت رئیسه مجلس نسبت به شکست سیاست‌های فقرزدایی دولت و سقوط طبقه متوسط به زیر خط فقر هشدار داده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی پیش‌بینی کرده لایحه بودجه ۱۴۰۳ سبب افزایش تورم و فقر خواهد شد.

محسن پیرهادی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی با هشدار در رابطه با افزایش جمعیت فقیر در کشور گفته در ۶ سال ابتدایی دهه ۹۰ جمعیت زیر خط فقر با ۱۶ میلیون نفر ثابت بود اما در سال‌های ۹۷ و ۹۸ با رشدی بیش از ۲۷ درصدی نگران‌کننده شده و برآوردها از سال جاری هم نشان می‌دهد که جمعیت زیر خط فقر به ۲۸ میلیون نفر رسیده است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «متأسفانه روند صعودی جمعیت زیر خط فقر در یک دهه اخیر موید این است که خروجی سیاست‌های حمایتی که با هدف رفع فقر تدوین و اتخاذ شده‌اند، سیاست‌های پیشگیرانه‌ای در روندهای فقر را نبوده و نه تنها به مانعی برای رشد فقر بدل نشدند بلکه صرفاً به حمایتی نه چندان اثرگذار از اقشار آسیب‌پذیر محدود شده‌اند.»

عضو هیئت رئیسه مجلس با بیان اینکه عدم وجود برنامه‌ای برای پیشگیری از سقوط طبقه متوسط شهری به طبقه فرودست یکی از عوامل اصلی در رشد جمعیت زیر خط فقر است، گفت: «سقوط اقتصادی گروه‌های میانی درآمدی زنگ خطر را برای رشد مستمر جمعیت زیر خط فقر به صدا درآورده است و بی‌توجهی به آن جز رشد خزنده فقر در جامعه ماحصلی نخواهد داشت.»

ناتوانی دولت رئیسی در تحقق شعارهای اقتصادی از جمله کاهش تورم و فقر، نه تنها سبب ریزش بخش زیادی از قشر متوسط به زیر خط فقر شده بلکه فشارهای معیشتی هشدارهایی از سوی کارشناسان و حتی مراجع تقلید را نیز در پی داشته است.

وبسایت «خبرآنلاین» در گزارشی به انتقادهای مراجع تقلید از سیاست‌های اقتصادی و به ویژه معیشتی دولت پرداخته و نوشته آیت‌الله مظاهری، آیت‌الله نوری همدانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله علوی بروجردی و آیت‌الله صافی گلپایگانی از جمله مراجعی هستند که در دیدارهای رسمی از ابراهیم رئیسی به دلیل تشدید مشکلات معیشتی انتقاد کرده‌اند.

هر چند ابراهیم رئیسی و اعضای تیم اقتصادی دولت مدعی هستند تورم مهار شده و دولت توانسته حمایت

تعطیلی ۲۰ درصد شعبه‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای تهران

منطقه پل کابلی هم تعطیل شد.»
در تیرماه نیز گزارش‌هایی از مشاهدات میدانی منتشر شد که نشان می‌داد فروشگاه زنجیره‌ای «رفاه» و «وین مارکت» که زیرمجموعه این فروشگاه است در برخی از شعب خود در سطح کشور، اقدام به اخراج نیرو کرده که این موضوع، سبب تجمع کارگران و کارمندان این فروشگاه‌ها و اعتراض به این اقدام شده است. بنابراین گزارش قفسه‌های برخی از فروشگاه‌های رفاه، خالی از اجناس شده که در نتیجه این فروشگاه‌ها به تعطیلی کشیده شده و ده‌ها کارگر و کارمند کار خود را از دست داده‌اند.

در ۲۳ تیرماه وبسایت رکنا به نقل از احمد اصائلو رئیس سازمان تعزیرات حکومتی درباره تخفیفات غیرواقعی فروشگاه‌های زنجیره‌ای نوشت: «در این زمینه ورود کرده‌ایم و آنچه در ذهن داریم در دو ماه اخیر بیش از ۵۰ فروشگاه زنجیره‌ای در سراسر کشور پلمب شدند.»
به گفته وی، در استان اصفهان یک فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای که توسط «یک جریان خاص سیاسی حمایت می‌شد» پلمب شد.

شرکت تعاونی ارتش را می‌توان نخستین فروشگاه زنجیره‌ای ایران نامید که در سال ۱۳۲۸ با سرمایه سه هزار و دویست و پنجاه تومان تأسیس شد و در سال ۱۳۴۷ به تعاونی مصرف «سپه» تغییر نام داد.

هرچند فروشگاه‌های زنجیره‌ای وزارت دفاع ایران (اتکا) به عنوان نخستین‌های فروشگاه زنجیره‌ای ایران در سال ۱۳۳۴ نام خود را ثبت کرد اما فروشگاه زنجیره‌ای «فردوسی» دومین فروشگاه زنجیره‌ای در ایران بود که پس از توصیه یلپار ساخت (اقتصاددان آلمانی) به دکتر مصدق، در ۲۲ آذر سال ۱۳۳۶ افتتاح شد.

این فروشگاه در خیابان فردوسی تهران قرار داشت و مدیریت آن به امیر متقی واگذار شد که بعدها آن را به نام «شهر و روستا» شناختند. پس از آنهم «فروشگاه بزرگ ایران» در سال ۱۳۴۰ توسط برادران اخوان کاشانی ثبت شد که به دلایلی به کار خود ادامه نداد.

تاریخ فعالیت فروشگاه‌های زنجیره‌ای کوروش (قدس) به سال ۱۳۴۸ باز می‌گردد که توسط محمود خیامی و برادرش ثبت شد که در ردیف اولین‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای ایران در کنار «سپه»، «اتکا»، «فردوسی» و «فروشگاه بزرگ ایران» قرار دارد.

پس از انقلاب اسلامی تعداد این فروشگاه‌ها همراه با سیاست‌های جدید اقتصادی و همچنین پهن شدن سفره انقلاب برای گروه‌های مافیایی که تازه به قدرت رسیده بودند و رقابت در غارت اموال موجود دولتی و خصوصی کشور، آرام آرام کاهش پیدا کرد و زمامداران جدید در این زمینه نیز تلاش کردند فروشگاه‌های جدید را جایگزین قدیمی‌ها کنند. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۷۴ در دوره تصدی شهرداری تهران توسط غلامحسین کرپاسچی فروشگاه «شهروند» امروزی به نام «فروشگاه بزرگ بیهقی» افتتاح شد و در همان سال دولت علی اکبر هاشمی رفسنجانی فروشگاه‌های زنجیره‌ای «رفاه» را ایجاد کرد که بیشترین میزان سهام آن در اختیار بانک‌های ملی، صادرات، ملت، تجارت، سپه و سازمان زمین و مسکن، بیمه ایران، بیمه مرکزی و شهرداری تهران و بعضی شهرداری‌های دیگر بود. مراکز مالی و دولتی که مدیریت و منابع همگی آنها تا امروز در دست گروه‌های مافیایی جمهوری اسلامی قرار دارد.



همچنین ناراضی‌تری در بین مراجعه‌کنندگان به این فروشگاه مواجه شده‌اند.

در ۱۸ شهریورماه روزنامه دنیای اقتصاد در مطلبی به نقل از رئیس اتحادیه کشوری فروشگاه‌های زنجیره‌ای از تعطیلی ۱۵۰۰ فروشگاه به دلیل افزایش اجاره بها خبر داد و نوشت: «در حال حاضر ۱۳۵ شرکت عضو اتحادیه کشوری فروشگاه‌های زنجیره‌ای هستند که شامل صنوف مختلف اعم از سوپرمارکت، پوشاک، خانگی، فست‌فود، رستوران، کیف و کفش چرم و... هستند. اکنون ۹۵۰۰ فروشگاه فعالند و از سال ۱۴۰۱ تاکنون نزدیک به ۱۵۰۰ فروشگاه تعطیل شده‌اند. در حالی که اگر اجاره‌بها به شکل کنونی افزایش پیدا نمی‌کرد، طبیعتاً توسعه فروشگاه‌ها از شتاب بیشتری برخوردار می‌بود چون به محض منقضی شدن تاریخ اجاره، مالکان یک دفعه اجاره‌بها را ۵ تا برابر افزایش می‌دهند و از آنجا که شرکت‌ها توان پرداخت این مبالغ سنگین را ندارند، مجبور به تعطیلی فروشگاه می‌شوند.»

همچنین در همین زمینه وبسایت نصر در بخشی از گزارشی که در اوایل تیرماه منتشر کرد از تعدیل و اخراج ناگهانی ۲۰۰ نفر از کارکنان فروشگاه‌های زنجیره‌ای در تبریز خبر داد و نوشت که کارکنان این فروشگاه در یک اقدام جمعی نسبت به این حرکت اعتراض کردند.

یکی از مسئولین فروشگاه «رفاه» در مورد نقطه شروع اخراج گسترده نیروهای این شرکت گفت: «شروع مشکلات فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه از سال ۹۵ شروع می‌شود زمانی که مدیرعامل وقت این شرکت با سیاست‌های غلط برخی ابر بدهکاران که در حال حاضر دوران مجازات خود را طی می‌کنند، شرکت را ورشکست کرده و سهام این شرکت را نابود کردند. بطوری که ۷۰ درصد سهام شرکت رفاه به راحتی بدست چند نفر افتاد که رفته رفته با خصوصی‌سازی غیر قانونی این شرکت را به انزوا کشاندند.»

وی در ادامه افزود: «متأسفانه با وجود وضعیت مطلوب مالی این شرکت، روز به روز بدهی‌های این شرکت بالا رفته و نتوانستند بدهی‌های صاحبان املاک و تامین‌کنندگان را فراهم کنند. در همین زمینه بدهی‌های مربوط به شهرداری‌های تبریز پرداخت نشده و در نتیجه فروشگاه رفاه

● تا سال ۱۳۹۹ روند تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای افزایش و سپس در دو سال گذشته روند کاهش و تعطیلی برخی شعب شروع شده است. برخی از کارشناسان علت این مسئله را عدم سودآوری فروشگاه‌ها و برخی دیگر نیز سیاست‌های سازمان حمایت می‌دانند.

● شرکت تعاونی ارتش را می‌توان نخستین فروشگاه زنجیره‌ای ایران نامید که در سال ۱۳۲۸ با سرمایه سه هزار و دویست و پنجاه تومان تأسیس شد و در سال ۱۳۴۷ به تعاونی مصرف «سپه» تغییر نام داد. تاریخ فعالیت فروشگاه‌های زنجیره‌ای کوروش (قدس) به سال ۱۳۴۸ باز می‌گردد که توسط محمود خیامی و برادرش ثبت شد که در ردیف اولین‌های فروشگاه‌های زنجیره‌ای ایران در کنار «سپه»، «اتکا»، «فردوسی» و «فروشگاه بزرگ ایران» قرار دارد.

روزنامه فرهیختگان در گزارشی اعلام کرد که تعداد شعب فروشگاه‌های مشهور در چهار سال اخیر حدود ۲۰ درصد کاهش یافته است.

بر اساس گزارشی که روزنامه فرهیختگان روز یکشنبه ۱۹ آذرماه منتشر کرد، تا سال ۱۳۹۹ روند تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای افزایش و سپس در دو سال گذشته روند کاهش و تعطیلی برخی شعب شروع شده است. برخی از کارشناسان علت این مسئله را عدم سودآوری فروشگاه‌ها و برخی دیگر نیز سیاست‌های سازمان حمایت می‌دانند.

منصور عالی‌پور رئیس اتحادیه کشوری فروشگاه‌های زنجیره‌ای در این زمینه گفته است: «تعدادی از فروشگاه‌ها به مرور زمان به دلیل عدم سودآوری بعضاً بسته شده‌اند و برخی دیگر نیز روند توسعه را طی کردند.»

حسین صبوری دبیر اتحادیه کشوری فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیز تعداد فروشگاه‌های کشور را ۳ هزار و ۲۰۰ فروشگاه عنوان کرده و گفته است: «سیاست‌های سازمان حمایت منجر به کاهش تعداد فروشگاه‌های زنجیره‌ای در کشور شده است.»

بر اساس این گزارش/افزایش هزینه‌ها می‌تواند بر سودآوری کسب و کارها تأثیر منفی بگذارد و احتمال بسته شدن آنها را افزایش دهد. در ایران، رکود اقتصادی در سال‌های اخیر منجر به افزایش تعداد فروشگاه‌های تعطیل شده شده است. به عنوان مثال، طبق آمارهای ارائه شده در این گزارش، تعداد شعب فروشگاه‌های «افق کوروش» در شهر تهران از ۳۳۸ در سال ۹۸ به ۲۸۲ شعبه در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. این کاهش نشان‌دهنده تأثیر رکود اقتصادی بر کسب‌وکارهای خرده‌فروشی در ایران است.

در همین زمینه رسول فرخی میکال نماینده لاهیجان و عضو هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از واگذاری فروشگاه «رفاه» در یکم آبان‌ماه گفته بود: «ما تقاضای بررسی موضوع ورشکستگی فروشگاه رفاه را در هیئت تحقیق و تفحص مجلس داشتیم ولی برخی از سهامداران عمده این فروشگاه مانند بانک ملی هنوز پاسخگویی وضع پیش آمده نبوده‌اند.»

به گفته وی ریشه این مشکل به سال‌های قبل و به نحوه نادرست واگذاری‌ها و انتقال به بخش خصوصی برمی‌گردد. بر اساس این گزارش، فروشگاه‌های زنجیره‌ای «رفاه» در سطح کشور طی یک سال و چند ماه اخیر به علت سوء مدیریت و عدم همکاری شرکت‌های توزیع و پخش، با مشکلات اخراج نیروها، کمبود اجناس، مایحتاج مردم و

حاشیه‌های «دبش»؛ پای چند مسئول و آقازاده در میان است



قطعا دست‌های پشت‌پرده‌ای وجود دارد و بدون داشتن ارتباطات قوی دریافت چنین امتیازاتی امکان‌پذیر نیست، و افزوده که «برای دریافت چهار میلیارد دلار باید ارتباطات شخص در سطح کارشناسان بسیار قوی باشد و سر کیسه را شل کند که این کارشناسان اجازه ندهند رئیس بانک مرکزی متوجه رقم اختصاص داده شده شود.»

این نماینده مجلس تأکید کرده که «البته این خودش هم جای نگرانی دارد. مگر می‌شود رئیس بانک مرکزی متوجه نشود چهار میلیارد دلار را به چه کسی تخصیص داده‌اند؟ حتی اگر چنین احتمالی را در نظر بگیریم، به خودی خود یک ضعف بزرگ است.»

مرتضی محمودوند نماینده مردم خرم‌آباد و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز به «شرق» گفته که «افراد هستند که امروز در بدنه جمهوری اسلامی، درون سازمان‌ها، ارگان‌ها و دولت نفوذ کرده‌اند و هر از چند گاهی تلخی کارهایشان کام جامعه را تلخ می‌کند.»

مرتضی محمودوند با اشاره به آقازها گفته که «این افراد همان کسانی هستند که گستاخانه دکل‌های نفتی را معامله می‌کنند و باعث غیب‌شدن این دکل‌های نفتی می‌شوند. همان کسانی هستند که گستاخانه سوخت و انرژی را بدون هماهنگی با مبادی قانونی به آذربایجان و قفقاز می‌فرستند

و هنوز پرونده آن‌ها در محاکم قضائی باز است.» از سوی دیگر این گروه مبالغه‌ناگفتی ارز دولتی برای واردات چای و ماشین‌آلات دریافت کرده که سرنوشت بخش زیادی از آنها نامشخص است چرا که اصلا کالایی وارد کشور نکرده است!

در گزارش سازمان بازرسی کل کشور آمده که «حسب پیگیری‌های صورت گرفته، مشخص شد بخشی از ارزهایی که توسط این گروه دریافت شده، در بازار آزاد به مبالغ بالاتر فروخته شده است.»

اما با توجه به ادعای بانک مرکزی و نهادهای امنیتی مبنی بر کنترل بازار ارز، و خبرهایی که درباره بازداشت دلان و واسطه‌ها در این بازار منتشر می‌شود، این پرسش مطرح شده که شبکه «دبش» با چه سازوکاری توانسته ارزهای دولتی را در بازار آزاد به فروش برساند و نهادهای

صنعت «دبش» مدیرعامل این مجموعه، اکبر رحیمی، است که رسانه‌های داخلی از او به عنوان «الف. ر.» نام برده‌اند. آخرین اطلاعات منتشر شده درباره اکبر رحیمی بیانگر اینست که او از اواخر ماه گذشته، آبان ۱۴۰۲، بازداشت و پس از تعیین وثیقه ۵۰۰۰ میلیاردی از سوی بازپرس دادسرای ویژه جرائم اقتصادی تهران روانه زندان شده است. روزنامه «اعتماد» در گزارشی نوشته همزمان با اوج‌گیری ناآرامی‌ها در نیمه دوم سال گذشته، بالاترین سطح تخصیص ارز با نرخ نیمایی به این گروه صورت گرفته است.

این گروه در سال ۱۳۹۷ برای واردات چای و ماشین‌آلات ۱۶۳/۷ میلیون دلار با نرخ ۴۲۰۰ تومان دریافت کرده، اما از سال ۱۳۹۸ نرخ ارز ترجیحی به دلیل فاصله بالای آن با نرخ بازار آزاد دچار اصلاحاتی شد. با این اصلاحات، تأمین ارز با نرخ حواله سامانه نیما انجام شد که شروع به کار آن با نرخ ۱۳۶۰۰ تومانی بود و در پایان سال گذشته به ۳۶۶۰۰ تومان افزایش پیدا کرد.

در جدول پیوست مشخص است که میزان ارز اختصاص یافته به گروه صنعتی دبش طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ در یک منحنی نزولی رفتار کرده و سرجمع ارز تخصیصی از حدود ۱۶۴ میلیون دلار در سال ۹۷ به ۲۲ میلیون دلار در سال ۹۹ کاهش پیدا کرده است.

در سال گذشته، ۲/۳ میلیارد دلار در مجموع برای واردات چای و ماشین‌آلات مرتبط با آن به گروه «دبش» ارز با نرخ سامانه نیما اختصاص داده شده است. در این باره تخمین زده می‌شود که رقم ریالی فاصله میان نرخ ارز ترجیحی با نرخ ارز بازار آزاد دست‌کم به ۷۰ هزار میلیارد تومان برسد. روزنامه «شرق» نیز در گزارشی به پشت‌پرده‌های این پرونده و نقش برخی آقازاده‌ها در این پرونده اشاره کرده است.

جلال رشیدی کوچی نماینده مجلس شورای اسلامی در گفتگو با «شرق» گفته «چه اتفاقی می‌افتد که یک شرکت واردکننده چای (درحالی‌که چای کالای ضروری مردم نیست) می‌تواند چنین ارز دولتی دریافت کند، اما این امکان برای دیگر واردکنندگان یا تولیدکنندگان وجود ندارد؟»

جلال رشیدی کوچی گفته برای تخصیص چنین ارزی

● پرونده فساد اقتصادی ۳/۳۷ میلیارد دلاری «گروه کشت و صنعت دبش» به عنوان بزرگترین فساد افشاشده در تاریخ اقتصاد ایران همچنان با ابعاد پنهانی روبروست. جلال رشیدی کوچی نماینده مجلس شورای اسلامی: مگر می‌شود رئیس بانک مرکزی متوجه نشود چهار میلیارد دلار را به چه کسی تخصیص داده‌اند؟! حتی اگر چنین احتمالی را در نظر بگیریم، به خودی خود یک ضعف بزرگ است.

● در این فساد چای کهنه و ده سال مانده به قیمت کمتر از ۱/۵ دلار به کنیا فرستاده شده و پس از مخلوط کردن آن با چای کنیایی دوباره به نام چای دارجلینگ، با متوسط قیمت ۱۱/۵ دلار وارد کشور شده است.

حاشیه‌های پرونده فساد «دبش» همچنان ادامه دارد و گزارش‌ها نشان از رد پای شماری از مسئولان و آقازاده‌ها در پرونده فساد دارد که برخی متغیرهای کلان اقتصادی کشور را متأثر کرده است.

وزارت جهاد کشاورزی، سازمان غذا و دارو، سازمان ملی استاندارد و گمرک از جمله نهادها و سازمان‌هایی هستند که شبکه «دبش» در آنها نفوذ و برای انجام این فساد بزرگ با آنها همکاری داشته است.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده «گروه کشت و صنعت دبش» چای کهنه و «عمدتا متعلق به یک دهه پیش» را در فرآیند صادرات به قیمت کمتر از ۱/۵ دلار به کنیا فرستاده و پس از مخلوط کردن آن با چای کنیایی و البته با انواع اسانس، دوباره به نام چای دارجلینگ، با متوسط قیمت ۱۱/۵ دلار وارد کشور کرده است.

پرونده فساد اقتصادی ۳/۳۷ میلیارد دلاری «گروه کشت و صنعت دبش» به عنوان بزرگترین فساد افشا شده در تاریخ اقتصاد ایران همچنان با ابعاد پنهانی روبروست.

فساد اقتصادی صورت گرفته توسط «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بوده که تا کنون در تاریخ ایران سابقه نداشته است. متهم ردیف اول پرونده فساد اقتصادی «گروه کشت و

۵ تکنسین اصفهانی در مخزن شرکت نفت برداسپی کوهدشت جان خود را از دست دادند



آگاهی و کارشناسان به طور دقیق ارزیابی می‌شود.»
همچنین مخازن مینی پالایشگاه تولید هیدروکربن در منطقه ویژه اقتصادی بیرجند امروز یکشنبه ۱۹ آذر ماه دچار آتش‌سوزی شد.
همچنین فرماندار بیرجند امروز یکشنبه ۱۹ آذر از آتش‌سوزی مخازن مینی پالایشگاه هیدروکربن در بیرجند خبر داد و گفت: «علت حادثه هنوز مشخص نیست.»
علی فاضلی فرد در گفتگو با ایسنا افزود: «این پالایشگاه متعلق به شرکت آذران صنعت بارثاوا که در پالایشگاه‌های مقیاس کوچک بوده با استفاده از میعانات گازی هیدروکربن‌های سبک و سنگین تولید می‌کنند.»
وی افزود: «نیروی انسانی از محل بطور کامل خارج شده‌اند و تلاش می‌کنیم با کمک ظرفیت‌های موجود در شهرستان آتش مهار شود.»
وی با بیان اینکه علت حادثه هنوز مشخص نیست، اعلام کرد: «نوع ماده نفتی مخازن به شکلی است که بعد از اشتعال، خاموش کردن آن سخت بوده و کارگران حاضر در محل حادثه عنوان کرده‌اند که به طور ناگهانی مخزن آتش گرفته است.»
وی تأکید کرد: «ابتدا آتش‌سوزی از یک مخزن شروع شد که تا مرز مهار پیش رفت اما به واسطه همجواری مخازن میعانات گازی با هم، آتش سرایت کرده و به خاطر گسترده بودن حجم آتش با تجهیزات موجود مهار آن زمانبر شده است.»
در ۱۷ دی‌ماه سال گذشته نیز در پالایشگاه تبریز یک آتش‌سوزی مهیب رخ داد. یک روز بعد خط لوله پنتان تأسیسات پالایش گاز «بیدبلند» خلیج فارس دچار انفجار و آتش‌سوزی شد. مسئولان این شرکت ادعا کردند علت آتش‌سوزی جوشکاری هنگام تعمیرات بود.
در همین ارتباط معاون انرژی سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی در سفری که به ایلام داشته در جلسه با استاندار هشدار داده بود که «بهره‌برداری از حوادث به حربه دشمنان علیه نظام تبدیل شده است.»
گذشته از حوادث مشکوک در تأسیسات استراتژیک ایران، سالانه صدها کارگر به دلیل عدم ایمنی محل کار دچار حوادث مختلف می‌شوند که یا مصدوم و معلول شده و از کار و زندگی می‌افتند و یا جان خود را از دست می‌دهند.

● لایروبی انبار شرکت نفت برداسپی شهرستان کوهدشت در حالی به بهای زندگی این پنج تکنسین تمام شده که اعلام شده است اقدامات لازم برای بیرون آوردن پیکر پنج کارگر محبوس در حال انجام است و ایستگاه پمپاژ برداسپی کوهدشت از نفت تخلیه شده است.
شب گذشته ۵ تکنسین اصفهانی که برای لایروبی انبار شرکت نفت برداسپی شهرستان کوهدشت به داخل مخزن رفته بودند، دچار گاز گرفتگی شده و جان خود را از دست دادند.
لایروبی انبار شرکت نفت برداسپی شهرستان کوهدشت در حالی به بهای زندگی این پنج تکنسین تمام شده که اعلام شده است اقدامات لازم برای بیرون آوردن پیکر پنج کارگر محبوس در حال انجام است و ایستگاه پمپاژ برداسپی کوهدشت از نفت تخلیه شده است.
این در حالیست که به دلیل آلوده بودن به مواد سمی و استنشاق گاز، ورود به محدوده ایستگاه امکان‌پذیر نیست.
رسانه‌های داخلی نوشتند که عملیات بیرون آوردن پیکر کارگران شرکت نفت تا ظهر امروز ادامه خواهد داشت.
به گزارش خبرنگار ایلنا، یک منبع کارگری از پیدا شدن پیکر ۵ کارگر محبوس شده در مخزن ایستگاه پمپاژ مرکز «انتقال نفت برداسپی» کوهدشت خبر داد و گفت: «در ادامه جستجوها، دقایقی قبل، امدادگران موفق شدند اجساد کارگران را درون مخازن رؤیت کنند.»
طبق اظهارات کارگران، پیکرهای بی‌جان مربوط به ۵ کارگر شرکت پیمانکاری «ارگ‌سازان ناوه» به اسامی «حسن لطفی»، «علی احمدجو»، «امین طالبیان»، «علی‌اکبر جباری» و «محمد احمد جو» هستند که به عنوان کارگر لایروبی برای پاکسازی وارد یک مخزن ۲۰ میلیون لیتری نفت خام مربوط به «مرکز انتقال نفت برداسپی کوهدشت» شده بودند.
بر اساس گزارش‌ها، تلاش برای ایمن‌سازی ایستگاه پمپاژ ادامه دارد و امدادگران با تجهیزات کافی در حال انتقال اجساد به بیرون از محل حادثه هستند.
در همین ارتباط افشین خسروی دادستان کوهدشت با بیان اینکه احتمال قصور در مرکز انتقال نفت برداسپی در دست بررسی است، به خبرنگاری تسنیم گفت: «میزان قصور احتمالی این حادثه با حضور میدانی ناظران اداره کار، پلیس

ناظر و امنیتی متوجه این موضوع نشدند؟

در پاسخ به این پرسش مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین در گفتگو با «تابناک» گفته که «این ارز نیمایی فروخته شده، به صورت اسکناس سر از بازار آزاد در نیاورده است؛ یعنی نیامده در کف بازار و به صورت اسکناس فروخته شود. در حقیقت شخص متخلف، حواله ارزی خود را می‌فروشد.»

مجیدرضا حریری توضیح داده که «یک شخصی حواله را از سامانه نیما گرفته و در یک حساب دیگری (هر جای دنیا) قرار داده است، به گونه ای که در فرآیند خرید ارز نیمایی از سامانه نیما، یک حساب (مثلا در هند) به عنوان فروشنده معرفی می‌کند و درخواست واریز حواله به آن شماره حساب را می‌دهد. بعد این واردکننده متخلف به سامانه نیما اطلاع می‌دهد که چون تحریم هستیم و باید تحریم‌ها را دور بزنم، اظهار می‌کند که این ارز را به حساب دیگری مثلا در دوبی واریز کنید.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین ادامه داده که «در این مرحله، ممکن است، یک شخص دیگری در خارج از کشور، متقاضی خرید آپارتمان در ترکیه یا مثلا تورنتو باشد و یا شخصی قصد واردات کالای قاچاق به کشور را داشته باشد؛ خوب سوال اساسی اینجاست که ارز این موارد از کجا تامین می‌شود؟ پاسخ روشن است! این در حالی است که در سال، حداقل ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد مملکت می‌شود. کمترین آمار می‌گوید که سالانه بین ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار خروج سرمایه از کشور داریم. یعنی در کمترین حالت، ۲۰ میلیارد دلار ارز خارج از شبکه بانکی معامله می‌شود و بانک مرکزی برای خروج سرمایه و واردات کالای قاچاق به کسی حواله نمی‌دهد. در این دو حالت شخص متقاضی باید به بازاری بیرون از بانک مرکزی مراجعه کند تا نیاز ارزی خود را تأمین کند.»

در حالیکه ایجاد سامانه نیما با ادعای جلوگیری از فساد ارزی و ساماندهی تأمین ارز مورد نیاز تجار و بازرگانان ایجاد شده بود اما مجیدرضا حریری گفته که تأمین‌کننده ارزهای معامله شده در بازارهای غیررسمی دو گروه عمده هستند که در نهایت از بانک مرکزی ارز دریافت کرده‌اند: «یک گروه عمده صادرکنندگانی هستند که ارز صادراتی خود را با بانک مرکزی تسویه نمی‌کنند و گروه دوم، واردکنندگانی هستند که یا کالا در مقابل ارز دریافتی وارد نمی‌کنند و یا کالای وارداتی را با بیش از اظهاری به گمرک و داخل کشور می‌آورند. (قیمت کالای وارداتی را بیش از آنچه واقعی است نشان می‌دهند) و بخشی از ارز خود را در حساب‌های خارج از کشور نگه می‌دارند.»

او تأکید کرده که این سازوکار دلار نیمایی تا هفت-هشت ماه پیش به شدت رایج بود و حواله دلار نیمایی شخص، در هر جای دنیا امکان خرید داشت.

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین گفته که «اگر قرار است در این مملکت ارزهای چند نرخ داشته باشیم، باید بانک مرکزی و دولت به عنوان ناظر بر این سازوکار، بر ۱۰۰ درصد ارزهای حاصل شده برای کشور تسلط داشته باشند. سیاست گذاری‌ها نیز باید به گونه‌ای باشد که تقاضایی برای بازارهای متفاوت ایجاد نشود. اما وقتی که ارز را به واردکننده اختصاص می‌دهید که واردات انجام دهد و ۱۸ ماه فرصت هست تا این ارز را تسویه کند، معنایش این است که یک سال و نیم به واردکننده اجازه می‌دهیم هر بهانه‌ای بیاورد؛ بنابراین این اشکال دارد. یعنی اگر بانک مرکزی می‌خواهد متمرکز عمل کند، دیگر این زمان یک سال و نیم اشکال دارد. بایستی مکانیزم‌های کنترلی قوی تری داشته باشید وگرنه محل فساد ایجاد می‌شود.»

دغدغه دولت از دستکاری نرخ ارز ترجیحی، کسری بودجه بود فساد در حوزه ارز نیز ادامه دارد



قیمت نرخ ارز شده و نه بقیه مؤلفه‌ها! او توضیح داده «روشن نیست اولویت یافتن رفع کسری بودجه دولت از کجا آمده است! این دقیقاً همان نقطه شروع اختلاف نظر است؛ چرا که آنها مسئله اصلی را کسری بودجه دولت می‌بینند و خواهان حل آن با هر ابزار و هر پیامدی هستند.»

این اقتصاددان با طرح این پرسش که «چرا دولت بخش زیادی از هزینه‌های غیرضروری خود را کاهش نمی‌دهد! اما انواع و اقسامی از ریاضت‌ها و دشواری‌ها را، مانند کاهش دائمی قدرت خرید صاحبان حقوق و دستمزد ثابت، به مردم تحمیل می‌کند؟» گفته که «دولت به هیچ وجه حاضر نیست از هزینه‌های غیرضروری خود، از جمله هزینه‌هایی که دخالت نظامیان در اقتصاد ایجاد کرده و یا هزینه‌های بسیاری از موسسات غیرضروری که نه تنها کمکی به حقوق شهروندی نمی‌کنند، بلکه حتی کارکرد اصلی آنها، تضییع حقوق شهروندی است و یا سازمان‌هایی که کارکردی جزء بوق‌های ایدئولوژیک ندارند، مانند صداوسیما؛ بکاهد. چرا در رابطه با آنها هیچ صرفه‌جویی نمی‌شود؟ اما انواع و اقسام بار مالی و ریخت‌وپاش‌ها را به جامعه تحمیل می‌کنند! اصل اختلاف نظر در خصوص اولویت‌ها اینجاست.»

حجت میرزایی در ادامه با انتقاد از سیاست‌های ارزی دولت گفته «در شرایطی که تورم همچنان در کانال ۴۰ درصد است و برخی گزارش‌ها حاکی از این است که تورم مواد غذایی، در سطوح بالاتری حفظ شده و ما اکنون دوره جدیدی از رکود عمیق را تجربه می‌کنیم که روز به روز عمق آن در حال افزایش است، امکان حفظ نرخ ارز در سطح فعلی، وجود ندارد. اما چرا دولت رسماً نمی‌گوید من در تثبیت نرخ ارز شکست خوردم؟ چرا نمی‌گوید با مجموعه ابزارهایی که به کار گرفته‌ام، با کوچک کردن بازار ارز، ایجاد راه‌های دورزدن بازار ارز و یا تنگنای مالی بسیار

تیم اقتصادی دولت رئیسی معتقد بودند ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی سبب فساد شده و به همین دلیل این ارز را که قرار بود به صورت سازماندهی شده برای واردات مواد اولیه غذایی، نهاده‌های دامی و دارو به کار گرفته شود حذف کرده است.

با حذف ارز ترجیحی، قیمت مواد غذایی و دارو به سرعت افزایش یافت بطوری که در خرداد ۱۴۰۱ تورم مواد غذایی به مرز ۹۰ درصد رسید. دولت نرخ ارز ترجیحی را ۲۸۵۰۰ تعیین کرد اما باز هم فساد در حوزه ارزی کشور باقی مانده و یکی از آخرین فسادها که بزرگترین فساد اقتصادی فاش شده، توسط مدیر «گروه کشت و صنعت دیش» صورت گرفته است؛ فسادی که بخشی از آن در دولت حسن روحانی و بخشی دیگر در دولت ابراهیم رئیسی روی داده است.

حجت میرزایی اقتصاددان معتقد است برخلاف ادعای دولت، «جراحی اقتصادی» و حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی برای مبارزه با فساد نبوده بلکه به دلیل کسری بودجه دولت صورت گرفته است.

این اقتصاددان معتقد است که این شرایط نشان می‌دهد مسئله اصلی برای حذف ارز ترجیحی، به هیچ وجه کاهش فساد یا کاهش رانت نبوده است، چرا که اکنون بی‌سابقه‌ترین فساد و رانت تاریخی ناشی از نظام چند ارزی ایجاد شده است.

به گفته حجت میرزایی، گروهی از اقتصاددانان از سال‌ها قبل تأکید می‌کردند که عامل اصلی تورم در ایران، که یک مؤلفه تعیین‌کننده در افزایش فقر بوده است تورم ناشی از نوسانات نرخ ارز و یا افزایش مداوم نرخ ارز است؛ جمعی دیگر از اقتصاددانان از جمله مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کردند که تورم یک عامل دارد و آنهم حجم نقدینگی است. عجیب است که اکنون از نظر آنها اصلی‌ترین متغیر،

● حجت میرزایی اقتصاددان معتقد است برخلاف ادعای دولت، «جراحی اقتصادی» و حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی برای مبارزه با فساد نبوده بلکه به دلیل کسری بودجه دولت صورت گرفته است.

● تیم اقتصادی دولت رئیسی معتقد بودند ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی سبب فساد شده و به همین دلیل این ارز حذف شد.

● سیاست‌های ارزی دولت زیان‌ها و مشکلاتی در اقتصاد کشور ایجاد کرده که یکی از مهم‌ترین آنها تشدید تورم و افزایش فقر است.

یک اقتصاددان با اشاره به فساد «گروه کشت و صنعت دیش» گفته که به این ترتیب مسئله اصلی حذف ارز ترجیحی، به هیچ وجه کاهش فساد یا کاهش رانت نبوده است!

پرونده فساد «گروه کشت و صنعت دیش» با دریافت ۳/۳۷ میلیارد دلار ارز دولتی، بار دیگر چند نرخ‌ی بودن ارز در کشور را مورد توجه قرار داده است.

حجت میرزایی اقتصاددان با اشاره به فساد «دیش» گفته ارز ترجیحی بخش زیادی از داروها، آرد صنعتی و خوراک دام را حذف کردند اما نه تنها فساد کاهش نیافت، بلکه اکنون با یک روند بی‌سابقه و غیرقابل تحمل درباره فساد ناشی از ارز چند نرخ‌ی مواجه شده‌ایم و فساد بزرگ پرونده چای، نمونه‌ای از آن است؛ بنابراین شرایط نشان می‌دهد که مسئله اصلی حذف ارز ترجیحی، به هیچ وجه کاهش فساد یا کاهش رانت نبوده است!

دولت رئیسی در ابتدای سال ۱۴۰۱ در اقدامی با عنوان «جراحی اقتصادی» دلار ۴۲۰۰ تومانی را که از سوی دولت حسن روحانی برای واردات کالاهای اساسی در نظر گرفته شده بود حذف کرد.

ضارب عباسعلی سلیمانی نماینده سابق علی خامنه‌ای اعدام شد



صحنه شلیک ضارب به عباسعلی سلیمانی در داخل ساختمان بانک ملی بابلسر

که به عباسعلی سلیمانی تیراندازی کرد، «جانباز جسمی و اعصاب و روان» است و دلیل تصمیم او به کشتن سلیمانی «عصبانیتش از فقر و موافقت نکردن بانک با درخواست وامش» بوده است. یکی از این اسناد نامه‌ای بود که محمدرضا حبیبیان به یک «فرد خبیر» نوشته و در آن «نام خانوادگی خود را حبیبی» ذکر کرده بود تا مشخص نشود که او «برادر» ایوب حبیبیان، معاون وقت رئیس اداره پلیس آگاهی بابلسر، است. در ادامه این گزارش آمده است: «محمدرضا حبیبیان در این نامه نوشته بود که به دلیل حضور در جنگ ایران و عراق، «جانباز ۲۰ درصد جسمی و جانباز اعصاب و روان» است و سروان حبیبیان او را به عنوان پلیس افتخاری و نیروی نگهبان موسسات جذب کرده است. در بخشی از این نامه، محمدرضا حبیبیان تأکید کرده بود که «از هیچ جا و مکانی در آمد ندارد» و «سپاه پاسداران فقط ماهانه ۶۰۰ هزار تومان» به او حقوق می‌دهد که حتی «پول نان خانواده شش نفره» او را تأمین نمی‌کند و «اجاره‌خانه‌اش سه ماه عقب افتاده» است و نیاز زیادی به کمک مالی دارد. همین منبع مطلع درباره سوء قصد محمدرضا حبیبیان در بانک ملی به عباسعلی سلیمانی، که منجر به کشته شدن این عضو مجلس خیرگان شد، از قول نزدیکان حبیبیان گفته بود: «حبیبیان به شدت فقیر بود. تا جایی که می‌دانم و از نزدیکان او پرسیدم، روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت، رئیس بانک با درخواست وام ۵۰ میلیون تومانی حبیبیان مخالفت کرده بود و این نگاهان وقتی دید سلیمانی بدون صف و نوبت، در حال دریافت وامی با عدد بالا است، عصبانی شد و فریاد زد که چرا به آخوندها وام‌های سنگین می‌دهید اما با وام ۵۰ میلیون تومانی مخالف کرده‌اید.»

در یک روایت دیگر نقل شده است که عباسعلی سلیمانی برای دریافت سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان وجه نقد به بانک ملی بابلسر مراجعه کرده بود و رئیس بانک اعلام می‌کند این میزان وجه در بانک موجود نیست. سلیمانی با عصبانیت اعلام می‌کند که ۴۲۰ میلیارد تومان در این شعبه پول دارد و همان زمان «سروان حبیبیان» بازنشسته نیروی انتظامی که به صورت قراردادی با بانک همکاری داشته به همکارش می‌گوید «من دیشب پول خرید یک شانه تخم‌مرغ را نداشتم» و سپس صدای گلوله شنیده شد!

● پیش از صدور حکم اعدام، پزشکی قانونی «سلامت روحی متهم در حین ارتکاب جرم» را تأیید کرده بود.

● بر اساس گزارش رسانه‌ها، حبیبیان بازنشسته‌ی نیروی انتظامی بود.

رئیس کل دادگستری مازندران اعلام کرد که حکم اعدام ضارب آیت‌الله عباسعلی سلیمانی نماینده پیشین علی خامنه‌ای در استان سیستان و بلوچستان روز چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲ با حضور اولیای دم در زندان بابل اجرا شد.

عباسعلی سلیمانی عضو مجلس خیرگان جمهوری اسلامی اوایل اردیبهشت ۱۴۰۲ توسط یکی از نگهبانان بانک ملی بابلسر (شعبه میدان شهربانی) کشته شد.

این نگاهان که هویت وی پس از اجرای حکم اعدام نیز در رسانه‌های داخلی اعلام نشده، بر اساس گزارش‌ها، ۵۰ ساله و از کارکنان سابق و بازنشسته‌ی «یکی از ارگان‌های نظامی» بوده است. برخی رسانه‌ها نیز وی را بازنشسته‌ی نیروی انتظامی معرفی کرده‌اند. او در روز حادثه با اسلحه کلاشنیکف به سلیمانی شلیک کرد. رئیس کل دادگستری استان مازندران می‌گوید: «بعد از ارسال پرونده به دادگاه و برگزاری جلسات دادگاه با حضور متهم و وکیل وی، در نهایت قاضی با توجه به ادله موجود حکم قصاص قاتل را صادر کرد. حکم قصاص، پس از تأیید در دیوان عالی در بابل اجرا شد.»

پیش از صدور حکم اعدام، پزشکی قانونی «سلامت روحی متهم در حین ارتکاب جرم» را تأیید کرده بود.

منابع داخلی روایت‌های متفاوتی از انگیزه ضارب در قتل سلیمانی نقل کرده‌اند. برخی منابع مدعی شدند «اقدام تروریستی» بود اما برخی دیگر تروریستی بودن آن را رد کرده‌اند. روزنامه «همشهری» گزارش داده بود که این قتل به دلیل اختلاف نگاهان با معاون بانک «برسر مسائل کاری» بود و ضارب گفته که او را با «برادر روحانی معاون بانک» اشتباه گرفته است. برخی رسانه‌های خارج کشور هویت ضارب را «محمدرضا حبیبیان» اعلام کرده‌اند. «ایندیپندنت فارسی» در آبان‌ماه پس از تأیید حکم اعدام ضارب توسط دیوان عالی کشور در گزارشی نوشته بود: «یک روز پس از کشته شدن عباسعلی سلیمانی، منابع مطلع در بابلسر با ارسال مستندات به ایندیپندنت فارسی گفتند که محمدرضا حبیبیان، نگاهان بانک ملی بابلسر

جدی که برای بخش تولید ایجاد کردم، هرچند ارز بطور موقت تثبیت شد، اما دیگر امکان تداوم آن وجود ندارد؟»

همانطور که حجت میرزایی گفته سیاست‌های ارزی دولت زیان‌ها و مشکلاتی در اقتصاد کشور ایجاد کرده که یکی از مهم‌ترین آنها تشدید تورم و افزایش فقر است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی تحلیلی از بودجه سال ۱۴۰۳ نوشته که حدود ۴/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی بیش از ارزهای وصول‌شده سهم نفت دولت از سوی بانک مرکزی، برای واردات ۵ قلم کالای اساسی اختصاص پیدا کرده است. به عبارت دیگر، بانک مرکزی برای تأمین ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، از مرکز مبادله ۴/۵ میلیارد تومان ارز با قیمت نزدیک به ۴۰ هزار تومان تهیه کرده و تخصیص داده است.

این آمارها به این معناست که بانک مرکزی برای تهیه این ۴/۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه کرده است؛ هزینه‌ای که بطور مستقیم به پایه پولی کشور افزوده و سبب افزایش تورم شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این گزارش پیشنهاد کرده که «برای ترمیم کسری منابع» نرخ ارز ترجیحی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۳۵ هزار تومان در سال آینده افزایش یابد.

روابط عمومی بانک مرکزی اما ساعتی پیش آمار ارائه شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی را رد کرده است. بر اساس اعلام بانک مرکزی، ادعای تأمین کسری ارز حمایتی از محل خرید ارز با نرخ بالاتر و افزایش پایه پولی از این محل دروغ است و ادعای مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر تأمین کسری ارز ترجیحی با نرخ بالاتر تکذیب می‌شود. روابط عمومی بانک مرکزی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس را در جهت «تخریب مجموعه سیاست‌های تثبیت اقتصادی» عنوان و ادعا کرده که «تا کنون حتی یک دلار با نرخ بالاتر از نرخ ترجیحی برای تأمین منابع ارز مورد نیاز خریداری نشده است.»

با اینهمه بانک مرکزی توضیح نداده که کسری منابع ارزی را چگونه و از چه راهی جبران کرده است!

از سوی دیگر سازمان برنامه و بودجه نیز در پاسخ به پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای افزایش نرخ ارز ترجیحی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۳۵ هزار تومان نوشته این اقدام تورم‌زا است.

بر اساس توضیح سازمان برنامه و بودجه، اثرات افزایش نرخ ارز کالاهای اساسی بر قیمت این کالاها و سایر کالاها و خدمات انکارناپذیر است، به نحوی که حتی در صورتی که بتوان پیامدهای حاصل از انتظارات تورمی این سیاست را مهار کرد، شاخص قیمت اقلام خوراکی حداقل ۲۹/۴۵ درصد، و شاخص قیمت مصرف‌کننده در نتیجه این افزایش، حداقل ۱۲/۴۷ درصد افزایش خواهد یافت.

سازمان برنامه و بودجه در ادامه جوابیه به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته در شرایطی که دولت پس از ماه‌ها تلاش توانسته است بازار را تا حدودی پیش‌بینی‌پذیر کند و متغیرهای قیمتی را تحت کنترل درآورد و مردم را متقاعد کند که سرمایه‌های خود را وارد عرصه‌های مولد کنند (که نتیجه آن را می‌توان در آمارهای رشد اقتصادی مشاهده کرد)، ایجاد تورم ناشی از این تغییر نرخ، ضمن القاء نااطمینانی مجدد، معیشت مردم را در تنگنا قرار می‌دهد.

این ادعا در حالی مطرح شده که دولت رئیسی با وعده مهار تورم آغاز بکار کرد اما در عمل نتوانست تورم را کنترل کند و سفره‌های مردم کوچک‌تر و جمعیت فقیر در کشور افزایش یافت.

ترک تحصیل دانش‌آموزان به دلیل فقر و نبود امکانات

آموزش و پرورش به دنبال «ادبستان» با نیروهای ارزشی!



● در سفره بسیاری از خانواده‌های دارای فرزند معلول اقلام اساسی مانند مرغ، گوشت، میوه، مواد پروتئینی و... پیدا نمی‌شود و بسیاری از دانش‌آموزان معلول به دلیل فقر ترک تحصیل می‌کنند.

● معاون وزیر آموزش و پرورش: در این دولت دبستان‌های کشور با به‌کارگیری نیروهای ارزشی به ادبستان تبدیل شده‌اند. خدا را برای تیم آموزش و پرورش انقلابی و پای کاری که در اختیار داریم، شاکریم!

● وزیر آموزش و پرورش: یاری حوزه علمیه به آموزش و پرورش از همه گروه‌ها مهم‌تر و موثرتر بوده و حوزه علمیه نقش مهمی در نظام تعلیم و تربیت دارد.

مؤسس آموزشگاه کودکان استثنایی در فردیس البرز با اشاره به فقر گسترده و سفره خالی در خانواده‌های دارای فرزند معلول، گفته برخی از این دانش‌آموزان به دلیل نبود امکانات و ناتوانی در پرداخت هزینه رفت و آمد ناچار به ترک تحصیل شده‌اند.

مسعود زمردیان مؤسس آموزشگاه کودکان استثنایی در فردیس البرز در گفتگو با «اعتماد» گفته که «کمبود امکانات مالی و دوری مسیر به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های بسیار گزاف سرویس ایاب و ذهاب منجر به ترک تحصیل بعضی از دانش‌آموزان استثنایی می‌شود، چرا که بسیاری از این عزیزان از بضاعت مالی کمی برخوردار بوده و در فقر شدید بسر می‌برند.»

مسعود زمردیان با بیان اینکه «در سفره بسیاری از این خانواده‌ها و بچه‌هایشان اقلام اساسی مانند مرغ، گوشت، میوه، مواد پروتئینی و... پیدا نمی‌شود» گفته از ۱۸۰ نفر دانش‌آموز این مرکز تقریباً بیش از ۱۰۰ نفر از آنها از خانواده‌های بسیار بی‌بضاعت و در سطح خیلی پایین زیر خط فقر هستند.

مؤسس آموزشگاه کودکان استثنایی در فردیس استان البرز تأکید کرده که آموزش و پرورش و ارگان‌های دیگر به این مؤسسه کمک نمی‌کنند. ترک تحصیل ناشی از فقر فقط مربوط به کودکان معلول نیست و دانش‌آموزان زیادی به دلیل مشکلات مالی و معیشتی در معرض ترک تحصیل قرار دارند.

در همین رابطه هادی موسوی نیک کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یک ماه پیش گفت که یک و نیم میلیون کودک در آستانه ترک تحصیل قرار دارند و ۱۴ میلیون کودک نیز در خانوارهایی زندگی می‌کنند که حداقل سبد غذایی را نمی‌توانند دریافت کنند.

هادی موسوی نیک گفته است که براساس آمار آموزش و پرورش حدود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل داریم، حدود یک و نیم میلیون نفر کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم.

بر اساس گزارشی که دو سال پیش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه کرد ۷۰ درصد موارد ترک تحصیلی مربوط به دهک‌های اول تا پنجم درآمدی هستند که کمترین درآمد را دارند.

بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده

و حوزه علمیه نقش مهمی در نظام تعلیم و تربیت دارد» گفته «دشمنان از موضوعات دینی همانند امر به معروف و نهی از منکر بی‌مناک است که این امور ضامن قرار گرفتن انسان در مسیر درست است و دشمنان نیز مخالف این امر هستند. هیچ چیزی همانند بصیرت دادن و امید بخشی به نسل جوان، بزرگترین راهکار برای خنثی کردن نقشه دشمنان نیست.»

حمید نیکزاد دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش نیز هفته گذشته در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته که طلبه‌ها به چند صورت در آموزش و پرورش جذب شده‌اند: از آموزگار دبستان تا معلم پرورشی و مشاور و همچنین به صورت «سربازطلبه» و دخالت در تغییرات محتوای کتاب‌های درسی!

حمید نیکزاد گفته که «ورود روحانیون به آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام ساحتی مورد نظر سند تحول بنیادین به عنوان میثاق ملی تعلیم و تربیت است، آموزش و پرورش مهمترین نهاد در تعالی فرهنگ، فکر، اندیشه و ساختن جامعه به شمار می‌رود از طرفی حوزه علمیه و روحانیت باید پاسخگوی نیازهای آموزش و پرورش را جزئی از رسالت خود بدانند و از آن به عنوان یک رسالت مهم نگاه کند.»

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش مدعی شده آموزش‌هایی که طلبه‌ها می‌بینند هم‌تراز همان چیزی است که برای یک معلم در مراکز تربیت معلم یا دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است. او گفته که حوزه علمیه خواهران رشته‌های تخصصی از جمله «تربیت دینی کودک و نوجوان»، «فقه تربیت دینی کودک و نوجوان» و «تحول دینداری کودک و نوجوان» را آموزش می‌بینند تا برای آموزگاری مقطع ابتدایی آماده شوند.

حمید نیکزاد بخشی از کارکرد روحانیون و طلبه‌ها در آموزش و پرورش را برای ایجاد تغییرات در

ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

این آمار نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بیش از ۵۵۶ هزار کودک در سن ۱۵ تا ۱۷ سال از تحصیل بازماندند که ۲۹۵ هزار تن، پسر و ۲۶۱ هزار تن، دختر هستند.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد «نرخ ترک تحصیل» دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶، ۰/۹۹ درصد بوده اما پس از پنج سال، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به ۱/۲ درصد رسیده و در دوره متوسطه اول نیز ۴/۱۱ درصد بوده که به مرور به ۵/۴۷ درصد رسیده که سیری صعودی را ثبت نشان می‌دهد.

اینهمه در حالیست که وزارت آموزش و پرورش به جای ایجاد سازوکاری حمایتی از دانش‌آموزانی که به دلیل فقر و نبود امکانات در معرض ترک تحصیل هستند، با تمام توان به پیشبرد اهداف و برنامه‌های ایدئولوژیک در مدارس مشغول است. حمیدرضا خان محمدی معاون آموزش و پرورش روز گذشته مدعی تبدیل شدن دبستان‌ها به «ادبستان» به دلیل به‌کارگیری «نیروهای ارزشی» در این مدارس شد.

حمیدرضا خان محمدی گفته «در این دولت دبستان‌های کشور با به‌کارگیری نیروهای ارزشی به ادبستان تبدیل شده‌اند. خدا را برای تیم آموزش و پرورش انقلابی و پای کاری که در اختیار داریم، شاکریم.»

رضامراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نیز امروز پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۲ در افتتاحیه گردهمایی مدیران حوزوی در آموزش و پرورش گفته «نظام آموزش و پرورش ما بر اساس مبانی اسلام ناب است و به همین دلیل آموزش و پرورش ما متفاوت‌ترین در دنیا است، چرا که ۶ ساحت مورد تأکید در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس مباحث دینی است.»

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه «یاری حوزه علمیه به آموزش و پرورش از همه گروه‌ها مهم‌تر و موثرتر بوده



نمایندگان مجلس شورای اسلامی واقعا به دنبال اصلاح لایحه بودجه هستند؟



اسلامی بررسی و تصویب شود.

حسین راغفر اقتصاددان اما معتقد است که «فرصتی که مجلس برای اصلاح بودجه به دولت داده صرفا نمایشی است. الان موقع انتخابات است و اصلا اعتقادی ندارم که مجلس از سرکارشناسی این کار را می‌کند، الان بحث انتخاباتی و سیاسی است و مجلس می‌خواهد نشان دهد که ملاحظاتی دارد. این بازار زرگری است و چهار روز دیگر نه تنها همین بودجه بلکه بدتر از آن را هم تصویب می‌کنند.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز سه شنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۲ با ۱۲۷ رأی مخالف کلیات بودجه سال ۱۴۰۳ را رد کردند. دولت یک هفته برای اصلاح لایحه بودجه و ارائه دوباره آن به مجلس شورای اسلامی فرصت دارد.

لایحه بودجه چهار ناترازی و کسری بود و با توجه به محدودیت در تأمین درآمد به دلیل تحریم، و همچنین بودجه ریزی به نهادها و سازمان‌های امنیتی و نظامی و ایدئولوژیک، دولت بتواند موفق به اصلاح لایحه بودجه و رفع ناترازی شود. رفع ناترازی لایحه نیازمند افزایش ردیف‌های درآمدی است اما دولت در لایحه نخست نیز درآمدهای تخیلی و غیرواقعی گنجانده بود. راه دیگر رفع ناترازی کاهش هزینه‌های دولت است که فقط در صورت کاهش هزینه‌های ایدئولوژیک و تبلیغاتی و امنیتی امکانپذیر خواهد بود.

حسین راغفر گنجاندن رشد اقتصادی هشت درصدی در لایحه بودجه را از اشکالات آن ارزیابی کرده و گفته «آنچه به عنوان برنامه بودجه ارائه شده است مشکلات عجیب و غریبی دارد. در بودجه ارائه شده ادعا شده که ۸ درصد رشد اقتصادی قرار است تجربه کنیم؛ آیا می‌دانید رشد اقتصادی ۸ درصد یعنی چی؟ اینها معنای رشد ۸ درصدی را نمی‌دانند. ایت عبارت یعنی اینکه حداقل باید ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی سرمایه‌گذاری شود. این در حالی

● جبار کوچکی نژاد گفته با توجه به پیش رو بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه امسال، ممکن است بودجه سال ۱۴۰۳ به صورت چند دوازدهم بسته شود.

● حسین راغفر اقتصاددان: فرصتی که مجلس برای اصلاح بودجه به دولت داده صرفا نمایشی است. این بازار زرگری است و چهار روز دیگر نه تنها همین بودجه بلکه بدتر از آن را هم تصویب می‌کنند.

● هادی حق شناس اقتصاددان معتقد است که بودجه سال آینده متزلزل و ژله‌ای است چرا که شرطی بوده و متکی به منابع غیرمطمئن است.

حاشیه‌های بودجه «ناتراز» و «ناکارآمد» پیشنهادی از سوی دولت برای سال آینده ادامه دارد. در حالی که کلیات لایحه رد و به دولت بازگردانده شده، یک عضو کمیسیون تلفیق بودجه گفته ممکن است به دلیل پیش رو بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی، بودجه سال آینده به صورت چند دوازدهم بسته شود.

جبار کوچکی‌نژاد، عضو کمیسیون برنامه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه بودجه سال آینده ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی کسری دارد گفته نباید برای تصویب این لایحه عجله کرد.

جبار کوچکی نژاد همچنین گفته با توجه به پیش رو بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه امسال، ممکن است بودجه سال ۱۴۰۳ به صورت چند دوازدهم بسته شود. بسته شدن بودجه به صورت چند دوازدهم به این معناست که برای مثال لایحه بودجه فصلی بسته شده و در حال حاضر تنها لایحه‌ای برای سه ماه بهار سال آینده تصویب و تصویب سه لایحه برای سه فصل دیگر سال آینده، در ماه‌های بعد توسط نمایندگان مجلس شورای

کتاب‌های درسی اعلام کرده است: «تعیین و معرفی نمایندگان حوزه علمیه به سازمان پژوهش و برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش در یازده حوزه یادگیری و حضور کارشناسان آنان در جلسات کاری این سازمان از جمله این اقدامات بوده است.»

افزودن نیروهای بسیجی و طلاب به کادر آموزشی آموزش و پرورش و با وجود کمبود حدود ۳۰۰ هزار آموزگار یکی از اقدامات ایدئولوژیک در این وزارتخانه است.

وزیر آموزش و پرورش، روز یکشنبه ۱۹ آبان، در مراسمی به صراحت گفته بود که بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتاب‌های درسی دانش‌آموزان دختر باید با کتاب‌های درسی دانش‌آموزان پسر متفاوت باشد.

او همچنین اذعان کرد که طبق برنامه آموزش و پرورش خانواده باید از طریق مدرسه آموزش ببیند و معلمان زن باید دانش‌آموزان را طوری تربیت کنند که «نجابت، عفت و حیا» را به نسل آینده منتقل کنند.

رضا مراد صحرایی اردیبهشت امسال نیز بدون اشاره به کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم در این وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده بود که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود.

معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگاندا ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خبرچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است. وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های با عنوان «طرح امین» نیز اقدام به استخدام آخوندهای تحصیلکرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

وزیر آموزش و پرورش همچنین گفته که «تمامی مدارس شناسایی شده در مسیر تحول مدارس عادی و دولتی هستند، انشالله روحیه تحولی به این مدارس برده می‌شود و شاهد الگوسازی برای تمامی مدارس کشور خواهیم بود.» منظور وزیر آموزش و پرورش از تحول، سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش است» که هدفش اسلامی کردن بیش از پیش مدارس است.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی حکومت، در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد بالادستی و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی شده است.

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

است که چنین چیزی در شرایط کنونی امکان پذیر نیست و هیچ اراده‌ای نیز برای تحقق چنین امری وجود ندارد. عملاً هم هیچ نظارتی بر دولت برای نوع هزینه کرد بودجه وجود ندارد.»

این اقتصاددان با اشاره به هدفگذاری دولت برای کسب درآمد از طریق مالیات افزوده که «افزایش شدید درآمدهای مالیاتی در بودجه ارائه شده به شدت تورمزا است. در کشورهای مختلف جهان، دولت از طریق مالیات مخارج خود را تامین می‌کند، اما موضوع این است که چه کسی باید مالیات بپردازد. بخش قابل توجهی از درآمدهای دولت به صورت یارانه به صنایعی مانند پتروشیمی و فولاد داده می‌شود که سودهای بسیار کلانی دارند و این سودها را میان خودشان توزیع می‌کنند.»

حسین راغفر ادامه داده که «این ظلمی که در بودجه به تولید کننده داخلی و مردم صورت می‌گیرد، به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و وضعیت اقتصادی کشور را بدتر می‌کند. یک گروه الیگارش که درون قدرت حضور دارند، برنده هستند و بازنده آن مردم و حتی نسل‌های بعدی هم بازنده‌اند.»

اسماعیل حسین‌زهی نماینده خاش در مجلس شورای اسلامی و یکی از نمایندگان مخالف لایحه بودجه گفته که دولت باید وضعیت مردم را در کف جامعه ببیند و براساس آن برنامه‌ریزی کند. این لایحه بودجه، توانایی رفع مشکلات معیشتی مردم را نداشت.

این نماینده مجلس پرسیده که «مگر می‌شود حقوق، مزایا و دستمزد در سال آتی ۱۸ درصد افزایش پیدا کند، ولی تورم یک رقم به مراتب بالاتری باشد؟»

اسماعیل حسین‌زهی افزوده که «ما در موضوع همسان‌سازی حقوق بازنشستگان هم حرف داشتیم. از طرفی، ما قبول داریم که درآمدهای نفتی کاسته شود، اما اینکه دولت برای کسب درآمد روی گرفتن مالیات متمرکز شود، منطقی نیست. گرفتن مالیات بیشتر، جزو مسائلی است که باعث دغدغه‌مندی مردم شده است.»

هادی حق شناس اقتصاددان نیز معتقد است که بودجه سال آینده متزلزل و ژله‌ای است چرا که شرطی بوده و متکی به منابع غیرمطمئن است.

هادی حق شناس تکیه دولت به درآمدهای مالیاتی مورد انتقاد قرار داده و گفته «از نکاتی که توسط مجلس مطرح شده این است که افزایش ۴۰ درصدی درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور سبب فشار مضاعف بر تولیدکنندگان می‌شود. همچنین منابع و مصارف هدفمندی یارانه به صورت شفاف ارائه نشده که از کجا قرار است تامین و در چه محل هزینه شوند. علاوه بر این گفته می‌شود آثاری از برنامه هفتم توسعه در لایحه بودجه دیده نمی‌شود و از طرف دیگر در این لایحه به حقوق‌های نجومی و اسراف‌ها دامن زده شده است.»

او افزوده که «مالیات‌ها هم وابستگی زیادی به فضای کسب و کار داخلی کشور دارد. ولی تا وقتی که ما با تحریم مواجه هستیم و اقتصاد کشور در بخش تامین مواد اولیه همچنین تکنولوژی‌های جدید وابسته به خارج است، این منجر به این می‌شود که کسب و کارمان هم شرطی باشد. در این صورت اخذ مالیات هم شرطی خواهد شد. مثال این را در افزایش قیمت خودرو می‌توان دید و همین موضوع در بقیه بخش‌ها نیز تری پیدا می‌کند.»

این اقتصاددان افزوده که مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه وجود دارد. وقتی در همین ابتدا بازوی پژوهشی مجلس اعلام می‌کند حدود ۲۰ درصد منابع بودجه با کسری مواجه است،

طبیعی است که این لایحه رد شود.

هادی حق شناس همچنین به رشد اقتصادی پیش‌بینی شده در لایحه اشاره کرده و گفته در همه برنامه‌های پنج ساله توسعه پیش‌بینی شده که رشد اقتصادی ۸ درصد باشد، ولی همین حالا آمار ۸ ماهه می‌گوید رشد اقتصادی ۷ درصد تحقق پیدا کرده است. تازه بیش از یک سوم آن ناشی از نفت است؛ لذا وقتی کسب و کار مردم به دلایل مختلف در شرایط نااطمینانی به سر می‌برد مالیاتی هم که قرار است بودجه بر آن بسته شود، دچار نااطمینانی است. طبیعی است که در چنین شرایطی بودجه هم واقع بینانه پیش‌بینی نمی‌شود و یا با حدس و گمان و شک و تردید آمیخته است. در نتیجه ما دچار کسری می‌شویم. در چنین شرایطی دود این کمبودها عموماً به چشم بخش‌های عمرانی کشور می‌رود که همواره با سد عدم تخصیص مواجه است؛ لذا به همین دلیل است که می‌بینیم اتمام برخی از پروژه‌ها ده‌ها سال طول می‌کشد.

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ دولت درآمدهای مالیاتی را تا دو برابر درآمدهای نفتی در نظر گرفته است. دولت سیزدهم میزان درآمد مالیاتی را ۱۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته که حدود دو برابر درآمد ۶۱۴ هزار میلیارد تومانی نفت است و نسبت به درآمدهای مالیاتی بودجه امسال ۴۹/۸ درصد افزایش دارد. همچنین در مجموع ۴۶ درصد کل درآمد بودجه از محل مالیات‌های مستقیم تأمین می‌شود که در تاریخ بودجه‌نویسی کشور بی‌سابقه است.

مالیات بر درآمد، مالیات بر نقل و انتقال دارایی‌ها، مالیات بر اقساط بانکی، کسر حقوق بدون تمایل افراد موسوم به ۳۰ درصد تأمین اجتماعی، مالیات دریافت پروانه ساخت و ساز، مالیات پروانه پایان کار ساخت و ساز، مالیات آغاز کسب و کارها، مالیات معاملات مسکن، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر اتومبیل از جمله مالیات‌هایی است که از جیب شهروندان کسر می‌شود تا دولت کسری بودجه را جبران کند.

همانطور که هادی حق شناس اشاره کرده، دیگر کارشناسان نیز معتقدند نه تنها این درآمدها تحقق پیدا نخواهد کرد بلکه فشار مالیات‌ستانی بر دوش اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد خواهد بود که سبب تشدید فقر و فلاکت می‌شود. مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور هم پیشتر گفته بود: «دولت چون نتوانسته است نفت بفروشد به سفره‌های مردم متوسل شده و این دقیقاً خلاف همان ادعایی است که در زمان انتخابات مطرح می‌کرد و مدعی بودند که سفره مردم را از تحریم‌ها جدا خواهند کرد، اما اکنون رسماً آسیب تحریم‌ها را به سفره‌های مردم منتقل کرده است.»

مرتضی افقه همچنین تحقق درآمدهای مالیاتی را نیز امکان‌پذیر ارزیابی نکرده و گفته بود که «تصور نمی‌کنم اصلاً پیش بینی این میزان مالیات اساساً محقق شود چرا که اقتصاد کشور عملاً دیگر ظرفیت این میزان پرداخت مالیات را ندارد، هرچند دولت مدعی است تا ۹۰ درصد پیش‌بینی مالیاتی تأمین شده است، اما بعید می‌دانم دولت اساساً بتواند سال آینده بیش از این رقم را محقق کند.»

به گفته این استاد دانشگاه «در همین حال دولت مدعی است که وابستگی خود را به نفت کم کرده است. این خیلی افتخار نیست که وابستگی به نفت کم شود آنهم با درآمدهایی که شهروندان دارند. آن چیزی که مد نظر و مطلوب است اینکه وابستگی کل اقتصاد به نفت کم شود، نه فقط وابستگی دولت به نفت. به عبارت دیگر دولت برخلاف وعده‌ای که داده سفره خودش را از تحریم‌ها جدا کرده و نه سفره مردم را.»

وزارت ارتباطات رسماً وارد کاسبی فیلترینگ می‌شود؟

● یک نماینده مجلس شورای اسلامی: حتی اگر وزارت ارتباطات با نصف قیمت فیلترشنک‌های فعلی هم ارائه کند به نفع دولت است و درآمد خوبی برای اپراتورها، مخابرات و وزارت ارتباطات خواهد بود!

● مافیایی قدرتمند و انحصاری بازار فیلترشنک در ایران را در دست دارد و گردش مالی عجیبی برای خود ایجاد کرده است؛ روندی که به عقیده بسیاری، دولت در پشت آن قرار دارد.

● فیلترینگ اگرچه برای برخی «خودی»‌های جمهوری اسلامی کاسبی جدیدیست و سود سرشاری در بر داشته اما زیان گسترده‌ای به اقتصاد ایران وارد کرده و دست‌کم یک میلیون شغل را نابود کرده است.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی در پیشنهادی عجیب از وزارت ارتباطات خواسته خودش به عنوان «کاسب فیلترینگ» وارد عمل شده و فروش فیلترشنک‌ها را به عهده بگیرد. او گفته این کار درآمد خوبی برای وزارت ارتباطات خواهد داشت!

در حالی که گزارش‌ها از بازار پرسود فیلترشنک‌ها در ایران حکایت دارد، یک نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «دولت و وزارت ارتباطات باید ورود پیدا کنند و اگر لازم است خودشان فیلترشنک ارائه دهند. حتی اگر با نصف قیمت فیلترشنک‌های فعلی هم ارائه کنند به نفع دولت است و درآمد خوبی برای اپراتورها، مخابرات و وزارت ارتباطات خواهد بود.»

الهوردی دهقانی عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی در حالی این پیشنهاد را داده که گزارش‌ها از بازار پرسود فیلترشنک‌ها در ایران حکایت دارد. این بازار در اختیار عده‌ای «خاص» که از رانت حکومتی برخوردار است و از آنها به عنوان «کاسبان فیلترینگ» نام برده می‌شود.

الهوردی دهقانی خودش نیز به وضعیت مبهم «کاسبان فیلترینگ» اشاره کرده و گفته «از لحاظ قانونی نمی‌توانند در گردش مالی افراد سرک بکشند و اطلاعاتی داشته باشند ولی سیستم‌های امنیتی- اطلاعاتی، دولت و شورای عالی امنیت ملی می‌توانند رصد کنند و در جریان قرار گیرند.»

عضو کمیسیون مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این پرسش که آیا وزارت ارتباطات از بازاری که برای فروش فیلترشنک‌ها شکل گرفته نفعی می‌برد، گفته «بازار سیاهی درست شده و فیلترشنک به قیمت غیرواقعی فروخته می‌شود. سود عمده آنهم به جیب دلالان و افراد رانت‌خوار می‌رود. وزارت ارتباطات راه را برای فروش فیلترشنک فروشان و دلالان باز کرده و گرنه جایجایی پول چطور از درگاه پرداخت‌های ایران انجام می‌شود. وزارت ارتباطات خودش بدون واسطه به مردم فیلترشنک بفروشد نه با واسطه!»

وبسایت زومیت (رسانه حوزه فناوری) به تازگی اعلام کرده که فیلترشنک‌ها پر تکرارترین محصول در حراج جمعه سیاه آذر ماه (بلک فرایدی) بوده‌اند.

این در حالیست که یکی از وعده‌های انتخاباتی ابراهیم رئیسی ارائه اینترنت با کیفیت و آزاد بود و حتی او در رقابت‌های انتخاباتی در گفتگویی در «رادیو

گردش مالی عجیبی می‌رسیم که هیچ نظارتی هم بر این بازار پرسود وجود ندارد. بازاری که تبعات منفی برای کشور، جامعه و اقتصاد ما همراه داشته است. بازاری که دست افراد خاصی است و به دلیل پرسود بودن حتماً افراد معمولی نمی‌توانند به آن راه پیدا کنند.»

فیلترینگ اگرچه برای برخی «خودی»های جمهوری اسلامی کاسی جدیدیست و سود سرشار در بر داشته اما زیان گسترده‌ای به اقتصاد ایران وارد کرده و دست‌کم یک میلیون شغل را نابود کرده است.

جلال محمودزاده نماینده مجلس شورای اسلامی فروردین امسال درباره خسارت‌های ناشی از فیلترینگ گفته بود که «با محدودیت اینترنت و اجرای طرح صیانت، قبل از ابلاغ مجلس و اجرای غیرقانونی آن، ۱۰ میلیون شغل در سطح کشور از دست رفت، یعنی در طول یک سال و نیم دولت آقای رئیسی به جای اینکه یک میلیون و نیم شغل ایجاد کنیم، هشت میلیون و نیم شغل را از دست دادیم. بر

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «قاعدتا متولی امر در این زمینه نیز مجموعه وزارت ارتباطات است. آن چیزی که مشخص است این است که مجلس در بحث فیلترینگ اگر سوال و تحقیق و تفحصی دارد از مجموعه وزارت ارتباطات داشته باشد؛ گرچه وزیر ارتباطات می‌گوید این داستان به من ارتباطی ندارد و تصمیم‌ها جای دیگری گرفته می‌شود.»

جلال رشیدی کوچی تأکید کرده که «خود دولت پشت داستان فیلترینگ است. وقتی مسئولان دولتی مصاحبه می‌کنند که این شرکت‌ها باید بیایند در ایران دفتر بزنند که ما اجازه فعالیت دهیم یعنی اینکه خودشان پشت فیلترینگ هستند.»

نماینده مروشدت در مجلس شورای اسلامی افزوده که «معتقدیم این شیوه [فیلترینگ] اصلاً جواب نمی‌دهد. الان هم آماری منتشر شده بود که ۹۰ درصد افراد بین ۱۵ تا ۲۰ سال به وقت حضور در فضای مجازی از فیلترشکن استفاده

فرهنگ» گفته بود: «در دولت مردمی، اینترنت با حداکثر سرعت و با نگاه به عدالت جغرافیایی و تأمین زیرساخت‌های لازم گسترش خواهد یافت و فضای مجازی علاوه بر زمینه اشتغالزایی، برای شفافیت و نظارت مردم بر عملکرد دولت خواهد بود.»

«دولت مردمی» اما مانند دیگر دولت‌های جمهوری اسلامی سانسور و محدودسازی اینترنت را در دستور کار داشته و سال گذشته همزمان با آغاز اعتراضات جنبش ملی فیلترینگی گسترده در حوزه اینترنت کشور را برقرار کرد که همچنان بخشی از آن ادامه دارد.

در همین مدت افرادی «خاص» اقدام به فروش و ارائه خدمات فیلترشکن کردند که با ایجاد سازوکاری تباه سودی سرشار به جیب زدند. شرکت‌های توزیع فیلترشکن که به صورت انحصاری و مافیایی مشغول فعالیت هستند، فیلترشکن‌ها را بعد از چند روز فیلترشکن‌ها از کار می‌افتد و کاربر باید فیلترشکن دیگری خریداری کند!



اساس آمارهای موجود، دولت از شروع کار فقط ۳۰۰ هزار مسکن ساخته است، یعنی شعارهای دولت کاملاً غیرعملی و برعکس بوده است.»

شرکت «Top10Vpn» که در زمینه آزمایش و بررسی خدمات VPN فعالیت دارد اسفندماه گذشته با انتشار یک گزارش از خسارت‌های ناشی از محدود ساختن اینترنت در کشورهای مختلف منتشر کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۲ ایران در کنار روسیه و قزاقستان بیشترین خسارت‌های اقتصادی ناشی از محدودیت‌های اینترنتی توسط دولت‌های مستقر را متحمل شده‌اند.

در این گزارش ایران در رتبه دوم رده‌بندی کشورهایی با بیشترین خسارت اقتصادی ناشی از محدود ساختن حکومتی اینترنت قرار دارد. رقم خسارت ناشی از فیلترینگ و قطع اینترنت در ایران ۷۷۳ میلیون دلار برآورد شده و تأکید شده است که محدود ساختن اینترنت زندگی ۷۲ میلیون کاربر ساکن ایران را به اشکال مختلف متأثر کرده است.

در این گزارش آمده که فیلترینگ اینستاگرام و واتس‌آپ از ابتدای مهرماه سال ۱۴۰۱ تقاضا برای VPN از سوی کاربران ایرانی را بیش از سه هزار درصد افزایش داده است. این شرکت جمع تعطیلی شبکه‌های اجتماعی در ایران طی سال ۲۰۲۲ را حدود ۴۸۶۳ ساعت برآورد کرده است.

می‌کنند. این نشان می‌دهد روشی که در پیش گرفته‌ایم اشتباه است و باید این روند اصلاح شود.»

همچنین محمدحسن آصفری عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس درباره «کاسبان فیلترینگ» گفته بود که «درآمد و گردش مالی کاسبان فیلترینگ در سال بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان است و یک ریال هم مالیات نمی‌دهند. چطور دولتی که می‌تواند فیلتر کند، نمی‌تواند این‌ها را نیز مجدداً فیلتر کند؟ به نظر می‌رسد کاسبان فیلترینگ در برخی مجموعه‌ها نفوذ دارند و اعتقاد داریم این موضوع باید مدیریت شود.»

جلال رشیدی کوچی هم با تأیید گردش مالی نجومی بازار فیلترینگ در ایران گفته بود «اخیراً در پیچ اینستاگرام شخصی خودم درخصوص میزان هزینه‌کرد ماهانه برای خرید فیلترشکن نظرسنجی ترتیب دادم که ۳۰ هزار نفر در آن نظرسنجی شرکت کردند و ۸۰ تا ۸۵ درصد شرکت‌کنندگان اعلام کردند ماهانه بالای ۱۰۰ هزار تومان هزینه فیلترشکن می‌پردازند.»

او همچنین تأکید کرده بود که «این فیلترشکن‌ها بعد از دو هفته هم قطع می‌شوند و مصرف‌کننده دستش به جایی بند نیست» گفته که «وقتی چنین عدد بزرگی را در ضرب‌های بالاتر ضرب کنیم، به عدد بسیار بزرگ و

اکنون مافیایی قدرتمند و انحصاری بازار فیلترشکن در ایران را در دست دارد و گردش مالی عجیبی برای خود ایجاد کرده است؛ روندی که به عقیده بسیاری، دولت در پشت آن قرار دارد.

جواد نیک بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در برنامه‌ای در صداوسیما در اینبار گفته که «صریحاً می‌گویم نویسندگان برنامه فیلترینگ همان‌هایی هستند که نویسندگان وی‌پی‌ان هم هستند. یعنی کسی که برنامه فیلترینگ را می‌نویسد یا خودش مستقیماً یا به واسطه چند نفر وی‌پی‌ان را می‌فروشد. گردش مالی VPN‌ها دست کسانی است که فیلتر می‌کنند.»

جواد نیک‌بین همچنین گفته که «متأسفانه یک گردش مالی عجیبی در فروش فیلترشکن‌ها در کشور وجود دارد و مجلس شورای اسلامی برای اینکه دریابد چه کسی و چه کسانی از فروش این فیلترشکن‌ها سود می‌برند قصد دارد تحقیق و تفحصی را در این حوزه رقم بزند.»

هفته آخر شهریورماه نیز جلال رشیدی کوچی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی اعلام کرد به همراه یک نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی «طرح تحقیق و تفحص از نحوه فیلترینگ و اینکه چه کسانی پشت قضیه فیلترشکن‌ها هستند را کلید زده‌ایم.»



عکس هفته | ویدا رستمی و مجیدرضا رهنورد؛ قهرمانان میهن

آیدا رستمی پزشک ۳۶ ساله که به درمان معترضان زخمی در جریان انقلاب ملی می‌پرداخت، ۲۱ آذر ۱۴۰۱ ناپدید شد. پیکر بی‌جان وی در اظهاراتی متناقض از سوی مقامات مسئول از جمله «تصادف رانندگی» و «پرت شدن از پل عابر پیاده» به خانواده تحویل دادند در حالی که آثار شکنجه بر صورت و بدن وی دیده می‌شد. مجیدرضا رهنورد کشتی‌گیر و معترض ۲۳ ساله در جریان خیزش ملی دستگیر شد. جمهوری اسلامی به فاصله ۲۳ روز وی را در ۲۱ آذر ۱۴۰۱ اعدام کرد.